



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

مناسک حج و عمرہ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناسک حج آیت الله شیخ محمدتقی بهجت

نویسنده:

محمد تقی بهجت

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله محمدتقی بهجت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۹	مناسک حج و عمره مطابق با فتاوی حضرت آیه الله بهجت
۱۹	مشخصات کتاب
۱۹	[مقدمه]
۱۹	(به سوی تو ..)
۲۱	(از چشمه سار ثقلین)
۲۱	(آیاتی از کلام وحی)
۲۳	(چهل حدیث)
۳۳	وجوب حج
۳۳	(فصل اول آشنایی اجمالی با حج و عمره)
۳۳	اشاره
۳۳	(عمره مفرده)
۳۳	(حج - تمتع)
۳۵	(فصل دوم شرایط واجب شدن حج - تمتع)
۳۵	اشاره
۳۷	(توضیح شرایط وجوب حج)
۳۷	شرط اول و دوم: حج «بلوغ» و «عقل»:
۳۸	(شرط سوم وجوب حج: استطاعت)
۳۸	اشاره
۳۸	۱ توانایی زمانی
۳۸	۲ توانایی طریقی (باز بودن و امن بودن راه حج)
۳۹	۳ توانایی بدنی
۴۰	۴ توانایی تأمین هزینه زندگی در زمان حج و بعد از آن
۴۱	۵ (استطاعت مالی یا بذلی)

- ۵۳ [چند مسأله]
- ۵۳ (حج - غیر مسلمان و غیر شیعه)
- ۵۳ (نذر حج و تعارض نذر با حج)
- ۵۳ (اگر کسی که حج بر او واجب بوده وفات کند)
- ۵۴ (فصل سوم احکام حج میّت و وصیّت به حج)
- ۵۴ اشاره
- ۵۴ (قضای حج - کسی که وصیّت به حج نکرده است)
- ۵۴ (کسی که وصیّت به حج کرده)
- ۵۵ (از چه مکانی باید برای میّت، نایب گرفته شود؟)
- ۵۶ (فوریت نایب گرفتن)
- ۵۷ (زیاد و کم بودن اجرت)
- ۵۷ (وارث و نایب به فتوای مرجع خودشان عمل می کنند)
- ۵۷ (اگر بر عهده میّت، حج، قرض، خمس، و زکات باشد)
- ۵۷ (تعیین مبلغ حج در وصیّت و کمی و زیادی آن)
- ۵۹ (تعیین اجیر یا مکان خاص در وصیّت)
- ۵۹ (معامله یا مصالحه ملک در زمان حیات برای حج)
- ۶۰ (تلف شدن هزینه حج - میّت یا وفات اجیر)
- ۶۰ (اگر وصی - به حج، وفات کند)
- ۶۱ (اگر امانتی به اندازه هزینه حج، از میّت در نزد شخصی باشد)
- ۶۱ (شک یا اختلاف در واجب بودن حج بر میّت)
- ۶۱ (فصل چهارم احکام نیابت)
- ۶۱ اشاره
- ۶۱ (در چه مواردی نایب گرفتن، لازم است)
- ۶۲ (انجام حج از طرف دیگری بدون اجرت)
- ۶۳ (با انجام حج تبرّعی بر ورثه نایب گرفتن لازم نیست)
- ۶۳ (مورد عدم صحت نیابت در حج)

- ۶۳ (انجام عمره مفرده تیزعی)
- ۶۳ (شرایط نائب)
- ۶۴ (جواز نیابت مرد از طرف زن و بالعکس)
- ۶۴ (جواز نیابت کسی که حج - نرفته)
- ۶۴ (اگر بر نائب حج واجب باشد)
- ۶۴ (اگر نائب قبل از اجیر شدن یا بعد از آن، مستطیع شود)
- ۶۵ (شرایط کسی که از طرف او نیابت صورت می گیرد)
- ۶۶ (نحوه قرارداد نیابت برای حج)
- ۶۶ (تخلف از مفاد قرارداد نیابت)
- ۶۷ (اگر نائب وفات کند یا نتواند به حج - برود)
- ۶۷ (حکم استحقاق اجرت در فرض وفات نائب)
- ۶۸ (قبول دو نیابت در یک سال)
- ۶۸ (تقدیم و تأخیر حج از مفاد قرارداد)
- ۶۸ (اگر نائب حج - خود را فاسد کند یا کفاره بر او ثابت شود)
- ۶۸ (قربانی در حج نیایی)
- ۶۸ (زمان پرداخت اجرت)
- ۶۹ (کم و زیادی اجرت)
- ۶۹ (نیابت یک نفر به جای چند نفر)
- ۶۹ (نیابت چند نفر از طرف یک نفر)
- ۶۹ (نیابت در بعضی از اعمال)
- ۶۹ (نتیبت نائب در اعمال حج)
- ۷۰ اعمال [و احکام] حج [تمتع]
- ۷۰ (مقدمه)
- ۷۰ (اعمال و احکام حج تمتع)
- ۷۱ (فاصله و زمان عمره تمتع و اعمال حج)
- ۷۱ (فصل اول احکام و اعمال عمره تمتع)

۷۱ (عمل اول عمره تمتع: احرام)
۷۱ اشاره
۷۱ (مکان احرام (میقات))
۷۱ اشاره
۷۱ [میقاتهای پنجگانه]
۷۴ [احکام میقاتها]
۷۷ (واجبات احرام)
۷۷ اشاره
۷۷ (واجب اول احرام: پوشیدن جامه احرام)
۷۸ (واجب دوم احرام: نیت)
۷۹ (واجب سوم احرام «تلبیه»)
۸۲ (مستحبات احرام)
۸۲ (محرمات احرام)
۸۲ اشاره
۸۲ (کفارات احرام با علم و عمد ثابت می شوند)
۸۲ (توضیح محرمات احرام)
۹۷ (چگونگی و مکان ذبح و پرداخت کفاره)
۹۸ (عمل دوم عمره تمتع: طواف)
۹۸ اشاره
۹۸ (ترک عمدی طواف)
۹۸ (ترک سهوی طواف)
۹۸ (شرایط طواف)
۹۸ اشاره
۹۸ شرط اول طواف: نیت
۹۹ (شرط دوم طواف: طهارت از حدث)
۱۰۴ (شرط سوم طواف: پاک بودن بدن و لباس)

- ۱۰۵ ----- (شرط چهارم طواف: ختان)
- ۱۰۵ ----- (شرط پنجم طواف: ستر عورت)
- ۱۰۵ ----- (واجبات طواف)
- ۱۰۵ ----- اشاره
- ۱۰۵ ----- (واجب اول طواف):
- ۱۰۶ ----- (واجب دوم طواف):
- ۱۰۶ ----- (واجب سوم طواف):
- ۱۰۶ ----- (واجب چهارم طواف):
- ۱۰۷ ----- (واجب پنجم طواف):
- ۱۰۷ ----- (واجب ششم طواف):
- ۱۰۸ ----- (واجب هفتم طواف):
- ۱۱۵ ----- (طواف مستحبی)
- ۱۱۵ ----- (طواف احتیاطی)
- ۱۱۵ ----- (طواف ممنوع (قران))
- ۱۱۵ ----- (احکام خاص - طواف کودکان)
- ۱۱۵ ----- (واجب سوم عمره تمتع: نماز طواف)
- ۱۱۵ ----- اشاره
- ۱۱۶ ----- (جواز جماعت در نماز طواف)
- ۱۱۶ ----- (زمان نماز طواف)
- ۱۱۶ ----- (مکان نماز طواف)
- ۱۱۶ ----- (وظیفه در هنگام ازدحام)
- ۱۱۶ ----- (اگر کسی در غیر مقام نماز خواند)
- ۱۱۶ ----- (ترک نماز طواف)
- ۱۱۷ ----- (شک در نماز طواف و خواندن آن)
- ۱۱۸ ----- (افرادی که قرائت نماز آنها اشکال دارد)
- ۱۱۸ ----- (نیابت افرادی که قرائت آنها اشکال دارد)

- ۱۱۸ (مسأله جلوتر ایستادن خانمها در نماز طواف)
- ۱۱۸ (عمل چهارم عمره تمتع: سعی)
- ۱۱۸ اشاره
- ۱۱۸ (فاصله زمانی سعی با طواف و نماز آن)
- ۱۱۸ ترک سعی
- ۱۱۹ (مقدم کردن سعی بر طواف)
- ۱۱۹ (واجبات و شرایط سعی)
- ۱۱۹ [واجبات سعی]
- ۱۲۰ [شرایط سعی]
- ۱۲۳ (عمل پنجم عمره تمتع: تقصیر)
- ۱۲۳ اشاره
- ۱۲۴ (زمان و مکان تقصیر)
- ۱۲۴ (شرایط تقصیر)
- ۱۲۴ (ترک تقصیر)
- ۱۲۴ (چگونگی خروج از احرام توسط تقصیر)
- ۱۲۴ (تقصیر برای دیگری)
- ۱۲۵ (ترک تقصیر در عمره مفرده و احرام مجدد)
- ۱۲۵ (احکام خاص زمان بین عمره تمتع و اعمال حج)
- ۱۲۵ (خارج شدن از مکه بعد از عمره تمتع)
- ۱۲۵ (خروج بدون احرام بعد از عمره تمتع از مکه معظمه)
- ۱۲۵ (بیرون رفتن از مکه معظمه با احرام حج)
- ۱۲۵ (فرض اکتفا به احرام عمره مفرده برای عمره تمتع)
- ۱۲۵ (انجام دادن عمره مفرده بعد از عمره تمتع)
- ۱۲۶ (فصل دوم اعمال حج)
- ۱۲۶ اشاره
- ۱۲۶ (عمل اول حج: احرام)

- ۱۲۶ اشاره
- ۱۲۶ (زمان احرام حج)
- ۱۲۶ (مکان احرام حج)
- ۱۲۶ (ترک احرام حج)
- ۱۲۶ (طواف استحبایی بعد از احرام حج)
- ۱۲۷ (عمل دوم حج: وقوف در عرفات)
- ۱۲۷ اشاره
- ۱۲۷ (زمان وقوف و انواع آن)
- ۱۲۷ (نیت وقوف)
- ۱۲۷ (در وقوف طهارت شرط نیست)
- ۱۲۷ (وقوف بر جبل الرحمه)
- ۱۲۷ (کوچ کردن از عرفات پیش از غروب آفتاب)
- ۱۲۸ (عمل سوم حج: وقوف در مزدلفه (مشعر))
- ۱۲۸ اشاره
- ۱۲۸ (زمان و انواع وقوف مشعر)
- ۱۲۸ (نیت وقوف مشعر)
- ۱۲۸ (در وقوف مشعر طهارت شرط نیست)
- ۱۲۹ (کوچ کردن از مشعر)
- ۱۲۹ [ترک وقوف مشعر و عرفات یا یکی از آنها]
- ۱۲۹ اشاره
- ۱۲۹ (ترک وقوفی که موجب بطلان حج نمی شود)
- ۱۳۰ (ترک وقوفی که موجب بطلان حج می شود)
- ۱۳۰ اعمال منی
- ۱۳۰ اشاره
- ۱۳۰ (عمل چهارم حج و اول منی: رمی جمره عقبه (واجب اول منی))
- ۱۳۰ اشاره

- ۱۳۰ (شرایط پرتاب سنگ ریزه)
- ۱۳۱ (زمان رمی)
- ۱۳۱ (مشخصات سنگ ریزه)
- ۱۳۱ (شک در رمی و شرایط آن)
- ۱۳۱ (فراموشی یا ترک رمی جمره)
- ۱۳۲ (کسی که قدرت بر رمی نداشته باشد)
- ۱۳۲ (عمل پنجم حج و دوم منی: قربانی)
- ۱۳۲ (زمان و مکان قربانی کردن)
- ۱۳۲ (ترک قربانی کردن)
- ۱۳۲ (مشخصات قربانی)
- ۱۳۴ (اگر بعد از ذبح بفهمد که قربانی شرایط را دارا نبوده)
- ۱۳۴ (اگر قربانی بعد از خرید، مریض یا معیوب شود)
- ۱۳۴ (کفایت ذبح قربانی غیر واجد شرایط با عدم تمکن از سالم)
- ۱۳۴ (کسی که پول دارد ولی قربانی نباید)
- ۱۳۴ (کسی که نه قربانی دارد و نه پول آن را)
- ۱۳۶ (شراکت در قربانی)
- ۱۳۶ (شرایط ذابح)
- ۱۳۶ (مصرف قربانی)
- ۱۳۶ (اگر بعد از روزه یا ذبح ناقص، قدرت حاصل شود)
- ۱۳۶ (عمل ششم حج و سوم منی: حلق یا تقصیر) (واجب سوم منی)
- ۱۳۶ اشاره
- ۱۳۷ (تخیر بین حلق و تقصیر، برای مردان)
- ۱۳۷ (نیت حلق و تقصیر)
- ۱۳۷ (زمان و مکان حلق و تقصیر)
- ۱۳۷ (ترک حلق یا تقصیر)
- ۱۳۷ (مراحل سه گانه خروج از محرمات احرام)

- ۱۳۸ (خارج شدن از مکه معظمه قبل از اعمال آن)
- ۱۳۸ (اعمال پنج گانه مکه)
- ۱۳۸ اشاره
- ۱۳۹ ۱ (طواف حج (عمل هفتم حج))
- ۱۳۹ اشاره
- ۱۳۹ (انجام طواف مستحبی قبل از طواف حج)
- ۱۳۹ (کسانی که قدرت بر طواف نداشته باشند)
- ۱۳۹ (مرحله دوم خروج از محرمات احرام)
- ۱۳۹ ۲ (نماز طواف حج (عمل هشتم حج))
- ۱۳۹ ۳ (سعی (عمل نهم حج))
- ۱۴۰ ۴ و ۵ (طواف نساء و نماز آن) (عمل دهم و یازدهم حج)
- ۱۴۰ اشاره
- ۱۴۰ (وجوب طواف نساء مردان، زنان و کودکان)
- ۱۴۰ (نیت طواف نساء)
- ۱۴۰ (زمان طواف نساء و نماز آن)
- ۱۴۰ (کسی که طواف نساء را بر وقوفین مقدم کرده است)
- ۱۴۱ (افرادی که قادر بر طواف نساء یا نماز آن نباشند)
- ۱۴۱ (ترک طواف نساء و نماز آن یا باطل بودن آن)
- ۱۴۱ (شک در طواف نساء و نماز آن)
- ۱۴۱ (مرحله سوم خروج از محرمات احرام)
- ۱۴۱ (عمل دوازدهم حج: بیتوته در منی)
- ۱۴۱ اشاره
- ۱۴۲ (افرادی که بیتوته در منی بر آنها واجب نیست)
- ۱۴۲ مقدار زمان واجب برای بودن در شب و روز در منی
- ۱۴۲ (زمان کوچ از منی)
- ۱۴۲ (ترک بیتوته در منی)

- ۱۴۴ (عمل سیزدهم حج: رمی جمرات)
- ۱۴۴ اشاره
- ۱۴۴ (چگونگی رمی جمرات)
- ۱۴۴ (ترتیب در رمی)
- ۱۴۴ (زمان رمی جمرات)
- ۱۴۴ (کسانی که رمی در شب برای آنها جائز است)
- ۱۴۵ (ترک رمی جمرات)
- ۱۴۶ (کسانی که قدرت بر رمی ندارند و موارد نایب گرفتن)
- ۱۴۶ (بازگشت به مکه از منی)
- ۱۴۶ (فصل سوم احکام محصور و مصدود)
- ۱۴۶ ۱ محصور
- ۱۴۶ اشاره
- ۱۴۶ (حصول بیماری و حصر قبل از احرام حج)
- ۱۴۶ (حصول بیماری و حصر قبل از وصول به مکه)
- ۱۴۷ (حصول بهبودی نسبی بعد از فرستادن قربانی)
- ۱۴۸ (کسی که واجبات منی را نتواند انجام دهد)
- ۱۴۸ (مریضی که اعمال مکه را نتواند انجام دهد (بعد از منی))
- ۱۴۸ (حکم حج سال آینده محصور)
- ۱۴۸ (۲ مصدود)
- ۱۴۸ اشاره
- ۱۴۸ (اقسام مصدود)
- ۱۴۸ (میزان تحقق و عدم تحقق مصدودیت)
- ۱۵۰ (نوع قربانی)
- ۱۵۰ (کسی که حج خود را فاسد کرده و بعد از آن مصدود شود)
- ۱۵۰ (فصل چهارم تبدل به حج افراد)
- ۱۵۰ اشاره

- ۱۵۰ (افرادی که حج تمتع آنها بدل به افراد می شود) -
- ۱۵۰ اشاره
- ۱۵۰ (افرادی که دیر به مکه برسند) -
- ۱۵۱ (بانوان مُحرمی که می ترسند به وقوف عرفات نرسند) -
- ۱۵۱ (افرادی که احرام نبسته یا عمره خود را باطل نموده اند) -
- ۱۵۱ (مورد تبدیل حج تمتع مستحبی به افراد) -
- ۱۵۱ (مورد تبدیل حج نیایی و تبرّعی به حج افراد) -
- ۱۵۱ (کیفیت حج افراد) -
- ۱۵۱ (زمان نیت حج افراد) -
- ۱۵۱ (اعمال حج افراد) -
- ۱۵۲ (چند مساله): -
- ۱۵۲ (فرض فراغت ذمه منوب - عنه با حج افراد) -
- ۱۵۲ (کشف خلاف بعد از نیت حج افراد) -
- ۱۵۲ (نیت افراد و کشف عدم حیض در عرفات) -
- ۱۵۲ (احکام و اعمال عمره مفرده) -
- ۱۵۲ اشاره
- ۱۵۲ (فرقهای عمره مفرده و عمره تمتع) -
- ۱۵۴ (آیا عمره مفرده بر کسی واجب است؟) -
- ۱۵۴ (چگونگی انجام دادن عمره مفرده) -
- ۱۵۵ (نیت عمره مفرده) -
- ۱۵۵ (مکان احرام عمره مفرده) -
- ۱۵۵ (گذشتن بدون احرام از میقات در عمره مفرده) -
- ۱۵۵ (چگونگی خارج شدن از احرام عمره مفرده) -
- ۱۵۶ (تکرار عمره) -
- ۱۵۶ (افرادی که بدون احرام می توانند به مکه مکرمه وارد شوند) -
- ۱۵۶ (افرادی که در عمره مفرده، جلوتر از میقات می توانند مُحرم شوند) -

- ۱۵۶ (طواف نساء در عمره مفرده)
- ۱۵۶ (انجام عمره مفرده بدون غسل جنابت)
- ۱۵۶ (مسائل متفرقه بعضی از احکام نماز در مکه معظمه و مدینه منوره)
- ۱۵۷ اشاره
- ۱۵۸ (قصد ده روز)
- ۱۵۹ (حکم خاص مسجد الحرام و مسجد النبی) صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۵۹ (بعض مسائل مربوط به تقلید)
- ۱۵۹ (مسائل خمس مربوط به حج و عمره)
- ۱۶۰ (برداشتن خاک و سنگ)
- ۱۶۰ (بعضی احکام مربوط به نجاست و طهارت)
- ۱۶۰ (غسلهای مستحب در مکه و مدینه)
- ۱۶۰ آداب، ادعیه و زیارت
- ۱۶۰ (فصل اول آداب و مستحبات حج)
- ۱۶۰ اشاره
- ۱۶۱ مستحبات سفر
- ۱۶۱ (مستحبات احرام)
- ۱۶۴ (مکروهات احرام)
- ۱۶۵ (مستحبات دخول حرم)
- ۱۶۵ (مستحبات وارد شدن مکه معظمه)
- ۱۶۵ (آداب مسجد الحرام و مکه معظمه)
- ۱۶۸ آداب و مستحبات طواف
- ۱۷۱ (مستحبات نماز طواف)
- ۱۷۴ (مستحبات احرام تا وقوف به عرفات)
- ۱۷۵ (مستحبات وقوف به عرفات)
- ۱۸۰ (مستحبات وقوف در مزدلفه)
- ۱۸۱ (مستحبات رمی جمرات)

۱۸۲	(مستحبات قربانی)
۱۸۳	(مستحبات حلق)
۱۸۳	(مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی)
۱۸۳	(مستحبات منی)
۱۸۴	(مستحبات دیگر مکه معظمه)
۱۸۶	(طواف وداع)
۱۸۶	(فصل دوم ادعیه)
۱۸۶	(مناجات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام)
۱۸۸	(دعای کمیل بن زیاد)
۱۹۵	(دعای حضرت مهدی صلوات الله علیه)
۱۹۵	(دعای حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام در روز عرفه)
۲۱۱	(مناجات پانزده گانه (خمسه عشر) امام زین العابدین علیه السلام)
۲۱۱	۱ (مناجات توبه کنندگان)
۲۱۲	۲ (مناجاه شاکین)
۲۱۳	۳ (مناجات خائفین)
۲۱۴	۴ (مناجاه امیدواران)
۲۱۵	۵ (مناجاه راغبین)
۲۱۶	۶ (مناجاه شاکرین)
۲۱۶	۷ (مناجات اطاعت کنندگان خداوند)
۲۱۷	۸ (مناجات مریدین)
۲۱۸	۹ (مناجات محبین)
۲۱۹	۱۰ (مناجات متوسلین)
۲۱۹	۱۱ (مناجات المقتقرین)
۲۲۰	۱۲ (مناجات عارفین)
۲۲۱	۱۳ (مناجات ذاکرین)
۲۲۲	۱۴ (مناجات معتمنین)

۲۲۳ ۱۵ (مناجات زاهدین)
۲۲۳ (فصل سوم زیارات)
۲۲۳ برخی از آداب زیارت
۲۲۶ (اذن دخول)
۲۲۷ (زیارت رسول اکرم بعد از حج)
۲۲۷ (زیارت حضرت رسول اکرم)
۲۲۸ (زیارت دیگر حضرت رسول اکرم)
۲۲۸ (زیارت حضرت صدیقه علیها السلام)
۲۲۹ (زیارت ائمه بقیع)
۲۳۱ (زیارت جناب ابراهیم فرزند گرامی پیامبر اسلام)
۲۳۲ (زیارت جناب فاطمه بنت اسد والده حضرت امیر المؤمنین علیه السلام)
۲۳۳ (زیارت حضرت حمزه رضی الله عنه در احد)
۲۳۵ (زیارت شهدای احد)
۲۳۶ (بعض مساجد معظمه در مدینه منوره)
۲۳۷ (زیارت امین الله)
۲۳۹ (زیارت جامعه کبیره)
۲۴۶ درباره مرکز

مناسک حج و عمره مطابق با فتاوی حضرت آیه الله بهجت

مشخصات کتاب

سرشناسه: بهجت، محمدتقی، ۱۲۹۴ - ۱۳۸۸.

عنوان و نام پدیدآور: مناسک حج و عمره مطابق با فتاوی حضرت آیه الله بهجت

مشخصات نشر: دفتر حضرت آیه الله العظمی محمدتقی بهجت [۱۳].

مشخصات ظاهری: ۳۲۰ ص.؛ ۱۲ × ۵/۱۶ س م.

شابک: ۹۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۹۰۳۵۹-۴-۷؛ ۱۴۰۰۰ ریال: چاپ ششم: ۹۷۸-۹۶۴-۹۰۳۵۹-۷-۰.

یادداشت: عربی - فارسی.

یادداشت: چاپ ششم: ۱۳۸۷.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: حج -- رساله عملیه

موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه

موضوع: حج

موضوع: حج عمره

رده بندی کنگره: BP۱۸۳/۹ ب/۸۸۷ ۱۳۰۰ ای

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۲-۴۵۳۰

[مقدمه]

(به سوی تو..)

معبود من! اگر توشه ام در سفر به سوی تو اندک است ولی گمان من با توکل بر تو بسی نیکوست؛ و اگر جرمم مرا از عقوبتت به هراس آورده اما امیدواریم، رهایی از کیفیت را نوید داده است؛ و اگر گناهم مرا در معرض عقابت قرار داده، ولی

حسن اعتمادم [بر تو] فریاد پاداش تو را در وجودم بر می کشد؛ و اگر غفلتم مرا از آمادگی برای دیدارت در خواب فرو برده ام. معرفت به آقایی و مهربانی هایت مرا بیداری بخشیده است؛ و اگر رابطه ام با تو به سبب زیادی گناهان و سرکشی، تیره گردیده، اما مژده بخشش و خشنودیت آرامش خاطر می بخشد. خدای من! از تو درخواست می کنم به پرتو افشانی رویت و انوار مقام قدست و التماس می کنم به درگاه تو به عنایات مهربانانه ات و خوبی های همراه با محبت که گمانم را بر گرمی های همیشگی ات و نعمت های زیباییات، تحقق بخشی تا به تو تقرّب یابم و نزدت بار یابم و از مشاهده ات نیک بهره مند گردم. صفحه : ۱۰ و اینک من

خودم را در معرض نسیم روح بخش مهربانیت، قرار داده و باران جود و لطف را طلب می‌نمایم از غضب تو به سوی خشنودیت گریزانم، از تو به سوی خودت فرار می‌کنم؛ بهترین داراییت را امید دارم، بر عطاهای تو تکیه بنموده‌ام، به نگهداری تو نیازمندم پروردگار من! آن چه از فضلت بر من ارزانی داشته‌ای، کاملش بنما و آن چه از روی آقائیت به من بخشیده‌ای از من باز مستان و گناهای که با بردباریت بر من پوشانده‌ای، آشکار مساز و آن چه از کارهای زشتم می‌دانی در گذر. پروردگارم در نزد تو خودت را شفیع قرار می‌دهم و از تو به سوی خودت پناه می‌آورم. به درگاه تو با طمع در احسانت و میل و رغبت به منت گذارایت روی بنموده‌ام در حالی که تشنه باران نیکی هایت هستم و باران ابرهای فضلت را طلب می‌نمایم خشنودیت را می‌طلبم به درگاه تو روی می‌نمایم و در جویبار عطای تو غوطه‌ور می‌گردم. برترین نیکی‌ها را در نزد التماس می‌کنم، به میهمانی حضور بسیار زیبای تو وارد می‌گردم، و رویت را می‌طلبم، بر درب خانه ات حلقه می‌کوبم در حالی که در برابر بزرگی و هست و جلال تو ناتوان و زمین خورده‌ام؛ پس با من آنسان که زینده‌توست با بخشش و مهربانی رفتار کن و آن گونه که خودم مستحق آن از کیفر و استقامت هستم، رفتار مکن به مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان. صفحه : ۱۱

(از چشمه سار ثقلین)

(آیاتی از کلام وحی)

وَ أذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ «و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواری

بر مرکب های لاغر از هر راه (به سوی خانه خدا) بیایند». جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكُمْ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ «خداوند، کعبه بیت الحرام را وسیله ای برای سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده و هم چنین ماه حرام و قربانیهای بی نشان و قربانی های نشان دار، این گونه احکام (حساب شده و دقیق) به خاطر آن است که بدانید خداوند آن چه در آسمانها و آن چه در زمین است می داند و خداوند به هر چیزی داناست». إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ - صفحه ۱۴ «همانا اولین خانه ای که در روی زمین برای مردم قرار داده شد که پر برکت و برای هدایت است همان است که در مکه است؛ در آن نشانه های روشن است (از جمله) مقام ابراهیم، و هر کس داخل آن شود در امان خواهد بود و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانائی رفتن به سوی آن دارند، و هر کس کفر بورزد (و حج را ترک کنند به خود زیان رسانیده) خداوند از همه جهانیان بی نیاز است». رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ - «پروردگارا

من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی در کنار خانه ای که حرم تو است ساکن ساختم تا نماز بر پای دارند، تو قلبهای گروهی از مردم را متوجه آنها ساز و از ثمرات به آنها روزی ده شاید آنان شکر تو را به جای آورند». **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصِيبُ الْمُؤْمِنِينَ** - **عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ** - **وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا** همانا خداوند و فرشتگان او بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید بر او درود فرستید و بسی سلام گوید. **وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ - وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا** صفحه : ۱۵ و اگر آنان که بر خود ستم کردند در نزد تو آیند و از خداوند طلب بخشایش کنند و پیامبر نیز برای آنان طلب مغفرت نماید، همانا او (خداوند) بسی بخشنده و مهربان است. **يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ - أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا** **إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ** ای بندگان من که بر خود ستم روا داشته اید، از رحمت خداوند مأیوس نباشید که او همه گناهان را می بخشد، همانا او بخشنده و مهربان است.

(چهل حدیث)

(میهمانی خداوند) رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم: حاجیان و عمره به جای آورندگان، میهمانان خدایند، خداوند آنان را دعوت نمود پس او را اجابت نمودند، و از خداوند درخواست نمودند او [نیز] آنان را عطا نموده است. امام صادق علیه السلام: حج کننده و به جا آورنده عمره، میهمانان خدا هستند اگر چیزی از او طلب کنند، بدانها ارزانی می دارد؛ و اگر او

را بخوانند، پاسخشان گوید؛ و اگر شفاعت کنند، شفاعتشان را می پذیرد؛ و اگر سکوت کنند (چیزی نخواهند) خود بدان ها عطا می فرماید و در عوض هر درهم، هزار هزار درهم پاداش داده می شوند. (اهمیت حج) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: طواف خانه خدا و سعی صفا و مروه و رمی جمرات، قرار داده شده تا یاد خداوند به پا داشته شود. صفحه : ۱۶ امام باقر علیه السلام: اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز و زکات و حج و روزه و ولایت. (پاداش حج) رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم: برای حج نیکو، پاداشی جز بهشت نیست. (آثار حج) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: هر کس که برای حج به راه افتد و [فقط] خدا را قصد نموده باشد، هر آئینه خداوند هر گناهی که قبلاً انجام داده یا بعداً انجام می دهد، می بخشد و شفاعتش برای هر کس که برای او دعا کند، پذیرفته می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: حج به جای آورید، زیرا که حج گناهان را می شوید چونان که آب پلیدی را. امام صادق علیه السلام: حج و عمره دو بازار از بازارهای آخرتند؛ و هر کس آن دو را به جا می آورد، در جوار خداست که اگر به آن چه آرزو دارد (انجام حج و عمره) دست یابد، خداوند او را می بخشد؛ و اگر اجل او را مهلت ندهد، پاداش او بر خداست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: هر کس خواهان دنیا و آخرت است، دیدار این خانه (کعبه)

را، قصد کند؛ و هر کس از مکه بازگردد و بر حج در سال آینده عزم داشته باشد، به عمرش افزون گردد. هر کس برای حج یا عمره از خانه اش بیرون آید، به هر قدمی که برمی دارد و بر می نهد چنان که برگ از درختان فرو می ریزد، گناهان از بدنش فرو می ریزد؛ پس هنگامی که به مدینه وارد آید و با سلام با من مصافحه کند، ملائکه با سلام با او مصافحه می نمایند؛ و چون به ذوالحلیفه (محدوده مسجد شجره) در آید و غسل نماید، خداوند او را از گناهان پاکیزه می سازد؛ و وقتی دو جامه احرام نو بر تن کند، خداوند حسنات را صفحه : ۱۷ بر وی تازه کند؛ و وقتی که «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ - لَبَّيْكَ» بگوید، پروردگار او را با لبیک و سعدیک پاسخ می گوید [و می فرماید] «کلامت را می شنوم و تو را می نگریم»؛ پس هنگامی که به مکه داخل شود و طواف نماید و بین صفا و مروه سعی کند، خداوند پیوسته خیرات را بر وی عطا کند؛ و هنگامی که در عرفات به وقوف پردازد و فریاد ناله ها به نیازها، برخیزد، خداوند به وسیله ایشان بر ملائکه اش مباحات می نماید و می فرماید: «ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمانهایم آیا بر بندگانم نمی نگرید که چگونه از راه های دور، ژولیده و غبار آلوده نزد من آمده اند، مالهایشان را (در این راه) صرف نمودند و بدنهایشان را در رنج افکنده اند، سوگند به عزت و جلالم که گنه کارشان را به نیکوکارشان، می بخشم و آنان را از گناهان بدر آورم مانند روزی که از مادر زاده شده اند؛ پس هنگامی که جمرات را

رمی کنند و سرهایشان را بتراشند و خانه (کعبه) را زیارت کنند، فریاد کننده ای از درون عرش فریاد بر می کشد: «باز گردید؛ شما بخشیده شدید؛ عمل را از سر گیرید». رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم: کسی که حج به جای می آورد، در رفت و بازگشت، در ضمانت خدای عز و جل است؛ پس اگر در سفرش رنج یا سختی بدو رسد، گناهانش به وسیله آن بخشیده می شود و به هر قدمی که برمی دارد، هزار درجه در بهشت به او عطا می شود؛ و به هر قطره ای از باران که به او اصابت می نماید، پاداش شهید برایش منظور می گردد. (آداب حج) امام صادق علیه السلام: هر گاه اراده حج نمودی، پس قلبت را برای خداوند عز و جل قبل از سفر، از هر مشغول کننده ای و تاریکی هر حجابی، پاکیزه کن و همه امورت را به آفریننده ات واگذار، و در همه حرکات و سکنات، صفحه : ۱۸ بر او توکل کن؛ و بر قضا و حکم و تقدیر او تسلیم شو؛ و دنیا و راحتی و مخلوقین را واگذار؛ و حقوقی که از مخلوقین بر عهده تو است ادا کن؛ و بر توشه و وسیله مسافرت و یارانت و نیرویت و جوانیت و مالت، اعتماد مکن که چه بسا اینان برای تو دشمن و موجب نابودی گردند؛ هر کس ادعای رضایت خداوند نماید و بر غیر او اعتماد کند، خداوند آن [غیر] را برای او دشمن و وبال قرار می دهد تا بداند نه برای او و نه برای دیگری هیچ نیرو و چاره ای نیست مگر با نگهداری خداوند متعال و

توفیق او و آن گاه آماده شو به گونه آمادگی کسی که امید بازگشت ندارد؛ و [با دیگران] نیک معاشرت کن؛ و وقتی نمازهای واجب و سنت های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را پاس دار و [نیز بر] آن چه که از ادب و بردباری و صبر و شکر گزاری و مهربانی و سخاوت و بخشش توشه، در همه اوقات [محافظة نما] سپس با آب توبه خالصانه، خودت را از گناهان بشوی؛ و لباس راستی و صفا و خضوع و خشوع را بر تن نمای؛ و بر هر چیز که تو را از یاد خدای عزّ و جلّ باز می دارد و از بندگیش مانع می گردد، مُحرّم شو. اجابت (تلبیه) گوی به گونه اجابتی صاف و خالص و پاکیزه برای خداوند عزّ و جلّ در حالی که به ریسمان محکم (الهی) چنگ زده ای. و با قلبت همراه فرشتگان اطراف عرش، طواف کن همان گونه که با جسمت با مسلمین در گرد کعبه طواف می کنی و از ترس هوای نفست و به خاطر دوری جستن از تمامی نیرو و توان خود، هروله کن. آن گاه از غفلت ها و لغزشهای با خارج شدنت به سوی «منی» بیرون شو و آن چه را که بر تو حلال نیست و سزاوار آن نیستی «تمنی» مکن و در صفحه : ۱۹ عرفات به خطاهایت اعتراف کن و پیمانی را که نزد خداوند بر یگانگی او بسته ای، تجدید کن در مزدلفه (مشعر الحرام) و به سوی او تقرب جوی و تقوای او را پیشه کن؛ و هم چنان که بر کوه (جبل الرحمه) بالا می روی با روح خود به

سوی ملاً- اعلی بالا- رو؛ و گلوی هوا و طمع را هنگام قربانی نمودن، بُر و شهوتها و پستی ها و خست ها و کارهای ناپسند را هنگام رمی جمرات، پرتاب کن؛ و عیبهای آشکار و نهان را با حلق موی، از بیخ به رکن؛ و با داخل شدن در حرم، در امان خداوند متعال و حمایت و پوشش و حفظ و سرپرستی او، داخل شو و خانه (کعبه) را در حالی که به بزرگداشت و تعظیم صاحب آن (خانه) و شناخت و عظمت و سلطنت او مشغولی، طواف کن و حَجْر را از روی رضایت به قسمت او و با خضوع برای عظمتش، بیوس؛ و از غیر او با طوافِ وداع، خدا حافظی؛ کن و روح و درون خود را برای دیدار خداوند در روز ملاقات، با ایستادنت بر [کوه] صفا، پاکسازی کن؛ و در نزد مروه برای خداوند با مُرُوت باش با فانی نمودن صفات (در خداوند)؛ و بر شرط حج خود و وفای به عهدی که بر آن با پروردگارت پیمان بسته ای، و او را اجابت نموده ای تا روز قیامت استوار باش. و بدان که خداوند متعال، حج را واجب نساخت و آن را در میان همه عبادات با فرموده اش «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» به خودش مخصوص نساخت، و سنتی را در میان مناسک بر پیامبرش تشریح ننمود، مگر برای آمادگی و اشاره به مرگ و قبر و بعث و قیامت. (اخلاص در حج) امام صادق علیه السلام: حج بر دو گونه است: حج برای خدا و حج برای مردم؛ صفحه: ۲۰ پس کسی که برای خدا

حج کند، پاداش او در نزد خدا بهشت است؛ و هر کس برای مردم حج کند، پاداش او روز قیامت بر مردم است. هر کس که برای خدا حج به جا آورد و قصد ریا و شهرت طلبی، نداشته باشد، خداوند حتماً او را می آمرزد. (نشانه قبولی حج) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: نشانه قبولی حج آن است که عید گناہانی را که انجام می داده، ترک نماید. (ثواب ختم قرآن در مکه) امام زین العابدین علیه السلام: هر کس قرآن را در مکه ختم کند، نمی میرد تا این که پیامبر خدا را ببیند و جایگاهش را در بهشت رؤیت نماید. (نور حج) امام صادق علیه السلام: حج گزار مادامی که به گناه آلوده نشده، نور حج همراه اوست. (حجر الاسود) حجر [الاسود] به منزله دست راست خداوند در روی زمین است، پس کسی که دستش را بر آن کشد، هر آینه با خداوند بیعت نموده که او را نافرمانی نکند. (نگاه به کعبه معظمه) امام علی علیه السلام: هنگامی که برای حج، به سوی خانه خدا روانه شدید، به خانه کعبه زیاد بنگرید، زیرا صد و بیست رحمت برای خدا در کنار خانه اش می باشد: شصت رحمت برای طواف کنندگان و چهل رحمت برای نماز گزاران، و بیست رحمت برای نگاه کنندگان (به خانه) امام صادق علیه السلام: کسی که به کعبه بنگرد، پیوسته برای او نیکی نوشته می شود و گناه از او محو می شود تا زمانی که نگاهش را از آن برگیرد. صفحه : ۲۱ امام صادق علیه السلام: کسی که با معرفت به کعبه بنگرد و حق و حرمت ما را

چنان که حرمت کعبه را می شناسد، دریابد، خداوند گناهانش را می بخشد و اندوه دنیا و آخرتش را کفایت فرماید. (ثواب نماز در مسجد الحرام و مسجد النبی) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: یک نماز در مسجد الحرام، برابر با صد هزار نماز؛ و یک نماز در مسجد من، برابر با هزار نماز است؛ و در بیت المقدس، برابر با پانصد نماز است. امام صادق علیه السلام: در این مسجد (مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم) زیاد نماز بخواهید هر قدر می توانید که تحقیقاً برای شما بهتر است و بدانید که گاهی کسی در امر دنیا زیرک است، می گویند چقدر فلانی زیرک است، پس چگونه است کسی که در امر آخرتش زیرک باشد. (ذکر گفتن در حال حج) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: حج گزار هیچ تسیح و تهلیل و تکبیری نمی گوید مگر آن که به سبب آنها بشارتی دریافت می دارد. (ترک حج) امام صادق علیه السلام: در ترک حج، هیچ خیر و خوبی نیست. ابو سعید [می گوید] از امام صادق علیه السلام از تفسیر فرمایش خداوند متعال «مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَ أَضَلُّ سَبِيلًا» سؤال کردم [آن حضرت] فرمودند: او کسی است که حج را یعنی حَجَّه الاسلام به تأخیر می اندازد تا مرگ او را دریابد. صفحه : ۲۲ (ثواب طواف و نماز آن) امام باقر علیه السلام: هیچ بنده با ایمانی نیست که گرد این خانه هفت بار، بگردد (طواف کند) و دو رکعت نماز بخواند و طواف و نماز آن را نیکو به جا آورد مگر آن

که خداوند او را ببخشد. (مغفرت در عرفات) پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم: در میان گناهان، گناهانی است که بخشیده نمی شوند مگر در عرفات. (خصلت های لازم در سفر حج) امام باقر علیه السلام: چه بهره ای برد کسی که این راه را به پیماید اگر سه خصلت در او نباشد: تقوایی که او را از نافرمانی های خداوند، مانع شود، و بردباری که به وسیله آن بر غضبش چیره آید، و معاشرت نیکو با همراهیان خود. (کمک به همراهان) شخصی گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: هنگامی که ما به مکه می رسیم، همراهانم به طواف می پردازند و مرا و امی نهند تا وسایلشان را نگهداری نمایم، ایشان فرمود: تو پاداشت از آنان بیشتر است. (دیدار و مصافحه با حاجی) امام زین العابدین علیه السلام: بر حاجی و عمره کننده به سلام و مصافحه مبادرت کنید قبل از آن که با گناهان آمیخته شوند. امام صادق علیه السلام: کسی که حج کننده ای را ملاقات نماید و با او مصافحه کند، مانند کسی است که حجر را استلام کرده است. (کمک و رسیدگی به خانواده حاجی) امام سجاد علیه السلام: هر کس در غیاب حج گزار، به خانواده و اموال او صفحه : ۲۳ رسیدگی کند، پاداشی چون حج گزار دارد حتی به گونه ای که گویی سنگ های کعبه را استلام نموده است. (ثواب عمره) رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم: بدان که عمره حج اصغر است و همانا یک عمره برتر است از دنیا و آن چه در اوست و حج، برتر از عمره است. رسول گرامی اسلام صلی

اللّٰه عليه و آله و سلم: پاداش حج بهشت است، و عمره كفّاره هر گناهی است. رسول گرامی اسلام صلی اللّٰه علیه و آله و سلم: هر کسی برای عمره خارج گردد پس مرگ او را دریابد، برای او پاداش عمره کننده تا روز قیامت، نوشته می شود. (زیارت مدینه منوره) [شخصی] از امام محمّد باقر علیه السلام سؤال نمود که آیا ابتدا به مدینه روم یا مکه؟ ایشان فرمود: از مکه آغاز کن و به مدینه پایان بخش که این گونه برتر است. رسول گرامی اسلام صلی اللّٰه علیه و آله و سلم: کسی که حج به جا می آورد [و] پس [از آن] قبر مرا بعد از مماتم زیارت کند مانند کسی است که مرا در حال زندگانی، زیارت کرده باشد. پیامبر گرامی صلی اللّٰه علیه و آله و سلم: ای علی کسی که مرا در حال حیاتم یا در مماتم زیارت کند، یا تو را در حال حیاتت یا در ممات زیارت کند یا زیارت کند دو پسر تو را در حیاتشان یا در مماتشان، برای او ضامن می شوم در روز قیامت که او را از هراسها و سختی های قیامت نجات دهم تا او را در رتبه خودم با خودم همراه سازم. [کسی گوید] که به امام باقر علیه السلام عرض کردم فدایت شوم کسی که با قصد به زیارت رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلم رود، چه پاداشی دارد؟ فرمود: برای او بهشت است. صفحه: ۲۴ زید شحام [گوید] به امام صادق علیه السلام عرض کردم چه

ثوابی است برای کسی که زیارت کند یکی از شما را؟ فرمود: مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت نموده باشد. امام صادق علیه السلام: حضرت فاطمه علیها السلام در هر صبح شنبه به زیارت قبور شهدا می رفت پس نزد قبر حمزه می آمد و برای او طلب رحمت و آمرزش می نمود. صفحه: ۲۵

وجوب حج

(فصل اول آشنایی اجمالی با حج و عمره)

اشاره

سفر به مکه معظمه از ایران و دیگر مناطقی که شانزده فرسخ یا بیشتر با مکه مکرمه فاصله دارند، معمولاً به دو منظور انجام می شود: (۱) عمره مفرده ۲ حج - تمتع)

(عمره مفرده)

سفرهایی که در غیر ایام حج به مکه مکرمه انجام می شود، معمولاً جهت به جا آوردن «عمره مفرده» است. عمره مفرده بر افرادی که شانزده فرسخ یا بیشتر با مکه مکرمه فاصله دارند مانند ایران ابتداءً واجب نمی شود، ولی کسی که قصد انجام حج را ندارد و یا از موارد استثنا که خواهد آمد نیست و بخواهد به مکه وارد شود، باید با «احرام» برای عمره مفرده وارد شود و جهت خروج از احرام باید بقیه اعمال آن را انجام دهد. عمره مفرده از هفت عمل تشکیل می شود صفحه: ۲۸ ۱ احرام ۲ طواف ۳ نماز طواف ۴ سعی بین صفا و مروه ۵ تقصیر ۶ طواف نساء ۷ نماز طواف نساء (هر کسی می تواند «عمره مفرده» انجام دهد) کسی که می خواهد عمره مفرده انجام دهد، شرط خاصی برای او نیست حتی بچه ای که و اعمال عمره را می فهمد ممیز است و می تواند مُحرم شود و نیز مُحرم کردن بچه غیر ممیز یا شخص غیر عاقل توسط ولی آنها جایز است ولی جهت خروج از احرام باید اعمال عمره به نحو صحیح انجام شود.

(حج - تمتع)

«حج - تمتع» مجموعه اعمالی است که فقط در موسم حج، صورت می گیرد و ماههای حج عبارتند از «شوال» و «ذی القعدة» و «ذی الحجه». اصل اعمال حج، در ماه «ذی الحجه» به طور معمول از هشتم صفحه: ۲۹ شروع و به مدت چند روز ادامه پیدا می کند، ولی عمره تمتع یعنی عمره ای که قبل از اعمال حج باید انجام شود انجام دادن آن از اول «شوال» مانعی ندارد؛ بخلاف عمره مفرده که دارای

زمان خاصی نیست. (اعمال حج - تمتع) حج - تمتع از دو قسمت تشکیل می شود: ۱ عمره تمتع ۲ اعمال حج ۱ «عمره تمتع» که قبل از انجام حج صورت می گیرد و از پنج عمل تشکیل می شود. ۲ «اعمال حج» سیزده عمل است که با ضمیمه عمره تمتع هیچده عمل می شود. (موارد حج) افرادی که در موسم حج، عازم مکه معظمه می شوند، معمولاً به قصد انجام دادن حج - تمتع، مشرف می گردند؛ و حج آنها بر چند گونه است: الف «حجّه الاسلام»: افرادی که شرایط وجوب حج را دارا می باشند و «مستطيع» شده اند، حج آنها، «حج واجب» است خواه در سال اول استطاعت باشند یا از سابق مستقر شده باشد اگر چه استطاعت باقی نیست. حجه الاسلام در تمام عمر، بر افراد واجد شرایط فقط یک مرتبه، واجب می شود. صفحه : ۳۰

ب «حج مستحبی»: افرادی که شرایط وجوب حج را دارا نیستند، یا قبلاً حج واجب خود را به جا آورده اند، حج آنها «حج مستحبی» است و اختیار حج تمتع افضل است. ج «حج نیابی»: افرادی که حج را برای شخص دیگری انجام می دهند، خواه اجیر شده باشند یا به نحو تبرّع باشد حج آنها «حج نیابی» است خواه از زنده باشد یا مرده، به جهت وصیت باشد یا استقرار حج بر میت اگر چه وصیت نکرده، در حج مستحبی باشد یا واجب، و دارای شرایط و ضوابط خاصی است که إن شاء الله ذکر خواهد شد. د حجّی که به وسیله نذر یا عهد یا

قَسَم، بر کسی واجب شده باشد. ه کسی که حج خود را و لو مستحبی یا نیابی بوده، افساد نموده باشد، باید پس از اتمام حج در این سال در سال بعد هم حج به جا آورد. (تذکر) ۱ موارد پنج گانه ای که برای حج ذکر شد، از نظر اصل اعمال یکسان می باشند، و از جهت بعضی شرایط خاص، اختلافاتی دارند که در جای مناسب ذکر می شود. ۲ حج واجب، منوط به دارا بودن شرایطی است ولی حج مستحبی شرط خاصی ندارد غیر از آن که نباید بر عهده شخص، حَجَّه الاسلام باشد. صفحه : ۳۱

(فصل دوم شرایط واجب شدن حج - تمتع)

اشاره

چنانچه اشاره شد باید شرایط خاصی فراهم شود تا «حَجَّه الاسلام» بر شخصی واجب شود، این شرایط عبارتند از: (اول و دوم) «بلوغ» و «عقل» (سوم) این که «مستطیع» باشد؛ و معنای مستطیع بودن، توانایی بر تمامی امور ذیل است: ۱ «توانایی مالی برای سفر به حج یا توانایی بذلی» یعنی هزینه سفر و وسیله نقلیه برایش فراهم باشد. ۲ «توانایی مالی در اداره زندگی تا بازگشت از حج». ۳ توانائی اداره زندگی پس از بازگشت از حج (رجوع به کفایت). ۴ «توانایی جسمی» یعنی قادر بر انجام دادن اعمال یا سفر کردن باشد، و گر نه باید نائب بگیرد. ۵ «توانایی طریقی» یعنی راه باز و امن باشد. ۶ «توانایی زمانی» یعنی وقت کافی برای رسیدن به مکه و انجام اعمال حج داشته باشد. صفحه : ۳۲ (چند تذکر): ۱ رفتن به حج نباید باعث شود که انسان کار واجبی را که اهمیّت آن از حج بیشتر است، ترک نماید؛ یا

حرامی را انجام دهد که ترک آن مهمتر از حج باشد؛ یا ضرری که عادتاً تحمّل آن ممکن نیست بر او وارد شود. ۲ کسی که شرایط وجوب حج را دارا نیست می تواند حج مستحبی یا نیایی انجام دهد و در صورتی که بعداً شرایط وجوب را پیدا نماید، کفایت از حج واجب نمی نماید. ۳ اگر کسی شرایط وجوب حج برایش فراهم شده ولی نمی دانسته و تصور می کرده که وظیفه او حج مستحبی است و آن را به قصد وظیفه فعلی به جا آورده حج او کفایت از حج واجب می نماید. (اگر کسی که حج بر او واجب شده، در انجام آن کوتاهی کند) (مستقر شدن حج) ۱ کسی که دارای شرایط وجوب حج باشد، باید در اولین سال، حج به جا آورد؛ و اگر در انجام آن کوتاهی کند، علاوه بر این که معصیت نموده حج بر او «مستقر» می شود، یعنی حج بر ذمه و عهده او ثابت می شود، و باید آن را به هر نحو ممکن در اولین وقت ممکن، انجام دهد؛ حتی اگر هزینه سفر را از دست داده باشد، باید با قرض یا مثل آن به حج برود هر چند برایش سخت باشد، مگر این که به حدّ غیر مقدور برسد؛ و چنانچه وفات کند و حج را به جا نیاورده باشد، باید از طرف او قضا شود. ۲ کسی که حج بر ذمه و عهده او ثابت و مستقر شده، یعنی حج بر او واجب شده بوده ولی در انجام آن کوتاهی نموده است، هنگام مرگش واجب است وصیت کند که

(توضیح شرایط وجوب حج)

شرط اول و دوم: حج «بلوغ» و «عقل»:

(بلوغ) ۱ یکی از شرایط وجوب حج، «بلوغ» است؛ پس اگر شخصی که بالغ نشده حج به جا آورد، کفایت از حج واجب نمی کند. ۲ اگر شخص نابالغ به حج برود و در اثنای آن بالغ شود و شرایط استطاعت را داشته باشد، دو حالت دارد: الف اگر قبل از احرام، بالغ شود، حج او حجه الاسلام است. ب اگر بعد از شروع صحیح حج و قبل از وقوف مشعر، بالغ شود، کفایت از حج واجب می نماید و نیت های گذشته او بنا بر اظهر نیاز به از سر گرفتن ندارد. ۳ هر گاه شخصی به گمان این که هنوز بالغ نشده، حج استحبابی به جا آورد و بعداً معلوم شود که بالغ بوده، اگر شرایط استطاعت را دارا بوده، و به نیت امر فعلی به جا آورده حج او کفایت از حج واجب می نماید. ۴ احرام شخص نابالغ و حج وی دارای شرایطی است که در بخش احرام ذکر می گردد. (عقل) ۱ بر دیوانه، حج واجب نمی شود؛ ولی اگر در اثنا به نحوی که در بلوغ گذشت عاقل شود و استطاعت و قدرت بر انجام دادن اعمال حج را دارا باشد، حج بر او واجب می شود. صفحه : ۳۴ جایز است که ولی شخص مجنون او را به گونه ای که در احرام غیر بالغ خواهد آمد مُحرم نماید و عهده دار انجام تکالیف او گردد. ۳ شخصی که در زمان بهبودی، حج بر او واجب شده بوده و به جا نیاورده تا دیوانه شده، ولی او از طرف وی اگر مال داشته باشد بنا بر احوط،

نائب می گیرد با تفصیلی که در مورد یاس از بهبودی و .. خواهد آمد؛ و اگر وفات کند از طرف او قضا می کند.

(شرط سوّم وجوب حج: استطاعت)

اشاره

شرط سوّم وجوب حج آن است که شخص، «مستطیع» باشد؛ و «استطاعت» آن است که توانایی و قدرت از چند جهت برای او حاصل باشد که اجمال آن گذشت، و اکنون به یاری خداوند متعال، به تفصیل، بیان می شود:

۱ توانایی زمانی

یکی از شرایط استطاعت آن است که زمان مناسب و کافی برای رفتن به مکه و به جا آوردن اعمال واجب را داشته باشد، پس: الف اگر کسی شرایط وجوب حج را دارا باشد و زمان کافی برای تهیه مقدمات آن داشته باشد ولی در تهیه آنها کوتاهی نماید و حج در همان سال از او فوت شود، حج بر او مستقر و ثابت می شود و باید در اولین وقت ممکن به هر نحو اگر چه با سختی آن را به جا آورد. ب اگر توانایی بر حج، در زمانی حاصل شود که وقت صفحه: ۳۵ لازم برای رفتن به حج باقی نمانده، یا به قدری کم مانده باشد که امکان حج باشد ولی مشقّت زیاد در آن باشد که عادتاً تحمّل نمی شود، حج واجب نیست و نگهداری هزینه برای سال آینده لازم نیست، و اگر در سال آینده از همه جهات، استطاعت حاصل بود، حج واجب می شود.

۲ (توانایی طریقی (باز بودن و امن بودن راه حج))

شرط دیگر استطاعت آن است که راه حج باز باشد، و در راه خطری متوجه خود شخص یا ناموس یا اموال او نشود؛ پس: الف اگر شخصی استطاعت بر حج از سایر جهات را دارا باشد ولی راه بسته باشد یا خطری متوجه او باشد که عرفاً به آن اعتنا می کنند، حج واجب نمی شود. ب اگر رفتن به حج، متوقف بر تهیه مقدماتی باشد، مثل گرفتن گذرنامه و یا ثبت نام برای حج و امثال آنها، باید اقدام نموده و آن مقدمات را تهیه نماید. ج اگر برای حج، دو راه وجود داشته باشد و یکی

بی خطر و امن باشد و دیگری امتیّت نداشته باشد، باید از راه امن برود هر چند دور باشد، یا مثلاً از راه دریا باشد، و وجوب حج، ساقط نمی شود. د کسانی که از کشور خودشان ممکن نباشد به حج بروند اما از کشورهای دیگر هر چند با هزینه بیشتر امکان تشرّف به حج باشد، و موجب خطر و ضرری که عادتاً تحمل نمی شود، نشود، مستطیع هستند و باید از آن راه اقدام کنند. صفحه : ۳۶

(۳ توانایی بدنی)

افرادی که توانایی بدنی بر انجام حج ندارند ولی سایر شرایط را دارا هستند، به تفصیل ذیل باید نائّب بگیرند و بر شخص آنها حج واجب نیست. افرادی که وضعیّت آنها به گونه ای است که به هیچ وجه قدرت بدنی بر حج ندارند و یا رفتن آنها باعث زحمت و مشقّتی شود که عرفاً قابل تحمل نیست، بر دو گونه اند: ۱ افرادی که قبلاً حج بر آنها واجب شده و در سال اوّل، توانایی بدنی بر حج داشته اند و در انجام آن کوتاهی کرده اند و حج بر آنها مستقر شده است، اگر: امید بهبودی و توانایی انجام دادن حج را نداشته باشند، واجب است فوراً نائّب بگیرند؛ و اگر عذر برطرف شد، احتیاط در اعاده است. و اگر امید بهبودی داشته باشند، احوط آن است که فوراً نائّب بگیرند و احتیاطات مناسب را بعداً انجام دهند به گونه ای که اطمینان حاصل نمایند که به تکلیف حجّه الاسلام عمل نموده است. ۲ و افرادی که در سال اوّل استطاعت در رفتن به حج کوتاهی نکرده اند ولی اکنون توانایی ندارند، اگر: امید بهبودی ندارند، باید فوراً نائّب

بگیرند. و اگر امید بهبودی دارند، احتیاط مستحب آن است که نایب بگیرند و اگر عذر آنها برطرف شد، حج را خودشان نیز به جا آورند. صفحه : ۳۷

۴ (توانایی تأمین هزینه زندگی در زمان حج و بعد از آن)

بر کسی حج واجب می شود که علاوه بر داشتن شرایطی که قبلاً گذشت و بعداً ذکر می شود: (اولاً): هزینه اهل و عیال خودش را در زمان حج داشته باشد. (ثانیاً): وضعیت زندگی او نسبت به بعد از زمان حج به صورت یکی از حالات ذیل باشد. (الف) اگر کسی دارای شغل مناسبی باشد که بعد از بازگشت از حج، قادر باشد زندگی خود و خانواده اش را به راحتی اداره نماید و دچار تهی دستی نگردد با دارا بودن شرایط دیگر که حج بر او واجب است. (ب) اگر شخصی دارای شغل مناسبی نباشد ولی رفتن به حج و صرف مبلغ در آن، تأثیر قابل توجهی در زندگی او نمی گذارد، یعنی چه به حج برود یا نرود، از حدّ قبلی زندگی خود پایین تر نمی آید در صورت بودن شرایط دیگر، حج بر او واجب است. صفحه : ۳۸ (ج) اگر کسی دارای شغل نیست، ولی به اندازه ای مال دارد که با آن می تواند زندگی خودش را به راحتی اداره نماید، حج بر او واجب می شود. (د) افرادی که در تمام مدت عمر، تحت تکفل کسی هستند، مانند خانمی که شوهر نموده و نفقه او بر شوهرش می باشد، با تحقق شرایط دیگر بر آنها حج واجب می شود. (ه) افرادی که از وجوه شرعی مانند خمس و زکات زندگی خود را اداره می کنند و به صورت عادی، مخارج زندگی را به صورت حتمی و بدون مشقت به وسیله آن

وجوه تأمین می نمایند، حج بر آنها واجب می گردد.

۵ (استطاعت مالی یا بذلی)

فراهم بودن هزینه سفر پنجمین شرط از شرطهای استطاعت است. اگر هزینه حج به یکی از گونه های ذیل فراهم شود با تحقق شرایط دیگر، حج واجب می شود: (الف) اگر خود شخص هزینه سفر حج را دارا باشد، یا مالی داشته باشد که با فروش آن با شرایطی که بعداً ذکر می شود بتواند هزینه حج را تهیه نماید، حج بر او واجب است. و این گونه توانایی «استطاعت مالی» نامیده می شود. (ب) اگر کسی هزینه سفر و حج و مال معادل آن را نداشته باشد اما شخص دیگری به او بگوید: «تو به حج برو، هزینه حج تو و مخارج خانواده تو بر عهده من باشد» در صورتی که اطمینان به گفته بذل کننده داشته باشد، حج بر او واجب می شود، و در آن «رجوع به کفایت» که گذشت شرط نیست. صفحه: ۳۹ به این حج «حج بذلی» می گویند و دارای شرایط خاصی است که خواهد آمد. (استطاعت مالی و انواع آن) استطاعت مالی با تحقق یکی از گونه های ذیل، حاصل می شود: ۱ مالک هزینه حج باشد. ۲ اگر کسی مالک هزینه سفر و وسیله نقلیه نباشد ولی نزد او از دیگری مالی باشد که به اندازه حج باشد و ماذون باشد در تملک آن در هر وقت بخواهد و یا تصرفش در آن جایز باشد به گونه ای که مالک آن مال نتواند او را منع نماید، مثل این که در ضمن عقد لازم شرط شده باشد که او حق تصرف یا تملک داشته باشد استطاعت مالی برای او حاصل است

و باید به حج برود. ۳ اگر کسی مالی به انسان به اندازه هزینه حج ببخشد بدون این که با او شرط کند که صرف در حج نماید. ۴ هر گاه کسی هزینه حج را در اختیار نداشته باشد، ولی وضع او به گونه ای است که در بین راه یا مثلاً خود مکه معظمه با شغلی که در شأن او باشد، می تواند آن را تهیه نماید، بنا بر اظهر، حج بر او واجب می شود؛ و هم چنین است اگر از کسی طلبی دارد که در راه یا در مقصد، وصول می شود. صفحه: ۴۰ (سه مسأله: ۱ استطاعت مالی نسبت به مکانی که شخص در آن است لحاظ می شود هر چند آن مکان، وطن او نباشد؛ پس هر گاه شخصی مثلاً به مدینه منوره یا جده برود و در آنجا برای او استطاعت حاصل شود، حج بر او واجب می شود هر چند اگر در شهر خودش بود، مستطیع نمی شد. ۲ داشتن هزینه بازگشت، هنگامی معتبر است که کسی قصد بازگشت به وطنش را داشته باشد، در غیر این صورت، هزینه بازگشت به جایی را باید داشته باشد که می خواهد به آنجا بازگردد، مگر این که آنجا از وطنش دورتر باشد که در این صورت در حالت عادی هزینه بازگشت به وطن معتبر است. ۳ تحقق استطاعت، منوط به داشتن پول قربانی نیست. (فروش اموال برای تهیه هزینه حج) ۱ هر گاه کسی زیاده بر احتیاجات مناسب شأن زندگی خود، ملک یا مالی داشته باشد، و آن ملک یا مال، جهت حج او کافی باشد، اگر

دیگر شرایط استطاعت را دارا باشد، باید آن را بفروشد و صرف در حج نماید. ۲ اگر شخصی با شرایطی که در مسأله قبل بیان شد مالی دارا باشد، و فروش آن ممکن نباشد مگر به کمتر از قیمت به گونه ای که باعث ضرر زیاد بر او شود، فروش آن واجب نمی باشد؛ اما اگر ضرر به خاطر بالا رفتن هزینه حج باشد و به حدّ غیر عقلایی نرسیده باشد، تأخیر جایز نمی باشد و باید با فروش آن، به حج برود. ۳ فروختن لوازم ضروری زندگی مانند منزل مناسب شأن و اثاث منزل و هر چیزی که برای حفظ شأن و آبروی او لازم است واجب نیست؛ ولی اگر کسی مثلاً خانه ای دارد که با فروش آن علاوه بر هزینه حج، قادر صفحه : ۴۱ است منزل مناسب شأن تهیّه نماید، لازم است آن را بفروشد و به حج برود. ۴ کسی که دو خانه دارد و در یکی از آن دو خانه بتواند بدون ناراحتی و مشقّت زندگی نماید، در صورتی که یکی از آن دو خانه جهت حج او کافی باشد باید آن را بفروشد و صرف در حج نماید، و این حکم در سایر اموال و وسایل نیز جاری است. کسی که هزینه حج را دارد ولی برای مصارف زندگی به آن نیاز دارد [۱] قبل از حرکت کاروان، اگر مالی به اندازه هزینه حج داشته باشد ولی جهت مصارف زندگی به آن مال، نیاز داشته باشد، می تواند آن را در آن مصارف صرف نماید و مستطیع نمی شود. ۲ اگر کسی پول کافی برای حج داشته باشد ولی به آن پول

برای امور زندگی مثل ازدواج نیاز داشته باشد، در صورتی که صرف آن پول در حج، موجب ناراحتی و مشقتی در زندگی او شود که عرفاً غیر قابل تحمل، یا موجب واقع شدن در حرام است، حج بر او واجب نیست و اگر حج نماید کفایت از حج واجب نمی نماید؛ ولی اگر صرف آن مبلغ در حج، موجب مشقت و ناراحتی نشود، حج بر او واجب است. وصول طلب برای حج [] اگر کسی طلبی داشته باشد و به اندازه هزینه حج او باشد، یا هزینه حج او را کامل کند و دیگر شرایط استطاعت را نیز دارا باشد: الف اگر وقت وصول طلب نرسیده باشد، وصول واجب نیست، مگر آن که اگر طلب کند، بدهکار حاضر به پرداخت باشد که در این صورت، گرفتن واجب است و باید به حج برود. ب و اگر وقت وصول طلب فرا رسیده باشد، واجب صفحه : ۴۲ است وصول کند. و اگر بدهکار بد حساب باشد و حاضر به پرداخت نشود، در صورتی که طلبکار در ضرر و حرج نمی افتد، باید او را مجبور به پرداخت نماید هر چند متوقف بر مراجعه به حاکم جور باشد. (مواردی که مطالبه طلب برای حج، واجب نیست) در موارد ذیل، مطالبه و گرفتن طلب برای حج واجب نمی باشد: الف بدهکار قدرت بر پرداخت بدهی را نداشته باشد. ب بدهکار بد حساب باشد و مجبور کردن به پرداخت او ممکن نباشد. ج بدهکار بد حساب باشد و مطالبه بدهی موجب درد سری شود که عرفاً تحمل آن مطابق با شأن طلبکار نباشد. د گرفتن طلب، متوقف

بر مراجعه به حاکم باشد و این امر، موجب ذلت و پایین آمدن شأن طلبکار شود به گونه ای که تن دادن به آن عقلایی نباشد. ه مهلت وصول طلب نرسیده باشد و بدهکار نیز حاضر به پرداخت نباشد. و وصول طلب به گونه ای موجب ضرر باشد که عرفاً به آن تن داده نمی شود. (قرض با اعتماد بر طلب) اگر وقت وصول بدهی فرا نرسیده باشد ولی طلبکار امکان قرض گرفتن به راحتی و بدون کسر شأن برایش ممکن باشد و مطمئن باشد که بدهکار در وقت مقرر برای وصول، آن را پرداخت می نماید و قرض صفحه : ۴۳ خودش را با آن ادا می نماید، وجوب حج و تحقق استطاعت، خالی از وجه نیست. (آیا بر افرادی که بدهی دارند حج واجب می شود؟) ۱ افرادی که هزینه حج را دارند و بدهی نیز دارند، بر دو گونه اند: الف این که اگر آن مبلغ را در حج صرف نمایند، قدرت بر پرداخت بدهی را نیز دارند که (با تحقق دیگر شرایط) حج واجب است. ب این که اگر آن مبلغ را صرف در حج کنند، قدرت بر پرداخت بدهی نخواهند داشت که در این صورت اگر وقت پرداخت بدهی رسیده باشد و طلبکار راضی نیست بدهی در ذمه بدهکار باقی باشد، باید بدهی پرداخت شود و حج واجب نیست؛ و اگر وقت پرداخت نرسیده یا طلبکار راضی است که دین باقی باشد چنانچه اطمینان دارند که بعداً در وقت مطالبه یا فرا رسیدن وقت پرداخت بدهی، می توانند دین را ادا کنند، واجب است با تحقق سایر شرایط به حج بروند و گرنه

حج واجب نیست. (افرادی که بدهی شرعی مانند خمس و زکات دارند) ۱ بدهی شرعی مانند خمس و زکات حکم آن مانند سایر بدهی ها است، که در مسأله قبل بیان شد، و فرقی نمی کند خمس و زکات در عین مال باشد، یا در ذمه و عهده شخص، ثابت شده باشد. ۲ کسی که حج بر او واجب شده و خمس و زکات یا حقوق واجب دیگر بدهکار است، لازم است آنها را پرداخت نماید و تا پرداخت ننموده جایز نیست به حج برود. صفحه: ۳۴۴ خواهد آمد که بدهی در «توانایی بذلی»، مانع واجب شدن حج نیست. (قرض گرفتن برای حج واجب) ۱ کسی که قدرت مالی بر انجام دادن حج ندارد، لازم نیست برای حج پول قرض نماید، مگر این که با دارا بودن شرایط دیگر قدرت بر پرداخت بدهی را داشته باشد به این نحو که الآن مالی دارد که بعد از حج با فروش آن می تواند بدهی خود را بپردازد، یا این که از کسی طلبی دارد و می داند که اگر قرض کند، بدهکار در وقت مقرّر، بدهی خودش را می پردازد، که در این موارد حج واجب است. ۲ اگر کسی بعداً قدرت بر پرداخت دین داشته باشد ولی فعلاً ما به ازای آن را ندارد، در وجوب فعلی حج، تأمل است. (استحباب قرض برای حج مستحبی) کسی که شرایط استطاعت را دارا نیست، مستحب است که قرض کند و به حج برود هر چند که جای حج واجب او، محسوب نمی شود. (کسی که مالی دارد ولی امکان صرف آن در حج نیست) ۱

اگر هزینه حج برایش فراهم نباشد مگر به وسیله مالی که در دسترس او نیست و نمی تواند به صورت متعارف به آن دسترسی پیدا نماید، حج بر او واجب نمی شود. ۲ کسی که ملک یا مالی به اندازه هزینه حج دارد ولی تبدیل آن به پول و هزینه حج برایش مقدور نباشد مگر به تحمّل ضرر زیادی که تحمّل آن عقلایی نباشد، حج بر وی واجب نمی شود. (کسی که مالی به اندازه حج داشته ولی اکنون از دست داده) کسی که مالی داشته که برای حج او کافی بوده و اکنون آن را از صفحه : ۴۵ دست داده خواه عقیده اش این بوده که آن مال کافی نیست؛ یا غفلت داشته که چنین مالی دارد یا برای حج کافی است؛ یا از اصل وجوب حج غافل بوده و غفلت او از روی تقصیر نبوده، و خواه در وجوب حج شک داشته یا غافل بوده و غفلت او از روی تقصیر بوده و زمانی ملتفت شد که پول و مال را از دست داده و قدرت بر حج ندارد، ظاهر این است که اگر شرایط دیگر را داشته، حج بر ذمه و عهده او مستقر شده است. (مستطیع شدن بانوان و مسأله مهریه آنها) ۱ خانمی که مهریه او کفاف هزینه حجش را می دهد یا هزینه حج او را کامل می کند: الف اگر تقاضای مهر از شوهر، باعث ناراحتی و مشکلات در زندگی نشود و او حاضر به پرداخت باشد، مستطیع است و مطالبه مهر نه تنها مانعی ندارد، بلکه لازم است. ب اگر

تقاضای مهر، موجب ناراحتی و مشکلات در زندگی شود، مطالبه آن لازم نیست و استطاعت حاصل نمی شود. ۲ اگر مردی در ضمن عقد، به هم سرش وعده سفر حج داده باشد، صرف وعده، موجب استطاعت زن نمی شود، ولی بر شوهرش لازم است به وعده اش وفا کند، و حکم مطالبه آن با فرض این که استحقاق مطالبه کردن ثابت شده باشد مانند مهر است. ۳ اگر مردی به هر علتی مهریه هم سرش را نپردازد، حج بر هم سرش واجب نمی شود و با ترک آن، حج بر او مستقر نمی شود؛ ولی اگر مرد، حاضر به پرداخت بوده و زن مطالبه نکرده باشد، حج بر عهده زن مستقر می گردد. صفحه: ۴۴۶ در صورتی که زن مستطیع شود، اذن شوهر شرط نیست؛ و حتی اگر اذن ندهد، زن باید به حج برود؛ و شوهر نیز نمی تواند زن را از حج واجب، منع نماید؛ بلی در صورت سعه وقت، می تواند رفتن او را تا آخرین کاروان به تأخیر بیاورد. و زنی که در طلاق رجعی است و عده اش تمام نشده، مانند زن شوهر دار است. ۵ استطاعت بانوان، منوط به امکان همراه داشتن محرم نیست؛ بلی اگر بر خود بترسد، لازم است محرمی همراه خود ببرد هر چند مستلزم خرج کردن مبلغی باشد، البته به شرط آن که به حد اجحاف نرسد؛ و اگر در فرض اخیر قدرت بر پرداخت هزینه سفر محرم را ندارد، حج بر او واجب نمی باشد. ۶ «رجوع به کفایت»، در خانمهایی که شوهر نموده اند و تحت تکفل او می باشند، محقق می باشد و به بیش از آن نیازی نیست. ۷ اگر خانمی برای حج ثبت نام

نموده باشد و هنوز نوبتش نرسیده شوهرش ورشکست شود، زن می تواند پول خود را پس بگیرد یا فیش حج را بفروشد و به شوهر ببخشد و از استطاعت خارج شود. (مصرف کردن هزینه حج یا از بین رفتن آن) ۱ هر گاه کسی هزینه حج یا مالی به مقدار آن را دارا باشد، می تواند قبل از حرکت کاروان، آن را در مصارف خود خرج نماید، هر چند دیگر نتواند به حج برود. ولی احتیاط در آن است که برای فرار از حج، آن مال را به صورت نسیه نفروشد؛ و اگر این کار را انجام داد و در همان سال صفحه : ۴۷ نتوانست به حج برود خود را مستطیع محسوب نماید به این که سال آینده به حج برود و احتیاطاتی که لازم است مثل آن که با حال استطاعت برود انجام دهد تا قطع پیدا نماید که حَجّه الاسلام را انجام داده است. ۲ اگر بعد از روانه شدن برای حج، هزینه آن از بین برود دو حالت دارد: الف اگر از بین رفتن هزینه، سهوی و بدون اختیار باشد، وجوب حج از او ساقط است و کشف می شود که از اوّل مستطیع نبوده است. ب و اگر از بین رفتن هزینه از روی عمد و تقصیر باشد، د صورتی که حج از او فوت شود، حج بر او مستقر می شود و باید به هر نحو که ممکن است هر چند به سختی، در سال آینده حج به جا آورد. ۳ اگر بعد از روانه شدن به سوی حج، مالی را که برای مخارج عائله خودش قرار

داده تلف شود، به استطاعت او لطمه وارد نمی شود و حج او حَجَّه الاسلام است. (استطاعت بذلی) گذشت که استطاعت بر هزینه حج به یکی از دو حالت ذیل حاصل می شود: الف: خود شخص هزینه حج را دارا باشد؛ ب: خود او دارای هزینه نباشد اما شخصی هزینه حج را با شرایطی که می آید به او بذل نماید، توضیح قسم اول آن گذشت، اکنون به توضیح قسم دوم آن می پردازیم. صفحه: ۴۸ (نحوه محقق شدن حج بذلی) به یکی از گونه های ذیل، استطاعت بذلی حاصل می شود: الف هر گاه فردی یا افرادی علاوه بر مصارف و هزینه حج انسان، مخارج زندگی او را تا بازگشت که در اثر سفر نمی تواند تحصیل نماید، بر عهده گیرند و به او بگویند: «حج برو، و هزینه حج تو و مخارج خانواده تو تا بازگشت بر عهده ما باشد» با فرض اطمینان به گفته آنها، قبول نمودن بر او واجب است و حج بر او واجب می شود و این توانایی، توانایی بذلی نام دارد؛ و هم چنین است اگر مالی به اندازه هزینه حج و خانواده او به او بدهند که حج نماید. ب اگر هزینه مذکور را به او بیخشند به شرط این که با آن به حج برود که در این صورت هر چند قبول واجب نیست ولی اگر قبول کرد، توانایی بذلی حاصل می شود. (تذکر: اگر به کسی که قدرت بدنی بر حج ندارد، بذل حج شود، بنا بر احوط باید نایب بگیرد. (بخششی که موجب استطاعت بذلی نمی شود) هر بذل و بخششی موجب استطاعت بذلی نمی شود؛ اگر چه ممکن است موجب استطاعت

مالی و در نتیجه موجب واجب شدن حج شود ولی با استطاعت بذلی، متفاوت است که این تفاوت ها در مسأله ۱۱۲ ذکر خواهد شد. پس اگر بخشش به صور ذیل باشد «استطاعت بذلی» حاصل نمی شود صفحه : ۴۹ الف اگر به اندازه هزینه حج به انسان ببخشند و قید نکنند که برای حج باشد، در این صورت قبول واجب نیست، ولی اگر قبول کرد، استطاعت مالی محقق می شود و با داشتن سائر شرایط، حج واجب می شود. ب اگر کسی مالی داشته باشد که کمتر از هزینه حج باشد و شخصی کمبود آن را با بخشش جبران نماید، واجب است قبول کند؛ ولی رجوع به کفایت از ناحیه خود او شرط است. تذکر: کسی که حج بر او مستقر شده و اکنون فاقد هزینه حج است؛ اگر کسی به او پول یا مالی بذل کند، قبول آن واجب است و هم چنین است کسی که به سبب نذر و مانند آن، حج بر او واجب شده است. (فرق استطاعت مالی با استطاعت بذلی) استطاعت مالی و استطاعت بذلی هر دو، موجب واجب شدن حج می گردند، ولی فرقهایی نیز دارند که به شرح ذیل است: ۱ «رجوع به کفایت» که یکی از شرایط وجوب حج است در استطاعت بذلی، شرط نیست. ۲ داشتن بدهکاری برای کسی که توانایی بذلی پیدا می کند، مانع از وجوب حج نمی شود، مگر آن که وقت پرداخت بدهی برسد و طلبکار هم خواهان آن باشد و شخصی که بذل حج نموده یا دیگری، حاضر به پرداخت آن صفحه : ۵۰ نشود و خود شخص در صورتی که به حج

نرود بتواند آن بدهی را پرداخت نماید که در این صورت حج واجب نمی شود. ۳ در «استطاعت بذلی» اگر دهنده (بازل)، انسان را وکیل کند که از طرف او پولی قرض نماید و به حج برود که بعداً خود باذل آن را بپردازد با اطمینان به گفته او باید، قبول کند و حج واجب می شود. ۴ «قربانی» در استطاعت بذلی، بر عهده باذل است. (حج روحانیون کاروان و خدمه و مواردی از استطاعت بذلی) ۱ روحانیون و خدمه کاروان و امثال آنها که حج واجب خود را به جا نیاورده اند و هزینه حج آنها عنوان مزد ندارد، حج آنها از موارد حج بذلی محسوب می شود. ۲ اگر شخصی برای دیگری مالی وصیت کند که او با آن مال حج نماید، در صورتی که آن مال به مقدار هزینه حج و مخارج عائله وی باشد، پس از موت وصیت کننده، حج بر آن شخص واجب می شود به شرط این که علی الأحوط قبول وصیت اگر از نوع تملیک بوده باشد نموده باشد. ۳ اگر شخصی مالی را برای حج، وقف یا نذر یا وصیت نموده باشد و متولی وقف، یا ناذر، یا وصی، آن مال را به کسی بذل نماید، حج بر او واجب شده و موضوع «حج بذلی» محقق می شود. (رجوع باذل از بذل و غصبی بودن مال) باذل (بخشنده مال) می تواند قبل از این که گیرنده داخل احرام شود از بخشش خود، برگردد ولی نفقه بازگشت وی از محل اعلام رجوع که زائد صفحه : ۵۱ بر نفقه وطن است بنا بر اظهر بر عهده باذل

است؛ و بعد از مُحرم شدن وی بنا بر اظهر باذل نمی تواند از بذل خود برگردد.

[چند مسأله]

(حج - غیر مسلمان و غیر شیعه)

۱ اگر کافری که شرایط استطاعت را داراست مسلمان شود، حج بر وی واجب است؛ ولی اگر بعد از، از زائل بین رفتن استطاعت مسلمان شود، حج بر وی واجب نیست. ۲ حج بر شخص مرتد، واجب می شود، ولی قبل از حج اگر توبه نکند، حج او صحیح نخواهد بود. ۳ شخصی که شیعه نیست، اگر حج را طبق مذهب شیعه، یا طبق مذهب خودش به نحو صحیح انجام داده باشد، اعاده حج بر او واجب نیست.

(نذر حج و تعارض نذر با حج)

۱ اگر کسی نذر کند که حج به جا آورد، حج بر او واجب می شود؛ و اگر سال نذر، معین باشد و بدون عذر به حج نرود، باید علاوه بر قضا، کفاره نذر را هم بپردازد. ۲ کسی که نذر کرده در ایام حج مثلاً به جایی برای زیارت برود، یا در محل خودش کار خاصی را انجام دهد، و بعد از نذر، مستطیع شود و حج بر او واجب شود، باید به حج برود و به نذر عمل ننماید. ۲ اگر کسی در زمانی که مستطیع نبوده نذر نموده که اگر موفق به حج شود، آن را به نیابت یکی از معصومین علیهم السلام یا فرزندان ایشان، انجام دهد و بعد به نحوی او را به حج بردند، نذر او منعقد و صحیح بوده و باید به نذر خودش عمل نماید و به این صورت مستطیع نمی شود. صفحه : ۵۲

(اگر کسی که حج بر او واجب بوده وفات کند)

(قضای حج از طرف میت)) کسی که حج بر او واجب شده و وفات نماید: الف اگر در سال اول استطاعت، وفات نماید یعنی حج بر او مستقر نشده و وظیفه او نائب گرفتن هم نبوده قضا از طرف او لازم نیست چه قبل از انجام حج وفات کند و چه حین انجام حج، چون اگر بعد از احرام و دخول حرم وفات نماید حجش صحیح است؛ و اگر قبل از آن وفات نماید، کشف می شود که از اول مستطیع نبوده است. ب و اگر کسی که حج بر او مستقر شده، یعنی در سال اولی که مستطیع شده، کوتاهی کرده و به حج نرفته است، وفات نماید: اگر

قبل از انجام دادن حج، وفات نماید، باید از طرف او حج را قضا نمایند و همین طور است بنا بر اقرب اگر بعد از احرام و قبل از داخل شدن در حرم بمیرد. اگر به حج برود و مُحرم شود و در حَرَم داخل شود و بنا بر احتیاط در داخل حرم وفات نموده، کفایت از حج او می نماید و قضا از طرف او لازم نیست و اگر از حرم خارج شد و وفات صفحه : ۵۳ کرد بنا بر احتیاط از طرف او قضا شود و همین طور اگر بعد از خارج شدن از احرام در حرم وفات نمود. ج اگر کسی شرایط و وجوب حج را دارا بوده غیر از توانایی بدنی و وظیفه اش نایب گرفتن بوده ولی نگرفته و فوت نموده، باید از طرف او حج به جا آورده شود. د اگر کسی به سبب نذر، حج بر او واجب شد و می توانست آن را به جا آورد ولی انجام نداد تا وفات کرد از طرف او قضا می نمایند. صفحه : ۵۴

(فصل سوم احکام حج میّت و وصیّت به حج)

اشاره

کسی که حج بر عهده او ثابت و مستقر شده است، و به هر دلیلی نتوانسته است تا زمان فوتش آن را به جا آورد، واجب است وصیّت کند که از طرف او حج به جا آورند.

(قضای حج - کسی که وصیّت به حج نکرده است)

کسی که وفات کرده و حج واجب بر عهده او بوده و وصیّت به حج نکرده است: الف اگر دارایی او به اندازه هزینه حج یا بیشتر از آن باشد، باید هزینه حج را از اصل دارایی خارج نمایند و برای او نایب بگیرند. ب اگر دارایی او کمتر از هزینه حج و لو میقاتی یا اضطراری باشد، نایب گرفتن واجب نمی باشد. ج اگر دارایی او به اندازه هزینه حج یا بیشتر از آن باشد ولی بدهی هم داشته باشد، دارایی او توزیع بر حج و بدهی می شود و اگر بعد از توزیع، آن چه برای حج می ماند، کافی برای آن نباشد، مقدم داشتن حج از نزدیکترین راه و کمترین هزینه و صرف بقیه دارایی در بدهی، خالی از وجه نیست. و اگر به گونه ای باشد که اگر در هر کدام از حج یا بدهی صفحه : ۵۵ صرف بشود، صرف در دیگری اصلاً نمی شود، اظهر تخییر است؛ و اگر به هیچ نحوی صرف در حج نمی شود، صرف در غیر حج می شود.

(کسی که وصیّت به حج کرده)

کسی که وصیّت به حج کرده چند حالت دارد: (حالت اوّل): اگر کسی وصیّت به حَجّه الاسلام کرده باشد، یا بدانند حَجّی که بر عهده او بوده، حَجّه الاسلام بوده: الف اگر دارایی از او باقی نمانده باشد، یا دارایی او به اندازه حج نباشد (و لو میقاتی یا اضطراری)، در این صورت نایب گرفتن واجب نیست، ولی مستحب است ولی، این عمل را انجام دهد. ب و اگر دارایی باقی مانده از او به اندازه هزینه حج

یا بیش از آن باشد: اگر وصیت را مقید به ثلث نکرده باشد، هزینه حج از اصل دارایی او خارج می شود. اگر وصیت را مقید به ثلث کرده باشد چنانچه، ثلث او به اندازه حج باشد، با آن نایب می گیرند؛ و چنانچه ثلث مال، کمتر از هزینه حج باشد، از بقیه دارایی او، کمبود آن را جبران می کنند و نایب می گیرند. (حالت دوم): کسی که فوت نموده و وصیت به حج نموده، اگر حجی که بر گردن او صفحه : ۵۶ بوده، واجب بوده ولی حجه الاسلام نبوده، بلکه به سبب نذر، واجب شده، یا ندانند که وجوب آن چگونه بوده، در هر دو صورت، احوط برای ورثه آن است که هزینه آن را از اصل دارایی خارج نمایند. (حالت سوم): اگر کسی وصیت به حج مستحبی نماید، هزینه آن، از ثلث خارج می شود، چه وصیت به اخراج از ثلث کرده باشد و چه نکرده باشد.

(از چه مکانی باید برای میت، نایب گرفته شود؟)

(میقاتی، بلدی)) به جهت این که نایب گرفتن هم از شهر خود میت ممکن است و هم از میقات هم ممکن است، حج بر دو گونه تقسیم شده است: (حج بلدی): یعنی این که برای میت شخصی را اجیر کنند که از شهر او (میت) به حج برود و به این جهت آن را حج بلدی می گویند و به اجیر هزینه حج از همان شهر پرداخت می شود. (حج میقاتی): یعنی این که برای میت شخصی را اجیر کنند که حج را از میقات انجام دهد و به اجیر هزینه حج از میقات به بعد پرداخت می شود. ۱ اگر میت حج بر عهده اش بوده و وصیت

به آن نکرده، حجّ میقاتی، کافی است هر چند از یکی از نزدیکترین مواقیت پنجگانه به مکه معظمه باشد. صفحه : ۲۵۷ اگر میت، وصیت به حجّ بلدی کرده باشد: چنانچه ثلث اموال او برای ما زاد هزینه حجّ بلدی کافی باشد، باید حجّ بلدی انجام شود و ما زاد بر اجرت میقاتی از ثلث خارج می شود. اگر ثلث اموال او به اندازه هزینه حجّ بلدی نباشد، حجّ میقاتی کافی است. ۳ اگر میت، وصیت به حجّ کرده باشد ولی نوع آن را مشخص نکرده باشد بنا بر اظهر به حجّ بلدی، منصرف می شود. و هم چنین است اگر قرینه ای بر حجّ بلدی باشد، که در این دو صورت به اندازه هزینه حجّ میقاتی، از اصل دارایی خارج می شود و بقیه هزینه، از ثلث خارج می شود. ۴ اگر مال میت به اندازه هیچ کدام از حجّ بلدی یا میقاتی نباشد، و امکان انجام دادن حجّ اضطراری صحیح با عذر مثل حجّ از مکه یا ادنی الحل - فراهم شد، کفایت می کند. ۵ در صورتی که نائب گرفتن ممکن نباشد مگر از شهر خود میت، (یعنی حجّ بلدی)، باید انجام شود و از اصل دارایی میت، هزینه آن خارج می شود.

(فوریت نائب گرفتن)

۱ کسی که وفات کند و حجّه الاسلام بر عهده وی باشد، واجب است همان سال فوتش نائب بگیرند، و اگر قصد اجیر گرفتن داشته باشند، قبل از آن، در دارایی می توانند تصرّف نمایند. صفحه : ۲۵۸ هر چند در حالت عادی، اجیر گرفتن از میقات کافی است ولی اگر در همان سال وفات، اجیر گرفتن از میقات ممکن نباشد، لازم

است از محلّ خودش نایب بگیرند و هزینه آن از اصل ترکه خارج می شود، و جایز نیست این کار را به تأخیر بیندازند هر چند در سال بعد نایب گرفتن جهت حجّ میقاتی ممکن باشد. ۳ به صرف اجیر گرفتن، حجّ از عهده میّت ساقط نمی شود، بلکه باید اطمینان داشته باشند که به وظیفه عمل کرده است. و اگر بدانند که او به هر دلیلی به وظیفه اش عمل نکرده، واجب است دوباره اجیر بگیرند و مخارج آن از اصل مال خارج می شود. و اگر اجرتی که به اجیر اوّل داده اند، از مال میّت پرداخت شده، باید پس بگیرند.

(زیاد و کم بودن اجرت)

۱ کسی که وفات نموده و حجّ بر او مستقر بوده در صورتی که استنباه ممکن نباشد مگر به اجرت زائد بر متعارف، باید اقدام شود و از ورثه در مبلغ زائد استجازه شود و اگر در ورثه صغار هست، احتیاطاً زائد را بین غیر صغار تقسیم نمایند. ۲ اگر نایب پیدا نشود مگر به قیمت بیشتر از حدّ معمول، در وجوب نایب گرفتن اگر چه هزینه آن به اندازه همه دارایی باشد، تأمل است. ۳ بنا بر اظهر جایز است اجیری را انتخاب نمایند که از جهت فضیلت و شرف، مناسب حال میّت باشد؛ هر چند به مبلغ بیشتری نیاز است و استیجار از مال میّت باشد. هر چند احوط آن است که کسی را اجیر نمایند که اجرت او از دیگران کمتر باشد.

(وارث و نایب به فتوای مرجع خودشان عمل می کنند)

۱ در نایب گرفتن، وارث باید به فتوای مرجع خودش عمل نماید، یا صفحه: ۵۹ این که خودش مجتهد باشد؛ پس اگر تکلیف وارث، وجوب حجّ بلدی نباشد، بر او حجّ بلدی واجب نیست و لو این که فتوای مرجع شخصی که وفات کرده، وجوب حجّ بلدی باشد، مگر این که وصیّت به حجّ بلدی کرده باشد که مسائل آن گذشت. ۲ نایب چنانکه خواهد آمد باید در اعمال حجّ، طبق نظر مرجع خودش عمل نماید و یا اگر مجتهد باشد به اجتهاد خودش عمل نماید؛ و اگر از طرف شخص زنده نایب شده است فی الجمله احتیاط کند.

(اگر بر عهده میّت، حجّ، قرض، خمس، و زکات باشد)

اگر کسی حجّ بر او واجب بوده وفات نماید و قرض و خمس و زکات نیز بر عهده او باشد، و دارایی او برای همه آنها کافی نباشد: الف اگر مالی که به آن خمس یا زکات تعلق گرفته، موجود باشد، باید اوّل خمس و زکات را پردازند. ب اگر مالی که به آن خمس یا زکات تعلق گرفته، موجود نباشد و خمس و زکات بر عهده و ذمه وی منتقل شده باشد، مقدّم نمودن حجّ به کمترین مبلغ ممکن به تفصیلی که سابقاً گذشت، و صرف باقی مانده، در سایر بدهی ها، خالی از وجه نیست. ج اگر مال باقی مانده از میّت فقط به اندازه یکی از حجّ یا قرض باشد بنا بر اظهر مخیر می باشند که آن مبلغ را در هر کدام که خواستند صرف نمایند.

(تعیین مبلغ حجّ در وصیّت و کمی و زیادی آن)

۱ اگر میّت در وصیّتش اجرت را معین نموده باشد، در صورتی که صفحه: ۶۰ بیش از هزینه متعارف حجّ نباشد، عمل به آن واجب است و آن مقدار هم از واجب از اصل مال برداشته می شود. و اگر مبلغی را که مشخص نموده از هزینه متعارف حجّ

بیشتر باشد مقدار اضافی از ثلث اخراج می شود. ۲ اگر مبلغی را که میّت مشخص نموده، کمتر از متعارف باشد اگر حج واجب باشد، کمبود از ترکه جبران می شود به نحوی که تفصیل آن گذشت. و اگر حجّی را که وصیّت نموده مستحب باشد، و انجام آن با ثلث مال در صورت انحلال مقصود او ممکن نباشد وصیّت باطل می شود و آن مبلغ بنا بر عدم رجوع به ارث، یا

صورت صحیح بودن وصیت در اول امر و باطل شدن آن در مرحله بعد صرف امور خیر می گردد.

(تعیین اجیر یا مکان خاص در وصیت)

اگر میت مشخص نموده باشد که از مکان خاصی برای او حج انجام شود، مثلاً از مشهد، و یا شخصی را معین نموده باشد که او برایش حج انجام دهد، لازم است که به وصیت عمل شود و اگر آن شخص قبول نکرد مگر به مبلغی اضافه بر متعارف، مقدار زیادی از ثلث پرداخت می شود؛ و چنانچه به هر جهت اجیر نمودن آن شخص ممکن نشد، شخص دیگری را به اندازه هزینه متعارف اجیر می نمایند.

(معامله یا مصالحه ملک در زمان حیات برای حج)

۱ اگر شخصی مثلاً منزلی را به دیگری بفروشد به مبلغی و با او شرط کند که آن مبلغ را بعد از فوتش صرف در حج از طرف او نماید، آن مبلغ بعد از فوتش از ترکه او محسوب می شود و: اگر مورد قرارداد، حجه الاسلام باشد، عمل به آن صفحه : ۶۱ شرط لازم است و باید آن مبلغ صرف در حج شود به شرط این که از حد متعارف خارج نباشد، و گر نه مقدار اضافه، از ثلث خارج می شود؛ و اگر از حد متعارف کمتر باشد به اندازه مقدار متعارف از اصل ترکه خارج می شود. و اگر مورد قرارداد، حج مستحبی باشد، نیز عمل به آن لازم است و از ثلث خارج می شود؛ و اگر ثلث کمتر از آن باشد، اگر ورثه اجازه ندهند عمل به شرط مذکور، لازم نخواهد بود. ۲ اگر شخصی مثلاً منزلی را به دیگری مصالحه کند به شرط آن که بعد از وفاتش برای او حج به جا آورد، چنین شرطی صحیح و عمل به آن لازم خواهد بود و آن منزل یا مبلغ آن، از ترکه محسوب

نمی شود و ملک شخص طرفِ مصالحه است؛ و هم چنین است تملیک و واگذاری ملکی به این قصد.

(تلف شدن هزینه حج - میت یا وفات اجیر)

۱ اگر مالی را که برای حج از طرف میت منظور نموده اند تلف شود، دو حالت دارد: الف اگر با سهل انگاری کسی که نایب گرفتن بر او واجب بوده، تلف شود، وی ضامن است و بر او واجب است که از مال خودش نایب بگیرد. ب اگر آن مال بدون سهل انگاری تلف شود، ضامن نمی باشد؛ و اگر حجی که بر عهده میت بوده حجه الاسلام باشد، واجب است از بقیه ترکه اجیر گرفته شود؛ و اگر حجه الاسلام نباشد اگر از ثلث چیزی موجود باشد از آن باید اجیر گرفته شود؛ و چنانچه بقیه ثلث بین ورثه تقسیم شده صفحه : ۶۲ باشد، از هر یک به نسبت پس گرفته می شود. ۲ اگر اجیر قبل از اقدام به حج - وفات کند و ترکه ای نداشته باشد، یا داشته باشد ولی گرفتن آن ممکن نباشد، با تفصیلی که گذشت، حکم آن مانند تلف بدون سهل انگاری است (فرض ب). ۳ اگر مال قبل از اجیر گرفتن، در دست وصی - تلف شود و معلوم نشود که در اثر سهل انگاری بوده، جایز نیست از وصی - تاوان گرفته شود. ۴ اگر کسی وصیت کند که با مال معینی برای او حج به جا آورند، چنانچه بعد از فوت او این پول صرف در امری دیگر نمایند، ضامن هستند و حتی اگر فوت نموده باشند باید از ترکه آنها مثل سایر دیون حج به جا آورند.

(اگر وصی - به حج، وفات کند)

۱ اگر وصی - وفات کند و معلوم نباشد که اجیر گرفته یا نه: اگر حج - مورد وصیت، حجه الاسلام بوده و از وفات وصیت کننده حد اقل - یک

سال گذشته باشد، واجب نیست از ترکه وصیت کننده، اجیر گرفته شود هر چند احتیاط در اجیر گرفتن است. و اگر حج مورد وصیت، حجه الاسلام نبوده، از ثلث او باید اجیر گرفته شود. ۲ اگر وصی وفات کرده باشد و مبلغی که جهت حج در نظر بوده، اخذ نموده و موجود هم باشد، باز پس گرفته می شود، مگر آن که احتمال برود که او از مال خود، اجیر گرفته و بعداً آن مال را به جای مالی که از صفحه ۶۳ خود خرج کرده، بر داشته است؛ و با این احتمال حتی در صورتی که اصل مال، موجود نباشد و یا تلف شده باشد، نیز وصی ضامن نخواهد بود.

(اگر امانتی به اندازه هزینه حج، از میت در نزد شخصی باشد)

۱ اگر میتی حجه الاسلام بر عهده او بوده و امانتی در نزد شخصی گذارده باشد و آن امانت برای حج کافی باشد، اگر این شخص علم یا اطمینان داشته باشد که اگر مال را برگرداند، ورثه حج را انجام نخواهند داد، لازم است امانت را برنگرداند و به اجرت متعارف اجیر بگیرد تا حج را انجام دهد و می تواند خودش اجیر شود؛ و اگر چیزی اضافه آمد، آن را به ورثه برگرداند؛ و الحاق خوف به اطمینان، خالی از وجه نیست. ۲ هم چنین اگر مالی به صورت عاریه یا اجاره یا طلب یا حتی غضب، در نزد شخصی باشد به گونه ای که در مسأله بالا بیان شد دور نیست که ملحق به امانت باشد.

(شک یا اختلاف در واجب بودن حج بر میت)

۱ اگر شك داشته باشند که بر میت، حج واجب شده بوده یا نه، اجیر گرفتن لازم نیست. ۲ اگر بعضی از ورثه اقرار کنند که بر میت حج واجب بوده و بعضی منکر شوند، افرادی که اقرار به ثبوت حج نموده اند، فقط باید به اندازه سهم خودشان پردازند که اگر این مقدار به اندازه هزینه حج باشد، اجیر می گیرند و اگر به هیچ وجه کفاف هزینه حج را ندهد و کسی هم حاضر به تکمیل آن نشود، اجیر گرفتن، لازم نیست. صفحه : ۶۴

(فصل چهارم احکام نیابت)

اشاره

هر گاه بر کسی حج واجب شود، لازم است خودش شخصاً حج به جا آورد؛ ولی به جهت آن که بعضی افراد قدرت بدنی بر حج ندارند یا این که حج بر آنها واجب شده و وفات نموده اند، نائب گرفتن لازم می شود.

(در چه مواردی نائب گرفتن، لازم است)

۱ شخص زنده در دو صورت واجب است نائب بگیرد: الف کسی که توانایی بدنی انجام حج را ندارد؛ و دیگر شرایط استطاعت را داراست و می تواند نائب بگیرد. ب کسی که حج به جا آورده، ولی حج او به دلیلی صحیح واقع نشده و بر عهده وی باقی مانده و قدرت رفتن به حج را ندارد. (تذکر): همان گونه که گذشت اگر به کسی که قدرت بدنی بر حج ندارد، حج بذل شود، بنا بر احوط باید نائب بگیرد. ۲ نائب گرفتن برای شخصی که وفات کرده نیز، در دو صورت واجب است: الف کسی که توانایی بدنی انجام دادن حج را نداشته و می توانسته نائب بگیرد و نگرفته تا وفات کرده است. صفحه : ۶۵ ب کسی که حج بر عهده او ثابت شده باشد و حج به جا نیاورده باشد تا وفات کرده است.

(انجام حج از طرف دیگری بدون اجرت)

((حج تَبَرَعی)) الف در مواردی که نایب گرفتن لازم شده است، اگر کسی بدون اجرت و بدون این که از طرف او اجیر شود از طرف آن شخص حج به جا آورد، کافی است و حج از عهده آن شخص ساقط می شود. ب به صورت کلی نیابت از طرف شخصی که وفات کرده مانعی ندارد، چه با اجرت باشد و چه بدون اجرت، چه نیابت در حج واجب باشد و چه مستحب. پس انجام دادن حج از طرف دیگران حتی بدون اجرت و بدون اجیر شدن از طرف آنها، در موارد ذیل صحیح است: ۱ انجام حج از طرف حضرت ولی عصر ارواحنا فداه مانع ندارد و احتیاط آن است که از طرف خود به جا آورد

و ثواب آن را برای آن حضرت اهدا نماید. ۲ انجام دادن حج از طرف معصومین علیهم السلام و فرزندان ایشان مانند حضرت زینب علیها السلام- و حضرت ابا الفضل علیه السلام و حضرت علی بن الحسین علیه السلام و .. صحیح است. ۳ از طرف فردی که وفات کرده و معلوم نیست که حج بر او واجب بوده یا نه، جایز، بلکه مطلوب است که حج به جا آورده شود. ۴ از طرف فردی که زنده است ولی توانایی بدنی بر حج ندارد و باید نائب بگیرد بنا بر اظهر به صورت تبرّعی جایز است، ولی اگر با اذن او باشد احوط است. صفحه: ۵۶۶ از طرف فردی که وفات کرده و حج بر او واجب بوده، انجام دادن حج بدون اجرت از طرف او کافی است و حج از عهده وی ساقط می شود. ۶ از طرف فردی که زنده است ولی حج بر او واجب نشده، انجام حج مستحبی مانعی ندارد.

(با انجام حج تبرّعی بر ورثه نائب گرفتن لازم نیست)

در مواردی که بر ورثه لازم بوده نائب بگیرند، اگر کسی حج را از طرف میت، بدون اجرت به جا آورد بر آنها لازم نیست که نائب بگیرند و مقدار هزینه حج که از اصل مال یا ثلث باید برداشته می شد، در جای خود باقی می ماند و حکم اموال دیگر میت را دارد.

(مورد عدم صحت نیابت در حج)

از طرف فردی که زنده است و حج بر او واجب شده و خودش می تواند حج انجام دهد، نیابت صحیح نمی باشد.

(انجام عمره مفرده تبرّعی)

انجام عمره مفرده به صورت تبرّعی (بدون اجرت) از طرف هر کسی زنده یا میت، کوچک یا بزرگ، عاقل یا غیر عاقل، جائز است.

(شرایط نائب)

«نائب»، یعنی کسی که برای انجام دادن حج از طرف دیگری در نظر گرفته می شود، باید دارای شرایط خاصی خواه شرط جواز تکلیفی نیابت یا شرط صحت حج یا شرط صحت اجاره باشد: (شرط اول: «بلوغ») بچه ای که ممیز نیست یعنی خوب و بد را نمی فهمد در حج واجب صفحه: ۶۷ نمی تواند نائب شود ولی بچه ای که ممیز است، صحت نیابت او بنا بر شرعیت عبادت صبی ممیز در حج واجب و غیر آن، خالی از رجحان نیست. (شرط دوم: «عقل») نیابت «دیوانه» صحیح نیست، مگر این که جنون او ادواری باشد و در زمان بهبودی او نیابت صورت گیرد. تذکر: نیابت شخص «سفیه» بدون اجیر شدن مانعی ندارد؛ و با اجیر شدن هم با اذن سرپرست او، مانعی ندارد. (شرط سوم: «ایمان») نائب علاوه بر این که خداوند متعال و حضرت پیامبر اکرم ۹ را قبول دارد، باید به اما... ۹ دوازده امام علیهم السلام هم معتقد باشد؛ پس نیابت غیر مؤمن صحیح نیست، هر چند که اعمال را طبق مذهب حق به جا آورد. (شرط پنجم: «مورد اعتماد بودن نائب و قابلیت انجام دادن اعمال به نحو صحیح») ۱ کسی را که به عنوان نائب، اجیر می نمایند، باید اعتماد داشته باشند که به وظیفه اش عمل می نماید هر چند عادل بودن وی لازم نیست. و باید به گونه ای باشد که قابلیت انجام دادن اعمال را به نحو صحیح داشته باشد

هر چند فعلاً بعضی مسائل را نداند ولی قبل از عمل بتواند یاد بگیرد، یا با راهنمایی دیگران بتواند به نحو صحیح انجام دهد. ۲ تا یقین نداشته باشند که نایب به وظیفه اش عمل نموده یا اماره معتبری نباشد، حجّ از عهده کسی که از طرف او نیابت صورت گرفته، ساقط نمی شود. صفحه: ۶۸ (شرط ششم: «بنا بر احتیاط معذور از بعضی اعمال نباشد») مراد از معذور نبودن آن است که بتواند وظایفی را که در حال اختیار برای به جا آورنده حجّ مشخص شده، انجام دهد. ۱ اگر ممکن باشد که فردی را اجیر نمایند که عذر و مشکلی ندارد، بنا بر احتیاط نمی توانند کسی را که در ترک بعضی از اعمال حجّ یا در به جا آوردن آن به طور صحیح، معذور باشد اجیر نمایند؛ و اکتفا به حجّ تبرّعی چنین شخصی هم مشکل است. ۲ خدمه کاروانها و مانند آنها اگر شب عید قربان را در مشعر الحرام نمی مانند، بنا بر احتیاط نمی توانند نایب شوند. ۳ اگر کسی هنگام پذیرفتن نیابت، بر انجام وظایف کامل قادر بوده ولی در بین اعمال، عذری برای او پیش آمده، تمام کردن عمل طبق وظیفه عذری کفایت می کند و مضّر به صحیح بودن نیابت نیست. ۴ نیابت کسی که به ارتکاب بعضی از محرمات احرام مثل زیر سایه رفتن مضطرّ باشد، اشکال ندارد.

(جواز نیابت مرد از طرف زن و بالعکس)

مرد می تواند از طرف زن، حجّ نیابی انجام دهد و عکس آن نیز جایز است هر چند مرجوح است.

(جواز نیابت کسی که حجّ نرفته)

نیابت کسی که تا کنون به حجّ نرفته که به او «صیورّه» می گویند اگر شرایط لازم را دارا باشد، مانعی ندارد، هر چند مکروه است؛ ولی اگر مزایایی در او باشد از قبیل فقاها و تقوی و کمالات دیگر، مکروه نیست؛ بلکه موجب راجحیت می شود. صفحه: ۶۹

(اگر بر نایب حج واجب باشد)

اگر نایب در همان سالی که اجیر شده است، بر او حج واجب و فوری باشد مثل حَجَّه الاسلام یا نذر یا غیر آن دو صورت دارد: الف اگر کسی با علم و آگاهی به این که نباید نایب می شده، اجیر شده، خلاف کرده ولی حجّ او صحیح است و حجّ از عهده میت ساقط می شود؛ ولی اگر قائل به صحت اجاره به نحو ترتب نباشیم، نایب مستحق اجرتی را که معین نموده اند نمی باشد؛ بلکه مستحق اجرت متعارف حجّ است. ب اگر کسی بدون علم و عمد، یا به خاطر این که نمی دانسته حجّ بر او واجب بوده، یا غافل بوده یا فراموش کرده، نایب شود؛ در همه این صور هم حجّ او صحیح است و بنا بر کفایت اینها در تحقق شرط اجاره، مستحق اجرت قرار داده شده هم می باشد.

(اگر نایب قبل از اجیر شدن یا بعد از آن، مستطیع شود)

۱ اگر نایب قبل از این که عقد اجاره واقع شده باشد، مستطیع بوده، عقد اجاره به جهت عدم قدرت شرعی باطل می باشد و باید با هزینه خود برای خودش حجّ به جا آورد؛ اگر با این فرض نیابت نمود، حکم آن در مسأله ۲۰۶ و ۲۰۷ بیان شد. ۲ اگر نایب بعد از این که عقد اجاره واقع شد، مستطیع شود، عمل به مفاد اجاره لازم است و در سال بعد برای خود حجّ به جا آورد.

و اگر مباشرت در انجام حج در نظر نبوده، باید برای منوب عنه نائب بگیرد که حج میقاتی انجام دهد، و خودش برای خودش حج به جا آورد. صفحه : ۷۰

(شرایط کسی که از طرف او نیابت صورت می گیرد)

۱ کسی که از طرف او نیابت صورت می گیرد، باید مسلمان باشد؛ و صحت نیابت از طرف شخص کافر، به احتمال حصول تخفیف عذاب، محل تأمل است؛ و اگر کافر مستطیعی وفات کند و ورثه او مسلمان باشند، واجب نیست برای او نائب بگیرند. و نیابت مؤمن از طرف غیر مؤمن نیز محل تأمل است. ۲ گذشت که نیابت از طرف شخصی که حج واجب بر عهده اوست و توان انجام حج را دارد، جائز نیست و نیز گذشت که انجام دادن حج از طرف کسی که وفات نموده چه حج واجب و چه مستحب، و چه با مزد و چه بدون مزد مانعی ندارد؛ و نیز انجام دادن حج مستحبی از طرف شخص زنده مطلقاً مانعی ندارد. ۳ نیابت از طرف کسی که به سن بلوغ نرسیده و یا شخص دیوانه، مانعی ندارد؛ بلکه اگر حج بر عهده شخص دیوانه در حال بهبودیش

واجب شده باشد و در حال دیوانگی مرده باشد، واجب است برای او اجیر بگیرند.

(نحوه قرارداد نیابت برای حج)

۱ نیابت هم چنان که با اجاره و نیز به صورت تبرّع و مجانی محقق می شود با «جُعَاله» و «شرط ضمن عقد» نیز صحیح است. صفحه : ۲۷۱ اگر در قرارداد قید شده باشد که اجیر شخصاً حج به جا آورد، یا در قرارداد قید نشده باشد ولی نزد طرفین منصرف به آن باشد، اجیر نمی تواند دیگری را به جای خود اجیر نماید مگر این که اجازه بگیرد.

(تخلّف از مفاد قرارداد نیابت)

۱ اگر گونه خاصی برای حج، در ضمن قرارداد در نظر گرفته شود مثل این که نائب از راه خاصی به حج برود وی باید طبق آن عمل نماید، و اگر تخلّف کرد، بر دو گونه است: الف اگر در نظر گرفتن کیفیت مورد نظر، به گونه شرطیت باشد، یعنی شرط معامله باشد، اجیر کننده می تواند فسخ نماید و اجرت المثل پردازد، ولی اگر فسخ نکرد، نائب، مستحق تمام اجرت می باشد. ب و اگر در نظر گرفتن کیفیت مورد نظر، به گونه جزئیت باشد، یعنی جزء و قسمتی از اعمال بوده، در این صورت نیز اجیر کننده، حق فسخ دارد و اجرت متعارف اعمال انجام شده را می پردازد؛ ولی اگر فسخ نکرد، نائب فقط استحقاق اجرت به اندازه اعمال انجام شده، دارد و نسبت به آن چه که مخالفت کرده حقی ندارد. ۲ اگر نائب به طور اتّفاقی برای انجام دادن حج تمتّع، وقت کافی پیدا ننمود، و به حج افراد عدول نمود و بعد از انجام آن عمره مفرده ای انجام داد، حج از عهده منوب^۳ عنه برداشته می شود؛ و اگر نیابت، این بوده که حج از عهده منوب عنه ساقط شود نائب، مستحق

اجره المسمی صفحه : ۷۲ می باشد؛ ولی اگر صّرف ساقط شدن حج از عهده میّت، مقصود از قرارداد نبوده بلکه انجام دادن اعمال به کیفیت خاص و معهود، مراد از قرارداد باشد، نائب مستحق اجره المسمی نیست، بلکه مستحق اجرت متعارف اعمال انجام شده است (اجره المثل).

(اگر نائب وفات کند یا نتواند به حج برود)

۱ اگر کسی که برای انجام دادن حج، نائب شده وفات کند، دو صورت دارد: الف اگر نائب بعد از مُحرم شدن و داخل شدن در حرم، وفات نماید، حج از عهده شخصی که از طرف او نیابت صورت گرفته شده، ساقط می شود. ب اگر نائب قبل از مُحرم شدن یا قبل از داخل شدن در حرم، وفات نماید، حج از عهده منوب عنه ساقط نمی شود و لازم است دوباره نائب گرفته شود. ۲ هر گاه نائب پس از مُحرم شدن به علت جلوگیری دشمن یا به جهت بیماری نتواند به حج برود، حکم آن با کسی که می خواسته از طرف خود حج برود و به یکی از این دو علت نتوانسته حج برود یکی است که بیان خواهد شد. و اگر اجاره مقید به همان سال بوده فسخ می شود و از جهت استحقاق اجرت، با توجه به شرایط در نظر گرفته شده در قرارداد، موارد آن مختلف است که مراعات هر موردی به خصوص می شود؛ و اگر اجاره مقید به همان سال نبوده، حج بر عهده او باقی می ماند و هیچ کدام حق فسخ ندارند. صفحه : ۷۳

(حکم استحقاق اجرت در فرض وفات نائب)

اگر نائب در حین اعمال حج یا قبل از آن وفات کند: الف اگر مقصود از قرار داد، این بوده که حج از عهده منوب عنه، برداشته شود یعنی ذمه او فارغ شود و تصریح به پس گیری اجرت در صورت وفات نشده باشد، در این صورت اگر نائب بعد از مُحرم شدن و داخل شدن حرم بمیرد، مستحق تمام اجرت می باشد، اگر چه تصوّر آنها محقق شدن فرد کامل

بوده است. ب اگر منظور از قرارداد این بوده که علاوه بر فارغ شدن ذمه منوب «عنه، اعمال نیز انجام شود، که در این صورت، نسبت به هر اندازه ای که از اعمال انجام داده، مستحق مزد خواهد بود؛ و اگر مقدمات سفر هم داخل قرار داد بوده، بر آنها نیز استحقاق اجرت دارد.

(قبول دو نیابت در یک سال)

اگر شخصی برای انجام دادن حج «در سال مشخصی، اجیر شود، از طرف دیگری برای همان سال، نمی تواند اجیر شود؛ مگر این که یکی از دو قرارداد به گونه ای باشد که اختیار واگذاری آن را به دیگری داشته باشد.

(تقدیم و تأخیر حج از مفاد قرارداد)

اگر شخصی جهت حج «برای سال معین اجیر شود، نمی تواند تأخیر نماید، ولی اگر حج «را از سال یاد شده جلوتر انجام داد اظهار صحیح بودن آن است، مگر این که تصریح شده باشد که جلو و عقب به جا آورده نشود. و اگر از سال یاد شده حج «را تأخیر انداخت، حج «از عهده منوب عنه برداشته می شود ولی مستحق اجرت نخواهد بود مگر این که منظور از صفحه : ۷۴ قرار داد، منحل «به دو چیز شود: یکی اصل انجام شدن حج «و دیگری حج «در سال معین، که بعید نیست نایب مستحق اجرت متعارف حج «باشد.

(اگر نایب حج-خود را فاسد کند یا کفاره بر او ثابت شود)

۱ هر گاه شخصی را برای حج «واجب یا مستحب اجیر کنند و او حج «خود را به جماع قبل از مشعر یعنی بعد از خارج شدن از احرام عمره تمتع و مُحرم شدن برای حج فاسد نماید، واجب است حج «را به آخر برساند و سال بعد حج «نموده و یک شتر نیز کفاره بدهد و در حج «واجب ذمه منوب عنه فارغ نمی شود، مگر این که نایب حج «را به طور صحیح اعاده نماید؛ و اگر نیابت مقید به سال اول نباشد، ظاهر آن است که استحقاق اجرت دارد. و احکام ذکر شده غیر از استحقاق اجرت در حج تبرّعی نیز جاری است. ۲ اگر نایب کاری کند که موجب کفاره باشد مثلاً در حال احرام زیر سایه برود کفاره بر عهده خود اوست، چه نیابت به مزد باشد یا تبرّعی و مجانی.

(قربانی در حج نیابتی)

گوسفند قربانی بر عهده نایب است مگر آن که در قرارداد شرط شده باشد که پول آن را اجیر کننده بپردازد.

(زمان پرداخت اجرت)

وقتی که عقد اجاره بر نیابت واقع شد، اجیر استحقاق اجرت را پیدا می نماید و مالک آن می شود ولی زمان پرداخت آن چند حالت دارد: الف اگر زمان خاصی در ضمن عقد اجاره مشخص شده باشد، پرداخت در آن زمان لازم است. ب اگر زمان خاصی مشخص نشده باشد، با توجه به صفحه : ۷۵ این که معمولاً باید اجرت دریافت شود تا قدرت بر حج «داشته باشد، اجیر می تواند مطالبه اجرت نماید. ج اگر قرینه یا انصرافی بر هیچ زمانی وجود نداشت، پرداخت اجرت به او تا بعد از تمام شدن

اعمال حج واجب نیست.

(کم و زیادی اجرت)

هر گاه مبلغی که به عنوان اجرت، معین شده، کمتر از اجرت متعارف باشد، یا به هر دلیل، برای حج کافی نباشد، بر اجیر گیرنده واجب نیست کمبود را تدارک نماید؛ مگر این که انصرافی در بین باشد که کمی اجرت به عهده یکی از طرفین باشد. و اگر مبلغ زیاد بیاید، اجیر گیرنده نمی تواند زیادی را پس بگیرد، هر چند که بر نایب معین شده، مستحب است زیادی را اگر به علت صرفه جویی نبوده، پس بدهد.

(نیابت یک نفر به جای چند نفر)

نیابت یک نفر به جای چند نفر، جهت اعمال حج، بر چند گونه است: الف در حج مستحبی جایز است یک نفر به جای چند نفر چه با اجرت و چه بدون آن حج نماید. ب در حج واجب، جایز نیست یک نفر از طرف بیش از یک شخص، نیابت نماید و فقط از طرف یک نفر می تواند حج انجام دهد. ج اگر مثلاً دو نفر نذر نموده باشند که به طور شراکت کسی را برای حج بفرستند در این صورت انجام حج از طرف بیش از یک نفر، مانعی ندارد. صفحه: ۷۶

(نیابت چند نفر از طرف یک نفر)

انجام دادن حج توسط چند نفر در یک سال از طرف یک نفر، دارای چند صورت است: الف در حج مستحبی مانعی ندارد که چند نفر هر کدام به طور جداگانه برای یک شخص حج مستحبی به جا آورند. ب در حج واجب اگر چند حج بر یک شخص واجب شده باشد، نیابت چند نفر مانعی ندارد، مثل شخصی که وفات کرده یا قدرت بر مباشرت اعمال ندارد و حجّه الاسلام و حج نذری بر عهده اش باشد. ه: اگر بخواهند برای میت یا زنده غیر متمکن هم حج واجب و هم حج مستحبی به جا آورند نیز تعدد نایب مانعی ندارد. ج در حج واجب، اجیر نمودن دو نفر به جهت احتیاط، از طرف یک نفر مثل این که احتمال بدهند حج یکی از این دو ناقص است، خالی از اشکال نیست مگر به گونه ای باشد که قصد آنها به حج واجب و مستحب منحل باشد.

(نیابت در بعضی از اعمال)

بر اشخاصی که در مکه نباشند یا حاضر باشند ولی متمکن از طواف نباشند و لو با حمل نمودن چه به خاطر ناتوانی یا به سبب عذری دیگر، مثل اغما یا مبطون بودن یا مرضی که با آن طهارتش محفوظ نماند، استنابه در طواف واجب است در صورت یأس از بهبودی در وقت آن.

(نیت نایب در اعمال حج)

باید شخصی که از طرف او نیابت انجام می شود، معین و مشخص باشد و لازم نیست نام او آورده شود اگر چه مستحب است.

(اعمال و احکام حج تمتع)

حج تمتع چنانکه گذشت از دو قسمت تشکیل می شود: عمره تمتع و اعمال حج؛ و کسی که عمره تمتع را انجام دهد، باید اعمال حج را به دنبال آن انجام دهد چه حج او مستحبی باشد و چه واجب، چه نیایی باشد و چه غیر آن. اعمال عمره تمتع از پنج عمل به ترتیب ذیل تشکیل می شود: ۱ احرام در میقات ۲ طواف ۳ نماز طواف ۴ سعی بین صفا و مروه ۵ تقصیر (یعنی گرفتن مقداری از ناخن یا کوتاه کردن مو) و اعمال حج از سیزده عمل به ترتیب ذیل تشکیل می شود: ۱ احرام در مکه مکرمه ۲ بودن در «عرفات» (وقوف عرفات) از اول ظهر روز نهم ذی الحجه تا غروب ۳ بودن در «مشعر» (وقوف مشعر) از طلوع فجر روز صفحہ : ۸۰ عید قربان تا طلوع آفتاب و شب آن بنا بر احتیاط. ۴ زدن سنگ ریزه به «جمره عقبه» در روز عید قربان در منی ۵ قربانی در روز عید در منی ۶ تراشیدن سر یا گرفتن مقداری از مو یا ناخن در منی ۷ طواف ۸ نماز طواف ۹ سعی بین صفا و مروه ۱۰ طواف نساء ۱۱ نماز طواف نساء ۱۲ ماندن شب در منی در شب یازدهم و دوازدهم و برای بعضی افراد شب سیزدهم نیز لازم می شود. ۱۳ زدن سنگ ریزه به «جمره اولی» و «جمره وسطی» و «جمره عقبه» در روز

یازدهم و دوازدهم. و افرادی که شب سیزدهم را در منی مانده باشند، روز سیزدهم نیز رمی می نمایند.

(فاصله و زمان عمره تمتع و اعمال حج)

۱ عمره تمتع باید در ماههای حج: شوال ذی القعدة، ذی الحجه، قبل از اعمال حج واقع شود و اعمال حج در وقت مقرر، یعنی از حدود روز هشتم به بعد شروع و در وقت مقرر یعنی دوازدهم یا سیزدهم ذی الحجه، خاتمه می یابد. ۲ عمره تمتع و اعمال حج تمتع، باید در یک سال به جا آورده شوند و تأخیر اعمال حج تمتع برای سال بعد صحیح نمی باشد. صفحه: ۸۱

(فصل اول احکام و اعمال عمره تمتع)

(عمل اول عمره تمتع: احرام)

اشاره

افرادی مانند اهل ایران و غیر ایشان که شانزده فرسخ یا بیش از آن با مکه معظمه فاصله دارند، معمولاً به یکی از منظوره‌های ذیل مُحرم می شوند: الف احرام برای عمره مفرده ب احرام برای عمره تمتع و بعد از اعمال عمره تمتع احرام برای اعمال حج این سه مورد احرام، از جهت احکام با هم یکسان هستند و فقط از جهت نیت مکان و زمان احرام فرق هایی دارند که احکام خاص هر کدام در جای مناسب ذکر می شود؛ اکنون به توضیح احرام عمره تمتع می پردازیم: (احرام عمره تمتع) اولین عملی که در عمره تمتع صورت می گیرد، «احرام» است. احرام، صفحه: ۸۲ یعنی پوشیدن لباس احرام و نیت و گفتن تلبیه؛ به کسی که این اعمال را انجام داده «مُحرم» می گویند. بعد از احرام، دوری از محرمات احرام بر مُحرم، واجب است و تا اعمال لازم را انجام ندهد، از احرام خارج نمی شود.

(مکان احرام (میقات))

اشاره

جهت مُحرم شدن، مکانهای مشخصی در شرع، تعیین شده است و باید احرام عمره تمتع، از یکی از آنها واقع گردد و این مکانها «میقات» نامیده می شوند. مکان مُحرم شدن با توجه به اختلاف راههایی که حجاج از آنها به طرف مکه معظمه می روند، یکی از این پنج میقات است:

[میقاتهای پنجگانه]

۱- «مسجد شجره» (ذو الحلیفه) مسجد شجره در نزدیکی مدینه واقع شده است و آن میقات کسانی است که بخواهند از راه مدینه به حج بروند؛ پس آن دسته از اهل ایران که به صورت «مدینه قبل» از مدینه به مکه مشرف می شوند، میقات آنها مسجد شجره است. (تأخیر احرام از مسجد شجره) ۱ افرادی که از راه مدینه به مکه مشرف می شوند هر چند میقات دیگری به نام

«جُحْفَه» در سر راه آنان باشد، لکن نمی توانند در حال عبور از ذو الحلیفه بدون عذر احرام را تا جحفه به تأخیر اندازند. ۲
تأخیر احرام از مسجد شجره تا جحفه در وقت ضرورت، جائز است و جواز احرام با این فرض از مسجد شجره و انجام دادن
کار ضروری و سپس کفّاره دادن، محل تامل است، پس احتیاط ترک نشود. صفحه: ۸۳ (احرام در داخل مسجد شجره) ۱ در
صورتی که ممکن باشد، احرام می باید در داخل مسجد، صورت گیرد؛ و در حالت عادی، مُحْرَم شدن در بیرون مسجد یا
محاذات آن، کافی نیست. ۲ احرام در مسجد شجره، احتیاطاً در مکان مسجد قدیم و اصلی صورت گیرد و در صورتی که
قسمت اصلی و قدیمی معلوم نشود، می توانند به نذر مُحْرَم شوند یا به ظن اکتفا نمایند. (اگر ورود

به مسجد ممکن نباشد) اگر در شرایطی امکان ورود به مسجد نباشد، احرام بستن از محاذات کافی است یعنی از طرف راست یا چپ مسجد قدیم. (نحوه مُحرم شدن بانوانی که عذر شرعی دارند) بانوانی که به دلیل عادت ماهیانه (حیض) نمی توانند داخل مسجد شجره توقّف نمایند، احرام آنها به یکی از گونه های ذیل، صورت می پذیرد: ۱ این که با نذر مُحرم شوند، یعنی نذر نمایند که قبل از مسجد مُحرم شوند و احرام آنها صحیح است. ۲ اگر بتوانند بدون توقّف از دربی وارد مسجد شوند و از درب دیگر خارج شوند و در محل اصلی مُحرم شوند، احرام آنها صحیح است. ۳ اگر نتوانند داخل مسجد شجره شوند، در خارج مسجد در محاذات آن مُحرم می شوند و بنا بر احتیاط در جحفه یا محاذی آن، احرام را تجدید می نمایند؛ ولی اگر به علت خواب یا فراموشی، تجدید احرام نکنند در صورتی که نمی توانند به میقات برگردند، همان احرام اول کافی است. توضیح: زنانی که عذر آنها استحاضه است، می توانند در داخل مسجد توقّف نموده و مُحرم شوند ولی نفاس مثل حیض است. صفحه: ۸۴ (۲ «وادی عقیق») وادی عقیق، میقات اهل عراق و نجد و نیز میقات هر کسی است که از آنجا عبور می کند و به حج می رود. این میقات دارای سه قسمت است: ۱ «سلخ» ۲ «غمره» ۳ «ذات عرق». (۳ «جحفه») «جحفه» میقات اهل شام و مصر و مغرب و کسانی که از آنجا عبور می نمایند، می باشد. افرادی که به عنوان «مدینه بعد» از ایران به جدّه می روند، از آنجا به جحفه رفته

و مُحَرَّم می گردند. میقات در جحفه، خصوص مسجد نیست و از هر جای آن می توان مُحَرَّم شد. (۴ «یللم» «یللم» نام کوهی است و میقات اهل یمن و هر کسی است که از آنجا عبور می نماید. (۵ «قرن المنازل») «قرن المنازل»، میقات اهل طائف و دیگر افرادی است که از آنجا عبور می نمایند.

[احکام میقاتها]

(افرادی که از محاذاتِ (میقات عبور می کنند) ۱ افرادی که در مسیر رفتن به حج، از خود میقات عبور نمی نمایند ولی از محاذات آن می گذرند، باید از محاذات اولین و نزدیکترین میقات، مُحَرَّم شوند صفحه : ۸۵ محاذات با میقات اگر خود شخص یقین یا اطمینان داشته باشد یا از پرسیدن اهل محل برایش گمان و مظنه حاصل شود. کافی است. ۲ اگر از هیچ راهی نتوانست علم یا اطمینان یا گمان به محاذات پیدا نماید، جواز احرام از اولین جایی که احتمال محاذات می دهد و تجدید آن در نزدیکترین میقات به مکه، محتمل است و بنا بر احتیاط باید اگر می تواند به میقات برود یا به جایی که محاذات به گونه مذکور در مسأله قبل برایش معلوم شود. (افرادی که از میقات یا محاذات آن، عبور نمی کنند) افرادی که در حج از میقات یا محاذی آن عبور نمی کنند، مکان احرام آنها یکی از محلهای زیر است: ۱ مکه مکرمه، محل احرام اهل مکه و نیز مکان احرام برای حج تمتع است. ۲ منزل خود شخص، محل احرام برای کسی است که منزل او از میقات به مکه نزدیکتر باشد. (مُحَرَّم شدن به وسیله نذر) ۱ گذشتن از

میقات بدون احرام جایز نیست ولی مقدّم نمودن آن بر میقات به وسیله نذر جائز است؛ یعنی هر کسی می تواند نذر نماید که جلوتر مُحرم شود در این صورت اگر نذر او مطلق جلوتر مُحرم شدن باشد، در هر جا که خواست می تواند مُحرم شود و اگر نذر نموده باشد از مکان خاصی مُحرم شود، از همان مکان مُحرم می شود و نیاز به تجدید ندارد و حتی اگر با احرام نذری از میقات هم عبور نکند مانعی ندارد. ۲ چنانکه کسی که نذر نموده از میقات جلوتر مُحرم شود، به نذر خود عمل نکند، اگر چه کفّاره عمل نکردن به نذر بر او ثابت می شود ولی احرام او در میقات صحیح است. صفحه: ۳۸۶ کسی که جلوتر از میقات مُحرم می شود، باید از محرمات احرام دوری نماید. (ثابت شدن میقات) ۱ برای تشخیص مکان دقیق میقات بنا بر احوط و اقوی، تحصیل علم لازم است؛ و اگر علم ممکن نباشد، اکتفا به گمانی که از پرسیدن اهل اطلاع به این اماکن حاصل شود، بعید نیست ۲ اگر به هیچ وجه برای او علم و اطمینان یا گمان حاصل نشود، می تواند با نذر جلوتر از میقات مُحرم شود. (گذشتن از میقات بدون احرام با عذر و از روی سهو) اگر کسی به خاطر عُذری، مانند بیماری یا فراموشی، یا ندانستن مسأله یا میقات در صورتی که ندانستن از روی تقصیر نباشد بدون احرام از میقات عبور نماید، یا بعد از عبور از میقات بفهمد احرامش باطل بوده چند صورت دارد: ۱ اگر بتواند به

میقات برگردد، واجب است برگردد و از آنجا مُحرم شود. ۲ اگر نتواند به میقات برگردد: الف اگر به محدوده حرم نرسیده باشد، از همان جا مُحرم شود. ب و اگر به محدوده حرم رسیده باشد، چنانچه بتواند از حرم خارج شود، باید خارج شود و مُحرم شود؛ و در این دو صورت بنا بر احتیاط واجب، هر قدر می تواند به نحوی که حج از او فوت نمی شود از حرم فاصله بگیرد. و اگر نتواند از حرم خارج شود، از همان جایی که هست صفحه: ۸۷ مُحرم می شود، هر چند وارد مکه شده باشد. تذکر: خانمی که حائض بوده و مسأله را نمی دانسته و بدون احرام از میقات عبور نموده بر طبق مسأله بالا عمل می نماید. (انجام دادن عمره بدون احرام) اگر از روی عذر مثل ندانستن مسأله یا فراموشی، عمره را بدون احرام به جا آورد، بعضی از فقها فرموده اند: «عمره وی صحیح است»، ولی این فرمایش، خالی از تاقل نیست و احوط بطلان آن است. (گذشتن از میقات بدون احرام عمداً) هر گاه کسی عمداً بدون عذرِ موجه از میقات بدون احرام عبور نماید و برگشتن به میقات برایش ممکن نباشد بنا بر احتیاط باید به وظیفه شخصی که با عذر احرام را ترک نموده که در مسأله ۲۷۳ به بعد بیان شد عمل نماید، و سپس قضا کند. (بازگشتن به قبل از میقات بعد از احرام) افرادی که در میقات مُحرم شده اند، اگر خواسته باشند می توانند به ما قبل میقات بازگردند و بعد از مدتی برای انجام دادن اعمال به مکه بروند، ولی باید از محرّمات احرام دوری نمایند؛

پس افرادی که در مسجد شجره مُحرم می شوند می توانند به هر جهتی به مدینه منوره مراجعت و سپس به مکه مکرمه مشرف شوند. (غسل و وضو و پاک بودن بدن برای احرام لازم نیست) کسی که می خواهد مُحرم شود، لازم نیست که طهارت از حدث داشته باشد، یعنی اگر جُنُب یا حائض یا مستحاضه یا نفساء باشد یا وضو نداشته باشد، احرام او صحیح است؛ و اگر بدن او پاک هم نباشد، ضرری به صفحه : ۸۸ صحت احرام وارد نمی کند، و حکم پاک بودن لباس احرام خواهد آمد. (لزوم خروج از احرام برای احرام بعد) ۱ کسی که برای عمره مُحرم شده است، باید با انجام اعمال آن از احرام خارج شود تا بتواند برای عمره تمتع مُحرم شود؛ در این فرض اگر ممکن باشد باید برای احرام عمره تمتع به میقات بازگردد. ۲ اگر کسی بدون این که از احرام خارج شود، عمداً یا سهواً مجدداً مُحرم شود، احرام دوّم لغو و بی اثر است.

(واجبات احرام)

اشاره

واجبات احرام سه چیز است: «پوشیدن لباس احرام (بر مردان)»، «نیت» و «تلبیه»

(واجب اول احرام: پوشیدن جامه احرام)

۱ یکی از واجبات احرام بر مردان آن است که دو جامه بر تن نمایند به این گونه که یکی را دور کمر ببندد و دیگری را روی دوش ببندد. ۲ صحت احرام، متوقف بر پوشیدن جامه احرام نیست؛ هر چند پوشیدن آن، بر مردان واجب و ترک آن معصیت است. ۳ پوشیدن لباس احرام قبل از نیت و تلبیه واجب است و اگر کسی بعد از نیت و تلبیه، لباس احرام را به پوشد بنا بر احتیاط تلبیه و نیت را اعاده کند. ۴ پوشیدن بیش از دو جامه، مانعی ندارد. ۵ پوشیدن لباس احرام بر بانوان واجب نیست و می توانند در لباسهای عادی خودشان هم مُحرم شوند و بنا بر احتیاط لباس آنها در حال احرام پاک باشد. صفحه : ۶۸۹ در پوشیدن لباس احرام، نیت و قصد امتثال فرمان الهی لازم است. ۷ گذاردن سنگ در جامه احرام و بستن آن با نخ و امثال آن، مانعی ندارد ولی بنا بر احوط از گره زدن جامه احرام خودداری شود. (مشخصات لباس احرام) ۱ آن چه دور کمر بسته می شود، به اندازه ای باشد که از ناف تا زانو را به پوشاند و آن چه روی دوش انداخته می شود به اندازه ای باشد که روی دو شانه را به پوشاند به گونه ای که «رداء» بر آن صادق باشد. ۲ آن چه دور کمر بسته می شود، بدن نما نباشد و هم چنین است بنا بر احتیاط آن چه روی دوش انداخته می شود. ۳ بنا بر احوط مجموع شرایطی که برای لباس نمازگزار

شرط شده، دارا باشد از جهت پاک بودن و زر بافت و حریر خالص نبودن و امثال آن. ۴ لباس احرام نباید دوخته شده باشد و پوشیدن لباس دوخته هنگام احرام، هر چند جایز نیست و با عمد موجب کفاره است ولی به صحت احرام، ضرر نمی زند. (در آوردن جامه احرام) واجب نیست که جامه های احرام همیشه در تن باشد بلکه در آوردن آنها و نیز عوض کردن آنها، مانعی ندارد. (نجس شدن لباس احرام یا بدن) اگر جامه احرام بعد از احرام بستن، نجس شود، احوط این است که هر چه زودتر تبدیل یا تطهیر نماید و چنانچه بدن نجس شود بنا بر اظهر تطهیر آن از جهت احرام لازم نیست.

(واجب دوم احرام: نیت)

نیت یعنی انجام هر عمل با قصد و کسی که قصد دارد برای خدا مُحرم صفحه : ۹۰ شود برای انجام دادن اعمال عمره تمتع، و قصد ترک محرمات احرام را داشته باشد، نیت از او محقق شده و واجب نیست آن را بر زبان آورد ولی اگر بخواهد آن را بر زبان بیاورد می تواند این جمله را بگوید: «مُحرم می شوم به نیت عمره تمتع از حج واجب یا مستحب قربهً إلى الله». ۱ اگر کسی اعمال عمره و حج را به صورت کامل نداند و بتواند قبل از هر عمل آن را یاد بگیرد، یا کسی او را راهنمایی کند و نیت او مُحرم شدن برای انجام دادن اعمالی باشد که بر عهده اوست، کفایت می کند. ۲ در احرام علاوه بر قصد قربت، لازم است که نوع احرام را مشخص نماید که برای عمره است

یا حج، برای حج واجب است یا مستحب یا نذری و امثال آن. ۳ شخصی که می خواهد حج تمتع به جا آورد باید به نیت احرام عمره تمتع مُحرم شود و اگر قبل از مُحرم شدن می داند که محتاج به بیرون رفتن از مکه می شود، می تواند اول به عنوان عمره مفرده مُحرم شود و اعمال آن را انجام دهد و از مکه خارج شود و مجدداً به نیت عمره تمتع از میقات مُحرم شود و فاصله شدن یک ماه معتبر نمی باشد. ۴ در تمام اعمال عبادی اعم از نماز روزه حج و غیر آن، جاری کردن نیت بر زبان و حتی گذراندن آن از ذهن، لازم نیست بلکه همین که کار شخص با قصد و داعی باشد کافی است.

(واجب سوّم احرام «تلبیه»)

۱ بعد از پوشیدن جامه احرام و نیت نمودن، با گفتن تلبیه، احرام محقق می شود. تلبیه عبارت است از: «لَبَّيْكَ - اللَّهُمَّ - لَبَّيْكَ» لَبَّيْكَ لا شَرِيكَ - لَكَ - لَبَّيْكَ». و بنا بر احتیاط این جمله بدان اضافه شود: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ - وَالْمُلْكَ - لا شَرِيكَ - لَكَ لَبَّيْكَ» صفحه : ۹۱ و جائز است تکرار کلمه «لَكَ» بعد از «و الملک» و ترک تکرار، مطابق اکثر روایات است. و مضمون معنای آن این است: «پروردگارا با کمال میل، دعوت و فرمان تو را اجابت و اطاعت می کنم، برای تو شریکی نیست، به درستی که ستایش تو را سزااست و نعمت و پادشاهی از آن تو است، شریکی برای تو نیست». ۲ گفتن تلبیه بیش از یک مرتبه واجب نیست ولی تکرار آن استحباب دارد. (افرادی که قادر بر گفتن صحیح تلبیه

نیستند) ۱ کسی که می خواهد مُحرم شود لازم است که الفاظ تلبیه را یاد گرفته و به طور صحیح ادا نماید و اگر کسی نمی تواند تلبیه را صحیح ادا کند، دیگری به او تلقین نماید؛ و اگر تلقین هم ممکن نشد، آن چه می تواند بگوید، و ترجمه فارسی را به آن ضمیمه نماید. و احتیاط مستحب در این صورت، جمع بین گفتن به مقداری که می تواند و گفتن ترجمه و نائب گرفتن است. ۲ شخص گنگ و لال همراه با نیت قلبی، با انگشت خود برای تلبیه اشاره می نماید و زبان خود را حرکت می دهد و اگر این کار ممکن نباشد، نائب بگیرد. ۳ هر گاه بخواهند شخص دیوانه یا بچه غیر ممیزی را مُحرم نمایند اگر خودشان قادر بر گفتن تلبیه نباشند، دیگری به جای آنها تلبیه می گوید. (شک در تلبیه) ۱ اگر کسی بعد از پوشیدن لباس احرام و قبل از گذشتن از میقات، شک نماید که تلبیه را گفته یا نه، باید بنا بگذارد بر این که تلبیه نگفته و تلبیه بگوید. صفحه : ۹۲ تا ۱۰۲ اگر بعد از گفتن تلبیه، شک کند که آن را درست گفته یا نه، بنا بگذارد که درست گفته و احرام و عمل او صحیح است. ۳ اگر بعد از گذشتن از میقات شک نماید که تلبیه گفته یا نه، بنا بگذارد که تلبیه گفته است. (زمان قطع تلبیه) ۱ کسی که برای عمره تمتع مُحرم شده است، هنگامی که چشمش به خانه های مکه افتاد، تلبیه را قطع می نماید. ۲ کسی که برای عمره مفرده، مُحرم شده است

اگر از خارج حرم آمده باشد، هنگام داخل شدن حرم تلبیه را قطع می نماید؛ و چنانچه برای احرام عمره، از مکه بیرون رفته هنگام دیدن خانه خدا، تلبیه را قطع می نماید. ۳ کسی که برای حج مُحرم شده است، هنگام ظهر روز عرفه، تلبیه را قطع می نماید. (حج و احرام اطفال و کودکان) ۱ جائز است که شخص نابالغ مُحرم شود، یا دیگری او را مُحرم نماید، و اگر به گونه صحیحی مُحرم شد، باید با انجام اعمال به نحو صحیح، از احرام خارج شود و گر نه به حالت احرام باقی می ماند، و محرمات احرام بر وی حلال نمی شود. ۲ شخص غیر بالغ بر دو گونه است: الف اگر به حدی رسیده که «ممیز» باشد، می تواند خودش مُحرم شود؛ ولی اگر مُحرم شدن او موجب تصرف در مال باشد بنا بر احوط اجازه ولی او، معتبر است. صفحه: ۹۳ ب اگر غیر ممیز باشد، ولی او، احرام و دیگر اعمال او را بر عهده می گیرد، لباسهای احرام را به او می پوشاند، و اگر خود طفل بتواند، تلبیه می گوید هر چند با تلقین؛ و گر نه ولی او به جای او تلبیه می گوید، و او را از محرمات احرام باز می دارد، و اعمالی را که خودش می تواند، به جا می آورد و ولی او از طرف او نیت می نماید، و هر عملی را که خود طفل نمی تواند انجام دهد، ولی او به نیابت از او انجام می دهد و هم چنین است رمی جمرات؛ و اگر ممکن باشد که سنگ ریزه را در دست طفل قرار دهد و ولی او به آن کیفیت رمی نماید، احوط است.

و نیز اگر ممکن باشد که در حال طواف، هر دو طاهر باشند و نماز طواف را هر دو بخوانند، احوط است. ۳ آن چه از هزینه حج کودک که ما زاد بر نفقه عادی اوست، بر عهده ولی اوست، بلی اگر حفظ کودک متوقف بر بردن اوست، جائز است از مال خود او برایش خرج نمایند. ۴ چنانچه کودک به وسیله ولی «مُحرم شود، پول قربانی او بر ولی «است؛ و هم چنین بر اوست کفّاره در آن چه که عمد و خطاً آن کفّاره دارد، بلکه ثبوت سایر کفّارات عمدی بر ولی « خالی از وجه نیست.

(مستحبات احرام)

احرام دارای مستحباتی است از قبیل غسل و غیر آن که در بخش آداب صفحه : ۹۴ و مستحبات در قسمت پایان کتاب ذکر می گردد.

(محرمات احرام)

اشاره

هر گاه کسی مُحرم شود، چیزهایی بر او حرام می شود که «محرمات احرام» نامیده می شوند و باید از آنها اجتناب نماید. محرمات احرام بر چند گونه است: الف محرماتی که بر همه اعم از زن و مرد حرام است. ب محرماتی که فقط بر مردان حرام است. ج محرماتی که فقط بر زنان حرام است. مجموع محرمات ذکر شده، عبارتند از: ۱ شکار حیوان صحرائی ۲ امور زناشویی ۳ استمناء ۴ عقد نکاح و شهادت بر آن ۵ استعمال بوی خوش ۶ پوشیدن لباس دوخته بر مردان ۷ سرمه کشیدن ۸ نگاه در آینه ۹ پوشیدن چکمه و جوراب بر مردان ۱۰ دروغ و دشنام ۱۱ قسم خوردن به لفظ جلاله «الله» ۱۲ کشتن و انداختن جانوران بدن ۱۳ زینت نمودن ۱۴ مالیدن روغن به بدن صفحه : ۹۵ ۱۵ جدا نمودن مو از بدن ۱۶ پوشانیدن سر بر مردان ۱۷ پوشاندن رو بر زنان ۱۸ زیر سایه رفتن برای مردان ۱۹ بیرون آوردن خون از بدن ۲۰ ناخن گرفتن ۲۱ برداشتن سلاح ۲۲ کندن درخت و گیاه حرم (تذکر: بعضی از محرمات مانند صید و کندن درخت و گیاه بر همه افرادی که در محدوده حرم باشند چه مُحرم باشند و چه مُحرم نباشند، حرام است.

(کفّارات احرام با علم و عمد ثابت می شوند)

۱ اگر کسی محرمات احرام را با علم و عمد مرتکب شود، در برخی موارد بر او کفّاره ثابت می شود که توضیح آن خواهد آمد. ۲ اگر کسی سهواً و از روی فراموشی یا ندانستن مسأله، محرمات احرام را مرتکب شود بر او کفّاره ثابت نمی شود مگر در «صید» که در هر صورت کفّاره دارد.

(توضیح محرمات احرام)

(اول: شکار حیوان صحرائی) ۱ شکار نمودن در حرم و کمک به شکار، برای مُحرم و غیر او جایز نیست. صفحه : ۹۶ ۲ در

حال احرام نگهداری شکار و لو قبل از احرام شکار شده باشد و نیز خوردن از گوشت شکار هر چند شکار کننده آن مُحرم نباشد، جائز نیست. ۳ شکار نمودن حیوان دریایی که تخم و جوجه هر دو در دریا کند مانند ماهی و نیز ذبح حیوانات اهلی و مرغ خانگی و گوسفند و امثال آن، مانعی ندارد. ۴ ملخ، جزء حیوان صحرائی است و کشتن و خوردن آن جائز نیست. (حکم حیوانات موذی) ۱ هر حیوانی که انسان از وی بر خود بترسد، کشتن آن جایز است؛ پس کشتن امثال مار و عقرب، مانعی ندارد. ۲ کشتن پشه و امثال آن اگر باعث اذیتی شوند که عرفاً قابل تحمّل نباشد، جائز است. کفاره: (دوم: امور زناشویی) در حال احرام دوری از امور مربوط به زناشویی و التذاذ، واجب است و این امور چند گونه اند: گونه (۱): نزدیکی نمودن به هر نحو که باشد، در اثنای عمره تمتع، و یا عمره مفرده و نیز در حج پیش از به جا آوردن نماز طواف نساء، بر شخص مُحرم، حرام است. اگر در

حال عمره واقع شود اگر شخصی در حال عمره از روی علم و عمد به هر نحو نزدیکی نماید صفحه : ۹۷ الف اگر بعد از تمام نمودن سعی بین صفا و مروه باشد، عمره فاسد نمی شود ولی کفّاره بر او واجب می شود و کفّاره اش یک شتر است. ب اگر این عمل پیش از سعی واقع شود، عمره اش نیز فاسد است ولی باید عمره را تمام کند و اعاده نماید؛ و اگر عمره تمتّع باشد، پیش از اعمال حج، باید آن را به جا آورد و اگر وقت تنگ باشد، حج او تبدیل به «حج افراد» می شود و بعد از آن عمره مفرده به جا می آورد و احوط اعاده حج است در سال آینده. اگر قبل از وقوف مشعر واقع شود الف اگر این عمل با علم و عمد و با رضایت هر دو واقع شده باشد، حج هر دو فاسد می شود و باید حج را تمام نمایند و کفّاره دهند و حج را در سال آینده اعاده نمایند، چه حجشان واجب و چه مستحب باشد یا از طرف خودشان باشد یا نائب باشند. ب اگر زن مجبور بر این عمل بوده، حج او فاسد نمی شود و بر مرد دو کفّاره ثابت می شود و بر زن چیزی نخواهد بود. (کفّاره: کفّاره) این عمل در صورت دارائی یک شتر و در صورت متوسط بودن یک گاو و در صورت فقر، یک گوسفند است. تذکر: بنا بر احتیاط لازم است در آن حج و حجّی که سال بعد انجام می دهند از محل وقوع این عمل تا پایان مناسک و نیز در بازگشت تا

رسیدن به آن موضع بین زن و مرد جدایی باشد، ولی اگر از راه دیگری بازگردند، ظاهراً تفریق مطلقاً لازم نیست. صفحه : ۹۸

اگر بعد از وقوف مشعر واقع شود الف اگر این کار از روی علم و عمد پیش از طواف نساء بلکه قبل از اكمال دور سوم آن واقع شود، کفّاره بر او واجب می شود ولی حج فاسد نمی شود و هم چنین است بنا بر احتیاط اگر پیش از اكمال دور پنجم باشد. ب اگر بعد از دور پنجم طواف نساء، این عمل واقع شود، حج او صحیح است و بنا بر اظهر و اشهر کفّاره هم ندارد اگر چه احتیاط مستحب در کفّاره دادن است. اگر در عمره مفرده واقع شود الف اگر این کار از روی علم و عمد بعد از سعی واقع شود، عمره اش صحیح است، ولی کفّاره بر او واجب می شود. ب اگر قبل از سعی باشد، عمره اش فاسد است و کفّاره باید بدهد و ظاهر فتاوی اصحاب این است که عمره تمتع نیز چنین است و همین موافق احتیاط است. و لازم است علی الاحوط که همان عمره فاسد شده را تمام نماید و بعد از آن اعاده کند. (تذکر مهم:) در تمامی موارد گذشته اگر این کار سهواً یا از روی جهل واقع شود، عمره و حج، صحیح است و کفّاره هم ندارد و این حکم در تمامی محرمات احرام جاری است مگر صید. (گونه (۲):) ۱ شخص مُحرم، جایز نیست که زن خود را از روی شهوت ببوسد و چنانچه این کار واقع شد و منی هم خارج شد، یک شتر کفّاره دارد؛

و اگر خارج نشد، یک شتر بنا بر احتیاط کفّاره بدهد. و اگر بوسیدن زن، از روی شهوت نباشد، بنا بر احوط یک گوسفند کفّاره دارد؛ و احوط بلکه ظاهر صفحه : ۹۹ این است که این حکم در بوسیدن اجنبیه هم جاری است. ۲ اگر شخصی که از احرام خارج شده، زن خود را که هنوز از احرام خارج نشده ببوسد اگر چه زن راضی نباشد بنا بر احتیاط باید یک گوسفند کفّاره دهد. (گونه (۳):) لمس کردن بدن هم سر بدون شهوت مانعی ندارد و با شهوت بدون این که منی خارج شود، یک گوسفند کفّاره دارد و با خروج منی باید یک شتر کفّاره دهد. (گونه (۴):) ۱ هر گاه مُحرم از روی شهوت به زن خود نگاه کند و منی بیرون آید، باید یک شتر کفّاره بدهد؛ و اگر از روی شهوت نگاه کند ولی منی بیرون نیاید، یا بدون شهوت نگاه کند و منی بیرون بیاید، کفّاره ندارد. ۲ اگر به نحو حرام به زن اجنبی نگاه کند و منی خارج شود بنا بر احوط یک شتر کفّاره دارد اگر دارا باشد؛ و اگر وضع او متوسط باشد، یک گاو؛ و اگر فقیر باشد، یک گوسفند کفّاره بدهد؛ و اگر منی خارج نشود، حرام مرتکب شده ولی علی الاظهر کفّاره ندارد. ۳ هر گاه مُحرم با هم سر خود ملاحظه و شوخی نماید و منی خارج شود، لازم است یک شتر کفّاره بدهد. (سوم: «استمناء») استمناء به هر نحوی که صورت گیرد بر مُحرم حرام است، و یک شتر صفحه : ۱۰۰ کفّاره دهد و بعضی آن را باعث فساد

حج دانسته اند و این قول در مورد استمنایی که در حال غیر احرام نیز حرام است، احوط است. (چهارم: عقد نکاح) ۱ ازدواج و عقد نمودن در حال احرام برای خود یا دیگری، حرام است، چه آن دیگری در حال احرام باشد یا نه، و چه عقد دائمی باشد یا غیر آن. ۲ اگر در حال احرام، عقدی واقع شد، دارای چند صورت است: الف اگر شخصی که مُحرم است برای خود زنی را عقد نماید، در صورتی که علم به حرمت داشته باشد، حرمت ابدی برای او حاصل می شود، یعنی هیچ گاه نمی تواند با آن زن ازدواج نماید. ب هر گاه شخصی زنی را برای شخص مُحرم عقد نماید و شوهر با آن زن نزدیکی کند و علم به حرمت داشته باشند، بر هر کدام یک شتر واجب می شود و بر زن نیز واجب می شود اگر علم به حرمت داشته است. ۳ شاهد شدن در مجلس عقد، بر مُحرم حرام است و نیز بنا بر احتیاط گواهی دادن بر عقدی که قبلاً واقع شده، جائز نیست اگر چه قبل از احرام شاهد بر آن بوده است. (پنجم: استعمال بوی خوش) ۱ استعمال بوی خوش و انواع عطر و موادی که مانند زعفران، بوی خوش دارند، چه به نحو بوییدن یا خوردن و یا مالیدن، بر مُحرم حرام صفحه: ۱۰۱ است و همچنین است پوشیدن لباسی که بوی خوش در آن باشد، لکن حرمت در غیر طیب مسَلَّم الحرمه مانند روغنهای خوشبو که برای طیب استعمال می شود و مسک و زعفران و عنبر و

کافور و ورس، معلوم نیست بلکه جواز آن شَمّاً و استعمالاً خالی از وجه نیست احوط دوری از هر بوی خوشی است. ۲ خوردن و بوییدن میوه های خوشبو مثل «سیب» و «به» مانعی ندارد. و نیز بوییدن «خلوق» که عطری مخصوص است که به کعبه معظّمه می مالند، مانعی ندارد. ۳ گرفتن بینی از بو، دو حالت دارد: الف اگر مُحرّم محتاج شود به خوردن یا پوشیدن هر طیب که استعمال آن حرام است بینی خود را بگیرد. ب شخص مُحرّم بنا بر اقوی نباید بینی خود را از بوی بد بگیرد، بلی تند رفتن برای فرار از آن مانعی ندارد. (کفّاره:) کفّاره استعمال بوی خوش بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند است. (ششم: پوشیدن لباس دوخته بر مردان) پوشیدن اشیای ذیل بر مرد محرم حرام است: پوشیدن لباسهای متعارف، مثل پیراهن و عبا و شلوار؛ هر لباسی که دکمه دار باشد؛ هر لباسی که آستین دار باشد هر چند دوختنی یا بافتنی نباشد؛ هر لباسی که به هر نحوی دوخته باشد هر چند کم باشد، بنا بر احوط. ساعتی که بند آن دوخته باشد؛ صفحه: ۱۰۲ پوشیدن دمپایی دوخته شده. پوشیدن کفش دوخته شده، بنا بر احتیاط. (مواردی که استعمال دوختنی حرمت ندارد) به کمر بستن و همیانی که در آن پول گذاشته می شود بنا بر اظهر. پوشیدن فتق بند دوخته برای کسی که به آن نیاز دارد، ولی احتیاطاً کفّاره دارد. استفاده از دست و پای مصنوعی اگر پوشش صدق ننماید. لحاف یا پتو جهت استفاده برای خواب، ولی سر را نپوشاند. (گره زدن لباس احرام و وصل آن

به هم) احوط ترک گره زدن لباس احرام است و لو بعض آن به بعض دیگر باشد؛ و به وسیله مثل چوب و سنجاق و سوزن نیز بعض آن را به بعض دیگر وصل نکند ولی گذاردن سنگ و امثال آن و بستن آن با نخ و کش و مثل آن، مانعی ندارد. تذکر: پوشیدن لباس دوخته به هر نحوی که باشد، برای زنان مانعی ندارد، مگر دستکش «قفازین». (کفّاره: کفّاره پوشیدن لباس دوخته از روی علم و عمد، یک گوسفند است هر چند پوشیدن آن ضروری باشد؛ مگر کسی که جامه ای را که دور کمر می بندند ندارد که در این صورت اگر به جای آن شلوار به پوشد، در وجوب کفّاره تأمّل است. صفحه: ۱۰۳ (هفتم: سرمه کشیدن) سرمه کشیدن در حال احرام، دارای دو صورت است: الف کشیدن سرمه سیاه به قصد زینت یا با صدق تزین، حرام است ولی بدون قصد زینت برای مداوا مانعی ندارد. ب احتیاط در ترک استعمال سرمه ای است که سیاه نباشد با قصد زینت و نیز احتیاط در ترک سرمه ای است که بوی خوش در آن باشد، ولی اگر سرمه، سیاه نباشد و بوی خوش در آن نباشد، بدون قصد زینت، استعمال آن مانعی ندارد. (کفّاره: سرمه کشیدن کفّاره ندارد. (هشتم: نگاه در آئینه) ۱ نگاه کردن در آئینه اگر: الف جهت زینت باشد حرام است؛ ب و اگر نگاه کردن به آئینه به منظور زینت نباشد، مانند مرضی که به نگاه کردن نیاز دارد، یا نگاه کردن راننده در آئینه ماشین برای دیدن عقب و امثال آن، مانعی ندارد. ۲ عینک

زدن بدون قصد زینت برای زن و مرد بنا بر اقوی مانعی ندارد. ۳ نگاه کردن در اجسام صیقلی غیر از آئینه، مانند شیشه و غیر آن، مانعی ندارد. (کفّاره: نگاه در آینه کفّاره ندارد. (نهم: پوشاندن تمام روی پا برای مردان) ۱ پوشیدن چکمه و جوراب بر مرد مُحرم، حرام است؛ و احوط ترک پوشیدن هر چیزی است که تمام پشت پا را به پوشاندن و لو این که مانند صفحه: ۱۰۴ چکمه و جوراب نباشد با صدق پوشیدن؛ ولی پوشاندن پشت پا بدون صدق پوشش مانعی ندارد. ۲ اگر برای مرد مُحرم، دمپایی و امثال آن که روی پا را نمی پوشاند، پیدا نشد و پوشیدن چکمه و جوراب ضروری شد، احتیاط مستحب آن است که روی آن را بشکافد. (کفّاره: ندارد. (دهم: دروغ و دشنام) ۱ دروغ و دشنام حرام، حرمت آن در حال احرام شدیدتر است. ۲ فخرفروشی برای اثبات برتری خود و امثال آن اگر موجب اهانت به دیگران شود، این عمل فی حد نفسه حرام است و اگر موجب نشود، حرام نیست. (کفّاره: ندارد. (یازدهم: قسم خوردن به لفظ جلاله «الله») ۱ قسم خوردن به لفظ جلاله «و الله» و «بالله» و نیز «لا و الله» و «بلی و الله» که به آن «جدال» گفته می شود، بر مُحرم حرام است. ۲ چند مورد از حرمت قسم خوردن، استثناء شده است: الف اگر به وسیله قسم خوردن حقی ثابت شود یا باطلی از بین برود، قسم خوردن مانعی ندارد. ب اگر قصد او قسم خوردن نباشد، بلکه غرض دیگری داشته باشد، مانند اظهار محبت یا تعظیم،

مثل این که بگوید: «تو را به خدا از این غذا میل کن» مانعی ندارد. صفحه: ۱۰۵ (کفّاره قسم خوردن) الف اگر قسم او برای سخن راست باشد و از دو مرتبه نگذشته باشد، کفّاره ندارد و باید استغفار نماید. ب اگر از دو مرتبه بیشتر قسم خورده باشد به صورت پی در پی، یک گوسفند کفّاره دارد؛ و اگر پی در پی نباشد، وجوب کفّاره مورد تأمّل است. ج اگر قسم او برای سخن دروغ باشد، در یک مرتبه یک گوسفند؛ در مرتبه دوم به صورت پی در پی بنا بر احتیاط یک گاو و بلکه خالی از وجه نیست؛ و در سه مرتبه پی در پی، تخیر میان گاو و شتر، خالی از وجه نیست. و در صورتی که پی در پی نباشد و در بین آنها کفّاره نداده باشد اثبات این کفّاره محل تأمّل است در صورتی که قسم خوردن، جائز باشد، علی الاظهر کفّاره ندارد. (دوازدهم: کشتن و انداختن جانوران بدن) ۱ حرمت کشتن شپش و انداختن آن از بدن و لباس مُحرم، خالی از وجه نیست؛ و جایز کردن آن اگر موجب افتادن آن نشود، مانعی ندارد؛ و در غیر شپش مثل کک حرمت کشتن آنها موافق احتیاط است و تاراندن آنها جائز است. (کفّاره: کفّاره کشتن یا انداختن شپش، بنا بر احتیاط واجب، دادن یک مشت طعام به فقیر است. (سیزدهم: زینت نمودن) ۱ به دست کردن انگشتر به قصد زینت، بر مُحرم حرام است؛ ولی به قصد استحباب مانعی ندارد. ۲ حنا بستن اگر برای زینت باشد، جواز آن مورد تأمّل است؛ ولی اگر

صفحه : ۱۰۶ قبل از احرام حنا ببندد به طوری که اثر آن تا حال احرام باقی بماند بنا بر اظهر مانعی ندارد. ۳ آرایش کردن زنان و رنگ کردن موها و مالیدن کرم به بدن جهت زینت در حال احرام، جایز نمی باشد. ۴ پوشیدن زیور و طلاجات به قصد زینت بر بانوانِ مُحَرَّم، حرام است ولی پوشیدن زیوری که پیش از احرام عادت به پوشیدن آن داشته، مانعی ندارد ولی نباید آن را به شوهر خود و دیگر مردان نشان دهد. (چهاردهم: مالیدن روغن به بدن) ۱ مالیدن روغن به بدن هر چند خوشبو هم نباشد علی الاقوی جایز نیست مگر لازم و ضروری باشد. ۲ مالیدن روغن به بدن اگر بوی خوش داشته باشد، قبل از احرام هم به نحوی که قطعاً تا حال احرام بوی آن می ماند جایز نیست؛ و اگر مالید در صورت امکان، باید صبر کند تا بوی آن از بین برود. (کفّاره: اگر روغن بوی خوش داشته باشد کفّاره آن یک گوسفند است هر چند برای ضرورت مالیده باشد علی الاحوط؛ و اگر بوی خوش نداشته باشد، کفّاره ندارد. (پانزدهم: جدا نمودن مو از بدن) ۱ شخصی که مُحَرَّم است نباید موی خود یا دیگری را هر چند یک مو باشد، جدا کند، چه این که آن دیگری مُحَرَّم باشد و یا نباشد؛ و چه به وسیله ماشین برقی باشد یا دست یا غیر آن. ۲ کندن مو در موارد ضرورت، استثنا شده است مثل این که: اگر موجب زیاد شدن جانورانی مثل شپش شود؛ صفحه : ۱۰۷ بلندی مو موجب

سر درد و یا ناراحتی دیگر شود یا مثلاً در چشم باشد. ۳ آن چه خود به خود کنده می شود به سبب وضو و غسل مانعی ندارد و اظهر در آن عدم وجوب فدیة است. ۴ خاراندن بدن و سر به طوری که مویی نیافتد، مانعی ندارد. (کفّاره: کفّاره کردن و تراشیدن مو بر چند گونه است: الف اگر سر خود را بتراشد چه ضروری باشد و چه نباشد، کفّاره اش یک گوسفند است، یا سه روز روزه، یا سیر کردن ده فقیر اگر چه سیر کردن به بیش از یک مد باشد بنا بر احتیاط ولی کمتر از یک مد ندهد. ب اگر موی زیر هر دو بغل خود را بکند، کفّاره اش بنا بر اقوی یک گوسفند است و اگر موی یک طرف را بکند، سه فقیر را طعام دهد. ج اگر با عدم اطمینان به افتادن مو به سر و صورتش دست بکشد، و چیزی از مو بیافتد، باید یک مشت طعام به فقیر بدهد. (شانزدهم: پوشانیدن سر بر مردان) ۱ پوشانیدن سر یا قسمتی از آن و نیز سر را به زیر آب فرو بردن، جایز نیست و هم چنین است پوشانیدن گوشها. و گذاردن و حمل کردن چیزی روی سر، بنا بر احتیاط جائز نیست و هم چنین است فرو بردن سر در غیر آب از مایعات دیگر. ۲ مواردی از حرمت پوشانیدن سر، استثنا شده، یا پوشانیدن صدق نمی کند صفحه: ۱۰۸ الف بستن دستمال به جهت سر درد و نیز انداختن بند مشک؛ ب گذاردن سر روی بالش

و لو این که قسمتی از سر در آن داخل شود؛ ج دوش گرفتن؛ د خشک نمودن سر البته اگر این کار را به تدریج انجام دهد. ۳
احوط و اولی ترک پوشانیدن سر به وسیله اعضای بدن مانند دست است در غیر موارد ضرورت عرفی یا شرعی، مثل وضو و
غسل اگر چه مستحب باشد اگر چه جواز خالی از وجه نیست. ۴ بر سر داشتن موی مصنوعی در حال احرام، اشکال دارد.
(کفّاره: کفّاره پوشاندن سر، یک گوسفند است؛ و اگر پوشاندن تکرار شود و در بین آنها کفّاره داد، اقوی تعدد کفّاره است؛
و اگر نداد احوط تکرار نمودن کفّاره است خصوصاً اگر بدون عذر پوشانده باشد و خصوصاً اگر پوشاندن در چند مجلس
صورت گرفته باشد. (هفدهم: پوشاندن رو بر زنان) ۱ بانوان در حال احرام نباید تمام صورت خود و یا قسمتی از آن را به
وسیله پوشیه یا نقاب و امثال آن، به پوشانند. ۲ موارد ذیل از حرمت پوشاندن، استثناء شده است: الف سر بر بالش گذاردن در
حال خوابیدن صفحه: ۱۰۹ ب اگر پوشاندن لازم باشد، مانند جلوگیری از مگس و امثال آن، مانعی ندارد. ج پوشانیدن
قسمتی از صورت برای نماز جهت اطمینان حاصل نمودن به رعایت پوششِ نمازی، مانعی ندارد ولی بعد از نماز باید فوراً آن
را بردارد. د آویزان نمودن مثل چادر جلوی صورت در حال نماز یا جهت رو گرفتن از نامحرم بلکه مطلقاً، مانعی ندارد و لازم
نیست که از خوردن آن به صورت جلوگیری نمایند. ه خشک کردن صورت اگر به

تدریج انجام شود، جایز است. (کفّاره:). در ثابت شدن کفّاره یک گوسفند برای پوشیدن رو بر زنان، تاّمل است. (هجدهم: زیر سایه رفتن) مردان در هنگام سیر در روز، نباید زیر سایه متحرک بروند اگر چه منحرف از بالای سر باشد علی الاحوط، ولی زیر سایه ثابت رفتن، مانعی ندارد. ۱ زیر سایه رفتن برای مردان چند حالت دارد: الف زیر سایه رفتن یا بر سر گرفتن سایبان هنگام سیر و حرکت در روز چه در ماشین یا هواپیما یا پیاده، جایز نیست. ب احوط ترک سایه انداختن است به وسیله چیزی که بالای سر نیست و همراه شخص حرکت می کند مثل سایه محمل و دیواره ماشین، ولی حرکت در کنار چیزی که سایه دارد مثل ماشین ایستاده یا درخت و ساختمان مانعی ندارد. صفحه: ۱۱۰ ج استظلال مثل در شب و در ماشین سقف دار حرکت کردن در شب، مانعی ندارد و ممنوعیت آن فقط اختصاص به روز دارد. د هنگامی که مُحرم در جایی منزل نمود، چه در مکه و چه در عرفات و منی یا غیر آن اگر به جهت استراحت در خیمه و خانه برود، مانعی ندارد، ولی هنگام تردّد و رفت و آمد برای حوائج در بیرون خانه و خیمه بنا بر احوط نباید زیر سایه برود. ۲ زیر سایه رفتن کودکان و زنان در هیچ صورتی مانع ندارد. ۳ اگر مردان به جهت شدّت گرما و سرما و باران و سایر موارد ضروری زیر سایه بروند، حرام نیست، ولی کفّاره دارد. ۴ معلوم شد که حرکت در داخل

تونل و مثل آن از جهت زیر سایه رفتن مانعی ندارد. (کفّاره:). کفّاره زیر سایه رفتن عمدی، یک گوسفند است چه اختیاریاً رفته باشد و چه اضطراراً؛ و اگر زیر سایه رفتن تکرار شود در هر احرام، یک کفّاره کافی است. (نوزدهم: بیرون آوردن خون از بدن خود) ۱ شخص مُحرم نباید کاری که می داند سبب خارج شدن خون می شود، انجام دهد، چه به خاراندن بدن باشد و چه به کندن دندان یا غیر آن باشد. ۲ در حالت لزوم و برای رفع ناراحتی، خاراندن بدن و کندن دندان و لو این که موجب بیرون آمدن خون شود، مانعی ندارد. ۳ شخص مُحرم اگر علم داشته باشد که مسواک زدن موجب بیرون آمدن خون می شود، بنا بر احتیاط باید آن را ترک کند. صفحه: ۱۱۱ ۴ انجام دادن عملی که یقین ندارد موجب بیرون آمدن خون می شود، مانعی ندارد. ۵ تزریق آمپول به مریض در حال ضرورت حتی اگر بدانند خون خارج می شود، مانعی ندارد. (کفّاره:). بیرون آوردن خون از بدن در هیچ صورتی کفّاره ندارد. (بیستم: ناخن گرفتن) در حال احرام گرفتن تمام ناخن خود یا قسمتی از آن، جایز نیست مگر آن که باقی ماندن آن موجب اذیت باشد. (کفّاره:). کفّاره گرفتن ناخن با علم و عمد به ترتیب ذیل است: الف کفّاره گرفتن یک یا چند ناخن، برای هر کدام یک مُدّ طعام است. ب کفّاره گرفتن تمامی ناخنها یک گوسفند است؛ ولی اگر در بین ناخن گرفتن برای آنها کفّاره به «مُدّ» داده باشد، همان دادن مد برای بقیه کفایت می کند، و همین

طور است حکم گرفتن تمامی ناخنهای پاها. ج کفّاره گرفتن تمامی ناخنهای دستها و پاها در یک مجلس، یک گوسفند است مگر این که در بین، کفّاره داده باشد. د اگر مجموع ناخن دست ها در یک مجلس و مجموع ناخن پاها را در مجلس دیگر بگیرد، کفّاره آن دو گوسفند است. ه: اگر ناخن او مثلاً شکسته باشد و او را اذیت کند جائز است آن را بگیرد ولی برای هر ناخن یک مدّ طعام کفّاره بدهد. صفحه: ۱۱۲ (بیست و یکم: برداشتن سلاح) برداشتن و حمل نمودن آن چه که عرفاً به آن سلاح گفته می شود و پوشیدن سلاح بر او، صدق می کند، بر مُحرم حرام است، و صرف همراه داشتن علی الاظهر حرمت ندارد. اگر برداشتن سلاح به جهت ضرورت باشد کفّاره ندارد. (بیست و دوم: کندن درخت و گیاه حرم) ۱ کندن و بریدن هر چیزی که در حرم روییده باشد اعم از درخت و گیاه، بر همه افراد چه مُحرم باشند و چه نباشند، حرام است. ۲ چیزی که در راه رفتن به صورت متعارف، کنده شود، مانعی ندارد در صورتی که راه رفتن برای او ضروری باشد، یا این که علم به قطع شدن آن نداشته باشد و الا محل احتیاط است. (کفّاره: بنا بر احتیاط کفّاره کندن درخت چه شخص مُحرم باشد و چه نباشد: اگر درخت بزرگ باشد، یک گاو؛ و اگر کوچک باشد، یک گوسفند اگر قیمت گوسفند کمتر از قیمت درخت نیست؛ و اگر قسمتی از درخت باشد، قیمت آن است؛ و در کندن گیاه کفّاره نمی باشد بجز استغفار.

(چگونگی و مکان ذبح و پرداخت کفّاره)

کسی کشتن شتر یا گاو یا گوسفند به عنوان کفاره واجب شده باشد، آن را در احرام عمره، در مکه مکرمه نحر یا ذبح می نماید، و در احرام حج، در منی و در صورتی که خودش قادر بر انجام آن در مکان مشخص شده نباشد، نائب می گیرد. ۲ گوسفندی که به عنوان کفاره ذبح می شود، لازم نیست که شرایط گوسفند قربانی را داشته باشد. صفحه: ۱۱۳

(عمل دوم عمره تمتع: طواف)

اشاره

طواف عبارت است از هفت دور (شوط) گردیدن به دور کعبه معظمه؛ با شرایط و واجباتی که بیان می شود.

(ترک عمدی طواف)

۱ طواف از ارکان عمره است و اگر شخصی آن را عمداً ترک کند چه حکم آن را بداند و چه نداند، عمره او باطل می شود. و وجوب ذبح یک شتر در همه احوال چه حال علم و عمد و چه غیر آن موافق احتیاط است. ۲ زمانی ترک طواف محقق می شود که اگر عمره را بخواهد به جا آورد، نتواند خود را به وقوف عرفات برساند که در اینجا حج او مبدل به «حج افراد» می شود، و وجوب قضای حج در سال آینده بر این شخص قوی است.

(ترک سهوی طواف)

۱ اگر کسی طواف را سهواً به جا نیاورد، هر وقت که باشد آن را به جا می آورد و در صورت مشکل بودن یا عدم امکان، نائب می گیرد؛ و اگر سعی را به جا آورده آن را نیز بنا بر احتیاط اعاده نماید. و در تمامی این صورتها، عمره او صحیح است. ۲ هر گاه طواف را فراموش نمود و زمانی یادش آمد که قضایش ممکن است، با همان احرام اول، قضا نماید و تجدید احرام لازم نیست؛ و صفحه: ۱۱۴ اگر از مکه خارج شده و یک ماه یا بیشتر بر آن گذشته، احتیاطاً برای داخل شدن مکه، احرام تازه ببندد مانعی ندارد. ۶ آن چه بر طواف کننده حلال می شود، بر فراموش کننده طواف تا آن را شخصاً یا نایبش قضا نموده، حلال نمی شود.

(شرایط طواف)

اشاره

طواف واجب، دارای شرایط و واجباتی است. ابتدا به بیان شرایط آن می پردازیم:

شرط اول طواف: تبت

۱ طواف باید با نیت و قصد قربت انجام شود. ۲ به زبان آوردن نیت لازم نیست و همین که قصد داشته باشد که طواف انجام دهد برای تقرب به خداوند، کافی است و حتی گذراندن از ذهن نیز لازم نیست. ولی اگر بخواهد نیت را بر زبان آورد، می تواند این جمله را بگوید: «هفت شوط طواف عمره تمتع انجام می دهم از حجه الاسلام یا غیر آن قربهٔ إلی الله».

(شرط دوم طواف: طهارت از حدث)

شرط دوم طواف عمره تمتع و هر طواف واجب دیگر، آن است که طواف کننده، غسل بر او نباشد و وضو هم داشته باشد، یا آن چه برای تحصیل طهارت در حالت اضطرار، به عنوان وظیفه معین شده است، دارا باشد. در طواف مستحبی، داشتن وضو لازم نیست؛ ولی اگر بخواهد نماز طواف مستحبی را بخواند، باید وضو بگیرد. صفحه: ۱۱۵ (اگر در میان طواف حدثی) (سرزند) اگر در اثنای طواف از طواف کننده، حدثی سرزند، چند حالت دارد: ۱ اگر پیش از رسیدن به نصف طواف باشد، طواف، باطل است؛ ۲ اگر بعد از رسیدن به نصف باشد و سهواً اتفاق افتاده باشد، طواف را قطع می نماید و تحصیل طهارت می نماید و همان جا آن را ادامه می دهد. ۳ اگر بعد از رسیدن به نصف باشد و حدث عمداً به وجود آمده باشد، احتیاط آن است که بعد از تحصیل طهارت آن طواف را تمام نماید و نیز، طواف را اعاده نماید. (شک در وضو و غسل در طواف) ۱۱ اگر کسی قبل از طواف یا در اثنای آن، شک کند که وضو یا

غسل را انجام داده یا نه، باید بنا بگذارد که وضو یا غسل ندارد. ۲ اگر قبلاً با طهارت بوده مثلاً وضو گرفته بوده و شك کند که آیا وضوی او باطل شده یا نه، اعتنا به شك خود نکند و بنا بر طهارت بگذارد. ۳ اگر بعد از طواف شك کند که آیا قبل از آن، طهارت لازم را تحصیل نموده یا نه، بنا بر صحت طواف بگذارد ولی برای نماز طواف، وضو بگیرد. (اگر معلوم شود که وضو یا غسل نداشته است) ۱ کسی که بعد از طواف یا در اثنای آن بفهمد که وضو یا غسل نداشته، باید آن را اعاده نماید. صفحه: ۱۱۶ زنی که حائض بوده و نمی دانسته و با همان حال، اعمال عمره را به جا آورده و بعد از تمام شدن اعمال فهمیده، لازم است طواف و نماز را اعاده نماید و احتیاطاً سعی و تقصیر را به جا آورد. (کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا تیمم نماید) ۱ هر گاه کسی نتواند برای طواف وضو بگیرد و لو وضوی جبیره ای باید تیمم نماید و طواف را به جا آورد. ۲ اگر کسی قدرت بر تیمم هم نداشته باشد، به حکم کسی است که نمی تواند طواف را انجام دهد؛ پس اگر از برطرف شدن عذر خود مأیوس است، برای طواف نایب بگیرد؛ و احوط آن است که خودش نیز بدون طهارت طواف نماید. ۳ اگر کسی به هر علتی مثلاً دست او شکسته یا سوخته و نمی تواند

وضو بگیرد یا باید وضوی جبیره ای بگیرد، اگر به وظیفه ای که برای او جهت نماز معین شده عمل نماید، جهت طواف و نماز آن کفایت می کند. (کسی که نمی تواند غسل کند) بانوانی که عذر شرعی مثل حیض یا نفاس داشته اند و عذر آنان پایان یافته و نیز اشخاص جُنُب، اگر قدرت بر غسل نداشته باشند، در آخرین وقت امکان، با تیمم طواف نمایند و نائِب گرفتن لزومی ندارد و اگر از تیمم کردن هم عاجز باشند، باید نائِب بگیرند و احوط آن است که خود آنان هم طواف نمایند. (مسلوس و مبطون) کسی که مرضی دارد که بول او قطره قطره می ریزد یعنی «مسلوس» است اگر به همان دستوری که برای نماز خود عمل می نماید جهت طواف عمل کند، کافی است. اما شخصی که نمی تواند از خارج شدن غایط صفحه: ۱۱۷ جلوگیری کند، یعنی مبطون است باید نائِب بگیرد. و کسی که از او باد خارج می شود به حکم مسلوس عمل نماید. (حکم طواف بانوانی که عذر شرعی دارند) بانوانی که عذر شرعی دارند و هنوز عذر شرعی آنان پایان نیافته است، حال آنان چند صورت دارد: الف در عمره تمتّع اگر عذر شرعی آنها «حیض» یا «نفاس» باشد، باید صبر کنند تا پاک شوند؛ و چنانچه وقت گنجایش نداشته باشد، یعنی به اعمال حج نمی رسند، نیت احرام را به احرام حج افراد، نقل می کنند و بعد از تمام شدن اعمال حج، عمره مفرده ای به جا آورند؛ و اگر به همین نحو عمل نمایند از حج تمتّع آنها کفایت می کند. ب در طواف حج تمتّع اگر عذر شرعی

آنها حیض یا نفاس باشد، باید صبر کنند تا پاک شوند و چنانچه تا آخرین وقت ممکن که در مکه مکرمه هستند، پاک نگردند، برای طواف حج و نماز طواف، نائب بگیرند و سعی را خودشان انجام دهند و مجدداً برای طواف نساء و نماز آن نائب بگیرند. ج اگر عذر شرعی آنها «استحاضه» باشد، چه در عمره تمتع و چه طواف در حج اگر به دستوری که جهت نماز عمل می نمایند، برای طواف هم عمل نمایند، کفایت می کند و طواف آنها در همان حال هم صحیح است. صفحه: ۱۱۸ (رخ دادن عذر شرعی برای بانوان در اثنای طواف) ۱ اگر زنی در اثنای طواف، حیض شود، مشهور بین فقها این است که: ن الف اگر قبل از تمام نمودن دور چهارم طواف، حائض شود، طواف باطل می شود. ب و اگر زنی بعد از تمام نمودن دور چهارم حائض شود، آن چه به جا آورده صحیح است و واجب است اگر وقت گنجایش داشته باشد بعد از پاک شدن و غسل نمودن، بقیه آن را انجام دهد؛ و اگر وقت تنگ باشد، سعی و تقصیر را انجام دهد و برای حج مُحرم شود و بعد از بازگشت از منی، بقیه طواف عمره را به جا آورد. ۲ اگر برای زن در اثنای طواف، استحاضه رخ دهد، به دستور بالا عمل می نماید مگر آن که در فرض اول آن بتواند بدون فوت موالات، تحصیل طهارت نماید؛ و در فرض دوم آن، بعد از عمل به دستور استحاضه، بقیه طواف را انجام می دهد و لازم نیست صبر کند تا پاک شود. ۳ هر گاه

زنی بعد از طواف و قبل از نماز آن، حائض شود، طواف او صحیح است و نماز طواف را، بعد از پاک شدن به جا آورد؛ و اگر وقت تنگ بود، سعی و تقصیر را به جا آورد و نماز طواف را پیش از طواف حج قضا نماید. ۴ اگر زنی در اثناء طواف حائض شد باید فوراً از مسجد الحرام خارج شود. و هم چنین است زنی که شك کند غسل حیض را انجام داده یا نه و در این دو صورت اگر بتوانند واجب است اول تیمم نمایند سپس خارج شوند؛ و این حکم در مردی که شك در انجام دادن غسل جنابت نماید، جاری است. صفحه: ۱۱۹ (شك در زمان حیض) ۱ هر گاه زنی پس از طواف و نماز آن، بفهمد که حائض شده و نداند که پیش از طواف یا نماز آن یا در اثناء بوده یا بعد از نماز رخ داده، طواف و نماز او صحیح است. و اگر بداند قبل از نماز حائض شده است و وقت هم تنگ است یعنی اگر بخواهد صبر نماید به اعمال حج نمی رسد سعی و تقصیر نموده و نماز را تا پس از پاک شدن به تأخیر می اندازد و عمره اش صحیح است. ۲ اگر کسی شك دارد که یکی از عذرهای شرعی برای او اتفاق افتاده یا نه، می تواند بنا بگذارد که اتفاق نیفتاده و تحقیق و بررسی لازم نیست؛ و اگر بعداً متوجه شد که عذری برای او اتفاق افتاده بوده، بنا بگذارد که در آخرین زمان امکان، اتفاق افتاده

است. (اگر بعد از مسامحه، برای بانوان عذر شرعی واقع شود) ۱ اگر زنی به مکه رسیده و می‌توانست اعمال عمره را به جا آورد و می‌دانست که اگر به جا نیاورد برای او حیض رخ خواهد داد، ولی در به جا آوردن اعمال کوتاهی کرد تا حیض شد و وقت برای اعمال با طهارت نداشت، عمره اش فاسد است و باید به «حج افراد» عدول نماید، پس از آن عمره مفرده به جا آورد، و حج را در سال آینده بنا بر احوط اگر اقوی نباشد اعاده نماید. ۲ در فرض قبل اگر برای او استحاضه اتفاق افتاد اگر به وظیفه مستحاضه عمل نماید، کافی است.

(شرط سوم طواف: پاک بودن بدن و لباس)

۱ شرط سوم طواف آن است که بدن و لباس طواف کننده پاک باشد، صفحه: ۱۲۰ و حتی نجاستی که در نماز هم بخشیده شده بنا بر احتیاط در لباس و بدن طواف کننده، نباید باشد. ۲ هر گاه در اثنای طواف احتمال دهد که در حال طواف نجاستی به لباس یا بدنش اصابت نموده، تحقیق لازم نیست ولی اگر علم پیدا نماید، باید به مسأله ۴۹۲ عمل نماید. (نجاستی که در طواف بخشیده شده) اگر زخم و دُمَل و امثال آن در بدن باشد و در آن خون یا خونابه باشد و اجتناب از آن در بدن یا لباس سخت باشد، به صحت طواف ضرری نمی‌زند. (همراه داشتن اشیای نجس در طواف) بودن چیزهای نجس همراه طواف کننده مانعی ندارد، مثل دستمال نجس؛ و هم چنین است نجس بودن چیزهای کوچکی که در آن نماز خوانده نمی‌شود، مانند همیان و جوراب و

امثال آن. (کسی که نمی دانسته لباس یا بدن او نجس بوده یا فراموش نموده) ۱ کسی که نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی دانسته: اگر پس از طواف بفهمد بنا بر اظهر طوافش صحیح است و نیاز به اعاده ندارد؛ و هم چنین است نماز طواف. و اگر در اثنای طواف بفهمد که لباس یا بدن او نجس بوده، احوط آن است که طواف را قطع نماید و لباس یا بدن را تطهیر کند و طواف را تمام نموده و سپس اعاده نماید. ۲ هر گاه کسی می دانسته که بدن یا لباسش نجس بوده ولی فراموش نمود و بعد از طواف یادش آمد، صحت طواف او خالی از وجه نیست. صفحه: ۱۲۱ (نجس شدن لباس یا بدن در اثنای طواف) اگر طواف کننده در اثنای طواف، لباس یا بدنش نجس شود، طواف خود را قطع نماید و لباس یا بدن را تطهیر نماید و طواف را از همان جایی که قطع کرده بوده، تمام نماید و بنا بر اظهر نیاز به اعاده ندارد اگر چه احوط است.

(شرط چهارم طواف: ختان)

تحقق این شرط در مردان و و نیز بنا بر احتیاط در اطفال پسر، لازم است، و طواف آنها اعم از طواف عمره و طواف حج و طواف نساء بدون ختان، صحیح نیست.

(شرط پنجم طواف: ستر عورت)

۱ در هنگام طواف باید مردها و زنها به نحوی که در نماز شرط شده، بدنشان پوشیده باشد و لباس آنها غصبی نباشد و بلکه بنا بر احوط سایر شرایطی که برای لباس نمازگزار شرط شده، دارا باشد. ۲ اگر سهواً مقداری از موها یا اعضای که پوشانیدن آن در حال طواف بر بانوان لازم است، معلوم بوده، به صحت طواف ضرر نمی زند. ۳ حکم همراه داشتن اشیاء غصبی در طواف، مانند حکم همراه داشتن آن در نماز است. (تعویض لباس احرام) طوافی که در حال احرام انجام می شود، لازم نیست با لباسی باشد که در آن احرام صورت گرفته و تعویض آن مانعی ندارد ولی باید آن چه می پوشد، شرایط لازم را دارا باشد. (طواف با لباس دوخته) ۱ پوشیدن لباس دوخته بر مردان مُحرم چه در حال طواف و چه صفحه: ۱۲۲ غیر آن حرام است و با عمد کفاره دارد ولی به صحیح بودن طواف، ضرر نمی زند. ۲ پوشیدن لباس دوخته برای مردان در طوافهایی که بعد از خروج احرام انجام می شود مانند طواف نساء و طواف حج و نسای آن جایز است.

(واجبات طواف)

اشاره

واجبات طواف هفت تاست:

(واجب اول طواف):

طواف باید از برابر «حجر الاسود» آغاز می شود و می توانند به خاطر اطمینان مقداری از قبل از آن شروع به حرکت نمایند، و نیت آنها این باشد که طواف آنها از ابتدای حجر الاسود، آغاز شود. هر چند که بنا بر اقوی اگر به گونه ای باشد که عرفاً بگویند که طواف از حجر الاسود شروع شده است، کافی است. یک مسأله: کسی که اشتبهاً طواف را از غیر حجر الاسود شروع نماید مثلاً از رکن یمانی شروع کند و بعد از طواف یا بعد از سایر اعمال متوجه شود، در صورتی که کمبود آن را تا حجر الاسود جبران نماید طوافش صحیح است. صفحه: ۱۲۳

(واجب دوم طواف):

هر دوری به حجر الاسود ختم شود و در دور آخر نیز همان طور که گذشت مقداری از حجر الاسود بگذرد تا اطمینان پیدا نماید که دور را به پایان رسانیده است.

(واجب سوم طواف):

کعبه معظمه باید در همه احوال طواف، در طرف چپ طواف کننده باشد؛ و میزان آن صدق عرفی است هم چنان که از عمل حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که سواره طواف می نمودند، این مطلب استفاده می شود. (دو مسأله:): شخصی که کودک را در بغل گرفته و طواف می دهد، شانه چپ کودک نیز حتی الامکان به طرف کعبه باشد. چنانچه طواف کننده در حال طواف بدون عمد، طرف جلوی او یا پشت سرش یا طرف راست او به طرف کعبه معظمه شد، آن مقدار از طواف محسوب نمی شود و واجب است همان جزء را اعاده نماید.

(واجب چهارم طواف):

«حجر اسماعیل علیه السلام» در حال طواف، باید داخل محدوده طواف باشد و طواف کننده داخل آن نرود و اگر طواف از داخل آن صورت گیرد، باطل است. ۱ هر گاه طواف کننده در بین طواف داخل «حجر اسماعیل علیه السلام» برود، آن دور باطل است و لازم است اعاده شود و تدارک، از موضعی که داخل حجر رفته کفایت نمی کند و بهتر آن است که بعد از آن اصل طواف صفحه: ۱۲۴ را نیز اعاده کند و هم چنین است بالا- رفتن بر دیوار حجر بلکه احوط این است که در حال طواف دست بر دیوار حجر نگذارد. ۲ اگر کسی یک دور طواف را از درون حجر اسماعیل علیه السلام انجام داده باشد و بقیه اعمال را به جا آورده باشد، باید آن دور و نماز طواف را اعاده کند و احتیاطاً سعی و تقصیر را هم اعاده کند. ۳ اگر در ابتدا نیت طواف کننده بر طواف اصل

بیت بوده و «حجر اسماعیل علیه السلام» داخل نیت او نبوده در این صورت اگر چه در یک دور داخل حجر شده لکن اعاده اصل طواف، موافق احتیاط است.

(واجب پنجم طواف:)

محدوده طواف باید بین مقام ابراهیم علیه السلام و خانه خدا باشد، یعنی از هر طرف این مسافت در نظر گرفته شود؛ و مسافت آن بیست و شش ذراع و نیم حدود ۱۲/۵- متر برآورد شده است که در محدوده حجر اسماعیل علیه السلام تنها شش ذراع و نیم یعنی حدود سه متر باقی می ماند. ۱ اگر در حال طواف شک کند که از محدوده طواف خارج شده یا نه، بنا بگذارد که خارج نشده و طواف او صحیح است. ۲ افرادی که در این محدوده نتوانند طواف نمایند، یا طواف برای آنها مشقت داشته باشد، به اندازه توانایی، لازم است مراعات احتیاط را بنمایند و حتی الامکان طواف را در اوقات خلوت و توانایی انجام دهند و در صورتی که این امر هم ممکن نشد بنا بر اقرب جایز است که از نزدیکترین فاصله ممکن به ملاحظه هر طرف طواف نمایند. ۳ اگر طواف کننده بدون عذر از محدوده طواف خارج شود، اگر پی صفحه : ۱۲۵ در پی بودن عرفی از بین برود، طوافش باطل است؛ و چنانچه پی در پی بودن فوت نشود، واجب است که آن را تمام نماید.

(واجب ششم طواف:)

طواف باید در بیرون کعبه معظمه انجام شود؛ پس برآمدگی اطراف خانه که دور تا دور خانه کعبه را احاطه کرده که به آن «شاذروان» می گویند بنا بر احوط از جمیع جوانب، جزء کعبه معظمه محسوب می شود و طواف کننده نباید از روی آن طواف نماید. ۱ هر گاه طواف کننده از محدوده طواف بیرون برود و داخل خانه کعبه شود، یا بالای شاذروان برود،

اگر پی در پی بودن عرفی طواف بهم نخورده باشد، از همان موضعی که طواف را قطع نموده بوده، آن را تمام می کند؛ و اگر پی در پی بودن عرفی به هم خورده قبل از اتمام چهار دور، دوباره از سر می گیرد و بعد از اتمام چهار دور، احوط آن است که همین طواف را تمام نماید، سپس اعاده کند. ۲ هر گاه طواف کننده هنگام طواف روی بلندی اطراف خانه کعبه (شاذروان) رفت، آن مقدار از طواف که روی «شاذروان» بوده باطل است و اعاده آن لازم است؛ و احتیاط آن است که هنگام طواف دست خود را از طرف «شاذروان» به دیوار کعبه یا ارکان آن دراز ننماید.

(واجب هفتم طواف:)

آن که طواف هفت دور باشد و کمتر از هفت دور کافی نیست و بیشتر از هفت دور عمداً، طواف باطل است؛ و نیز باید در حالت اختیار به صورت پی در پی انجام شود. صفحه: ۱۲۶ (قطع طواف بدون عذر) چنانچه کسی بدون عذر، طواف را قطع نماید، اگر موالات آن بهم خورده باشد، طوافش باطل است و اگر نه واجب است همان را تمام نماید. (قطع طواف به سبب مرضی) اگر کسی به جهت عذر مانند مرضی و امثال آن طواف را قطع نماید دو حالت دارد: اگر موالات طواف بهم خورده و قبل از تمام نمودن دور چهارم باشد، طواف باطل است. و اگر بعد از دور چهارم باشد چنانچه قدرت بر اتمام دارد، اتمام می نماید؛ و اگر قدرت ندارد بنا بر احوط صبر کند تا وقت طواف تنگ شود که اگر تا آن زمان قادر نشد او را

بر دوش طواف دهند تا طواف را تمام کند؛ و اگر ممکن نباشد مباشرت خودش جهت تمام نمودن طواف، نایب بگیرد. (قطع طواف برای انجام حاجت و عیادت مریض) طواف کننده می تواند جهت عیادت مریض یا انجام حاجت خود یا حاجت برادر دینی از محدوده طواف بیرون برود ولی: اگر طواف او واجب باشد و پی در پی بودن عرفی بهم خورده و کمتر از چهار دور به جا آورده، طواف را اعاده نماید. صفحه: ۱۲۷ اگر چهار دور را به جا آورده، احتیاط واجب آن است که با فوت موالات طواف را تمام نماید و بعد از آن اعاده نماید. (نشستن و استراحت در اثنای طواف) نشستن جهت استراحت و رفع خستگی در اثنای طواف: بعد از دور چهارم مطلقاً مانعی ندارد. قبل از دور چهارم، نیز جایز است ولی اگر به اندازه ای باشد که پی در پی بودن طواف از بین برود، طواف باطل می شود. (برقرار شدن نماز جماعت در اثنای طواف) مواردی که بین طواف، نماز جماعت بر پا می شود و طواف قطع می شود؛ اگر موالات عرفیه به هم نخورده باشد یا بعد از شوط چهارم باشد از هر جا قطع کرده اتمام کند، ولی اگر قبل از اكمال شوط چهارم بوده و موالات به هم خورده آن را اعاده نماید. (مصادف شدن طواف با نظافت مسجد الحرام) زمانی که مأمورین نظافت در کنار خانه کعبه معظّمه به نظافت، می پردازند و طواف در داخل محدوده، ممکن نیست، طواف کننده، در کناری قرار می گیرد تا بعد از تمام شدن کار آنها، از همان جا که طوافش

را قطع کرده آن را ادامه دهد. (حرکت و طواف غیر اختیاری) ۱ طواف باید با اختیار و توسط خود طواف کننده صورت گیرد؛ پس اگر او را حرکت دهند به نحوی که سلب اختیار شود کافی نیست؛ ولی اگر در حالی که جمعیت حرکت دارد، خود او با قصد و اختیار به حرکت آنها حرکت می نماید، مانعی ندارد. صفحه: ۱۲۸ اگر شخصی در حال طواف در شوط پنجم یقین کند که چند متر در شوط اول و چند متر در شوط سوم بدون اختیار حرکت کرده است، دو شوط کامل به احتمال این که برای اتمام طواف لازم باشد انجام می دهد و طواف او صحیح است. (تذکره: نحوه تدارک قسمتی از یک دور طواف) در حال طواف اگر کسی قسمتی از طواف را بدون اختیار و اراده با فشار جمعیت انجام داده یا مثلاً سینه یا پشت او به طرف خانه شده اگر بتواند آن مقدار را برمی گردد و از آن جا طواف را ادامه دهد؛ و گر نه بدون نیت دور می زند تا به محلی که می باید تدارک نماید برسد و از همان جا به طواف ادامه دهد و لازم نیست که دقیقاً بدانند از کجا طواف او مشکل پیدا کرده، بلکه همین که نیت دارد که از مکانی که وظیفه اوست طواف ادامه پیدا کند، کافی است. (کم کردن از طواف) ۱ اگر طواف کننده مقداری از طواف را کم کند، دارای چند حالت است: الف اگر کسی عمداً از طواف کم کند و موالات از بین برود، طواف باطل است؛ و اگر پی در پی

بودن عرفی طواف از بین نرفته باشد، کمبود را جبران نماید. ب اگر سهواً باشد: اگر پی در پی بودن عرفی به هم نخورده باشد، کمبود را جبران می نماید و طواف صحیح است. اگر پی در پی بودن عرفی بهم خورده باشد و صفحه: ۱۲۹ حد اقل چهار دور به جا آورده باشد، هر گاه یادش آمد، جبران می نماید؛ و اگر شخصاً نتوانست مثلاً به وطن برگشته نایب می گیرد تا آن را تمام نماید. و اگر کمتر از نصف به جا آورده، بلکه بنا بر احوط اگر کمتر از چهار دور به جا آورده باشد باید طواف را از سر بگیرد؛ و احتیاط مستحب آن است که اگر مقدار فراموش شده، یک دور باشد، طواف را تمام نماید؛ و اگر بیشتر از یک دور باشد، آن را از سر بگیرد و اگر شخصاً نتوانست، نایب می گیرد. بلکه احتیاط آن است که مطلقاً بعد از اتمام طواف، آن را اعاده کند. (زیادی سهوی در طواف) ۱ اگر کسی از روی سهو و فراموشی کمتر از یک دور به طواف اضافه نماید و قبل از اتمام آن دور یادش آمد، آن را از همان جا قطع نماید و طوافش صحیح است. ۲ اگر زیادی سهوی در طواف، یک دور یا بیشتر باشد، احتیاط آن است که به قصد وظیفه فعلی، چهارده دور را تمام نماید و دو نماز طواف بعد از آن به جای آورد و احتیاط آن است که دو رکعت را به عنوان واجب، قبل از سعی به جا آورد و دو رکعت مستحبی را می تواند بعد از سعی به جای آورد.

(زیاد نمودن عمدی در طواف) زیاد نمودن در دورهای طواف از روی عمد، چند صورت دارد صفحه : ۱۳۰ الف اگر زیادی را به قصد جزئیت برای همین طوافی که مشغول است یا طواف بعدی، به جا نیاورده باشد، طوافش صحیح است. ب و اگر زیادی به قصد جزئیت باشد که در این صورت: اگر زیادی را جزء برای همین طواف قرار داده باشد اگر این قصد را بعد از تمام شدن طواف نموده باشد طواف دوم محکوم به حکم «قران» است، که حکم آن ذکر می شود؛ و اگر این قصد در آغاز طواف اول باشد، طوافش باطل است و باید اعاده نماید؛ و اگر در اثنا باشد از زمان قصد، طوافش باطل است و از همان جا باید اعاده نماید. و اگر زیادی را به قصد طواف دیگر انجام داده و طواف را تمام نموده حکم «قران» دارد؛ و اگر طواف دوم را به پایان نرسانده طواف اول صحیح است و حکم «قران» را هم ندارد. (شک در دورهای طواف واجب) شک در دورهای طواف واجب، دارای چند صورت است: الف اگر بعد از فارغ شدن از طواف شک کند که طواف هفت دور بوده یا کمتر یا بیشتر، اعتنا به شک خود ننماید و طواف او صحیح است. ب اگر قبل از فارغ شدن از طواف شک کند: هر گاه یک طرف شک کمتر از هفت باشد، مثلاً بین پنج و شش یا پنج و هشت دور شک نماید، در این صورت حکم صفحه : ۱۳۱ به بطلان، خالی از قوت نیست و فی الجمله

هم احوط است. و احوط از این آن است که مثلاً اگر بین شش دور و هفت دور شک نماید بنا بر شش بگذارد و طواف را تمام نماید، و سپس طواف را از سر بگیرد. هر گاه یقین داشته باشد که هفت دور به جا آورده و شک کند که زیادتر از آن هم به جا آورده یا نه، در این صورت به شک خودش اعتنا نکند؛ و اگر قبل از تمام شدن دور آخر چنین شکی کند بنا بر احتیاط طواف او باطل است. تذکر: اگر کسی در دورهای طواف شک کرد و حکم به بطلان نمود و طواف دیگری را شروع نمود و در اثنای آن، عدد دورهای طواف اول یادش آمد، همان طواف اول را اتمام می کند و آن چه در طواف دوم به جا آورده با حفظ شرائط تتمه طواف اول قرار می دهد. (شک در طواف مستحب) ۲ شک در عدد دورهای طواف مستحبی در هیچ صورت موجب بطلان آن نیست، و هر گاه کسی در عدد دورهای طواف مستحبی شک نماید، بنا بر کمتر بگذارد و طواف او صحیح است. (شک در صحیح بودن طواف یا دورهای آن) ۱ اگر کسی در اثنای طواف به منظور بوسیدن خانه کعبه یا مثل آن از مسیر طواف خارج شده و نمی داند که آیا در بازگشت طواف را از همان نقطه که قطع نموده شروع نموده یا نه، طوافش صحیح و حمل بر صحت می شود. ۲ اگر کسی بعد از طواف شک کند که آیا طواف را صحیح انجام داده یا

نه صفحه : ۱۳۲ و شك او ناشی از جهل به مسأله نباشد مثلاً شك كند آیا در حین طواف از محدوده طواف خارج بوده یا نه و امثال آن به شك خود اعتنا نکند. ۳ اگر در هنگام طواف در صحیح بودن دور قبل یا اجزای سابق همان دوری که مشغول است شك کند، به شك خود اعتنا نکند. (شك نائِب در نیت طواف) اگر نائِب در اثنای طواف شك کند که آیا این طواف را به نیت طواف واجب از منوب عنه شروع نموده یا مثلاً به نیت طواف مستحبی، بنا می گذارد که طواف نیابی است. (افرادی که قدرت بدنی بر طواف ندارند) ۱ هر گاه شخصی به جهت بیماری یا شکستگی اعضای بدن یا پیری و امثال آن نتواند شخصاً طواف نماید، لازم است به کمک دیگری طواف نماید هر چند بر دوش وی سوار شود یا بر چرخ قرار داده شود. ۲ هر گاه شخصی خودش به هیچ وجه و لو با کمک دیگران نتواند طواف نماید، واجب است نائِب بگیرد که به جای او طواف نماید؛ و هم چنین نماز طواف که شخص باید خودش به جا آورد و اگر نتوانست نائِب بگیرد. ۳ زنی که قادر بر طواف نیست و یا باید با تخت روان در خارج محدوده طواف، طواف نماید و یا باید نامحرم او را بر دوش بگیرد، در صورتی که نمی تواند با کمک کسی خودش طواف نماید، طواف با تخت روان در خارج محدوده کفایت می کند. (معتبر بودن گمان

(مظنه) در طواف و حکم کثیر الشک (۱ کفایت ظن در عدد دورهای طواف و اجزای آن خالی از وجه نیست. ۲ افرادی که در طواف کثیر الشک هستند به وظیفه ای که در نماز برای آنها مشخص شده عمل می نمایند. صفحه : ۱۳۳

(طواف مستحبی)

۱ انجام دادن طواف مستحبی قبل از طواف واجب، مانعی ندارد. ۲ محدوده طواف مستحبی همان محدوده طواف واجب است، ولی در صورت عدم امکان در بیرون آن محدوده نیز مانعی ندارد. ۳ طواف مستحبی نیاز به وضو ندارد هر چند برای نماز آن باید وضو بگیرد. ۴ هم چنان که گذشت شک در طواف مستحبی موجب بطلان نیست و بنا بر را بر اقل می گذارد.

(طواف احتیاطی)

۱ بعد از این که هفت دور طواف انجام شد، اگر بخواهد هفت دور دیگر احتیاطاً انجام دهد و بعد از آن نماز بخواند، مانعی ندارد ولی موجب وسواس نشود. ۲ اگر بعد از طواف و نماز طواف، احتیاطاً یک طواف دیگر و نماز آن را انجام دهد مانعی ندارد. ۳ اگر بعد از تمام نمودن طواف و قبل از نماز یک دور دیگر احتیاطاً به قصد جبران کمبود احتمالی انجام دهد، مانعی ندارد.

(طواف ممنوع (قران))

۱ بعد از تمام شدن طواف واجب، باید نماز طواف خوانده شود و قبل از خواندن نماز طواف، انجام دادن طواف دیگر، جایز نیست. ۲ قران در طواف واجب، حرام است ولی اگر از اول طواف واجب یا در اثنای آن نیت کند که بلافاصله طواف دیگری بعد از این طواف به جا آورد یعنی قران در طواف اگر از باب تعدد مقصود باشد، مبطل طواف نیست، اگر چه بر خلاف احتیاط است. صفحه : ۱۳۴

(احکام خاص طواف کودکان)

۱ شخصی که کودک را در بغل گرفته و طواف می دهد، باید شانه چپ کودک را حتی الامکان به طرف کعبه معظمه قرار دهد. ۲ طهارت بدن و لباس کودک در حال طواف، لازم است؛ و چنانچه قبل از طواف بدن و لباس او را تطهیر کرده اند و در اثنای طواف هم معلوم نشود که چیزی از او خارج شده، تطهیر اول کفایت می کند و اگر در اثنا حدثی به وجود آید، احتیاط در تجدید طهارت است مگر این که موجب عسر و حرج باشد. ۳ کسی که کودک را طواف می دهد، می تواند در همان حال خودش نیز، طواف نماید. صفحه : ۱۳۵

(واجب سوم عمره تمتع: نماز طواف)

نماز طواف) واجب سوم از عمره تمتع: «دو رکعت نماز» است. ۱ بعد از این که طواف به پایان رسید، باید دو رکعت نماز طواف مانند نماز صبح به جا آورده شود. ۲ بلند یا آهسته خواندن نماز طواف، جائز است و در آن خواندن هر سوره ای نیز جائز است هر چند مستحب است در رکعت اول بعد از حمد، سوره توحید و در رکعت دوم «قل یا ایها الکافرون» خوانده شود.

(جواز جماعت در نماز طواف)

خواندن نماز طواف به صورت جماعت، جائز است و شخص می تواند به کسی که او هم نماز طواف واجب را می خواند، اقتدا نماید.

(زمان نماز طواف)

نماز طواف باید بعد از طواف به جا آورده شود و بین آن دو فاصله نشود و تأخیر در حدّ متعارف مانعی ندارد.

(مکان نماز طواف)

۱ مکان نماز طواف واجب، نزد مقام ابراهیم علیه السلام است و احوط آن است که پشت مقام به جا آورده شود به گونه ای که عرفاً صدق کند که نماز را نزد مقام به جا آورده است. صفحه: ۱۳۶ ۲ خواندن نماز طواف مستحبی در هر جای مسجد الحرام، جائز است.

(وظیفه در هنگام ازدحام)

اگر به نحوی که در مسأله قبل بیان شد نتوانست نماز را به جا آورد، باید در یکی از دو طرف مقام به جا آورد. و اگر آن هم ممکن نشد، حتی الامکان نزدیکترین فاصله را رعایت نماید یعنی نزدیکترین فاصله را به پشت مقام در نظر گیرد. و اگر آن هم ممکن نشد، نماز را در نزدیکترین فاصله به یکی از دو طرف مقام به جا آورد با رعایت احتیاط در صورت دوران بین فاصله دورتر در پشت مقام و فاصله نزدیکتر در دو طرف، به این که جمع کند بین نماز خواندن در پشت مقام و بین یکی از دو طرف نزدیکتر، بلکه بعداً هر گاه ممکن شد اگر چه در آخرین وقت امکان باشد، نماز را در پشت مقام، اعاده نماید.

(اگر کسی در غیر مقام نماز خواند)

۱ اگر کسی به خاطر ندانستن مسأله، نماز طواف را در غیر مقام بخواند، وظیفه اش آن است که نماز را نزد مقام بخواند و اگر برایش ممکن نیست مثلاً از حج برگشته همان جا که هست نماز را به جا آورد و احتیاطاً کسی را نایب کند که در نزد مقام نماز بخواند. ۲ اگر کسی عمداً نماز را در غیر محلی که بیان شد بخواند، کافی نیست به تفصیلی که گذشت.

(ترک نماز طواف)

۱ اگر کسی عمداً نماز طواف را به جا نیاورد، یا عمداً باطل به جا آورد، عمره و حجش باطل نیست ولی وظیفه دارد که به دستور مسأله بعد ترک سهوی آن عمل کند. صفحه: ۱۳۷ ۲ اگر کسی سهواً نماز طواف را ترک نماید، چند حالت دارد: الف اگر کسی بعد از سعی یادش آمد که نماز طواف را نخوانده، فوراً آن را در محلش به جا آورد و ظاهر آن است که اعاده سعی و غیر آن لازم نیست اگر چه احوط است. ب اگر در اثنای سعی یادش آمد که نماز طواف را نخوانده، سعی را قطع نماید و نماز طواف را در محلش به جا آورد، سپس سعی را اتمام نماید. ج اگر یادش نیامد تا از مکه خارج شد، باید برگردد و آن را به جا آورد؛ و اگر بازگشتن دشوار باشد، هر جا که یادش آمد آن را به جا آورد و احتیاط مستحب آن است که نائب هم بگیرد؛ و اگر تا وقت وفات آن را ترک کرد، بر ولی او واجب است که آن را به جا آورد.

(شک در نماز طواف و خواندن آن)

۱ اگر کسی در اثنای سعی یا بعد از آن شک کرد که آیا نماز طواف را خوانده یا نه، به شکش اعتنا نکند. ۲ اگر کسی قبل از شروع در سعی شک کرد که آیا نماز طواف را به جا آورده یا نه، باید آن را به جا آورد. ۳ اگر کسی بعد از تمام شدن نماز، شک کند که آیا آن را درست خوانده یا نه،

به شکش اعتنا نکند.

(افرادی که قرائت نماز آنها اشکال دارد)

۱ بعضی از فقها رضوان الله عليهم فرموده اند که اعمال بعد از نماز طواف در صورتی صحیح است که نماز طواف درست خوانده شده باشد؛ پس در جمیع اوقات خصوصاً در وقت اراده حج بر مکلف لازم است که صفحه: ۱۳۸ واجبات و احکام نماز خود را یاد بگیرد تا آن را به صورت صحیح به جا آورد. ۲ افرادی که نماز آنها از جهت حمد و سوره، اشکال دارد، اگر ممکن شود نماز طواف را به جماعت بخوانند؛ و اگر امکان جماعت نباشد، عمل به وظیفه نماز روزانه کافی است. ۳ کسی که بعد از نماز بفهمد که قرائت نماز او یا ذکر می گفته، اشکال داشته، باید نماز را اعاده نماید، و اگر برگشته، به حکم فراموشی آن عمل نماید که ذکر شد.

(نیابت افرادی که قرائت آنها اشکال دارد)

شخصی که قرائتش درست نبوده یا از جهت دیگری معذور بوده و بدون توجه به این مطلب، از طرف دیگری مُحرَم شده و در وسط اعمال یا بعد از عمره تمتع متوجه شده، احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد و خود نیز آن عمل را انجام دهد، در این صورت نیابتش صحیح است هر چند از اول نمی توانسته نایب شود.

(مسأله جلوتر ایستادن خانمها در نماز طواف)

در نماز طواف و نیز سایر نمازها، جلوتر بودن یا برابر ایستادن زن و مرد در نماز، به صحت نماز ضرر نمی زند. صفحه: ۱۳۹

(عمل چهارم عمره تمتع: سعی)

اشاره

واجب چهارم در عمره تمتع «سعی بین صفا و مروه» است. هفت مرتبه رفت و برگشت بین صفا و مروه، «سعی» نامیده می شود که از صفا شروع و در دور هفتم به مروه ختم می شود و به هر مرتبه آن یک «شوط» گفته می شود.

(فاصله زمانی سعی با طواف و نماز آن)

۱- تأخیر انداختن سعی از طواف و نماز آن تا فردا، جائز نیست، ولی تأخیر آن تا شب جائز است هر چند احتیاط مستحب آن است که سعی را به تأخیر نیندازد مگر به خاطر عذر، مانند زیادی گرما یا خستگی در اثنای آن. ۲ اگر کسی سعی را عمداً تا روز بعد تأخیر بیندازد اگر چه معصیت کرده، ولی به صحت اعمال او، ضرر نمی زند.

ترک سعی

[۱] سعی از ارکان حج و عمره است، پس اگر کسی عمداً آن را در عمره تمتع به جا نیاورد، حج او باطل خواهد بود و باید بعد از این که «حج افراد» را به جا می آورد در سال آینده حج نماید؛ و افرادی هم که جاهل به حکم باشند، در حکم عامد محسوب می شوند. ۲ اگر کسی سهواً و از روی فراموشی سعی را به جا نیاورد، برای انجام صفحه : ۱۴۰ آن باید رجوع نماید؛ و اگر ممکن نباشد باید نائب بگیرد تا از طرف او به جا آورد، و حج او صحیح است.

(مقدم کردن سعی بر طواف)

سعی باید بعد از طواف و نماز آن به جا آورده شود و اگر مسأله را نداند یا فراموش کند و سعی را پیش از طواف به جا آورد، بنا بر احتیاط واجب بعد از به جا آوردن طواف و نماز طواف، آن را اعاده نماید.

(واجبات و شرایط سعی)

[واجبات سعی]

۱ (نیت) الف سعی باید با نیت و قصد قربت یعنی برای امتثال امر خداوند متعال انجام شود و به زبان آوردن آن لازم نیست، ولی اگر خواست نیت را بر زبان آورد، می تواند بگوید: «هفت شوط سعی صفا و مروه انجام می دهم به نیت عمره تمتع از حَجَّهِ الاسلام یا حج مستحبی قَرَبَهُ إِلَى اللَّهِ». ب سعی باید در حالت بیداری انجام شود چه خودش سعی نماید و چه بر روی چرخ و امثال آن؛ و اگر در اثنای سعی خواب رفت، همان مقدار را اعاده می کند. ۲ (شروع سعی از صفا) سعی باید از صفا شروع شود و شوط هفتم به مروه ختم شود و اگر از مروه شروع نمود، آن را محسوب نکند و از صفا آغاز نماید. ۳ (سعی از راه متعارف) الف رفت و آمد باید از راه متعارف صورت گیرد و اگر از داخل مسجد الحرام یا راه دیگر برود، کافی نیست ولی لازم نیست رفت و آمد در یک خط مستقیم باشد. صفحه : ۱۴۱ ب سعی در طبقه دوم اگر احراز شود که بین صفا و مروه از بالای کوه صفا شروع و به بالای کوه مروه ختم می شود کافی است. ج سعی لازم نیست به صورت پیاده باشد، بلکه در حالت اختیار و قدرت،

سواره سعی کردن مانعی ندارد. ۴ (در مقابل بودن صفا و مروه در حال سعی) هنگام سعی به طرف مروه، واجب است که مروه را روبروی خود قرار دهد و هم چنین هنگام سعی به طرف صفا، صفا در مقابل او باشد، یعنی سعی او به صورت قهقری نباشد ولی نگاه کردن به اطراف و پشت سر در حال سعی مانعی ندارد.

[شرایط سعی]

(در سعی طهارت معتبر نیست) ۱ در سعی طهارت از نجاست معتبر نیست، یعنی اگر کسی، بدن یا لباس او نجس باشد، سعی او صحیح است. ۲ در سعی طهارت از حدث معتبر نیست، یعنی اگر کسی جنب باشد یا زنی حائض باشد یا وضو نداشته سعی او صحیح است اگر چه احوط رعایت طهارت از حدث است. (پوشش بدن در هنگام سعی) در سعی، ستر عورت شرط نیست یعنی اگر مراعات ستر عورت به نحوی که در نماز لازم دانسته شده است نشود، سعی صحیح است؛ پس اگر در سعی، بعضی از مواضع بدن زن غیر از وجه و کفین ظاهر شد به سعی او ضرر نمی زند. (سعی افراد ناتوان و ضعیف) ۱ در سعی لازم نیست کسی با پای خودش سعی نماید؛ پس همه صفحه : ۱۴۲ افراد، چه قدرت بر پیاده سعی نمودن داشته باشند و چه نداشته باشند، سعی دادن آنها بر روی چرخ و روی دوش مانعی ندارد. ۲ اگر کسی به هیچ وجه نتواند سعی نماید هر چند به نحو سواره و امثال آن، باید نائب بگیرد. (موالات در سعی) ۱ لزوم موالات در غیر شوط اول یعنی پی در

پی بودن سعی معلوم نیست. ۲ نشستن روی صفا یا مروه به جهت استراحت، مانعی ندارد و احوط آن است که بین آن دو بدون عذر ننشیند. ۳ در هنگام سعی، خوردن و آشامیدن، جایز است. (زیاد کردن در سعی) ۱ زیاد کردن در سعی از روی عمد، موجب بطلان است، چنانچه در طواف گذشت. ۲ زیادی در سعی جهلاً، به صحت طواف ضرر نمی زند. ۳ زیاد کردن سهوی در سعی، موجب بطلان آن نمی شود، ولی جمعی از علما رضوان الله علیهم ذکر کرده اند که مستحب است اگر زیادی یک شوط کامل یا بیشتر باشد آن مقدار زیاده را به هفت برساند تا یک سعی کامل شود که ختم سعی دوم بر صفا خواهد بود؛ و چنانچه زیادی کمتر از یک شوط باشد آن را رها می کند و سعی او صحیح است. ۴ اگر کسی در حال سعی بعد از گذشتن از مکان هروله به گمان این که هروله لازم بوده برگردد و مقداری را که به صورت عادی سیر کرده بوده با هروله تکرار نماید، سعی او ظاهراً اشکال ندارد. صفحه: ۱۴۳ (کم کردن از سعی) ۱ اگر کسی عمداً از سعی کم کند، باید آن را تا قبل از وقوف به عرفات به نحو کامل انجام دهد؛ و اگر تا قبل از وقوف به عرفات نتوانست آن را تدارک نماید، حج او باطل می شود و باید حج افراد انجام دهد و سال بعد حج را اعاده نماید. ۲ اگر کسی سهواً از سعی کم کند، دو حالت دارد: الف اگر بیشتر از سه شوط را فراموش کرده، باید

بنا بر احتیاط کلّ آن را به جا آورد هر چند به شهر خود رفته باشد؛ و اگر متمکن از مراجعت نیست، باید نایب بگیرد تا از طرف او سعی را انجام دهد. ب اگر کسی چهار شوط را به جا آورده و بقیه را فراموش کرده، باقی مانده را هر وقت یادش آمد به جا آورد و حتی اگر از حج برگشته باشد و نتواند برگردد، باید نایب بگیرد تا از طرف او انجام دهد. ۳ اگر از روی فراموشی مقداری از سعی را در عمره تمتّع کم نمود و به اعتقاد این که از سعی فارغ شده با عیال خود نزدیکی نمود، جمعی ذکر کرده اند که علاوه بر این که باید سعی را خودش تمام نماید یا نایب بگیرد، واجب است یک گاو کفّاره بدهد و بعضی گرفتن ناخنها را به آن ملحق کرده اند و عمل به آن احوط است. (شک در سعی و دوره‌های آن) ۱ بعد از تمام شدن سعی اگر کسی در عدد شوطهای آن شک کند، سعی او صحیح است و به شک خود اعتنا نکند. صفحه: ۱۴۴ ۲ اگر کسی در انجام دادن اصل سعی شک داشته باشد تا محلّ آن باقی است باید آن را به جا آورد. ۳ اگر کسی در مروه شک کند که دور هفتم است یا نهم، به شک خود اعتنا نکند؛ ولی اگر این شک در اثنای شوط باشد، ظاهراً سعی او باطل و لازم است آن را از سر بگیرد. ۴ حکم شک در عدد شوطهای سعی، مانند حکم شک در دوره‌های طواف است که گذشت.

(حجیت ظن در اشواط سعی) اعتبار ظن در عدد اشواط سعی، خالی از وجه نیست ولی اگر کشف خلاف شد، احتیاط آن است که اگر می تواند خودش آن را اعاده کند و اگر نمی تواند نائب بگیرد. (قطع نمودن سعی) ۱ قطع نمودن سعی از روی عذر مانند خستگی زیاد و کسالت و امثال آن جایز است. ۲ اگر کسی به هر دلیل سعی را قطع نمود، اگر: الف در شوط اوّل آن را قطع نموده باشد و موالات بهم نخورده باشد، سعی را ادامه می دهد و اگر موالات بهم خورده باشد سعی را از سر می گیرد. ب اگر کسی در شوط دوّم به بعد سعی را قطع نمود، آن را اتمام می نماید چه موالات فوت شده باشد و چه نشده باشد. (سعی دادن کودکان و دیگران) ۱ کسی که خودش سعی می کند می تواند در همان حال، دیگری را نیز سعی دهد. صفحه : ۱۴۵ ۲ افرادی که بر روی چرخ و امثال آن سعی می نمایند، باید در حال سعی بیدار باشند. (بازگشتن به عقب به هنگام سعی) اگر کسی در هنگام سعی بدون نیت، جهت کاری مثلاً پیدا نمودن همراهان خود مقداری به عقب برگردد و مجدداً بازگردد نیت او این باشد که از همان جایی که به عقب بازگشته، سعی را ادامه پیدا کند، سعی او صحیح است. صفحه : ۱۴۶

(عمل پنجم عمره تمتع: تقصیر)

اشاره

واجب پنجم از عمره، تمتع «تقصیر» است. «تقصیر»، یعنی کوتاه کردن؛ و مراد از آن در اینجا این است که مقداری از ناخن دست یا پا، یا مقداری از موی سر یا ریش یا سبیل،

گرفته شود. (توجه): در عمره تمتع، تراشیدن سر به جای تقصیر، جایز نیست و کفایت هم نمی کند و اگر بتراشد باید طبق نص و فتوای مشهور کفاره بدهد.

(زمان و مکان تقصیر)

۱ زمان تقصیر، بعد از تمام شدن سعی است و چنانچه کسی قبل از فارغ شدن از سعی تقصیر نمود، کافی نیست و باید کفاره بدهد اگر عمدی بوده است و احتیاط در صورت نسیان گذشت. ۲ لازم نیست تقصیر بلافاصله بعد از سعی به جا آورده شود. ۳ لازم نیست تقصیر در مروه به جا آورده شود و مُحرم می تواند هر جا دلش خواست تقصیر نماید ولی تا تقصیر ننموده محرمات احرام بر او حلال نمی شود.

(شرایط تقصیر)

۱ تقصیر باید با نیت و قصد قربت صورت گیرد. و اگر کسی بخواهد آن را بر زبان آورد، می تواند این جمله را بگوید: «تقصیر می کنم به نیت عمره تمتع از حَجَّه الاسلام یا حج مستحبی قربةً إلى الله». صفحه: ۱۴۷ ۲ تقصیر مانند سعی طهارت و ستر عورت و امثال آن، شرط نیست.

(ترک تقصیر)

۱ اگر کسی تقصیر را فراموش کند تا بعد از مُحرم شدن برای حج، عمره اش صحیح است ولی بنا بر احتیاط واجب، باید یک گوسفند کفاره بدهد. ۲ اگر عمداً تا وقت احرام حج، تقصیر را ترک نمود، جمعی تصریح فرموده اند که عمره او باطل و حج او به افراد تبدیل می شود و لازم است بعد از حج، عمره مفرده به جا آورد و بعضی تصریح کرده اند حج را در سال بعد اعاده نماید.

(چگونگی خروج از احرام توسط تقصیر)

تا زمانی که مُحرم تقصیر ننموده، محرمات احرام بر او حلال نمی شود و وقتی که در عمره تمتع تقصیر با شرایط آن انجام شود، همه محرمات احرام بر او حلال می شود و تراشیدن سر بعد از تقصیر در عمره تمتع ظاهر، عدم حرمت آن است از جهت احرام.

(تقصیر برای دیگری)

۱ لازم نیست تقصیر توسط خود شخص صورت گیرد و اگر دیگری، مقداری از مو یا ناخن او را بچیند، کافی است. ۲ کسی که برای دیگری به وسیله چیدن مو تقصیر می نماید، نباید مُحرم باشد، چون گرفتن موی دیگری هم بر مُحرم حرام است، ولی گرفتن ناخن دیگری توسط مُحرم، مانعی ندارد؛ لکن در فرض اول نیز بعید نیست تقصیر واقع شود، هر چند با کار حرام بر غیر صورت گرفته باشد.

(ترک تقصیر در عمره مفرده و احرام مجدد)

اگر کسی در عمره مفرده تقصیر را انجام ندهد و مثلاً به مدینه منوره صفحه : ۱۴۸ برگردد یعنی به خارج حرم برود و مجدداً جهت عمره دیگر مُحرم شود، احرام دوّم او صحیح نیست و باید ابتدا تقصیر نماید تا از احرام اول بیرون آید؛ و چنانچه احرام دوم او برای عمره تمتّع بوده، باید به میقات برگردد و مُحرم شود و در صورت عدم امکان بازگشت به میقات، در خارج حرم مُحرم شود. (تذکره: طواف نساء و نماز آن در عمره تمتّع، واجب نیست و به جا آوردن آن به قصد رجاء، مانعی ندارد.

(احکام خاص زمان بین عمره تمتّع و اعمال حج)

(خارج شدن از مکه بعد از عمره تمتّع)

کسی که عمره تمتّع را انجام داده در صورتی که بداند که اگر از مکه خارج شود حج از او فوت می شود، نمی تواند خارج شود؛ و اگر می داند که اگر از مکه خارج شود به اعمال حج می رسد، می تواند خارج شود، اگر چه احوط عدم خروج است مگر با احرام برای حج.

(خروج بدون احرام بعد از عمره تمتّع از مکه معظمه)

بعد از پایان یافتن عمره تمتّع اگر شخصی بدون احرام از مکه مکرمه خارج شد و از میقاتهای احرام گذشت، مثلاً به مدینه منوره رفت دو صورت دارد: ۱ اگر ماهی که در آن جهت عمره، مُحرم شده بوده، نگذشته باشد، مثلاً در ماه ذی القعدة عمره تمتّع را انجام صفحه : ۱۴۹ داده و در همان ماه به مکه مکرمه برگردد، در این صورت می تواند بدون احرام وارد مکه مکرمه شود و از مکه برای حج احرام ببندد و جهت انجام بقیه اعمال حج، روانه عرفات شود. ۲ و اگر ماهی که در آن مُحرم شده بوده گذشته باشد پس محتاج به عمره تمتّع است و عمره قبل را عمره تمتّع محسوب نکند، و بنا بر احتیاط برای عمره قبل، طواف نساء و نماز آن را انجام دهد.

(بیرون رفتن از مکه معظمه با احرام حج)

بعد از انجام عمره تمتّع و مُحرم شدن به احرام حج، خارج شدن از مکه معظمه برای امور ضروری، مانعی ندارد.

(فرض اکتفا به احرام عمره مفرده برای عمره تمتّع)

اگر کسی در ماههای حج، به نیت عمره مفرده مُحرم شده باشد و داخل مکه معظمه شد و وقت برای انجام عمره مفرده و احرام مجدد، ضیق باشد اگر عمره مفرده به سببی بر او واجب نباشد می تواند قصد عمره تمتّع را نموده و به آن عدول نماید و بنا بر احتیاط قربانی کند.

(انجام دادن عمره مفرده بعد از عمره تمتّع)

انجام دادن عمره مفرده بعد از عمره تمتع، مانعی ندارد. صفحه : ۱۵۰

(فصل دوم اعمال حج)

اشاره

قبلاً گذشت که حج تمتع از دو قسمت تشکیل می شود: عمره تمتع و اعمال حج؛ توضیح عمره تمتع و احکام آن به یاری خداوند متعال به پایان رسید، اکنون در این فصل به مدد وی به توضیح و تشریح اعمال حج می پردازیم.

(عمل اول حج: احرام)

اشاره

اولین عمل بعد از پایان یافتن عمره تمتع، احرام حج است که از جهت احکام و شرایط، مانند احرام عمره است و اختلاف آن دو، فقط در نیت و زمان و مکان احرام است که بیان می شود.

(زمان احرام حج)

۱ زمان احرام حج، بعد از فراغت از اعمال عمره تمتع، آغاز می شود و تا زمانی که شخص بتواند وقوف عرفات را درک کند، ادامه می یابد و بهترین وقت آن روز «ترویبه»، یعنی هشتم ذی الحجه است. ۲ قبل از انجام دادن تقصیر، احرام برای حج جایز نیست؛ هم چنین قبل از تمام شدن اعمال حج، مُحرم شدن برای عمره مفرده جایز نیست. صفحه : ۱۵۱

(مکان احرام حج)

۱ احرام برای حج بنا بر احتیاط واجب باید در شهر مکه قدیم، صورت گیرد؛ و مستحب است از مسجد الحرام در نزد مقام ابراهیم علیه السلام یا در حجر اسماعیل علیه السلام باشد.

(ترک احرام حج)

۱ اگر کسی سهواً یا به خاطر ندانستن مسأله، احرام حج را ترک کند یا احرام او باطل بوده و نمی دانسته، در وقتی که فهمید: الف اگر برایش ممکن باشد، باید در مکه مُحرم شود و اگر در عرفات باشد باید برگردد و اگر بازگشت برایش ممکن نباشد از همان جایی که هست مُحرم شود؛ ب اگر بعد از وقوف به عرفات فهمید، باید از هر جایی که هست مُحرم شود. ج اگر اصلاً متوجه نشد تا از اعمال حج فارغ شد، حج او صحیح است. ۲ اگر کسی عمداً احرام حج را ترک کند: الف اگر امکان تدارک آن قبل از وقوف به عرفات باشد، باید از مکه معظمه مُحرم شود. ب و اگر ممکن نباشد از مکه مُحرم شود، و یا پس از مُحرم شدن، به وقوف عرفات نرسد، حج او باطل است و باید سال بعد آن را اعاده نماید.

(طواف استحبایی بعد از احرام حج)

شخصی که برای حج تمتع مُحرم شده است و هنوز به طرف عرفات صفحه : ۱۵۲ روانه نشده است، احتیاط مستحب آن است که طواف مستحبی انجام ندهد؛ و چنانچه انجام داد، احتیاط مستحب آن است که بعد از طواف در محل احرام در حالی که لباس احرام را پوشیده باشد، تلبیه را تجدید نماید. صفحه : ۱۵۳

(عمل دوم حج: وقوف در عرفات)

اشاره

واجب دوم از واجبات حج تمتع «وقوف» در «عرفات» است، و از ارکان حج محسوب می شود.

(زمان وقوف و انواع آن)

(الف وقت اختیاری عرفات) ۱ از اول ظهر روز نهم ذی الحجه تا غروب آفتاب بنا بر احتیاط وقت اختیاری وقوف عرفات محسوب می شود و افرادی که عذری ندارند، باید در این زمان در عرفات وقوف نمایند. ۲ بودن در تمام این وقت در عرفات اگر چه واجب است لکن تمام آن، رکن محسوب نمی شود، بلکه اگر بودن در این مکان، صدق کند هر چند کم باشد مثلاً یک دقیقه برای صحت حج کافی است. (ب وقت اضطراری عرفات): مقداری از شب دهم یعنی شب عید قربان وقت اضطراری عرفات، محسوب می شود؛ و افرادی که به جهت فراموشی یا عذر موجب دیگر، وقوف اختیاری را درک ننموده اند، باید این وقوف را درک نمایند؛ و اگر عمداً این وقوف را نیز ترک کنند، حج آنها فاسد می شود هر چند وقوف مشعر را درک نمایند. صفحه : ۱۵۴

(تیت وقوف)

۱ وقوف باید با تیت و قصد قربت صورت گیرد و اگر مثلاً در تمام وقت خواب یا بیهوش باشد، کفایت نمی کند ولی اگر مثلاً قبل از آن قدری وقوف کرده باشد و خوابیده باشد، کفایت می کند. ۲ اگر کسی خواست علاوه بر تیت قلبی بر وقوف، آن را بر زبان آورد می تواند این جمله را بگوید: «وقوف می نمایم در عرفات به تیت حجه الاسلام یا حج مستحبی، قربه إلی الله».

(در وقوف طهارت شرط نیست)

طهارت و امثال آن در وقوف شرط نیست؛ پس اگر شخصی جنب یا حیض هم باشد، وقوف او صحیح است.

(وقوف بر جبل الرحمه)

وقوف بر روی کوه «جبل الرحمه» مکروه است و مستحب است وقوف در پائین کوه از طرف چپ آن نسبت به کسی که از مکه معظّمه می آید، باشد.

(کوچ کردن از عرفات پیش از غروب آفتاب)

کوچ کردن از عرفات پیش از غروب آفتاب با علم و عمد، حرام است ولی موجب بطلان حج نمی شود؛ و اگر کسی قبل از غروب کوچ نمود، چند حالت دارد: (الف) اگر عمداً کوچ کرده و پشیمان شده و بازگشته، بنا بر احتیاط، کفاره بدهد. (ب) و اگر عمداً کوچ کرده و باز نگشت، باید یک شتر کفاره بدهد و ظاهر آن است که باید آن را در منی در روز صفحه: ۱۵۵ عید، نحر کند؛ و اگر نتواند یک شتر بدهد، باید هیجده روز روزه بگیرد و اظهر آن است که لازم نیست پی در پی باشد. ج و اگر سهواً کوچ کرده، اگر برگشت، چیزی بر او نیست. و اگر به خاطرش نیامد یا حکم را نمی دانست، و باز نگشت نیز بر او چیزی نیست. د اگر کسی سهواً کوچ کرده و متوجه شده و یا جاهل بوده و عالم شده و باز نگشته بنا بر احتیاط کفاره ای که برای فرض عمد ذکر شد با ترتیب ذکر شده، برای او هم ثابت است. صفحه: ۱۵۶

(عمل سوم حج: وقوف در مزدلفه (مشعر))

اشاره

واجب سوم از واجبات حج تمتع «وقوف» در «مزدلفه» است و از ارکان حج محسوب می شود.

(زمان و انواع وقوف مشعر)

۱ (وقوف اختیاری مشعر): الف وقوف اختیاری مشعر برای افرادی که عذری ندارند از طلوع فجر (وقت اذان صبح) روز عید قربان آغاز می شود؛ و هر چند بنا بر اشهر و احوط ماندن تا طلوع آفتاب، واجب است ولی مقدار رکن به اندازه ای است که عرفاً «بودن در مشعر» صدق کند و لو این که کم باشد؛ و اگر کسی عمداً قبل از طلوع، کوچ کند، حرام انجام داده ولی حج او صحیح است و بعضی یک گوسفند کفاره واجب دانسته اند. ب بیتوته در مزدلفه (مشعر) در شب عید بنا بر احوط، واجب است. ۲ (وقوف اضطراری مشعر): افرادی که به جهت عذری نتوانند وقوف اختیاری مشعر را درک نمایند، باید وقوف اضطراری نمایند. مشعر دارای دو وقت اضطراری است: الف اگر مقداری بین طلوع آفتاب تا ظهر روز عید در مشعر الحرام باشند، کافی است. صفحه: ۱۵۷ ب زنان و کودکان و اشخاص پیر و بیماران و یا کسانی که کار ضروری دارند، وقوف در شب عید در مشعر برای آنها کافی است. برای این دسته افراد، جایز است بعد از صدق وقوف در شب با قصد قربت، قبل از طلوع فجر، به سوی منی کوچ نمایند.

(نیت وقوف مشعر)

۱ وقوف در مشعر الحرام باید با نیت و قصد قربت باشد. ۲ اگر کسی خواست علاوه بر نیت قلبی آن را بر زبان آورد، می تواند این جمله را بگوید: «وقوف می نمایم در مشعر الحرام به نیت حج تمتع واجب یا مستحب قربه الی الله».

(در وقوف مشعر طهارت شرط نیست)

در وقوف در مشعر مانند وقوف در عرفات داشتن وضو و غسل، شرط نمی باشد.

(کوچ کردن از مشعر)

اگر کسی بدون عذر قبل از طلوع فجر از مشعر الحرام کوچ نماید در حالی که شب عید را در آنجا با قصد قربت و قوف نموده و قوف اختیاری عرفات نیز از او فوت نشده باشد، حج او بنا بر مشهور که قوی است صحیح می باشد، لکن یک گوسفند باید کفاره بدهد.

[ترک و قوف مشعر و عرفات یا یکی از آنها]

اشاره

با توجه به آن که برخی افراد به هر دلیل و قوف عرفات و مشعر یا یکی از آن دو از آنها فوت می شود و قوف در عرفات و مشعر دارای قوف اختیاری و اضطراری است، حالت‌های مختلفی برای ترک و قوف، متصوّر صفحه: ۱۵۸ است که در برخی صور حج صحیح و در برخی دیگر موجب بطلان حج و لو بنا بر احتیاط، می شود. این صور عبارتند از موارد ذیل:

(ترک و قوفی که موجب بطلان حج نمی شود)

اگر کسی موفق نگردد که هر دو قوف اختیاری عرفات و مشعر را درک نماید، حال او بر چند گونه است: ۱ شخصی که قوف اختیاری عرفات و اضطراری مشعر را درک کند، حج او در صورتی که فوت و قوف مشعر، عمدی نبوده صحیح است، مگر آن چه در صورت ادراک اختیاری عرفه با اضطراری لیلی مشعر، گذشت. ۲ اگر کسی قوف اضطراری عرفات و اختیاری مشعر را درک نماید، حج او در صورتی که فوت و قوف اختیاری عرفات، عمدی نبوده، صحیح است. ۳ اگر کسی فقط قوف اختیاری مشعر را درک نماید، چنانچه ترک و قوف اختیاری و اضطراری عرفات عمدی نباشد، حج او صحیح است. ۴ اگر کسی فقط قوف اختیاری عرفات را درک نماید چنانچه قوف اختیاری مشعر را عمداً ترک نکرده، اظهر صحت حج است. ۵ چنانچه شخصی قوف اضطراری عرفات و یکی از دو قوف اضطراری مشعر بنا بر اظهر را درک نماید، در این صورت اگر قوف اختیاری هر یک، بدون عذر ترک نشده باشد، بعید نیست حج او صحیح باشد اگر چه احوط آن است که با بقای استطاعت یا استقرار حج، آن را اعاده

نماید.

(ترک وقوفی که موجب بطلان حج می شود)

۱ اگر کسی هیچ یک از وقوفهای اختیاری و اضطراری را درک ننماید، صفحه: ۱۵۹ حج او باطل است چه عمدتاً باشد و چه سهواً، و لازم است با همان احرام با نیت عدول بنا بر احتیاط واجب به عمره مفرده عدول نماید و آن را به جا آورد و در صورتی که حج بر عهده او مستقر بوده یا استطاعتش تا سال بعد باقی بماند، حج را اعاده نماید. ۲ و اگر فقط وقوف اضطراری عرفات را درک نماید، حج او باطل است. ۳ اگر فقط یکی از دو وقوف اضطراری مشعر را درک نماید، در این صورت اگر وقوفهای دیگر را بدون عذر ترک ننموده احتیاط آن است که اعمال را به قصد وظیفه فعلی انجام دهد و حج را اعاده نماید. صفحه: ۱۶۰

اعمال منی

اشاره

۱ هر گاه وقوف مشعر به پایان رسید، حجاج باید به سوی منی روانه گردند و اعمالی که در آنجا واجب است، انجام دهند. ۲ ترتیب در اعمال منی، واجب تکلیفی است علی الاشهر الاحوط نه شرطی، و اگر کسی مثلاً قبل از قربانی حلق یا تقصیر نماید، مجزی است و لازم نیست بعد از قربانی کردن اعاده کند. ۳ سه عمل در منی به ترتیب ذیل واجب است:

(عمل چهارم حج و اوّل منی: رمی جمره عقبه (واجب اول منی))

اشاره

واجب چهارم از واجبات حج، زدن سنگ ریزه در روز عید به جمره عقبه است.

(شرایط پرتاب سنگ ریزه)

۱ نیت و قصد قربت؛ و اگر خواست آن را بر زبان آورد می تواند این جمله را بگوید: «رمی جمره عقبه انجام می دهم از حج تمتع واجب یا مستحب قرینه إلی الله»؛ ۲ سنگ ریزه ها هفت تا باشند و کمتر از آن کافی نیست؛ صفحه: ۱۶۱ سنگ ریزه ها جداگانه پرتاب شوند و زدن چندتایی با هم کافی نیست؛ ۴ در حالت قدرت و اختیار، خود شخص باید آنها را پرتاب نماید؛ ۵ سنگ ریزه ها باید پرتاب شوند و گذاشتن آنها بر جمره، کافی نیست، ولی اگر در راه به چیزی برخورد نماید سپس به جمره اصابت نماید، اگر از اول تا آخر، رمی صدق نماید، ظاهر کفایت آن است. ۶ سنگ ریزه ها به جمره اصابت نمایند.

(زمان رمی)

رمی باید در روز، بین طلوع و غروب آفتاب صورت گیرد و زنان و کسانی که کوچ از مشعر برایشان در شب جایز است، بنا بر اظهار می توانند شب عید، رمی جمره نمایند. (تذکر) ۱ رمی از طبقه دوم جایز است. ۲ رمی به وسیله فلاخن و امثال آن، خلاف احتیاط است.

(مشخصات سنگ ریزه)

۱ سنگ ریزه ها باید از حرم باشند و بهتر آن است که از مشعر جمع آوری شوند. ۲ سنگها بکر و دست نخورده باشند، یعنی قبلاً به گونه صحیحی پرتاب نشده باشند. ۳ رمی با سنگ ریزه مرمر جایز است.

(شک در رمی و شرایط آن)

۱ هر گاه شک کند که سنگ ریزه به جمره اصابت نموده یا نه، بنا بگذارد که اصابت نکرده و سنگ دیگری بزند. صفحه : ۱۶۲ هر گاه شک کند که آیا پرتاب او به هفت مرتبه رسیده یا نه، باید به قدری پرتاب نماید تا اطمینان حاصل شود. ۳ اگر شک کند که سنگی دست نخورده و بکر است یا نه، می تواند بنا بگذارد که بکر و دست نخورده است. ۴ کسی که در این امور وسواس داشته باشد یا کثیر الشک باشد، باید طبق متعارف مردم عمل نماید. ۵ بعد از پایان یافتن پرتاب سنگ ریزه و انصراف از آن اگر شک در تعداد رمی یا شرایط سنگ ریزه نماید، به شک خود اعتنا نکند. ۶ تکرار رمی از روی احتیاط، مانعی ندارد.

(فراموشی یا ترک رمی جمره)

چنانچه کسی رمی جمره را ترک نماید یا بعداً بفهمد که رمی او باطل بوده است، چند حالت ممکن است داشته باشد: ۱ اگر فراموش کرده بود یا مسأله را نمی دانست، تا روز سیزدهم هر وقت فهمید آن را انجام دهد با جلو انداختن رمی قضا بر رمی اداء همان روز؛ و هم چنین است بنا بر احتیاط اگر عمداً باشد. ۲ هر گاه شب فهمید که رمی را ترک کرده، باید روز بعد آن را انجام دهد، به نحوی که گذشت که تقدیم قضا بر ادا کند مگر آن که از افرادی باشد که رمی در شب برای آنها جایز است. ۳ اگر بعد از روز سیزدهم فهمید، در سال بعد اگر ممکن باشد

خودش و اگر نه نائیش آن را به جا آورد و صفحه : ۱۶۳ هم چنین است اگر بعد از بازگشت از حج یادش بیاید.

(کسی که قدرت بر رمی نداشته باشد)

۱ افرادی که به هیچ عنوان خودشان نمی توانند رمی نمایند، یا برای آنها مشکل است به نوعی که غیر قابل تحمل است، باید نائِب بگیرند. ۲ اگر کسی برای رمی نائِب گرفت و بعد خودش امکان رمی برایش حاصل شد، در حالی که وقت باقی است، احوط اعاده رمی است. ۳ بیماری که امید بهبودی تا مغرب ندارد ولی احتمال می دهد که در شب بتواند رمی نماید، احتیاط آن است که نائِب بگیرد و خودش هم در شب رمی نماید. ۴ اگر بیمار در اثنای رمی نائِب، بهبودی یابد و قدرت بر رمی پیدا نماید، رمی را از سر بگیرد. صفحه : ۱۶۴

(عمل پنجم حج و دوّم منی: قربانی)

(زمان و مکان قربانی کردن)

۱ قربانی در روز عید در زمین «منی» انجام می شود. ۲ قربانی باید بنا بر احتیاط بعد از رمی صورت گیرد، ولی اگر از روی فراموشی یا عمداً قبل از رمی صورت گیرد، کافی است. ۳ اگر به علت تغییر محل، ذبح در «منی» ممکن نباشد و تأخیر انداختن آن و لو تا آخر ماه ذی الحجه موجب عسر و حرج نوعی باشد، در این صورت ذبح در خارج از «منی» با مراعات اقریبیت به منی مانعی ندارد.

(ترک قربانی کردن)

۱ اگر از روی فراموشی یا عذر دیگری، ذبح یا نحر را در روز عید ترک نمود، لازم است بنا بر احتیاط تا آخر ایام تشریق آن را به جا آورد؛ و اگر عذر او ادامه پیدا کرد، می تواند تا آخر ماه ذی الحجه تأخیر نماید و کافی خواهد بود. ۲ کسی که عمداً ذبح را ترک نموده، به دستور مسأله بالا عمل نماید. ۳ اگر کسی به جهتی مثلاً به اعتقاد این که گوشت تلف می شود - صفحه : ۱۶۵ قربانی نکرد و تقصیر نمود و اعمال حج را انجام داد، باید قربانی نماید و اعاده حلق یا تقصیر لازم نیست و اعمال مکه معظمه را احتیاطاً اعاده کند. ۴ کسی که برای ذبح و کیل گرفته و با اعتقاد به این که او ذبح را انجام داده، حلق یا تقصیر نمود و اعمال حج را انجام داد، و بعد فهمید که و کیل ذبح نکرده باید ذبح را انجام دهد و اعاده حلق یا تقصیر لازم نیست.

(مشخصات قربانی)

۱ قربانی باید به ترتیب افضلیت «شتر» یا «گاو» یا «گوسفند» باشد. شتر باید سال پنجم را تمام کرده باشد و داخل در سال ششم شده باشد؛ و گاو و بز بنا بر احتیاط داخل سال سوم باشند؛ و احتیاط واجب آن است که گوسفند یک سالش تمام و داخل در

سال دوّم شده باشد. ۲ قربانی باید از هر جهت سالم باشد؛ پس قربانی کور، یک چشم، شل، گوش بریده و لو به مقدار کم، یا قربانی شاخ شکسته از اندرون،

یا اخته شده، یا بسیار پیر و بیمار، کفایت نمی کند. ۳ احوط آن است که قربانی علاوه بر آن که مشهور فرموده اند که در گرده های او «پیه» باشد به نحوی باشد که او را در عرف، لاغر هم نگویند. ۴ احتیاط مستحب آن است که قربانی «تخم کوبیده» هم نباشد و قربانی که گوشش سوراخ یا شکافته شده یا «رگ مالیده» باشد عیبی ندارد و نیز احتیاط مستحب آن است که قربانی طوری نباشد که از اصل مادرزادی، شاخ و دم نداشته باشد. ۶ شرایطی که برای قربانی ذکر شده، باید احراز شده، و بدون احراز نمی توان بنا بر سالم بودن آن گذارد.

(اگر بعد از ذبح بفهمد که قربانی شرایط را دارا نبوده)

۱ اگر سن قربانی از آن چه که بیان شد کمتر باشد، کفایت نمی کند؛ و صفحه : ۱۶۶ اگر بعد از ذبح بفهمد که قربانی سن لازم را نداشته، باید قربانی دیگری ذبح نماید. ۲ اگر قربانی را به عقیده این که سالم است خریداری نمود و ذبح کرد و بعد معلوم شد که معیوب است، کفایت نمی کند. ۳ اگر قربانی را به عقیده این که چاق است ذبح کرد بعد فهمید که لاغر است، کافی است و نیاز به ذبح دیگر نیست. ۴ هر گاه گمان به لاغر بودن قربانی داشت ولی به امید چاق بودن، آن را ذبح کرد و قصد او اطاعت دستور خداوند متعال بود و بعد معلوم شد که چاق بوده، کافی است.

(اگر قربانی بعد از خرید، مریض یا معیوب شود)

۱ هر گاه قربانی سالم و بی عیبی خرید و قبل از ذبح، مریض یا معیوب شد، ذبح آن کافی نیست و لازم است تعویض نماید. توجه: شرایطی که ذکر شده، فقط برای قربانی است و برای کفاره لازم نیست.

(کفایت ذبح قربانی غیر واجد شرایط با عدم تمکن از سالم)

شرایطی که برای قربانی ذکر شد، همه آن در صورت تمکن و قدرت است و کسی که نتواند قربانی را به این شرایط تهیه نماید، هر چه برای او ممکن باشد، همان کافی است و بنا بر احتیاط به نحوی که ذکر خواهد شد روزه هم بگیرد.

[کسی که پول دارد ولی قربانی نیابد]

[کسی که پول قربانی را دارد ولی قربانی گیرش نمی آید، بایستی پول آن را نزد شخص امینی بگذارد که تا آخر ماه ذی الحجه با آن پول قربانی خریده و ذبح نماید؛ و چنانچه ماه ذی الحجه گذشت، نباید ذبح نماید تا صفحه : ۱۶۷ سال بعد و احوط آن است که در صورت تأخیر از ذی الحجه همان سال، هم سال بعد ذبح نماید و هم ده روز روزه بگیرد.

(کسی که نه قربانی دارد و نه پول آن را)

۱ کسی که نه قربانی دارد و نه پول آن را، به جای آن باید ده روز روزه بگیرد؛ به این ترتیب که سه روز آن را پی در پی در حج بگیرد، یعنی روز هفتم و هشتم و نهم ذی الحجه را روزه بگیرد و این سه روز را می تواند پس از شروع به اعمال عمره تمتع از اول ماه ذی الحجه روزه بگیرد و باید پی در پی باشد و هفت روز دیگر را بعد از بازگشت در وطن روزه بگیرد؛ و اظهر آن است که لازم نیست هفت روز پی در پی باشد و نیز لازم نیست روزه در خود وطن باشد بلکه اگر در جایی قصد اقامت نمود، کافی است. ۲ کسی که باید در حج به جای قربانی روزه بگیرد، اگر نتواند روز هفتم را روزه بگیرد، روز هشتم و نهم را روزه هم بگیرد و روز دیگر را بعد از بازگشت از منی روزه بگیرد؛ لکن چنانچه روز هشتم را هم نتوانست، روز نهم را روزه نگیرد و هر سه روز را بعد از برگشتن از منی روزه بگیرد و احتیاط آن است که پس از بازگشت

هر چه زودتر روزه ها را بگیرد و بدون عذر تأخیر ننماید هر چند تا آخر ذی الحجه بنا بر اقوی تأخیر آن جایز است. ۵ اگر کسی که قدرت بر تهیه قربانی ندارد، در حج سه روز روزه نگرفت تا ماه تمام شد، باید خودش یا نایبش در سال دیگر ذبح نماید و روزه کافی نیست. ۶ اگر کسی پول قربانی ندارد ولی متاعی زاید بر شأن داشته باشد حتی اگر لباس باشد باید آن را بفروشد و قربانی تهیه نماید. صفحه : ۱۶۸ ۷ کسی که می توانسته روزه بگیرد ولی نگرفته، بر ورثه وی واجب است از طرف وی قضا نماید.

(شراکت در قربانی)

کسی که نمی تواند به تنهایی قربانی تهیه نماید و می تواند با مشارکت دیگری آن را تهیه نماید، احتیاط آن است که بین شرکت در قربانی و روزه گرفتن جمع نماید.

(شرایط ذابح)

۱ ذبح چه در قربانی و چه در کفاره لازم نیست توسط خود شخص صورت گیرد بلکه جایز است که در حال اختیار هم دیگری را نائب قرار دهد، هر چند توسط خودش مستحب است. ۲ کسی که ذبح به او واگذار می شود، لازم نیست مؤمن باشد ولی باید ذبح را به گونه صحیح انجام دهد. ۳ کسی که برای ذبح نائب می شود نیت او از طرف منوب «عنه» کافی است و لازم نیست منوب عنه هم نیت کند.

(مصرف قربانی)

احتیاط آن است که در صورت امکان، مقداری از قربانی را به فقیر مؤمن صدقه دهد، یا به وکیل او بدهد تا به او برساند؛ و یک مقداری را هدیه نماید؛ و مقداری را هم خودش بخورد. جدا کردن صدقه و هدیه لازم نیست و به صورت مشاع، می تواند به ترتیب بالا عمل نماید.

(اگر بعد از روزه یا ذبح ناقص، قدرت حاصل شود)

۱ کسی که نه قربانی داشت و نه پول آن را و در حج سه روز روزه صفحه : ۱۶۹ گرفت، سپس قربانی برای او ممکن شد، قربانی بر او واجب نیست و روزه کافی است اگر چه ذبح کردن بهتر است. صفحه : ۱۷۰

(عمل ششم حج و سوم منی: حلق یا تقصیر) (واجب سوم منی)

«حلق»، یعنی تراشیدن سر و «تقصیر» چنانچه گذشت یعنی، چیدن مقداری از مو یا ناخن و دارای احکام و شرایطی است که ذکر می شود.

(تخیر بین حلق و تقصیر، برای مردان)

مردان می توانند حلق نمایند و یا تقصیر نمایند، یعنی می توانند سر بتراشند و یا از مو یا ناخن خود کوتاه نمایند؛ و سر تراشیدن بهتر است، و برای کسی که اولین بار حج می نماید (صروره) مستحب^۲ موگد است. ۲ سر تراشیدن برای زنان جایز نیست و باید تقصیر نمایند و هم چنین است خنثای مشکل.

(نیت حلق و تقصیر)

۱ تقصیر باید با نیت و قصد قربت انجام شود. ۲ اگر کسی خواست نیت بر زبان آورد می تواند این جمله را بگوید: «حلق یا تقصیر می نمایم به نیت حج تمتع واجب یا مستحب قر به إلی الله».

(زمان و مکان حلق و تقصیر)

۱ احتیاط آن است که حلق و تقصیر، بعد از رمی جمره و ذبح قربانی در روز عید انجام گیرد؛ ولی اگر به هر جهتی آن را بر رمی جمره یا قربانی یا هر دوی آنها مقدم نمود، اعاده آن لازم نیست. صفحه : ۱۷۱ ۲ انجام دادن حلق و تقصیر در شب، مجزی است. ۳ مکان حلق و تقصیر، منی است و اختیاراً در غیر آنجا جائز نمی باشد. ۴ کسی که وظیفه او روزه گرفتن است، حلق یا تقصیر را باید در روز عید انجام دهد. ۵ اگر به جهت عذر، ذبح قربانی از روز عید تأخیر افتاد، مقدم نمودن حلق و تقصیر جائز است.

(ترک حلق یا تقصیر)

۱ هر گاه شخصی از روی فراموشی یا ندانستن مسأله، حلق یا تقصیر ننماید تا از منی بیرون رفت، باید به منی برگردد و آن را انجام دهد؛ و اگر بازگشت دشوار یا غیر ممکن باشد، هر جا که هست حلق یا تقصیر نموده و موی خود را در صورت امکان به منی بفرستد. ۲ هر گاه از روی فراموشی یا ندانستن مسأله، حلق یا تقصیر ننمود تا بعد از طواف فهمید و به منی مراجعت نمود و حلق یا تقصیر نمود، اعاده طواف واجب است. ۳ حکم ترک عمدی تقصیر یا حلق، مانند سهو است، لکن بنا بر احوط یک گوسفند کفاره دارد.

(مراحل سه گانه خروج از محرمات احرام)

خروج از محرمات احرام در سه مرحله صورت می پذیرد: (مرحله اول): به وسیله حلق و تقصیر صورت می گیرد؛ و پس از آن که حاجی سر تراشید یا تقصیر نمود، غیر از مسائل زناشویی و بوی خوش، همه محرمات احرام بر او حلال می شود؛ و حلال شدن صید از ناحیه صفحه : ۱۷۲ احرام بعد از تقصیر و حلق، بی وجه نیست، هر چند که صید در حرم، بر مُحرم و غیر مُحرم، حرام است. (مرحله دوم): بعد از انجام طواف و نماز آن و سعی، بوی خوش بر حاجی، حلال می شود. (مرحله سوم): بعد از انجام طواف نساء و نماز آن، امور زناشویی نیز حلال می گردد.

(خارج شدن از مکه معظمه قبل از اعمال آن)

بعد از اعمال منی و قبل از پایان یافتن اعمال مکه معظمه بنا بر احتیاط خروج از مکه جائز نیست. صفحه : ۱۷۳

(اعمال پنج گانه مکه)

اشاره

بعد از پایان گرفتن اعمال منی، حُجاج باید جهت انجام دادن بقیه اعمال حج، به مکه معظمه برگردند و طواف حج و نماز آن و سعی را انجام دهند. (زمان رجوع به مکه) گر چه جواز تأخیر طواف، بعد از روزهای تشریق (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم) بلکه تا آخر ماه ذی الحجه، بعید نیست؛ لکن احتیاط مستحب آن است که طواف حج از روز یازدهم ذی الحجه، تأخیر نشود. (افرادی که می توانند اعمال مکه را بر وقوف عرفات و مشعر مقدم نمایند) مقدم نمودن طواف و نماز آن و سعی، بر وقوف عرفات و مشعر بنا بر مشهور و اظهر در حالت عادی جایز نمی باشد ولی برای افرادی جایز شمرده شده است: الف افرادی که می دانند یا احتمال عقلایی می دهند که هنگام بازگشت از منی قدرت بر انجام دادن این اعمال را ندارند؛ می توانند اعمال را مقدم نمایند، حتی طواف نساء صفحه : ۱۷۴ علی المشهور الاظهر پس افراد پیر، یا زنی که می ترسد که در آن زمان حیض شود، و امثال آنها می توانند اعمال مکه را بر وقوف عرفات و مشعر، مقدم نمایند؛ و احوط آن است که اگر بعد از به جا آوردن آن اعمال برای آنها ممکن شد، در ایام تشریق یا تا آخر ذی الحجه، اعاده نمایند؛ و اگر ممکن نشد بنا بر احوط نائب بگیرند، و اگر می دانند که اعاده آن اعمال تا آخر ماه، ممکن نمی شود، احوط جمع بین

مقدم نمودن اعمال و نایب گرفتن است. ب کسی که بعد از اعمال منی بازگشت به مکه معظّمه برای او ممکن نباشد، می تواند طواف حج و نماز آن و سعی را بر وقوفین مقدم نماید؛ بلکه مقدم نمودن طواف نساء نیز بنا بر مشهور و اظهر، مانعی ندارد. (اعمال مکه از پنج عمل به ترتیب ذیل، تشکیل می شود):

۱ (طواف حج (عمل هفتم حج))

اشاره

۱ طواف حج از جهت احکام و شرایط کاملاً با طواف عمره که گذشت یکسان می باشد فقط از جهت نیت با آن متفاوت است. ۲ اگر کسی خواست علاوه بر نیت قلبی آن را بر زبان آورد می تواند این جمله را بگوید: «هفت شوط طواف حج به جا می آورم از حج تمتّع واجب یا مستحب، قربه إلى الله».

(انجام طواف مستحبی قبل از طواف حج)

انجام طواف مستحبی قبل از طواف حج، مانعی ندارد. صفحه : ۱۷۵

(کسانی که قدرت بر طواف نداشته باشند)

اگر کسی عارضه ای برایش اتفاق بیافتد و نتواند طواف نماید مانند زنی که حیض ببیند یا زایمان کند و نتواند تا پاک شدن خود در مکه بماند لازم است برای طواف و نماز، نایب بگیرد و پس از طواف نایب و نماز او، خودش سعی را به جا آورد.

(مرحله دوم خروج از معزّات احرام)

۱ کسی که طواف و نماز و سعی را به جا آورد، بوی خوش نیز بر او حلال می شود. ۲ کسی که تقدیم طواف و سعی بر وقوفین برایش جایز باشد هر گاه طواف و سعی نمود تا مناسک منی را به جا نیاورد، بوی خوش و سایر محرّمات بر او حلال نمی شود.

۲ (نماز طواف حج) (عمل هشتم حج)

۱ نماز طواف حج کاملاً با نماز طواف عمره یکسان است مگر نیت. ۲ اگر کسی خواست نیت را بر زبان آورد می تواند این جمله را بگوید: «دو رکعت نماز طواف حج تمتّع واجب یا مستحب به جا می آورم قربه إلى الله».

۳ (سعی (عمل نهم حج))

۱ بعد از پایان یافتن طواف و نماز آن سعی بین صفا و مروه با همان خصوصیات که در سعی عمره گذشت، انجام می شود. ۲
برای نیت سعی حج می تواند این جمله را بگوید: «هفت شوط سعی حج تمتع واجب یا مستحب انجام می دهد قربه إلی الله».
صفحه : ۱۷۶

۴ و ۵ (طواف نساء و نماز آن) (عمل دهم و یازدهم حج)

اشاره

۱ بعد از پایان گرفتن سعی، انجام طواف نساء و نماز آن واجب است. ۲ انجام طواف نساء و نماز آن واجب است ولی از ارکان حج نیست؛ پس ترک عمدی آن دو، موجب بطلان حج نمی شود ولی تا کسی طواف نساء و نماز آن را انجام نداده، امور زناشویی بر او حلال نمی شود. ۳ طواف نساء و نماز آن از جهت واجبات و احکام و شرایط با طواف و نماز عمره و حج یکسان است مگر از جهت نیت که ذکر خواهد شد.

(وجوب طواف نساء مردان، زنان و کودکان)

طواف نساء بر همه حجّاج، اعم از مردان و زنان و کودکان، واجب است.

(نیت طواف نساء)

۱ طواف نساء و نماز آن، باید با نیت و با قصد قربت انجام پذیرد به گونه ای که در طواف حج و نماز آن گذشت. ۲ کسی که حج نیایی انجام می دهد، طواف نساء را از طرف کسی که از طوف او نائب شده به جا می آورد؛ و اگر نائب، طواف نساء و نماز آن را ترک کند یا صحیح انجام ندهد، امور زناشویی بر خود او حلال نمی شود.

(زمان طواف نساء و نماز آن)

۱ زمان انجام دادن طواف نساء، بعد از انجام دادن سعی است و جلوتر از آن عمدتاً، کافی نیست مگر در حال ضرورت و ترس حیض که تقدیم آن در این فرض بر سعی جایز است و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله آن را جلوتر انجام داد بنا بر اظهر کافی است و اعاده لازم ندارد. ۲ طواف نساء و نماز آن، لازم نیست بلافاصله بعد از سعی واقع شود صفحه : ۱۷۷ و تأخیر آن دو به هر اندازه جایز است ولی تا انجام نشده، امور زناشویی، حلال نمی شود.

(کسی که طواف نساء را بر وقوفین مقدم کرده است)

۳ کسی که به خاطر عذر، طواف نساء و نماز آن را قبل از وقوفین به جا می آورد تا وقتی که مناسک منی را انجام نداده، امور زناشویی بر او حلال نمی شود.

(افرادی که قادر بر طواف نساء یا نماز آن نباشند)

کسی که به جهت عذری نمی تواند طواف نساء و نماز آن را انجام دهد به وظیفه ای که برای غیر قادر بر طواف حج و نماز آن بیان شد، عمل می نماید، یعنی طواف را با کمک دیگران انجام می دهد و لو با سوار شدن بر چرخ یا پشت کسی باشد؛ و اگر این هم ممکن نباشد، نایب می گیرد؛ و هم چنین است نماز طواف.

(ترک طواف نساء و نماز آن یا باطل بودن آن)

۱ کسی که عمداً یا سهواً یا جهلاً، طواف نساء را به جا نیاورد یا باطل به جا آورد، امور زناشویی بر او حرام خواهد بود مگر آن که خودش آن را تدارک کند، یا اگر ممکن نباشد نایب بگیرد تا از طرف او انجام دهد. ۲ فراموشی نماز طواف نساء، مانند فراموشی نماز طواف عمره تمتع و طواف حج است که حکم آن گذشت.

(شک در طواف نساء و نماز آن)

۱ اگر کسی بعد از مراجعت از مکه معظمه شک کند که طواف نساء را انجام داده یا نه اگر برایش ممکن باشد برگردد و آن را انجام دهد و گر نه نایب بگیرد تا آن را به جا آورد. صفحه: ۱۷۸ ۲ اگر کسی بعد از فراغت از طواف نساء شک کند که آیا آن را صحیح به جا آورده یا نه، بنا بر صحت بگذارد و هم چنین است نماز طواف نساء. ۳ هر گاه کسی طواف نساء را فراموش نماید و وقت مراجعت طواف وداع به جا آورده باشد، از طواف نساء مجزی است چون در حقیقت قصد انجام وظیفه و امر فعلی را نموده است.

(مرحله سوّم خروج از محرمات احرام)

هر گاه حاجی طواف نساء و نماز آن را به جا آورد اموری که از ناحیه زناشویی بر او حرام شده بود، بر او حلال می شود؛ اما کندن گیاه و درخت حرم و شکار در حرم حرمت آن اختصاص به مُحرم ندارد و بر همه حرام است. صفحه: ۱۷۹

(عمل دوازدهم حج: بیتوته در منی)

اشاره

۱ بر حجاج واجب است که شب یازدهم و دوازدهم را در منی بیتوته کنند، مگر چند دسته که بدان اشاره خواهد شد. ۲ بیتوته

در شب سیزدهم علاوه بر شب یازدهم و دوازدهم، بر عده خاصی از حجاج لازم است، که عبارتند از: ۱ کسانی که در حال احرام از شکار یا زن، خودداری نکرده اند، واجب است شب سیزدهم را نیز در منی بمانند. ۲ افرادی که به هر دلیل تا شب سیزدهم در منی باقی بمانند، واجب است شب سیزدهم را نیز بمانند.

(افرادی که بیتوته در منی بر آنها واجب نیست)

افرادی که از ماندن در منی در این شبها مستثنی شده اند، عبارتند از: الف افرادی که عذری داشته باشند، مانند بیماران و پرستاران آنها و نیز کسی که آنجا یا جای دیگری بر مال و جان خود بترسد، بیتوته بر آنها واجب نیست. ب کسی که در مکه تمام شب را مگر در موارد ضروری مانند خوردن و آشامیدن یا خواب بدون صفحه: ۱۸۰ اختیار مشغول به عبادت باشد؛ می تواند بیتوته در منی را ترک نماید و مراد از عبادت بنا بر احتیاط، طواف و سعی و امثال آن از نسک حج است. ج کسانی که به حجاج آب می دهند نیز بیتوته بر آنها واجب نیست و هم چنین شبان گوسفندان.

مقدار زمان واجب برای بودن در شب و روز در منی

[] ۱ کسی که بودن شب در منی بر او واجب است، واجب نیست تمام شب را در منی باشد و می تواند از سر شب تا بعد از نیمه شب بماند، و بهتر برای کسی که نصف اول شب را آنجا مانده و بیرون رفته، این است که پیش از طلوع فجر وارد مکه نشود. ۲ کسی که بودن شب در منی بر او واجب است، بودن روز در منی بیش از مقداری که بتواند رمی جمرات کند بر او واجب نیست هر چند در روز دوازدهم، لازم است کوچ بعد از ظهر شرعی صورت گیرد.

(زمان کوچ از منی)

۱ افرادی که در منی بیتوته نموده اند، باید کوچ آنها به مکه معظمه بعد از ظهر شرعی روز دوازدهم صورت گیرد مگر آن دسته از افراد که بیتوته شب سیزدهم بر آنها واجب شده، که در روز سیزدهم از منی کوچ می نمایند. ۲ هر گاه کسی برای کوچ از منی از جای خود حرکت نمود ولی به جهت شلوغی و مانند آن نتواند قبل از غروب از منی خارج شود، اگر بودن در منی برایش ممکن باشد، واجب است بماند؛ و اگر ممکن نباشد یا دشوار باشد، جایز است از منی شبانه خارج شود و بنا بر احتیاط باید یک گوسفند ذبح نماید. صفحه: ۱۸۱ ۳ کسی که از منی کوچ کرده و هنگام شب سیزدهم جهت کاری به منی بازگشته در صورتی که اعمال مکه را انجام داده باشد، واجب نیست در منی بیتوته کند.

(ترک بیتوته در منی)

۱ کسی که بیتوته در منی را ترک کند: اگر عمداً بوده، باید برای هر شب یک گوسفند کفاره بدهد. اگر سهواً بوده یا مسأله را نمی دانسته یا معذور بوده، احتیاط آن است که کفاره بدهد. ۲ کسی که جهت عبادت، شب را در مکه بوده، لازم نیست کفاره بدهد. ۳ کسی که از مکه به سوی منی خارج شده و در بین راه بیتوته نموده است در حالی که از «عقبه مدینین» نگذشته باشد، باید کفاره بدهد. ۴ اگر کسی در زمینهای متصل به منی به اعتقاد این که جزء منی است بیتوته نماید و بعد بفهمد که از

منی نیست، بنا بر احوط باید برای هر شب کفّاره بدهد. ۵

اگر کسی از اول شب در منی بیتوته نماید ولی قبل از نیمه شب سهواً از منی خارج شود، کفاره بر وی واجب نیست. صفحه :

۱۸۲

(عمل سیزدهم حج: رمی جمرات)

اشاره

(جمره اولی، جمره وسطی و جمره عقبه) ۱ در شبهایی که حجاج در منی بیتوته نموده اند، در روز آن واجب است جمرات را رمی نمایند؛ پس افرادی که شب سیزدهم را در منی بیتوته کنند، رمی روز سیزدهم نیز بر آنان واجب خواهد بود. ۲- افرادی که به جعتی در روز دهم ذبح را انجام نداده اند و می خواهند روز دوازدهم ذبح نمایند، رمی آنها در روز یازدهم و دوازدهم مانعی ندارد.

(چگونگی رمی جمرات)

احکام و شرایطی که در رمی جمره عقبه یعنی عمل چهارم حج اول منی ذکر شد از قبیل شرایط سنگ ریزه و رمی و غیر آن، باید در رمی جمرات سه گانه نیز رعایت شود.

(ترتیب در رمی)

۱ در روزهای یازدهم و دوازدهم و برای برخی افراد سیزدهم، که رمی هر سه جمره واجب است، واجب است به ترتیب از جمره اولی شروع کند، بعد از آن جمره وسطی و بعد از آن جمره عقبه را رمی نماید و ترتیب باید رعایت شود. صفحه : ۱۸۳
۲ کسی که از روی نادانی یا فراموشی ترتیب را ترک کرده باشد؛ اگر بر عکس، رمی نموده، کافی است که جمره وسطی و سپس عقبه را رمی نماید؛ بلی اگر چهار ریگ زده بود لازم نیست تماماً اعاده کند؛ و اگر سه ریگ دیگر به جمره قبلی زد کفایت می کند ولی احوط در اینجا نیز اعاده است.

(زمان رمی جمرات)

زمان رمی در حالت عادی از طلوع آفتاب تا غروب آن است مگر برای افرادی که مسأله بعد ذکر می شود.

(کسانی که رمی در شب برای آنها جائز است)

رمی جمرات باید در روز در وقت مقرر انجام شود و کسانی که در روز نتوانند رمی کنند، مانند افراد پیر و زنها و بچه ها و افراد ضعیف که به خاطر ازدحام و امثال آن، بر جان خود می ترسند، می توانند رمی را در شب قبل هر روز انجام دهند؛ و اما در شب بعد از هر روزی اگر می دانند که در فردای آن روز می توانند رمی را قضا کنند، احوط آن است که قضا را تا طلوع آفتاب تاخیر بیاندازند.

(ترک رمی جمرات)

۱ اگر رمی جمرات حتی عمداً، ترک شود بنا بر اشهر و اقوی حج باطل نمی شود و واجب است در سال بعد قضای رمی را خود شخص و بنا بر احتیاط اگر ممکن نیست نائب او به جا آورد. ۲ کسی که رمی روز یازدهم را فراموش کند، واجب است روز بعد یعنی روز دوازدهم قبل از رمی همان روز، آن را قضا نماید و هم چنین است اگر رمی روز دوازدهم را فراموش نماید. صفحه: ۱۸۴ ۳ کسی که رمی در منی را فراموش نموده: الف اگر پس از کوچ کردن به مکه یادش آمد که رمی را به جا نیاورده، واجب است به منی برگشته و رمی نماید؛ و چنانچه رمی بیش از یک روز را فراموش کرده، ترتیب در قضا را رعایت نماید. ب اگر کسی بعد از خروج از مکه یادش آمد که رمی را به جا نیاورده، واجب نیست همان زمان به منی برگردد، بلکه در سال بعد خودش آن را در ایام تشریق انجام می دهد و بنا بر احوط اگر نتوانست نایبش از طرف وی آن را انجام

می دهد. ج اگر بعد از گذشت سه روز از روز عید قربان یقین کرد که یکی از این سه روز رمی های جمرات را به جا نیاورده و نداند که کدام روز بوده، احتیاطاً باید رمی هر سه روز را قضا نماید.

(کسانی که قدرت بر رمی ندارند و موارد نایب گرفتن)

۱ بیماری که امید ندارد تا پایان وقت، بهبودی حاصل کند، برای رمی نایب می گیرد، و چنانچه پیش از تمام شدن وقت، بهبودی یافت، اعاده لازم نیست اگر چه احتیاط مستحب است؛ و در صورت امکان، شخص ناتوان سنگ را به دست بگیرد که دیگری بیاندازد؛ و بنا بر احوط هم این کار را انجام دهد و هم نایب بگیرد. ۲ افرادی که به خاطر کهولت سن و امثال آن، قادر بر رمی در روز نیستند، در شب رمی می نمایند، چنانچه گذشت و اگر از آن هم عاجز باشند، نایب می گیرند. صفحه : ۱۸۵

(بازگشت به مکه از منی)

۱ افرادی که وظایف منی را انجام داده اند جائز است بعد از ظهر شرعی روز دوازدهم به طرف مکه حرکت نمایند، مگر افرادی که وظیفه آنان ماندن است. ۲ افرادی که بعد از ظهر دوازدهم کوچ برای آنها جائز است، اگر در منی بمانند تا آفتاب غروب کند، باید شب سیزدهم را هم در منی بمانند. ۳ کسی که وظایف منی را انجام داده و صبح دوازدهم برای بعضی حوائج به مکه آمده، لازم است بنا بر احتیاط قبل از ظهر برای کوچ کردن در بعد از ظهر به منی برگردد. صفحه : ۱۸۶

(فصل سوم احکام محصور و مصدود)

۱ محصور

اشاره

۱ به کسی که بعد از مُحرم شدن مریض شود و نتواند اعمال عمره یا حج را انجام دهد، «محصور» می گویند و دارای احکام خاصی است که بیان می شود.

(حصول بیماری و حصر قبل از احرام حج)

اگر کسی بعد از اعمال عمره تمتع و قبل از احرام برای حج، محصور شود اگر حج بر وی مستقر بوده، احتیاط آن است که برای حج افراد و عمره مفرد بعد از آن، نایب بگیرد. کسی که برای او «حصر» رخ می دهد چند حالت دارد:

(حصول بیماری و حصر قبل از وصول به مکه)

اگر کسی در عمره به سبب مریضی، نتواند بعد از احرام خود را به مکه معظّمه برساند، باید قربانی نماید؛ و بنا بر احوط و مشهور، مکان ذبح آن مکه معظّمه است به این صورت که قربانی را به آنجا می فرستد و شخصی را وکیل می نماید و وقت ذبح را مشخص می نماید تا بعد از این که ذبح توسط وکیل انجام شد، تقصیر نماید. صفحه : ۱۸۷ ۳ اگر کسی در حج بعد از

احرام نتواند به سبب مریضی خود را به وقوفین برساند، باید قربانی نماید و مکان ذبح بنا بر احوط و مشهور «منی» است و زمان ذبح نیز بنا بر احوط روز عید است، ترتیبی که در فرض قبل، مطرح شد در این فرض نیز رعایت می شود. (تذکره:) بعد از تقصیر همه محرمات احرام بر این چنین شخصی حلال می شود غیر از امور زناشویی و چنانچه شخصی که حج واجب بر عهده اش بوده در سال آینده حج را با طواف نساء انجام ندهد، بر او امور مربوط به زناشویی حلال نمی شود؛ و اگر در سال آینده قدرت بر حج نداشته باشد، بعید نیست که استنابه کافی باشد؛ و شخصی که حج او مستحبی بوده با نایب گرفتن در خصوص طواف نساء، آن امور بر او حلال می شود.

(حصول بهبودی نسبی بعد از فرستادن قربانی)

کسی که در حج محصور شده و قربانی فرستاده اگر مریضی او بهبودی یابد و گمان کند یا احتمال دهد که می تواند حج را درک نماید، واجب است خودش را برساند و چنانچه هر دو موقف یا یکی را به نحوی که گذشت، درک نماید، حج او صحیح است و اگر

تواند هر دو موقف یا یکی را به نحوی که گذشت درک نماید به وسیله عمره مفرده از احرام خارج می شود البته در صورتی که بنا بر احتیاط قبل از فوت حج، به وسیله ذبح قربانی، از احرام خارج نشده باشد.

(کسی که واجبات منی را نتواند انجام دهد)

اگر کسی مریض شود و نتواند فقط مناسک منی را انجام دهد، حکم محصور بر او جاری نمی شود، بلکه برای رمی و قربانی نایب می گیرد و صفحه: ۱۸۸ خودش حلق یا تقصیر می نماید و به مکه معظمه رفته و مناسک آنجا را به جا می آورد.

(مریضی که اعمال مکه را نتواند انجام دهد (بعد از منی))

اگر کسی بعد از درک وقوفین و اعمال منی، نتواند فقط اعمال مکه را به جا آورد، ظاهر این است که واجب است جهت انجام مناسک مکه نایب بگیرد و بعد از عمل نایب، همه محرمات احرام حتی امور زناشویی، بر او حلال می شود.

(حکم حج سال آینده محصور)

شخصی که محصور شده اگر استطاعتش تا سال بعد باقی بماند یا از سالهای پیش حج بر او واجب شده باشد، به وسیله فرستادن قربانی و بیرون آمدن از احرام، حج از او ساقط نمی شود و باید در سال بعد به حج برود.

(۲ مصدود)

اشاره

«مصدود» کسی است که بعد از مُحرم شدن برای عمره یا حج، از انجام دادن اعمال، منع شود و راهی دیگر نداشته باشد مصدود و دارای احکام خاصی است که به یاری خداوند متعال بیان می شود.

(اقسام مصدود)

شخص مصدود و ممنوع از اعمال دارای چند حالت است: ۱ مصدود از عمره در جای خود خود به نیت خروج از احرام قربانی می نماید و از احرام خارج می شود و بنا بر احتیاط حلق یا تقصیر را به آن ضمیمه نماید. ۲ مصدود از حج چنانچه قبل از موقف عرفات و مشعر برای او صفحه: ۱۸۹ ممنوعیت حاصل شود، وظیفه اش آن است که در همان محل (محل ممنوعیت) قربانی نماید و بنا بر احتیاط حلق یا تقصیر هم بنماید.

(میزان تحقق و عدم تحقق مصدودیت)

کسی که از یکی از دو موقف (عرفات و مشعر) ممنوع شود در صورتی که بر موقف دیگری قدرت داشته باشد، بنا بر اظهر حکم مصدود بر او جاری نمی شود و در صورت کلی هر گاه حج صحیح از مکلف متمشی شود به هر نحوی که باشد اگر

چه به گونه اضطراری آن، حکم مصدود بر او جاری نمی شود. ۳ اگر از اعمال منی بعد از وقوف عرفات و مشعر، ممنوع شود حج او صحیح و تمام است و برای رمی و بعد آن نایب می گیرد و پس از آن که نایب عمل را انجام داد به وسیله سر تراشیدن از احرام خارج می شود و اگر همان سال نتوانست نایب بگیرد سال بعد نایب می گیرد و دور نیست که به وسیله قربانی در همین سال از احرام خارج شود و لو باید در سال بعد نایب بگیرد. ۴ کسی که بعد از اعمال منی از اعمال مکه ممنوع شود اگر خودش نتوانست به جا آورد نایب بگیرد؛ و اگر در همان زمان نتوانست نایب بگیرد، تا آخر ذی الحجه نایب

بگیرد؛ و اگر آن هم ممکن نشد، در سال آینده نایب بگیرد و در خروج از احرام در همین سال به وسیله قربانی مثل مساله قبلی است. ۵ کسی که بعد از اعمال مکه در مکه باشد و از بیتوته در منی و رمی جمرات ممنوع شود، حج او تمام است و برای رمی در صورت امکان همان سال نایب می گیرد و در صورت عدم امکان، در سال بعد نایب می گیرد.

(نوع قربانی)

۱ در تمامی موارد مصدودیت قربانی شتر یا گاو یا گوسفند کافی است. صفحه : ۱۹۰ ۲ مصدودی که نتواند قربانی نماید، در احرام باقی می ماند و در اینجا قربانی جایگزین ندارد و باید اگر چه به قرض گرفتن هم باشد آن را تهیه و ذبح نماید و از احرام خارج شود. ۲ کسی که قربانی همراه خود برده و مصدود شود، کشتن همان قربانی کافی است و قربانی دیگری بر او واجب نمی شود.

(کسی که حج خود را فاسد کرده و بعد از آن مصدود شود)

کسی که حج خود را فاسد کرده و بعد از آن مصدود شود، لازم است علاوه بر قربانی جهت خارج شدن از احرام، کفاره افساد حج را نیز بدهد و حج را در سال آینده به جا آورد اگر چه حج فاسد شده مستحبی باشد؛ و احوط آن است که یک حج قضایی کافی نیست و باید بنا بر احتیاط دو حج به جا آورد، بلکه در صورت استقرار وجوب حج، وجوب تعدد حج خالی از وجه نیست و در غیر آن فقط یک حج افساد عقوبتی لازم است بنا بر مختار که دومی به عنوان عقوبت است. صفحه : ۱۹۱

(فصل چهارم تبدل به حج افراد)

اشاره

۱ حج همان طور که گذشت بر سه گونه است: «حج تمتع» و «حج قران» و «حج افراد»، و نیز گذشت که حج مورد ابتلای اهل ایران و امثال آن ابتداءً حج تمتع است. ۲ افرادی که وظیفه آنها حج تمتع است به جهت عذری نمی توانند عمره تمتع را به جا آورند و اگر بخواهند آن را به جا آورند به وقوف اختیاری عرفات نمی رسند، وظیفه آنها مبدل به حج افراد می شود و باید به حج افراد عدول نمایند.

(افرادی که حج تمتع آنها بدل به افراد می شود)

اشاره

اشخاصی که حج تمتع بر عهده آنها باشد و حج آنها مبدل، به حج افراد می شود، عبارتند از:

(افرادی که دیر به مکه برسند)

۱ افرادی که به خاطر عذری دیر به مکه برسند به گونه ای که اگر بخواهند عمره تمتع را به جا آورند به وقوف عرفات نمی

رسند یا خوف آن دارند که نرسند، به حج افراد عدول می نمایند و حج آنها صحیح است و اعاده نیاز ندارد. صفحه: ۱۹۲

(بانوان مُحرمی که می ترسند به وقوف عرفات نرسند)

۲ بانوانی که مُحرم شده اند و به مکه وارد شده اند اما به واسطه حیض یا نفاس نتوانند طواف را انجام دهند و اگر بخواهند که بمانند تا پاک شوند ترس آن داشته باشند که به وقوف عرفات نرسند، که باید حج افراد انجام دهند و حج آنها صحیح است.

(افرادی که احرام نبسته یا عمره خود را باطل نموده اند)

۳ افرادی که بدون عذر موجه احرام نبسته باشند یا عمره خود را باطل نموده باشند تا وقت تنگ شده، باید به حج افراد عدول نمایند و عمره مفرده بعد از آن به جا آورند و بنا بر احتیاط واجب حج را در سال بعد اعاده نمایند.

(مورد تبدیل حج تمتع مستحبی به افراد)

۴ افرادی که حج «مستحب» به جا می آورند اگر دیر به مکه معظمه برسند و نیز بانوانی که حج مستحبی به جا می آورند اگر به خاطر عذر شرعی که توضیح آن گذشت به وقوف عرفات نمی رسند، حج آنها مبدل به حج افراد می شود و لازم نیست بعد از آن عمره مفرده به جا آورند.

(مورد تبدیل حج نیایی و تبرّعی به حج افراد)

۵ افرادی که برای انجام حج اجیر شده اند و حج نیایی به جا می آورند نیز در صورتی که به خاطر عذری به یکی از گونه هایی که گذشت نتوانند عمره تمتع را به جا آورند، حج افراد به جا می آورند و حج آنها صحیح است ولی از جهت استحقاق اجرت و امثال آن تفصیلاتی دارد و فی الجمله تابع نحوه قرار دارد است. ۶ افرادی که حج «تبرّعی» به جا می آورند نیز مثل فرض گذشته حج آنها مبدل به افراد می شود و حج آنها صحیح است. صفحه: ۱۹۳

(کیفیت حج افراد)

(زمان نیت حج افراد)

کسی که وظیفه او حج «تمتع» باشد و می داند که عمره تمتع را به خاطر مریضی یا تنگی وقت نمی تواند انجام دهد، باید از اول نیت حج افراد نماید.

(اعمال حج افراد)

۱ اعمال حج افراد، مانند حج «تمتع» است و اعمال آنها یکسان هستند مگر در سه جهت: الف: نیت و محل «احرام» که در تمتع مکه و در افراد مواقیت پنجگانه است. ب: در حج افراد، هدی واجب نیست و مستحب است. ج: حج افراد در غالب موارد،

باید بعد از آن عمره مفرده انجام شود. ۲ عمره مفرده ای که بعد از حج افراد انجام می شود با عمره مفرده ای که ابتداءً انجام می شود از جهت اعمال و محل - احرام یکسان است.

(چند مسأله):

(فرض فراغت ذمه منوب - عنه با حج افراد)

زن حائضی که حج نیابی به جای می آورد و نمی تواند به دلیل ضیق وقت عمره تمتع را به جا آورد باید به حج افراد عدول نماید و در صورتی که نیابت بر فارغ شدن ذمه منوب عنه باشد، علاوه بر این که مجزی از حج منوب عنه است مستحق اجرت تعیین شده نیز خواهد بود.

(کشف خلاف بعد از تیت حج افراد)

اگر زنی در میقات با یقین به این که عمره تمتع را نمی تواند انجام دهد صفحه : ۱۹۴ تیت حج افراد نماید ولی بعد از چند روز اقامت در مکه کشف خلاف آن شد، اگر بتواند به میقات برگردد و گر نه از خارج حرم برای عمره تمتع احرام ببندد و اعمال عمره تمتع را انجام دهد سپس برای حج تمتع مُحرم شود.

(تیت افراد و کشف عدم حیض در عرفات)

اگر زنی بعد از ورود به مکه گمان کرد که حائض است و نیز گمان کرد که تا وقوف عرفات نمی تواند اعمال عمره تمتع را انجام دهد و قصد حج افراد نمود و به عرفات رفت ولی در عرفات معلوم شد که حیض نبوده اگر بتواند باید به مکه معظمه برگردد و اعمال عمره تمتع را انجام دهد و گر نه حج افراد به جا آورد و کفایت می کند. صفحه : ۱۹۷

(احکام و اعمال عمره مفرده)

اشاره

گذشت که عمره بر دو گونه است: عمره به تنهایی و مستقل که «عمره مفرده» نام دارد؛ و «عمره تمتع» که جزء اعمال حج تمتع است و قبل از آن به جا آورده می شود. احکام عمره مفرده با احکام عمره تمتع، یکسان است مگر در موارد اندکی که به آن اشاره خواهد شد؛ و چون در احکام حج تمتع، احکام عمره تمتع به صورت مشروح بیان شد، در اینجا نیازی به ذکر احکام عمره مفرده نیست و فقط به احکام خاص و فرقه‌های آن با عمره تمتع، اشاره می شود.

(فرقه‌های عمره مفرده و عمره تمتع)

۱ در عمره مفرده «طواف نساء» و نماز آن، لازم است؛ ولی در عمره تمتع، واجب نیست؛ پس عمره مفرده دارای هفت عمل و عمره تمتع دارای پنج عمل است. ۲ عمره تمتع فقط باید در ماههای حج انجام شود؛ ولی به جا آوردن عمره مفرده در تمامی ماهها صحیح است. هر چند به جا آوردن آن در ماه صفر: ۱۹۸ رجب و بعد از آن ماه مبارک رمضان از همه ماهها برتری دارد. ۳ عمره تمتع و اعمال حج باید در یک سال به جا آورده شوند، ولی عمره مفرده ای که بعد از حج افراد به جا آورده می شود، شرط نیست با حج افراد در یک سال به جا آورده شود. ۴ در عمره مفرده، خارج شدن از احرام، هم به وسیله «تقصیر» جایز است و هم به وسیله «تراشیدن سر» و دومی افضل است؛ ولی در عمره تمتع، خارج شدن از احرام، فقط به وسیله تقصیر حاصل می شود. ۵ مکان مُحرم شدن، یعنی میقاتِ عمره تمتع، یکی از محلّهای پنجگانه معروف است. ولی

میقات عمره مفرده برای افرادی که در مکه هستند کمترین فاصله خارج از حرم است و برای افرادی که از میقات عبور می نمایند، یکی از میقاتهای پنجگانه است.

(آیا عمره مفرده بر کسی واجب است؟)

۱ عمره مفرده بر افرادی که وطن آنها شانزده فرسخ یا بیشتر (حدود ۸۶ کیلو متر) با مکه مکرمه فاصله دارد، ابتداءً (یعنی عمره السلام آنها عمره تمتع است نه مفرده) واجب نمی شود، هر چند بر انجام دادن آن قدرت داشته باشند، بنا بر این کسی که برای حج اجیر شده بعد از فراغت از اعمال حج نیابی، واجب نیست عمره به جا آورد هر چند در این هنگام، استطاعت بر عمره دارد، هر چند احتیاط مستحب آن است که به جا آورد. ۲ افرادی که بخواهند به مکه معظمه وارد شوند، با تفصیلی که خواهد آمد واجب است مُحرم شوند و تا اعمال لازم را انجام ندهند، از صفحه : ۱۹۹ احرام خارج نمی شوند. ۳ افرادی که جهت حج تمتع به مکه عزیمت می نمایند، عمره تمتع انجام می دهند و با به جا آوردن آن لازم نیست عمره مفرده انجام دهند. ۴ عمره مفرده به وسیله نذر و امثال آن، واجب می شود و در صورت تمکن و به جا نیاوردن، علاوه بر قضا کفاره نذر باید پرداخت شود. ۵ وقتی وظیفه کسی از حج تمتع به حج افراد مبدل می شود، بعد از آن عمره مفرده ای به جا آورده می شود.

(چگونگی انجام دادن عمره مفرده)

افرادی که جهت عمره مفرده عزیمت می نمایند، معمولاً در ابتدا به مدینه منوره مشرف می شوند بعد از آن به طرف مکه حرکت می نمایند و در سر راه مکه مکرمه به «مسجد شجره» (که در ذوالحلیفه واقع شده) و میقات و مکان مُحرم شدن است می رسند؛ پس اعمال عمره مفرده با احرام در همین مکان به ترتیب ذیل آغاز می شود: ۱ در ابتدا شخص،

جامه احرام بر تن می کند و با نیت احرام، لَبَّيْكَ می گوید، یعنی «مُحْرَم» می شود. ۲ بعد از مُحْرَم شدن به سوی مکه معظّمه حرکت می نماید و در مکه گرد کعبه مشرفه طواف انجام می دهد، یعنی هفت مرتبه دور خانه خداوند متعال، می گردد. ۳ بعد از طواف، دو رکعت نماز طواف، در پشت مقام صفحه : ۲۰۰ ابراهیم علیه السلام به جا می آورد. ۴ بعد از آن، هفت مرتبه، مسافت بین «صفا» و «مروه» را می پیماید، یعنی سعی بین صفا و مروه را انجام می دهد. ۵ بعد از سعی، «تقصیر» می کند. یعنی ناخن می گیرد، یا مقداری از مویش را می چیند، و تراشیدن سر نیز جایز بلکه افضل است. ۶ بعد از تقصیر یا سر تراشیدن، هفت مرتبه دور خانه خدا به نیت طواف نساء می گردد. ۷ بعد از طواف نساء، دو رکعت نماز طواف نساء، در پشت مقام ابراهیم علیه السلام به جا می آورد.

(نیت عمره مفرده)

۱ همین که کسی قصد دارد قربه إلى الله برای عمره مفرده، مُحْرَم شود، نیت او محسوب می شود و گفتن لفظی واجب نیست ولی اگر خواست آن را به زبان بیاورد، می تواند این جمله را با قصد، بگوید: «مُحْرَم می شوم به نیت عمره مفرده قربه إلى الله». ۲ اگر کسی هنگام احرام برای عمره مفرده اشتبهاً نیت عمره تمتع نمود، اگر به قصد وظیفه بوده، عمره مفرده محسوب می شود و تکرار لازم ندارد.

(مکان احرام عمره مفرده)

۱ افرادی که از میقات یا محاذات آن عبور می کنند، مکان مُحْرَم شدن آنها یکی از میقاتهای پنجگانه است که در احرام عمره تمتع ذکر خواهد شد. ۲ افرادی که در خود مکه هستند و می خواهند عمره مفرده به جا صفحه : ۲۰۱ آورند، مکان مُحْرَم شدن آنان نزدیکترین فاصله خارج از حرم یعنی: «ادنی الحِلّ» است که بهتر یکی از مکانهای «تنعیم» «جعرانه» و «حدیبیه» است. ۳ افرادی که از مسجد تنعیم برای عمره مفرده مُحْرَم شوند بنا بر احتیاط واجب نمی توانند در روز ماشین سقف دار سوار شوند.

(گذشتن بدون احرام از میقات در عمره مفرده)

اگر کسی به هر دلیل از میقات بدون احرام گذشت و وارد مکه شد لازم نیست به میقات برگردد، و ظاهراً کافی است که از ادنی الحِلّ مُحْرَم شود.

(چگونگی خارج شدن از احرام عمره مفرده)

۱ افرادی که جهت عمره مفرده مُحْرَم شده اند بعد از این که عمل پنجم، یعنی تقصیر یا سر تراشیدن را انجام دادند، همه محرمات احرام بر آنها حلال می شود مگر آن چه که از امور زناشویی بر آنها حرام شده بود که با انجام دادن طواف نساء و نماز آن، آن جهت نیز حلال می شود. ۲ اگر کسی بعد از احرام، اعمال لازم را انجام ندهد و یا آن اعمال را به صورت باطل انجام دهد، به حالت احرام باقی می ماند؛ و اگر محرمات احرام را عمداً مرتکب شود، بر او با تفصیلی که خواهد آمد کفاره لازم می شود.

(تکرار عمره)

۱ تکرار عمره مانند تکرار حج، مستحب است. ۲ پی در پی انجام دادن دو عمره بنا بر اظهر مانعی ندارد و نیاز به صفحه: ۲۰۲ فاصله ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که ده روز بین دو عمره فاصله شود، یا عمره دوم در ماهی غیر از ماه احرام عمره اول باشد.

(افرادی که بدون احرام می توانند به مکه مکرمه وارد شوند)

وارد شدن به مکه مکرمه بدون احرام، جایز نیست، مگر برای برخی افراد که از این حکم استثناء شده اند: ۱ افرادی که زیاد باید رفت و آمد نمایند، مانند راننده و امثال آن. ۲ افرادی که عمره مفرده به جا آورده اند و هنوز ماه احرام سابق آنها به پایان نرسیده است، هر چند اگر احتیاط نمایند خوب است. ۳ افرادی که به سن بلوغ نرسیده اند مانند اطفال و کودکان و نیز مجانین می توانند بدون احرام به مکه مکرمه وارد شوند هر چند مُحرم نمودن آنها با شرایط مانعی ندارد.

(افرادی که در عمره مفرده، جلوتر از میقات می توانند مُحرم شوند)

۱ افرادی که نذر نمایند که جلوتر از میقات مُحرم شوند، احرام آنها قبل از میقات، صحیح است. ۲ کسی که می خواهد عمره مفرده را در ماه رجب انجام دهد و بترسد که اگر بخواهد در میقات مُحرم شود، موفق به عمره در ماه رجب نشود، برای چنین شخصی جایز است که زودتر مُحرم شود هر چند به میقات نرسیده، و برای او عمره رجبیه محسوب می شود، هر چند که اعمال را در ماه شعبان انجام دهد.

(طواف نساء در عمره مفرده)

۱ انجام دادن طواف نساء و نماز آن قبل از تقصیر، جائز نیست و اگر صفحه: ۲۰۳ از روی ضرورت یا جهل یا نسیان مقدم شود، کفایت می کند. ۲ قبل از انجام دادن طواف نساء در عمره مفرده، انجام دادن عمره مفرده دیگر جائز است ولی طواف نساء و نماز آن را دو مرتبه باید به جا آورد. ۳ اگر کسی چندین عمره مفرده انجام داده باشد و طواف نساء انجام نداده باشد یک طواف نساء برای همه آنها کافی نیست. ۴ کسی که طواف نساء را در عمره مفرده ترک کرده، باید آن را به جا آورد، و طواف نساء حج از آن کفایت نمی کند.

(انجام عمره مفرده بدون غسل جنابت)

اگر کسی جنب بوده و غسل نکرده یا غسل او باطل بوده و بعد از عمره و مراجعت به وطن متوجه شده، چنانچه بازگشت برای او مقدور نباشد، بنا بر احتیاط نایب بگیرد که از طرف او طواف و نماز و سعی را به جا آورد و نایب بعد از سعی به وی خبر دهد تا خود او تقصیر نماید و بعد از تقصیر وی نایب طواف نساء و نماز آن را به جا آورد، چنین شخصی تا نایب اعمال را انجام نداده از محرمات احرام دوری نماید. صفحه: ۲۰۷

(مسائل متفرقه بعضی از احکام نماز در مکه معظمه و مدینه منوره)

۱ بنا بر احتیاط حکم قصر و اتمام به قسمتهای اصلی مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم (یعنی قدیمی) اختصاص دارد و احوط قصر است. این حکم مربوط به نماز است و در روزه جاری نمی شود. ۲ اگر کسی در مکه معظمه یا مدینه منوره قصد ده روز نماید، باید نماز را در این دو مسجد نیز تمام بخواند. ۳ افرادی که هنگام نماز جماعت در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم هستند به گونه ای عمل نمایند که موجب وهن برای مؤمنین نباشد و با قصد فردی و عمل به وظیفه منفرد می توانند حضور یابند و اگر امکان رعایت شرایط نماز منفرد نبود، نماز را اعاده می نمایند. ۴ در مواردی که نماز در مکه معظمه تمام است، در عرفات و مشعر و منی نیز تمام است. ۵ برقرار نمودن نماز جماعت در هتل اگر موجب مفسده ای نباشد، مانعی ندارد. ۶ سجده بر سنگ فرشهای مسجد الحرام و مسجد

النبی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم، صحیح است. ۷ سجده کردن بر فرش در موارد ناچاری و ضرورت تقیه در حین عمل جائز است بلکه در این حال سجده کردن بر مهر و کاغذ و امثال آن صفحه: ۲۰۸ در مساجد مکه معظمه و مدینه منوره اگر سبب انگشت نما شدن و وهن به مؤمنین باشد، جائز نیست لکن اگر می تواند در جای دیگر یا وقت دیگر عمل را بدون تقیه انجام دهد بنا بر احوط آن را انتخاب کند.

(قصد ده روز)

۱ افرادی که در مکه معظمه یا مدینه منوره ده روز یا بیشتر می مانند، قصد ده روز می نمایند و میزان تحقق ده روز است و ابتدای روز از اذان صبح روز اول آغاز می گردد و تا غروب روز دهم ده روز کامل می گردد؛ و شب اول و شب آخر دخالتی ندارد مگر در تلفیق یعنی اگر مثلاً- وقت اذان ظهر روز اول ماه وارد شد، تا وقت اذان ظهر روز یازدهم ده روز وی کامل می گردد. ۲ افرادی که می خواهند قصد ده روز نمایند خروج آنها از محل اقامت تا کمتر از مسافت شرعی مانعی ندارد ولی باید صدق کند که معظم روز در محل اقامت باشند؛ پس خروج از مکه معظمه برای افرادی که قصد ده روز می نمایند به سوی عرفات و مشعر و منی که در روز و شب در آنجا هستند و به طور متعارف جزء مقصود به اقامت نیست باید قبل از تمام شدن ده روز در مکه معظمه به آنجا بروند چون اکنون به مسافت شرعی نمی رسد نماز آنها در رفت

و برگشت همه جا تمام است؛ و هم چنین است صورت انصراف از ده روز ماندن پس از استقرار حکم اقامت به خواندن یک نماز چهار رکعتی و سپس رفتن به کمتر از مسافت شرعی.

(حکم خاص مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم)

[در قسمت های قدیمی و اصلی مسجد الحرام اشخاص جنب و یا حیض نمی توانند جدید مکث نمایند ولی جایز است از دری وارد و از در دیگر بدون مکث، خارج شوند. صفحه : ۲۰۹

(بعض مسائل مربوط به تقلید)

۱ بقاء بر میت دارای صور مختلفی به شرح ذیل است: الف: اگر مرجع میت از مرجع حی «اعلم باشد، باید در مسایلی که به فتوای وی عمل کرده، باقی باشد و در مسایلی که به فتوای وی عمل نکرده به مرجع حی «اعلم مراجعه نماید. ب: اگر مرجع حی «از میت اعلم باشد، باید در تمامی مسایل به مرجع حی «عدول نماید. ج: اگر اعلمیت هیچ کدام معلوم نشد، عدول به حی «اعلم جایز است. ۲ کسی که با شرایط ذکر شده بر تقلید میت باقی می ماند چون با فتوای حی «اعلم باقی می ماند پس در حقیقت مقلد حی «اعلم است و در مسایل جدید و آن چه به فتوای مرجع میت عمل نکرده، به حی «اعلم رجوع می کند؛ پس افرادی که در زمان حیات مرجع میت به حج یا عمره مشرف نشده اند باید به حی اعلم رجوع نمایند. ۳ جایی که مرجع تقلید فتوی نداده و احتیاط واجب نموده، مقلد می تواند به فتوای فالاعلم رجوع نماید.

(مسائل خمس مربوط به حج و عمره)

۱ متعلق خمس هفت مورد است ولی آن چه بیشتر محل ابتلا است ما زاد بر مئونه و احتیاجات سال است. ۲ به خانه مناسب شأن و ماشینی که بدان احتیاج دارد و نیز کلیه لوازم که برای زندگی بدان ها نیاز دارد و سرمایه ای که با آن زندگی خودش را اداره می کند خمس تعلق نمی گیرد. صفحه : ۲۱۰ ۳ به پولی که برای تهیه زندگی مانند خانه و امثال آن باید پس انداز شود و بدون پس انداز نمی تواند آنها را تهیه نماید، خمس تعلق نمی گیرد. ۴ به پولی که از درآمد سال

برای حج و عمره واریز می شود، خمس تعلق نمی گیرد ولی اگر بعد از گذشت سال آن را پس بگیرد یا مثلاً فیش آن را بفروشد، باید خمس آن را پرداخت نماید. ۵ کسی که برای عمره ثبت نام نموده در صورتی که فیش آن را بفروشد و به حج تبدیل نماید، خمس ندارد. ۶ کسی که می خواهد به حج برود، باید دیون شرعی خودش را بپردازد و اگر بدون پرداخت دیون شرعی به حج برود معصیت کرده ولی به صحت حج وی لطمه نمی زند بلی اگر با پرداخت دیون به اندازه هزینه حج برای او نمی ماند مستطیع نبوده و حج وی حجه الاسلام نخواهد بود. ۷ اگر کسی که برای حج مستحبی یا عمره ثبت نام نموده فوت نماید، باید ورثه خمس آن پول را بپردازند، چون با موت وی کشف می شود که در واقع زائد بر مؤنه بوده است. ۸ اگر کسی برای انجام حج اجیر شود به این نحو که مثلاً مال الاجاره را شش ماه بعد از حج بگیرد، آن پول از درآمد سال وصول محسوب می گردد. ۹ اگر کسی بدون پس انداز نمی تواند به حج یا عمره یا عتبات و امثال آن، مشرف شود، به پولی که بدین منظور پس انداز می نماید، خمس تعلق نمی گیرد.

(برداشتن خاک و سنگ)

برداشتن خاک و سنگ از مسجد الحرام و صفا و مروه (با فرض امکان) جایز نیست؛ و در غیر این امکانه نیز اگر برداشتن موجب مفسده باشد، جایز نیست. صفحه: ۲۱۱

(بعضی احکام مربوط به نجاست و طهارت)

۱ اگر بدن و لباس و امثال آن، پاک باشد تا یقین به نجس شدن آنها حاصل نشده پاک محسوب می شوند و هر مکانی تا یقین یا اطمینان به نجاست آن ندارد پاک محسوب می شود. ۲ در فرض قبل اگر چیزی نجس بوده تا یقین یا اطمینان به تطهیر آن نداشته باشد، حکم نجاست بر آن مترتب می شود. ۳ اگر خونی غیر از دماء ثلاثه، کمتر از درهم در بدن یا لباس نماز گزار باشد، به صحت نماز ضرر نمی زند ولی در طواف باید از بنا بر احوط از آن هم اجتناب شود.

(غسلهای مستحب در مکه و مدینه)

۱ در موارد ذیل غسل، استحباب دارد: الف: غسل برای احرام، طواف عمره و حج، وقوف به عرفات، وقوف در مشعر، برای ذبح و حلق. ب: روز عید قربان. ج: برای زیارت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر معصومین علیهم السلام. د: برای داخل شدن به مسجد الحرام و مسجد النبی. ۲ به وسیله یک غسل می توان نیت چند غسل نمود چه واجب و چه مستحب. ۳ کسی که نتواند غسلهای ذکر شده را به جا آورد، اکتفای به تیمم برای درک صواب مشکل و احوط آن است که اگر خواست تیمم نماید به قصد رجا و احتمال مطلوبیت به جا آورد. صفحه: ۲۱۲

آداب، ادعیه و زیارت

(فصل اول آداب و مستحبات حج)

مستحبات حج بیش از آن است که در این رساله بیان شود، لذا به بیان مقداری از آنها اکتفا می گردد.

مستحبات سفر

شخصی که اراده سفر مکه یا سفر دیگر را دارد، مستحب است که از حضرت حق جل و علا، طلب خیر کند و وصیت بنماید و صدقه بدهد تا آن که به آن صدقه سلامتی خود را خریداری نماید. و وقتی که برای مسافرت مهیا شد، مستحب است در خانه خود چهار رکعت نماز در هر رکعتی «فاتحه الكتاب» و سوره «توحید» را بخواند و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِبَهْنٍ فَاجْعَلْهُنَّ خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَمَالِي». و مستحب است به درب خانه خود ایستاده و سه مرتبه از پیش رو و طرف راست و طرف چپ سوره فاتحه و به همین ترتیب سه مرتبه آیه الكرسي را بخواند و بعد از آن بگوید: «اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ». صفحه: ۲۱۶

(مستحبات احرام)

مستحبات احرام چند چیز است: ۱ پاکیزه نمودن بدن قبل از احرام و کوتاه نمودن ناخن و شارب و ازاله موهای زائد بدن. ۲ کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعدة و شخصی که قاصد عمره مفرده است پیش از یک ماه، موی سر و ریش را رها کند. ۳ غسل احرام؛ و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است؛ و تقدیم این غسل قبل از میقات جائز است و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد، مستحب است غسل را اعاده بنماید. و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر مُحْرَم حرام است باز هم اعاده

مستحب است. و اگر مکلف در روز غسل نمود، آن غسل تا آخر شب آینده کفایت می کند؛ و هم چنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است. و چون غسل کند این دعا را بخواند. «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَ طَهْرًا وَ حِرْزًا وَ أَمْنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ شَيْعَمٍ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ لِي وَ طَهِّرْ لِقَلْبِي وَ اشْرَحْ لِي صِدْرِي، وَ أَجْرِ عَلِي لِسَانِي مَحَبَّتِكَ - وَ مَدْحَتِكَ - وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ لِي إِلَّا بِكَ، وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنْ قِوَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لَكَ، وَ الْإِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ - صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ». ۴ هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عِيْرَتِي، وَ أُوَدِّي فِيهِ فَرِيضَتِي، وَ أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَ أَنْتَهِي فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ مُفَبَّلَغَنِي، صَفْحَةُ: ۲۱۷ وَ أَرَدْتُهُ مُفَاعَانِي وَ قَبَلَنِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي، وَ وَجَّهَهُ مُأْرَدْتِ مُفَسِّئَلَمَنِي، فَهُوَ حِصْنِي وَ كَهْفِي وَ حِرْزِي، وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي، وَ رَجَائِي وَ مَنْجَايَ وَ ذُخْرِي، وَ عُذَّتِي فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي». ۵ آن که دو جامه احرام از پنبه باشد. ۶ آن که احرام را به ترتیب ذیل ببندد: در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر و در صورت عدم تمکن، بعد از فریضه دیگر و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله که مستحب است در رکعت اول پس از حمد سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و شش رکعت افضل است؛ و بعد از نماز،

حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد آن گاه بگوید: «اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ - اِنْ تَجْعَلْنِیْ مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ ، وَاَمَّنَ بِوَعْدِكَ ، وَاتَّبَعَ اَمْرَكَ - فَاِنِّیْ عَبْدُكَ - وَفِی قَبْضَتِكَ ، لَا اُوقِیْ اِلَّا مَا وَقِیتُ ، وَلَا اَخْذُ اِلَّا مَا اَعْطَیتُ ، وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ ، فَاسْأَلُكَ - اَنْ تَعَزِّمَ لِیْ عَلَیْهِ عَلَیْ كِتَابِكَ وَ سُنَّهِ نَبِیِّكَ - صَلَّى اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ ، وَتُقَوِّیْنِیْ عَلَیْ مَا ضَعُفْتُ مِنْهُ ، وَتُسَلِّمَ مِنِّیْ مَنْاسِكَیْ ، فِی یُسْرِ مِنْكَ - وَ عَافِیهِ ، وَاجْعَلْنِیْ مِنْ وَفْدِكَ - الَّذِیْنَ رَضِیتَ - وَ ارْتَضِیتَ - وَ سَمَّیتَ - وَ كَتَبْتَ . اللَّهُمَّ اِنِّیْ خَرَجْتُ مِنْ شُقَّتِهِ بَعِیدِهِ وَ اَنْفَقْتُ مَالِیْ اِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِیْ حَجِّیْ وَ عُمْرَتِیْ ، اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَرِیدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ اِلَى الْحَجِّ عَلَیْ كِتَابِكَ - وَ سُنَّهِ نَبِیِّكَ - صَلَّى اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ ، فَاِنْ عَرَضَ لِیْ عَارِضٌ یَّحْبِسُنِیْ ، فَحُلِّنِیْ حَيْثُ مَحَبَسَتِنِیْ لِقَدْرِكَ - الْعَدِیِّ قَدَّرْتَ - عَلَیَّ اللَّهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَّةً فَعُمْرَةٌ . اَحْرَمَ لَمَّكَ - شَعْرِیْ وَ بَشْرِیْ ، وَ لَحْمِیْ وَ دَمِیْ ، وَ عِظَامِیْ وَ مُخِیْ وَ عَصَبِیْ ، صَفْحَه : ۲۱۸ من النساء و الثیاب و الطیب ، اُبتغی بذلك وجهك - وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ .» ۷ آن كه نیت احرام را به زبان تلفظ نماید؛ و برای مردن مستحب است تلبیه را بلند بگویند: ۸ سابقاً گفتیم كه تلبیه واجب كه احرام به آن محقق می شود بنا بر احوط این است: «لَبَّيْكَ - اللَّهُمَّ - لَبَّيْكَ - لَبَّيْكَ - لَا شَرِيكَ - لَكَ - لَبَّيْكَ - اِنْ - الْحَمْدَ وَ النَّعْمَةَ لَكَ - وَ الْمُلْكَ لَا شَرِيكَ - لَكَ .» و مستحب است بعد از آن بگوید: «لَبَّيْكَ - ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ - دَاعِيَاً اِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ - غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ - اَهْلَ

التلبیه لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ - تَبْدِئُ مَوَالِدِ الْإِيك - لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ - تَسْتَغْنِي وَ يُفْتَقِرُ إِلَيْكَ - لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ مَرْعُوباً وَ مَرهُوباً إِلَيْكَ - لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ - إِلَه - الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النِّعْمَاءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ - كَشَّافِ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ - عَبْدُكَ وَ ابْنِ عَبْدِكَ - لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ - يَا كَرِيمِ لَبَّيْكَ». و این جملات را نیز بگوید خوب است: «لَبَّيْكَ - اتَّقَرَّبْ إِلَيْكَ بِمَحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ - بِحُجَّهِ أَوْ عُمْرِهِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ - وَ هَذِهِ عُمْرُهُ مَتَعَهُ إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ - تَلْبِيَهُ تَمَامُهَا وَ بِلَاغُهَا عَلَيْكَ». ۹ آن که تلبیه ها را در حال احرام تکرار کند و در موارد آینده نیز آن را بگوید: وقت بر خواستن از خواب؛ بعد از هر نماز واجب و مستحب؛ وقت رسیدن به سواره؛ هنگام بالا رفتن از تل - یا سرازیر شدن از آن؛ وقت سوار شدن یا پیاده شدن؛ و اوقات سحر تلبیه بسیار بگوید، و زن حائض و صفحه : ۲۱۹ نفساء نیز این تلبیه ها را بگویند. و شخصی که عمره تمتع را به جا می آورد، تلبیه گفتن او تا دیدن خانه های مکه معظمه مستحب است و بعد از آن باید قطع نماید؛ و اما کسی که برای حج مُحَرَّم شده، می تواند تلبیه را تا ظهر روز عرفه ادامه دهد.

(مکروهات احرام)

مکروهات احرام چند چیز است: ۱ احرام در جامه سیاه مکروه است؛ و افضل احرام در جامه سفید است؛ و ظاهر بعض روایات معتبر، عدم کراهت لباس سبز است. ۲ خوابیدن مُحَرَّم در لباس و بالش سیاه رنگ ۳ احرام بستن در جامه چرکین؛ و اگر جامه در

حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید. ۴ استعمال حنا پیش از احرام و در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند. ۵ حمام رفتن و ساییدن بدن ۶ لیبیک گفتن مُحرم در جواب کسی که او را صدا نماید، بلکه احوط ترک آن است.

(مستحبات دخول حرم)

۱ همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل نماید. ۲ از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جل علا، پا برهنه شده و آن چه را که در پا نموده بوده را در دست گرفته داخل حرم شود، و این عمل، ثواب زیادی دارد. صفحه : ۳۲۲۰ وقت دخول حرم این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ ، وَقَوْلِكَ الْحَقُّ : وَأُذِّنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ - رَجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ - مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ - مِمَّنْ اجَابَ - دَعْوَتَكَ ، قَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ ، سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَ مُسْتَجِيبًا لَكَ ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ ، وَ كُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَالْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَقَفْتَنِي لَهُ أَتَبَغَى بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ ، وَ الْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ ، وَ الْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي ، وَ التَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ حَرِّمْ بَدَنِي عَلَي النَّارِ ، وَ آمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ بِرَحْمَتِكَ - يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

(مستحبات وارد شدن مکه معظمه)

برای وارد شدن مکه معظمه نیز غسل مستحب است؛ و هنگام وارد شدن به مکه معظمه مستحب است که شخص با حالت تواضع وارد شود؛ و کسی که از راه مدینه برود، از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

(آداب مسجد الحرام و مکه معظمه)

مستحب است مکلف برای وارد شدن به مسجد الحرام، غسل بنماید؛ و هم چنین مستحب است با پای برهنه و یا حالت آرامش و وقار وارد شود؛ و هنگام ورود، از در «بنی شیبه» وارد شود؛ و گفته اند که در «بنی شیبه» در حال کنونی، مقابل «باب السلام» است، بنا بر این خوب است که از «باب السلام» وارد شده و مستقیماً بیاید تا از اسطوانات بگذرد؛ و صفحه : ۲۲۱ مستحب است بر در مسجد الحرام ایستاده و بگوید: «السَّلَامُ عَلَیْكَ - أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ ، بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ ، وَ مِنَ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ ، السَّلَامُ عَلَی أَنْبِیَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ ، وَ السَّلَامُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ ، وَ السَّلَامُ عَلَی إِبْرَاهِيمَ - خَلِيلِ اللَّهِ ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دستها را بلند نموده و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ - فِي مَقَامِي هَذَا ، فِي أَوَّلِ مَنْاسِكَی ، إِنْ تَقَبَّلَ - تَوَيْتِي وَ إِنْ تَجَاوَزَ عَن خَطِيئَتِي وَ تَضَع - عَنِّي وَزْرِي ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ - أَنْ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ . اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ ، وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ ، وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ ، جِئْتُ أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ ، وَ أَوْمُ - طَاعَتِكَ ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ ، أَسْأَلُكَ - مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ ، الْخَائِفِ - لِعِقَابِكَ ، اللَّهُمَّ

افتح لي ابواب رحمتك ، واستعملني بطاعتك و مرضاتك». و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید: «بسم الله
و بالله، و من الله و إلى الله و ما شاء الله، و على ملة رسول الله صلى الله عليه و آله، و خير الأسماء لله، و الحمد لله، و السلام
على رسول الله صلى الله عليه و آله، السّلام على محمد بن عبد الله، السّلام عليك أيها النّبي و رحمته الله و بركاته، السّلام
على أنبياء الله و رسله، السّلام على إبراهيم - خليل الرحمن ، السّلام على المرسلين ، و الحمد لله رب العالمين ، السّلام علينا و
على عباد الله الصّالحين ، اللهم صل على محمد و آل محمد، و بارك على محمد و آل محمد، صفحه : ٢٢٢ و ارحم محمدًا
و آل - محمد، كما صليت - و باركت - و ترخمت - على إبراهيم و آل إبراهيم - إنك - حميدٌ مجيد، اللهم صل على محمد و آل
محمد عبدك - و رسولك، و صل على إبراهيم - خليلك ، و على أنبيائك - و رؤسائك - و سيّلم عليهم، و سلام على المرسلين ، و
الحمد لله رب العالمين ، اللهم افتح لي ابواب رحمتك - و استعملني في طاعتك - و مرضاتك - و احفظني بحفظ الإيمان أبدًا
ما ابقيتني جل ثناء وجهك، الحمد لله الذي جعلني من وفده و زوّاره ، و جعلني ممن يعمر مساجده ، و جعلني ممن يُناجيه ،
اللهم إني عبدك ، و زائرُك - في بيتك - و على كل مأتى - حق لمن اتاه - و زاره ، و انت - خير مأتى - و اكرم مزور . فاسألُك - يا
الله يا رحمان و بآئك أنت - الله لا إله - إلا انت ، و حدك - لا شريك - لك ، و بآئك -

وَاحِدٌ أَحَدٌ صَيِّمٌ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُؤاً أَحَدٌ، وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ - وَ رَسُولُكَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمٌ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمٌ، اسْأَلُكَ - إِنْ تَجَعَلَ - تُحَفَّتْكَ - إِيَّايَ - بَازِيَارَتِي إِيَّاكَ - أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَكْ - رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. پس سه مرتبه می گوید: «اللَّهُمَّ فَكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ». پس می گوید: «وَ أَوْسَعِ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ - الْحَالِلِ الطَّيِّبِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ». وَ مُسْتَحَبٌّ اسْتِ وَ قَتِي كِه بَرَابِرِ حَجْرِ الْأَسْوَدِ قَرَارِ كَرَفْتِ بَگُويِد: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ وَ بِاللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ بَعَادِهِ صَفْحَه : ٢٢٣ الشَّيْطَانِ، وَ بَعَادِهِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ». پس نَزْدِيكَ حَجْرِ الْأَسْوَدِ رَفْتِه وَ أَنْ رَا اسْتَلَامَ كَنْد وَ بَگُويِد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، أَكْبَرُ مِمَّنْ أَخْشَى وَ أَحْذَرُ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ مَوَّ يَحْيِي، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». وَ صَلَوَاتُ بَرِ بِيْغَمْبَرِ وَ آلِ او بَفَرَسْتَد، وَ سَلَامُ بَرِ بِيْغَمْبَرَانِ بَدَهْدِ هَمَانِ كُونِه كِه وَ قَتِ دَخُولِ مَسْجِدِ سَلَامِ مِي دَاد؛ أَنْ گَاهِ مِي گُويِد: «إِنِّي أُوْمِنُ بِمُؤْعَدِكَ - وَ أُوْفِي بِعَهْدِكَ». وَ دَرِ رَوَايَتِ مَعْتَبَرِ وَارِدِ اسْتِ

که: وقتی نزدیک حجر الأسود رسیدی دستها خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به جا آور، و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند، پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما؛ و اگر بوسیدن ممکن نشد، با دست لمس نما؛ و اگر آن هم ممکن نشد، اشاره به آن کن و بگو: «اللَّهُمَّ امانتی اَدَّتْها، و میثاقی تعاهدتُه لِتشْهَدَ لی بِالْمُؤافاه، اللَّهُمَّ تصدیقاً بکتابک، و علی سُنَّه نَبِیک، اشْهَدُ انْ لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَوَحْدَه لا شَرِیکَ لَه، و انْ مُحَمَّدًا عَبْدُه وَرَسُولُه، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْحَبِیْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ بِاللَّاتِ وَ الْعُزَّى، وَ عِبَادَه الشَّیْطَانِ وَ عِبَادَه کُلِّ نِدٍّ یُدْعی مِنَ دُونِ اللهِ». و اگر نتوانی همه را بخوانی، بعضی را بخوان و بگو: «اللَّهُمَّ اِلیک، بَسَطتْ یَدی، وَ فِیما عِنْدَک عَظُمَتْ رَغَبَتی فَاقْبَلْ سَبْحَتی، وَ اغْفِرْ لی وَ ارْحَمْنی، اللَّهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ - مِنْ - الْکُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْیِ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَه». صفحه : ۲۲۴

آداب و مستحبات طواف

مستحب است که طواف کننده سر برهنه و پا برهنه، مشغول دعا و ذکر الهی باشد؛ و حرف بیهوده نزنند؛ و گامها را نزدیک بردارد؛ و کارهایی که در نماز مکروه است، در طواف نیز ترک نماید. و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم - مروی است که «هر که طواف کند خانه کعبه را در وقت زوال با سر برهنه، و گامها را کوتاه بردارد، و چشم خود را از نامحرم و عورت به پوشاند، و حجر الأسود را در هر شوطی، دست

یا بدن بمالد بی آن که آزارش به کسی برسد، و ذکر الهی را از زبان قطع نکند، بنویسد از جهت او به عدد هر گامی هفتاد هزار حسنه و محو کند از او هفتاد هزار گناه و بلند کند در بهشت از برای او هفتاد هزار درجه و بنویسد از جهت او ثواب آزاد کردن هفتاد هزار بنده که بهای هر یک، ده هزار درهم باشد و او را شفیع سازد در هفتاد هزار نفر از اهل بیت او و برآورد از جهت او هفتاد هزار حاجت، اگر خواهد در دنیا به او برساند و اگر خواهد در آخرت.» در حال طواف مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ - انی اسألك - باسمک - الذی یمشی به علی طلل الماء کما یمشی به علی جدد الأرض، وَ اسألك - باسمک - الذی یهتَرُ له عُرشک، وَ اسألك باسمک - الذی تهتَرُ له مَاقِدَامُ مَلائِکَتِکَ، وَ اسألك - باسمک - الذی دَعَاکَ - به مُوسی مِن جَانِبِ الطَّوَرِ فَاسْتَجَبتَ - له وَ أَلْقیتَ - علیه مَحَبَّةً مِنْکَ، وَ اسألك - باسمک - الذی غَفَرْتَ - به لِ مُحَمَّدٍ ما تَقَدَّمَ - مِنْ ذَنْبِهِ وَ ما تَأَخَّرَ، وَ أتممت - علیه نِعْمَتَکَ - أن تَفْعَلَ - بی کذا و کذا» و حاجت خود را بطلبد. و نیز مستحب است در حال طواف بگوید: «اللَّهُمَّ - انی إلیک - فقیرٌ، و انی خائفٌ مُستَجیرٌ، فَلا تُغَیِّرْ جِسمی، وَ لا تُبَدِّلْ اسمی». صفحه : ۲۲۵ و صلوات بر محمد و آل او بفرستد بخصوص وقتی که به در خانه کعبه معظمه می رسد؛ و وقتی که به حجر اسماعیل رسید به ناودان نگاه نموده و بگوید: «اللَّهُمَّ - ادخِلنی الجَنَّةَ بِرَحْمَتِکَ، وَ اجِرْنی بِرَحْمَتِکَ - مِنَ النَّارِ، وَ عافنی مِنَ السُّقْمِ، وَ

أَوْسَعِ عَلَيَّ مِنَ الزُّزُقِ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقِهِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فَسَقِهِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ». و چون از حجر بگذرد و به پشت سر کعبه برسد، بگوید: «يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ وَالْجُودِ وَالْكَرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعَفَهُ لِي وَتَقَبَّلَهُ مِنِّي، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». و چون به رکن یمانی برسد، دست بردارد و بگوید: «يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَخَالِقِ الْعَافِيَةِ، وَرَازِقِ الْعَافِيَةِ، وَ الْمُنْعِمِ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمَنَّانِ بِالْعَافِيَةِ وَ الْمُتَفَضِّلِ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ»، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارزُقْنَا الْعَافِيَةَ، وَ دَوَامِ الْعَافِيَةِ، وَ تَمَامِ الْعَافِيَةِ، وَ شُكْرِ الْعَافِيَةِ، فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَ جَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا اللَّهُمَّ اهْدِ لَهٗ مَخِيَارَ خَلْقِكَ وَ جَنِّبْهُ شَرَّ رَارِ خَلْقِكَ». و چون میان رکن یمانی و حجر الأسود برسد بگوید: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ». صفحه : ۲۲۶ و در شوط هفتم وقتی که به «مستجار» رسید، مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید: «اللَّهُمَّ الْبَيْتَ مَبِيَّتِكَ، وَ الْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ». پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که إن شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد

بگوید: «اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفْهُ لِي، وَاغْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتُ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِي عَلَى خَلْقِكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ». و آن چه خواهد دعا کند؛ و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجر الأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید: «اللَّهُمَّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَ بَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي». و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه کعبه و حجر الأسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید: «امانتی اَدَيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ».

(مستحبات نماز طواف)

در نماز طواف، مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره صفحه : ۲۲۷ «توحید» و در رکعت دوم سوره «جحد» را بخواند، و پس از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند مهربان طلب قبول نماید. و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت: «سَجَدَ وَجْهِي لِحُكِّكَ تَعْبِيداً وَ رِقّاً، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقّاً حَقّاً، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، وَ اغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ، فَاغْفِرْ لِي، فَإِنِّي مُقَرَّرٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَ لَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ». و بعد از سجده روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد. و بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی، مستحب است به نزد چاه

زمزم رفته و از آب آن به سر و پشت خود بریزد و بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ». پس از آن به نزد حجر الأسود بیاید؛ و مستحب است از دری که محاذی حجر الأسود است به طرف صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن بالای صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجر الأسود در او است رو نماید و حمد و ثنای الهی را به جا آورد و از نعمتهای الهی به خاطر اندازد، آن گاه این اذکار را بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَوَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ لَهُ الْوَالِدُ الْحَقُّ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا يُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» سه مرتبه، پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد پس بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الدَّائِمِ» سه مرتبه. صفحه: ۲۲۸ پس بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» سه مرتبه، پس بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ - الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْيَقِينَ - فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» سه مرتبه، پس بگوید: «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ» سه مرتبه، پس بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ»

صد مرتبه «شَیْبِحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه، پس بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ وَوَعْدَهُ وَمَوْعِدُهُ وَعَلَبَ الْأَحْزَابَ وَوَعْدَهُ» فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَوَعْدَهُ مُحَمَّدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ». و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم پس بگوید: «أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيعُ مَوَدَائِعُهُ دِينِي وَنَفْسِي وَاهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَشَيْئِهِ نَبِيِّكَ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ، وَاعْتَدْنِي مِنَ الْفِتْنَةِ». پس بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» سه مرتبه، سپس آنها را دو مرتبه تکرار کند و یک بار تکبیر بگوید و مستحب است که باز آنها را تکرار نماید؛ و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد، هر قدر که می تواند بخواند؛ و مستحب است که این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اذْنَبْتَهُ مَقْطًا، فَإِنْ عُدْتُ مَفْعَدًا عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ - أَنْتَ - الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ - أَهْلُهُ - فَإِنَّكَ - أَنْتَ - تَفْعَلُ بِي مَا أَنْتَ - أَهْلُهُ - تَرَحَّمَنِي، وَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِ عَذَابِي، وَأَنَا مُحْتَاجٌ صَفْحَهُ : ۲۲۹ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ اِرْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ - أَنْتَ - تَفْعَلُ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَ لَمْ تَظْلِمْنِي، أَصَبَحْتَ أَتَقِي عَيْدَكَ - وَلَا أَخَافُ جُورَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَيْدَلٌ لَا يَجُورُ اِرْحَمْنِي». در حدیث شریف وارد شده است هر کس که بخواهد مال او زیاد شود، ایستادن در صفا

را طول دهد. و مستحب است که پیاده سعی نماید؛ و از صفا تا به مناره به صورت معمولی راه رود و از آنجا تا جایی که بازار عطاران است، تند رود و «هروله» نماید؛ و اگر سوار باشد، از حد معمول مقداری تندتر حرکت نماید، و از آنجا تا به مروه نیز به صورت معمولی راه رود؛ و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب مراجعت نماید؛ و از برای زنها، «هروله» مستحب نیست. و مستحب است در گریه کردن، سعی کند و خود را به گریه وادارد و در حال سعی دعای بسیار کند.

(مستحبات احرام تا وقوف به عرفات)

اموری که در احرام عمره، مستحب بود در احرام حج نیز مستحب است؛ و پس از این که شخص احرام بسته و از مکه بیرون آمد، همین که بر «ابطح» مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید، و چون متوجه «منی» شود بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَاكَ - أَرْجُو، وَإِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي، وَاصْلِحْ لِي عَمَلِي». و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به منی رسید بگوید صفحه: ۲۳۰ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيهِ، وَبَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ». پس بگوید: «اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي، وَهَذِهِ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمُنَاسِكِ، فَأَسْأَلُكَ - أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ - بِه عَلَى أَنْبِيَائِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ». و مستحب است که شب عرفه را در منی بوده و با طاعت الهی مشغول باشد؛ و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد «خیف» به جا آورد؛ و چون نماز صبح را خواند، تا طلوع آفتاب تعقیب گفته،

سپس به عرفات روانه شود؛ و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود، مانعی ندارد، ولی مستحب است بلکه احوط است که تا آفتاب طلوع نکرده، از وادی «محصّر» رد نشود؛ و روانه شدن پیش از صبح، مکروه است و از بعضی حرمت آن را نقل نموده اند مگر از برای ضرورت، مانند بیمار و کسی که از ازدحام مردم خائف باشد و چون به عرفات متوجه شود، این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ - صَمَدٌ، وَ إِيَّاكَ - اعْتَمَدْتُ، وَ وَجْهَكَ - أَرَدْتُ، فَأَسْأَلُكَ - أَنْ تُبَارِكَ - لِي فِي رِحْلَتِي وَ إِنْ تَقْضَى - لِي حَاجَتِي، وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ - مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي» و تا رسیدن به عرفات تلبیه بگویند.

(مستحبات و قوف به عرفات)

در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است: ۱ در حال وقوف با طهارت باشد. ۲ غسل نمودن؛ و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد. صفحه: ۲۳۱ ۳ آن چه موجب تفرق حواس است، از خود دور سازد تا آن که قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد. ۴ نسبت به قافله ای که از مکه می آید، وقوف در طرف دست چپ کوه واقع گردد. ۵ وقوف در پائین کوه و در زمین هموار بوده باشد، و بالا رفتن کوه مکروه است. ۶ در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه به جا آورد. ۷ قلب خود را به حضرت حق جل و علا متوجه ساخته و حمد الهی گوید و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را به جا آورد و پس از آن صد مرتبه «الله اکبر» و صد مرتبه سوره توحید را

بخواند و آن چه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم، به خداوند مهربان پناه ببرد و این دعا را نیز بخواند: «اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ
 كُلِّهَا فُكِّمْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ - الْحَالِلِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ اللَّهُمَّ - لَا تَمَكُّرْ بِي وَ لَا
 تَخْدَعْنِي وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي اللَّهُمَّ - إِنِّي أَسْأَلُكَ - بِحَوْلِكَ - وَ جُودِكَ - وَ كَرَمِكَ - وَ مَنِّكَ - وَ فَضْلِكَ، يَا أَسْمَعَ - السَّامِعِينَ وَ يَا أَبْصَرَ
 النَّاطِرِينَ - وَ يَا أَسْرَعَ - الْحَاسِبِينَ - وَ يَا أَرْحَمَ - الرَّاحِمِينَ - إِنْ تُصَلِّىَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ إِنْ تَفْعَلْ - بِي كَذَا وَ كَذَا». وَ حَاجَتِ
 خُودَ رَا نَامَ بِيرِدِ پَسِ دَسْتِ بَهْ آسْمَانِ بَرْدَارِدِ وَ بَكْوَيْدِ: «اللَّهُمَّ - حَاجَتِي إِلَيْكَ - الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَ الَّتِي إِنْ
 مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ - خِلَاصَ - رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ - إِنِّي عَبْدُكَ - وَ مَلِكُ مَيْدِكَ، نَاصِيَةٌ بِيَدِكَ - وَ أَجَلِي
 بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ - إِنْ تُوفَّقْنِي صَفْحَةَ: ٢٣٢ لِمَا يُرْضِيكَ - عَنِّي وَ إِنْ تَسَلَّمْ - مِنِّي مَنَاسِكِي الَّتِي أَرِيهَا خَلِيلِكَ - إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتِكَ
 عَلَيْهِ وَ دَلَّتْ - عَلَيْهَا نَبِيِّكَ - مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ - اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ - عَمَلُهُ وَ أَطَلَّتْ عُمرُهُ وَ أَحْيَيْتَهُ مَبْعَدَ الْمَوْتِ».

٨ و این دعا را بخواند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ هُوَ
 حَيٌّ لَا يَمُوتُ مَبْيُودُهُ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ - لَكَ - الْحَمْدُ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَ خَيْرُ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، اللَّهُمَّ - لَكَ -
 صَلَاتِي وَ دِينِي وَ مَحْيَايَ - وَ مَمَاتِي وَ لَكَ - تُرَاثِي، وَ

بِك - حَوْلِي وَ مِنْكَ - قَوَّتِي، اللَّهُمَّ - إِنِّي أَعُوذُ بِكَ - مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنَ وَسْوَاسِ الصَّدْرِ وَ مِنْ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ - أَنِّي أَسْأَلُكَ - مِنْ خَيْرِ مَا تَأْتِي بِهِ الرِّيحُ، وَ أَعُوذُ بِكَ - مِنْ شَرِّ مَا تَأْتِي بِهِ الرِّيحُ، وَ أَسْأَلُكَ - خَيْرَ اللَّيْلِ وَ خَيْرَ النَّهَارِ اللَّهُمَّ - اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَ فِي سَمْعِي وَ بَصِيرَتِي نُورًا وَ فِي لِحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ عُرْوَقِي وَ مَقْعَدِي وَ مَقَامِي وَ مَدْخَلِي وَ مَخْرَجِي نُورًا وَ أَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبِّ - يَوْمَ - الْقَاك - إِنَّكَ - عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. و در این روز تا می تواند از خیرات و صدقات کوتاهی نکند و نیز رو به قبله کند و بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ» صد بار و «اللَّهُ أَكْبَرُ» و: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». ۹ آن که به طرف کعبه معظّمه رو کند و این اذکار را بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» صد مرتبه «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، صفحه: ۲۳۳ یحیی و یُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» صد مرتبه. پس از اولِ سوره «بقره» ده آیه بخواند پس سوره «توحید» سه مرتبه و «آیه الکرسی» را بخواند تا آخر سپس این آیات را بخواند: «إِنْ رَزَبَكُمْ اللَّهُ»

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» پس سوره «قُلْ اعْوِذْ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و سوره «قُلْ اعْوِذْ بِرَبِّ النَّاسِ» را بخواند. پس آن چه از نعم الهی به یاد داشته باشد، یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید؛ و هم چنین بر اهل و مال و سایر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده، حمد و شکر بنماید و بگوید: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ». و به آیاتی از قرآن که در آنها ذکر حمد شده است، خدا را حمد و شکر نماید؛ و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است، خدا را تسبیح نماید؛ و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده است، خدا را تکبیر نماید؛ و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است، خدا را تهلیل نماید و بر محمد و آل محمد علیهم السلام، زیاد صلوات بفرستند و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است، خدا را بخواند و به آن چه از اسماء الهی که در یاد دارد، خدا را ذکر کند، و به اسماء الهی که در آخر سوره «حشر» موجود است، خدا را بخواند و آنها عبارتند از: صفحه : ۲۳۴ «اللَّهُ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ،

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمَصَوِّرُ». و این دعا را بخواند:

«أَسْأَلُكَ - يَا اللَّهُ - يَا رَحْمَانَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ - وَأَسْأَلُكَ - بِقُوَّتِكَ - وَقُدْرَتِكَ - وَعِزَّتِكَ - وَبِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ - وَبِجَمْعِكَ - وَبِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا وَبِحَقِّ رَسُولِكَ - صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِاسْمِكَ - الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ وَبِاسْمِكَ - الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ - بِهِ كَانَ - حَقًّا عَلَيْكَ - أَنْ لَا تُرَدَّهُ وَ أَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ - فِي». و هر حاجت که داری بخواه و از حق سبحانه و تعالی طلب کن که در سال آینده و سالهای بعد نیز توفیق حج بیابی؛ و هفتاد مرتبه بگو: «أَسْأَلُكَ - الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ - رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ». پس بخوان این دعا را: «اللَّهُمَّ فَكِّنِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ رِزْقِكَ - الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَ ادْحَرْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّةِ وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ». (۱۰) آن که نزدیکی غروب آفتاب بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ - مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنْ تَشْتَتِ الْأَمْرِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا يُحْدِثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، أَمْسَى ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَ أَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ، وَ أَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَ أَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ - الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ يَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، جَلَّلَنِي بِرَحْمَتِكَ، وَ الْبِسْنَى عَافِيَتِكَ، وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ». ادعیه وارده در این روز شریف، بسیار است و هر قدر که ممکن باشد، صفحه :

۲۳۵ خواندن دعا مناسب است، و بسیار خوب است که در این روز دعای صحیفه کامله و دعای حضرت سید الشهداء سلام الله علیه و حضرت زین العابدین سلام الله علیه خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ إِيدَاءِ مَا أَبْقَيْتَنِي، وَاقْلِبْنِي الْيَوْمَ - مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ - أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ - الْحَرَامِ، وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ - مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ - عَلَيْكَ، وَاعْطِنِي أَفْضَلَ مَا اعْطَيْتَ - أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالتَّوْبَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالمَغْفِرَةِ، وَبَارِكْ لِي فِي مَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَبَارِكْ لَهُمْ فِي». و بسیار بگوید: «اللَّهُمَّ اعْتَقْنِي مِنَ النَّارِ».

(مستحبات وقوف در مزدلفه)

مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مزدلفه متوجه شده و استغفار نماید، و همین که از طرف دست راست به تل سرخ رسید، بگوید: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ فِي عَمَلِي، وَسَلِّمْ لِي دِينِي وَتَقَبَّلْ مِنِّي مَنَاسِكِي». و در راه رفتن میانه روی نماید و کسی را آزار ندهد و مستحب است نماز مغرب و عشا را تا مزدلفه به تأخیر اندازد اگر چه ثلث شب نیز بگذرد؛ و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند؛ و نوافل مغرب را، بعد از نماز عشا به جا آورد؛ و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نینداخته و در میان راه بخواند؛ و مستحب است که در وسط

وادی، از طرف راست راه، نزول نماید؛ و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که ممکن باشد، به صفحه : ۲۳۶ عبادات و اطاعت الهی بسر برد و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ - ان تَجْمَعْ لِي فِيهَا جِوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ - إن تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي، وَاطْلُبْ إِلَيْكَ - ان تُعَرِّفَنِي مَا عَرَّفْتَ - أوليَاءَكَ - فِي مَنْزِلِي هَذَا، وَ أَنْ تَقِينِي جِوَامِعَ الشَّرِّ». و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت، حمد و ثنای الهی را به جا آورد؛ و به هر مقداری که ممکن باشد، از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند؛ و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد؛ آن گاه دعا نماید، و بعضی به وجوب آن قائل شده اند؛ و این دعا را نیز بخواند: «اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكِّرْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقِهِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، اللَّهُمَّ - أنت - خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَ خَيْرُ مِدْعُوٍّ وَ خَيْرُ مَسْئُولٍ، وَ لِكُلِّ - وَاوْفِدِ جَائِزَهُ، فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا ان تُقِيلَنِي عَثْرَتِي، وَ تَقْبَلْ - مَعْدِرَتِي، وَ أَنْ تَجَاوِزَ عَن خَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي». و مستحب است که سنگ ریزه هایی که در منی رمی خواهد نمود، از مزدلفه بردارد و مجموع آن هفتاد است؛ و مستحب است وقتی که از مزدلفه به سوی منی رفته و به وادی «مَحْسِر» رسید، به مقدار صد قدم هروله نماید و بگوید: «اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَ اقْبَلْ تَوْبَتِي، وَ أَجِبْ دَعْوَتِي، وَ اخْلُفْنِي بِخَيْرٍ فِي مَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي».

(مستحبات رمی جمرات)

در رمی جمرات، چند چیز مستحب است

صفحه : ۲۳۷ ۱ با طهارت بودن در حال رمی. ۲ هنگامی که سنگها را در دست گرفته این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ هُوَ لَا عَصِيَّاتِي فَأَحْصِهِنَّ لِي وَارْفَعْنِي فِي عَمَلِي». ۳ با هر سنگی که می اندازد تکبیر بگوید. ۴ هر سنگی را که بیندازد، این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اكْبِرْ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ - وَ عَلِي سُنَّةِ نَبِيِّكَ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَ سَعِيًّا مَشْكُورًا وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا». ۵ میان او و جمره در جمره عقبه، ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی کناره جمره بایستد. ۶ جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به صورت رو به قبله، رمی نماید. ۷ سنگ ریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیندازد. ۸ پس از برگشتن به جای خود، در منی این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ مَفْنَعِمْ - الرَّبُّ وَ نِعْمَ - الْمَوْلَى وَ نِعْمَ - النَّصِيرِ».

(مستحبات قربانی)

مستحبات قربانی، چند چیز است: ۱ در صورت تمکن قربانی شتر باشد، و در صورت نبودن آن، گاو و در صورت نبودن آن، گوسفند باشد. صفحه : ۲۳۸ ۲ قربانی بسیار فربه باشد. ۳ در صورت شتر یا گاو بودن آن، از جنس ماده؛ و در صورت گوسفند یا بز بودن، از جنس نر باشد. و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند: «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مَّسْلِمًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ، إِنَّ صَلَاتِي

وَنُشِيكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، لَا شَرِيكَ لَهُ - وَ بِذَلِكَ - أَمَرْتُ - وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ، اللَّهُمَّ - مِنْكَ - وَ لَكَ ، بِسْمِ اللَّهِ - وَ اللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُمَّ - تَقَبَّلْ مِنِّي . ۵ این که خود قربانی را ذبح نماید؛ و اگر نتواند دست خود را بالای دست ذبح کننده بگذارد.

(مستحبات حلق)

در حلق چند چیز مستحب است: ۱ در وقت سر تراشیدن رو به قبله کند. ۲ آن که از جانب راست جلوی سر شروع کند و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ - اعْطِنِي بَكَلِّ - شَعْرَهُ نَوْرًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ». ۳ آن که موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید و اولی این است که بعد از حلق، اطراف ریش و شارب خود گرفته و هم چنین ناخنها را بگیرد.

(مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی)

آن چه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد، اینجا صفحه: ۲۳۹ نیز جاری است؛ و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج می آید، در روز عید قربان بیاید و بر در مسجد بایستد و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ - اعِنِّي عَلَى نُشُوكِكَ - وَ سَلِّمْنِي لَهُ - وَ سَلِّمَهُ لِي ، أَسْأَلُكَ - مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ - إِنْ تَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي ، وَ إِنْ تَرْجِعْنِي بِحَاجَتِي ، اللَّهُمَّ - إِنِّي عَبْدُكَ - وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ - وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ ، حَيْثُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ - وَ أُؤْمِرُ بِطَاعَتِكَ ، مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ ، أَسْأَلُكَ - مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ ، الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ - أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَ تُجَيِّرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ». پس به نزد حجر الأسود بیاید و استلام و بوسه نماید؛ و اگر بوسیدن ممکن نشد، دست بر حجر مالیده و دست خود را ببوسد؛ و اگر آن هم ممکن نشد، مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آن چه در طواف عمره به جا آورده بود به جا آورد.

(مستحبات منی)

بدان که برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند، و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود؛ و تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است مستحب می باشد و بعضی آن را واجب دانسته اند و بهتر در کیفیت تکبیر، آن است که بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ

بِهِمِهِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا أَبْلَانَا». صفحه: ۲۴۰ و مستحب است مادامی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد «خیف» به جا آورد، و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است؛ و هر کس در آنجا صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید، ثواب آن برابر ثواب بنده آزاد کردن است؛ و هر کس در آنجا صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید، ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیای نفس کرده باشد؛ و هر کس در آنجا صد مرتبه «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید، ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدق نماید.

(مستحبات دیگر مکه معظمه)

آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است: ۱ زیاد ذکر نمودن خدا و خواندن قرآن. ۲ ختم نمودن یک قرآن. ۳ خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ»، و نیز بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، الشُّكْرُ لِلَّهِ» ۴ نظر نمودن به کعبه و اکثار از آن. ۵ در هر شبانه روز، ده مرتبه طواف نمودن: در اول شب، سه طواف و در آخر شب، سه طواف و پس از دخول صبح، دو طواف و بعد از ظهر، دو طواف. ۶ هنگام توقف در مکه به عدد ایام سال، یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید؛ و اگر این مقدار نشد، پنجاه و دو مرتبه؛ و اگر آن هم ممکن نشد، هر مقداری که بتواند. صفحه: ۲۴۱

پایین آمده و پله ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله ها دو رکعت نماز بخواند.

(طواف وداع)

برای کسی که می خواهد از مکه بیرون رود، مستحب است طواف وداع نماید؛ و در هر شوطی حجر الأسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید؛ و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد به جا آورد؛ و آن چه خواهد دعا نماید، بعداً حجر الأسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند، یک دست را بر حجر الأسود و دست دیگر را به طرف در گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد، و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ - وَرَسُولِكَ - وَنَبِيِّكَ - وَامِيَّتِكَ - وَحَبِيْبِكَ - وَنَجِيْبِكَ - وَخَيْرِ رِبِّكَ - مِّنْ خَلْقِكَ ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ ، وَجَاهَدَ فِي سَبِيْلِكَ ، وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ ، وَوَدَى فِيكَ - وَفِي جَنْبِكَ ، وَعَيْدِكَ - حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِيْنُ ، اللَّهُمَّ اقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِّنْ وَفْدِكَ - مِّنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَهِ وَالرِّضْوَانِ وَالعَافِيَةِ .» و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب «حناطین» که مقابل «رکن شامی» است بیرون رود و از خداوند متعال، توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن، مقداری خرما خریده و آن را بر فقرا تصدق نماید. صفحه : ۲۴۳

(فصل دوم ادعیه)

(مناجات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ - الأمان - يَوْمَ - لا يَنْفَعُ مالٌ - وَلا بَنُونَ - إِلا مَن آتَى اللهُ - بِقَلْبٍ سَلِيمٍ - وَ أَسْأَلُكَ - الأمان - يَوْمَ - يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً وَ أَسْأَلُكَ - الأمان - يَوْمَ - يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الأقدام - وَ أَسْأَلُكَ - الأمان - يَوْمَ - لا يَجْزِي وَالِدٌ عَن وَلَدِهِ وَ لا مَوْلُودٌ

هُوَ جَازٍ عَنِ الْإِثْمِ وَإِن شِئْنَا إِن وَعَدَ اللَّهُ حَقٌّ وَأَسْأَلُكَ - الْأَمَانَ - يَوْمَ - لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ - مَعَذِرَتُهُمْ وَ لَهْمُ اللّعنة وَ لَهُمُ سُوءُ الدَّارِ وَ
أَسْأَلُكَ - الْأَمَانَ - يَوْمَ - لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ نَفْسَ شَيْئًا وَ الْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ وَ أَسْأَلُكَ - الْأَمَانَ - يَوْمَ - يَفْرُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَ أُمُّهُ وَ أَبِيهِ وَ
صِاحِبَتِهِ وَ بَيْنِهِ لِكُلِّ امْرئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ وَ أَسْأَلُكَ - الْأَمَانَ - يَوْمَ - يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمَئِذٍ بِبَنِيهِ وَ
صِاحِبَتِهِ وَ أَخِيهِ وَ فَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ كَلَّا إِنَّهَا لَلظَى نَزَاعَهُ لِلشَّوَى مَوْلَاى - يَا مَوْلَاى - أَنْتَ -
المَوْلَى وَ أَنَا العَبْدُ وَ هَيْلَ يَرْحَمُ العَبْدَ إِلَّا - المَوْلَى مَوْلَاى - يَا مَوْلَاى - أَنْتَ - المَالِكُ وَ أَنَا المَمْلُوكُ وَ هَلْ يَرْحَمُ المَمْلُوكَ - إِلَّا
المَالِكُ مَوْلَاى - يَا مَوْلَاى - أَنْتَ - العَزِيزُ وَ أَنَا الذَّلِيلُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلَ إِلَّا - العَزِيزُ مَوْلَاى - يَا مَوْلَاى - أَنْتَ - الخَالِقُ وَ أَنَا المَخْلُوقُ
وَ هَلْ صَفْحَهُ : ٢٤٤ يَرْحَمُ المَخْلُوقَ - إِلَّا - الخَالِقُ مَوْلَاى - يَا مَوْلَاى - أَنْتَ - العَظِيمُ وَ أَنَا الحَقِيرُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الحَقِيرَ إِلَّا - العَظِيمُ
مَوْلَاى - يَا مَوْلَاى - أَنْتَ - القَوِيُّ وَ أَنَا الضَّعِيفُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ إِلَّا - القَوِيُّ مَوْلَاى - يَا مَوْلَاى - أَنْتَ - الغَنِيُّ وَ أَنَا الفَقِيرُ وَ هَلْ
يَرْحَمُ الفَقِيرَ إِلَّا - الغَنِيُّ مَوْلَاى - يَا مَوْلَاى - أَنْتَ - المَعْطَى وَ أَنَا السَّائِلُ وَ هَلْ يَرْحَمُ السَّائِلَ إِلَّا - المَعْطَى مَوْلَاى - يَا مَوْلَاى - أَنْتَ -
الحَيُّ وَ أَنَا المَيِّتُ وَ هَلْ يَرْحَمُ المَيِّتَ إِلَّا - الحَيُّ مَوْلَاى - يَا مَوْلَاى - أَنْتَ - البَاقِي وَ أَنَا الفَانِي - إِلَّا البَاقِي
مَوْلَاى - يَا مَوْلَاى - أَنْتَ - الدَّائِمُ وَ أَنَا الزَّائِلُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا - الدَّائِمُ مَوْلَاى - يَا مَوْلَاى - أَنْتَ - الرَّازِقُ وَ أَنَا

المرزوقُ و هَيْلَ يَرْحَمُ المرزوقُ - إِلَّا الرَّازِقُ مَوْلَايَ - يَا مَوْلَايَ - أَنْتَ - الْجَوَادُ وَ أَنَا الْبَخِيلُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْبَخِيلَ - إِلَّا الْجَوَادُ مَوْلَايَ -
 يَا مَوْلَايَ - أَنْتَ - الْمُعَافِي وَ أَنَا الْمُبْتَلَى وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُبْتَلَى إِلَّا الْمُعَافِي مَوْلَايَ - يَا مَوْلَايَ - أَنْتَ - الْكَبِيرُ وَ أَنَا الصَّغِيرُ وَ هَلْ يَرْحَمُ
 الصَّغِيرَ إِلَّا - الْكَبِيرُ مَوْلَايَ - يَا مَوْلَايَ - أَنْتَ - الْهَادِي وَ أَنَا الضَّالُّ وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّالَّ إِلَّا الْهَادِي مَوْلَايَ - يَا مَوْلَايَ - أَنْتَ - الرَّحْمَنُ وَ
 أَنَا الْمَرْحُومُ وَ هَيْلَ يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ - إِلَّا - الرَّحْمَنُ مَوْلَايَ - يَا مَوْلَايَ - أَنْتَ - السُّلْطَانُ وَ أَنَا الْمُتَمَتِّحُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُتَمَتِّحَ - إِلَّا
 السُّلْطَانُ مَوْلَايَ - يَا مَوْلَايَ - أَنْتَ - الدَّلِيلُ وَ أَنَا الْمُتَحَيِّرُ وَ هَيْلَ يَرْحَمُ الْمُتَحَيِّرَ إِلَّا - الدَّلِيلُ مَوْلَايَ - يَا مَوْلَايَ - أَنْتَ - الْغَفُورُ وَ أَنَا
 الْمَذْنُوبُ وَ هَيْلَ يَرْحَمُ الْمَذْنُوبَ - إِلَّا - الْغَفُورُ مَوْلَايَ - يَا مَوْلَايَ - أَنْتَ - الْغَالِبُ وَ أَنَا الْمَغْلُوبُ - إِلَّا الْغَالِبُ
 مَوْلَايَ - يَا مَوْلَايَ - أَنْتَ - الرَّبُّ وَ أَنَا الْمَرْئُوبُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْئُوبَ - إِلَّا الرَّبُّ مَوْلَايَ - يَا مَوْلَايَ - أَنْتَ - الْمُتَكَبِّرُ وَ أَنَا الْخَاشِعُ وَ
 هَلْ يَرْحَمُ الْخَاشِعَ - إِلَّا الْمُتَكَبِّرُ مَوْلَايَ - يَا مَوْلَايَ - اِرْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ - وَ اَرْضَ عَنِّي بِجُودِكَ - وَ كَرَمِكَ - وَ فَضْلِكَ - يَا ذَا الْجُودِ وَ
 الْإِحْسَانِ وَ الطُّولِ وَ صَفْحِهِ : ٢٤٥ الامتتان بِرَحْمَتِكَ - يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ -

(دعای کمیل بن زیاد)

و آن از ادعیه معروفه است و علامه مجلسی رحمه الله علیه فرموده که آن بهترین دعاها است و آن دعای خضر علیه السلام
 است حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آن را تعلیم کمیل که از خواص اصحاب آن حضرت است فرموده در شبهای نیمه
 شعبان و در هر شب جمعه خوانده می شود و برای کفایت از شر اعدا و فتح باب رزق و آمرزش

گناہان نافع است و شیخ و سید آن را نقل نموده اند اللهم انی اسألك برحمتك التي وسعت كل شىء و بقوتك التي قهرت بها كل شىء و خضع لها كل شىء و ذل لها كل شىء و بجبروتك التي غلبت بها كل شىء و بعزتك التي لا يقوم لها شىء و بعظمتك التي ملأت كل شىء و بسيلطانك الذي علا كل شىء و بوجهك الباقي بعد فناء كل شىء و بأسمائك التي ملأت أركان كل شىء و بعلمك الذي أحاط بكل شىء و بنور وجهك الذي أضاء له كل شىء و يا نور يا قدوس يا أول الأولين و يا آخر الآخرين اللهم اغفر لي الذنوب التي تهتك العصم اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل النقم اللهم اغفر لي الذنوب التي تغير النعم اللهم اغفر لي الذنوب التي تحبس الدعاء اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء اللهم اغفر لي كل ذنب أذنبته و كل خطيئة أخطأتها اللهم انی أتقرب إليك بذكرك و أستشفع بك إلى نفسك و أسألك بجمودك أن تدنني من قربك و أن توزعني شكرك و أن تلهمني ذكرك اللهم انی صفحه : ٢٤٦ أسألك سؤال خاضع متذلل خاشع أن تسامحني و ترحمني و تجعلني بقسمك راضيا قانعا و في جميع الأحوال متواضعا اللهم و أسألك سؤال من اشتدت فاقته و أنزل بك عند الشدائد حاجته و عظم فيما عندك رغبته اللهم عظم سلطانك و علا مكانك و خفي مكرك و ظهر أمرك و غلب قهرك و جرت قدرتك و لا يمكن الفرار من حكومتك اللهم لا أجد لذنوبي غافرا و لا لقبائحي ساترا و لا لشيء من عملي القبيح القبيح بالحسن مبدلا غيرك

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ - سُبْحَانَكَ - وَبِحَمْدِكَ - ظَلَمْتُ نَفْسِي وَتَجَرَّأتُ بِجَهْلِي وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمٍ ذَكَرَكَ لِي وَ مِنْكَ - عَلَيَّ اللَّهُمَّ
مَوْلَايَ - كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ مِنْكُمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقَلْتَهُ مِنْكُمْ مِنْ عِتَارٍ وَقَيْتَهُ مِنْكُمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ مِنْكُمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ
لَسْتُ مَأْهَلًا لَهُ مِنْ شَرِّهِ اللَّهُمَّ عَظُمَ بِلَائِي وَأَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي وَقَصَّرتُ بِي أَعْمَالِي وَقَعِيدَتُ بِي أَغْلَالِي وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي
بَعْدَ أَمَلِي وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا وَنَفْسِي بِجَنَائِثِهَا وَمَطَأَ إِلَى يَأْسِيدي فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ - أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءَ
عَمَلِي وَفِعَالِي وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمَلْتَهُ فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءٍ فِعَلِي وَ
إِسَاءَتِي وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي وَكُنْ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رِءُوفًا وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ
الْأُمُورِ عَطُوفًا إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ - أَسْأَلُهُ مَكْشَفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي إِلَهِي وَ مَوْلَايَ - أَجْرِيَتِ - عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ
هُوَى نَفْسِي وَ لَمْ أَحْتَرَسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَيْدُوِي فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى وَ أَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ - الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ
ذَلِكَ - بَعْضَ حُدُودِكَ - وَ خَالَفتُ بَعْضَ - أَوْامِرِكَ - فَلكَ - الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ - وَ لَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى عَلَيَّ صَفْحَهُ :
٢٤٧ فِيهِ قَضَاؤُكَ - وَ الزَّمَنِي حُكْمُكَ - وَ بِلَاؤُكَ - وَ قَدْ أَتَيْتُكَ - يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَ إِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي مُعْتَدِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا
مُسْتَقْبِلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقَرًّا مُدْعِنًا مُعْتَرِفًا لَا أَجْدُ مَفْرًا مِمَّا كَانَ - مِنِّي وَ لَا مَفْزَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ - عُذْرِي وَ

إِدْخَالِكَ - إِيَّاي - فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ - اللَّهُمَّ - فَاقْبَلْ عُذْرِي وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَفُكِّنِي مِنْ شَدِّ وَثَاقِي يَا رَبِّ - اِرْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذَكَرِي وَتَرَبَّيْتِي وَبَرَّي وَتَغَذَّيْتِي هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ - وَسَالِفِ بَرِّكَ - بِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي أَتُرَاكَ - مُعَيَّدِي بِنَارِكَ - بَعْدَ تَوْحِيدِكَ - وَبَعْدَ مَا انطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ - وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ - وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ - وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاصَّةً عَالِ لِرُبُوبِيَّتِكَ - هَيْهَاتَ - أَنْتَ - أَكْرَمٌ - مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ - مَنْ رَبَّيْتَهُ - أَوْ تُبَعِّدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ - أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ - أَوْ تُسَيِّئَ - إِلَى الْبَلَاءِ مِنْ كَفَيْتَهُ - وَرَحِمْتَهُ - وَوَلَيْتَ - شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ - أَتُسَيِّطُ النَّارَ عَلَى وُجُوهِ خَزَرٍ لِعَظَمَتِكَ - سَاجِدَةً - وَ عَلَى أَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ - صَادِقَةً وَبِشُكْرِكَ - مَادِحَةً - وَ عَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ - مُحَقِّقَةً - وَ عَلَى ضَمَائِرِ حَوْتٍ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ - حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً - وَ عَلَى جَوَارِحٍ - سَيَّعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدِكَ - طَائِعَةً - وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ - مُدْعِنَةً مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ - وَ لَا أُخْبِرُنَا بِفَضْلِكَ - عَنْكَ - يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ - وَ أَنْتَ - تَعْلَمُ - مَضْعِفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَ عُقُوبَاتِهَا وَ مَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا عَلَى أَنْ ذَلِكَ - بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ - قَلِيلٌ - مَكْنُوهٌ - مَيَسِيرٌ - بَقَاؤُهُ - مَقْصِيرٌ - مُدَّتُهُ - فَكَيْفَ - احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَ جَلِيلِ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا وَ هُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ - وَ يَدُومُ مَقَامُهُ - وَ لَا يُخَفَّفُ - عَنْ أَهْلِهِ - لِأَنَّهُ - لَا يَكُونُ - إِلَّا - عَنْ غَضَبِكَ - وَ انْتِقَامِكَ - وَ سَخَطِكَ - وَ هَذَا مَا لَا تَقُومُ - لَهُ - السَّمَاوَاتُ - وَ الْأَرْضُ - يَا صَفْحَةَ : ٢٤٨ سَيِّدِي فَكَيْفَ -

لِي وَ أَنَا عَبْدُكَ - الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ ، الْحَقِيرُ الْمَسْكِينُ ، يَا إِلَهِي وَ رَبِّي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ - لَأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ - أَشْكُو وَ لِمَا
مِنْهَا أَصِحُّ وَ أْبْكِي لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَ شِدَّتِهِ أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ وَ مُدَّتِهِ فَلَيْنَ صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ - أَعْدَائِكَ - وَ جَمَعْتَ - بَيْنِي وَ بَيْنَ -
أَهْلِ بِلَائِكَ - وَ فَرَّقْتَ - بَيْنِي وَ بَيْنَ - أَحِبَّائِكَ - وَ أَوْلِيَائِكَ - فَهَيَّنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ - وَ رَبِّي صَبْرْتَ مَعْلَى عَذَابِكَ - فَكَيْفَ -
أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ - وَ هَيَّنِي صَبْرْتَ مَعْلَى حَرِّ نَارِكَ - فَكَيْفَ - أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كِرَامَتِكَ - أَمْ كَيْفَ - أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَ رَجَائِي
عَفْوِكَ - فَبِعِزَّتِكَ - يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ - أَقْسِمُ مَصَادِقًا لَيْنَ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا لَأَضْحَجَنَّ إِلَيْكَ - بَيْنَ - أَهْلِهَا ضَعِيجِ - الْأَمَلِينَ - وَ لَأَصْرُخَنَّ
إِلَيْكَ - صُرَاخَ - الْمُسْتَصْرِخِينَ - وَ لَأَبْكِينَ - عَلَيْكَ - بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ - وَ لَأَنَادِيَنَّكَ - أَيْنَ - كُنْتَ - يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ - يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ -
يَا غِيَاثَ - الْمُسْتَغِيثِينَ - يَا حَبِيبَ - قُلُوبِ الصَّادِقِينَ - وَ يَا إِلَهَ - الْعَالَمِينَ - أَفْتَرَاكَ - سُبْحَانَكَ - يَا إِلَهِي وَ بِحَمْدِكَ - تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ -
عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَاجِدٍ - فِيهَا بِمَخِ الْفَتَنِ وَ ذَاقَ - طَعْمَ - عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ وَ حُبِسَ - بَيْنَ - أَطْبَاقِهَا بِعُجْرِهِ وَ جَرِيرَتِهِ وَ هُوَ يَضْحَجُ إِلَيْكَ -
ضَجِيجَ - مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ - وَ يُنَادِيكَ - بِلِسَانِ - أَهْلِ تَوْحِيدِكَ - وَ يَتَوَسَّلُ - إِلَيْكَ - بِرُبُوبِيَّتِكَ - يَا مَوْلَايَ - فَكَيْفَ - يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَ
هُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ - مِنْ حِلْمِكَ - أَمْ كَيْفَ - تُؤَلِّمُهُ النَّارُ وَ هُوَ يَأْمُلُ مَفْضَلَكَ - وَ رَحْمَتَكَ - أَمْ كَيْفَ - يُحْرِقُهُ لَهْيُهَا وَ أَنْتَ - تَسْمَعُ
صَوْتَهُ وَ تَرَى مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ - يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَ أَنْتَ - تَعْلَمُ مَضْعَفَهُ أَمْ كَيْفَ - يَتَقَلَّقَلُ بَيْنَ - أَطْبَاقِهَا وَ أَنْتَ - تَعْلَمُ صِدْقَهُ أَمْ
كَيْفَ - تَزْجُرُهُ زَبَانِيَّتُهَا وَ هُوَ يُنَادِيكَ - يَا رَبَّهُ أَمْ كَيْفَ - يَرْجُو فَضْلَكَ - فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَسْرُكُهُ فِيهَا هَيْهَاتَ - مَا

ذَلِكَ - الظَّنُّ بِبَيْعِكَ - وَلَا - المَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ - وَلَا - مُشَبِّهٌ لِمَا عَامَلْتَ - بِهِ - المُوَحِّدِينَ - مِنْ بَرِّكَ - وَ صَفْحَهُ : ٢٤٩ إِحْسَانِكَ -
فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْ لَا مَا حَكَمْتَ - بِهِ - مِنْ تَعْدِيبِ جَاحِدِيكَ - وَقَضَيْتَ - بِهِ - مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ - لَجَعَلْتَ - النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَ سِلَاحًا
وَ مَا كَانَ - لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرًا وَ لَا مُقَامًا لِكِنِّكَ - تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ - أَقْسَمْتَ - أَنْ تَمَلَّأَهَا مِنْ - الكَافِرِينَ - مِنَ - الجِنَّةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ - وَ
أَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا المُعَانِدِينَ - وَ أَنْتَ - حَيْلٌ تَنَاقُوكَ - قُلْتَ - مُبْتَدِئًا وَ تَطَوَّلْتَ - بِالإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا أَفَمَنْ كَانَ - مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ - فَاسْتَقَامَا لَا
يَسْتَوُونَ - إِلَهِي وَ سَيِّدِي فَاسْأَلْكَ - بِالقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا وَ بِالقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَ حَكَمْتَهَا وَ غَلَبْتَ - مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَتَهَا أَنْ تَهَبَ - لِي
فِي هَيْدِهِ اللَّيْلَةَ وَ فِي هَيْدِهِ السَّاعَةَ كُلَّ - جُرْمٍ أَجْرَمْتَهُ وَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ وَ كُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتَهُ وَ كُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتَهُ كَتَمْتَهُ أَوْ
أَعْلَنْتَهُ أَخْفَيْتَهُ أَوْ أَظْهَرْتَهُ وَ كُلَّ - سَيِّئَةٍ أَمَرْتَ - بِإِثْبَاتِهَا الكِرَامَ - الكَوَاتِبِينَ - الَّذِينَ - وَكَلَّمْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي وَ جَعَلْتَهُمْ شُهُودًا
عَلَى - مَعَ - جَوَارِحِي وَ كُنْتَ - أَنْتَ - الرَّقِيبَ - عَلَيَّ - مِنْ وَرَائِهِمْ وَ الشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ - عَنْهُمْ - وَ بَرَحَمْتِكَ - أَخْفَيْتَهُ - وَ بِفَضْلِكَ - سَتَرْتَهُ - وَ
أَنْ تُوفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ - خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ - أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ - أَوْ بَرٍّ نَشَرْتَهُ - أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ - أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ - أَوْ خَطِيئَةٍ تَسْتُرُهُ - يَا رَبِّ يَا رَبِّ
يَا رَبِّ يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ - وَ مَالِكِ - رَقِي يَا مَنْ بِيَدِهِ - نَاصِيَتِي يَا عَلِيمًا بِضُرِّي وَ مَسْكِنَتِي يَا خَيْرًا بِفَقْرِي وَ فَاقَتِي يَا رَبِّ يَا
رَبِّ يَا رَبِّ - أَسْأَلُكَ - بِحَقِّكَ - وَ قُدْسِكَ - وَ أَعْظَمِ صِفَاتِكَ - وَ أَسْمَائِكَ - أَنْ تَجْعَلَ - أَوْقَاتِي - مِنَ - اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ بِذِكْرِكَ - مَعْمُورَةً
وَ بِخِدْمَتِكَ - مَوْصُولَةً

وَ أَعْمَى إِلَى عِنْدِكَ - مَقْبُولَهُ حَتَّى تَكُونَ - أَعْمَالِي وَ أَوْزَادِي كُلَّهَا وَرِدَا وَاحِدًا وَ حَالِي فِي خِدْمَتِكَ - سِرْمَدَا يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ
مُعَيَّرِي يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتٌ أَحْوَالِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ - جَوَارِحِي وَ اشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ صَفْحَهُ : ٢٥٠
جَوَارِحِي وَ هَبْ لِي - الْجِدِّ فِي خَشْيَتِكَ - وَ الدَّوَامِ - فِي الاتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ - حَتَّى أُسْرَحَ - إِلَيْكَ - فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ - وَ أُسْرِعَ -
إِلَيْكَ - فِي الْبَارِزِينَ - وَ أَشْتاقَ - إِلَيَّ قُرْبِكَ - فِي الْمُشْتاقِينَ - وَ أَدْنُو مِنْكَ - دُنُو الْمُخْلِصِينَ - وَ أَخَافُكَ - مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ - وَ أَجْتَمِعُ - فِي
جَوَارِكَ - مَعَ الْمُؤْمِنِينَ - اللَّهُمَّ - وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ - وَ مَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ - وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ - نَصِيبًا عِنْدَكَ - وَ
أَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ - وَ أَخْصِهِمْ زُلْفَةً لِمَدْيِكَ - فَإِنَّهُ لَا يَنَالُ مِثْلَكَ - إِلَّا بِفَضْلِكَ - وَ جِدْ لِي بِجُودِكَ - وَ اعْطِفْ عَلَيَّ - بِمَجْدِكَ - وَ
احْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ - وَ اجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ - لَهْجًا وَ قَلْبِي بِحُبِّكَ - مُتَّيْمًا وَ مَنْ - عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ - وَ أَقْلِنِي عَثْرَتِي وَ اغْفِرْ زَلَّتِي
فَإِنَّكَ - قَضَيْتَ - عَلَيَّ عِبَادَكَ - بِعِبَادَتِكَ - وَ أَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ - وَ ضَمِنْتَ - لَهُمْ الْإِجَابَةَ فَإِلَيْكَ - يَا رَبِّ - نَصِيبَتٌ وَجْهِي وَ إِلَيْكَ - يَا
رَبِّ - مَيَدَدَتِ مَيَدِي فَبِعِزَّتِكَ - اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَ بَلِّغْنِي مُنَايَ - وَ لَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ - رَجَائِي وَ اكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ - مِنْ
أَعْدَائِي يَا سَرِيعَ الرِّضَا اغْفِرْ لِمَنْ لَا - يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ فَإِنَّكَ - فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ وَ طَاعَتُهُ مَغْنَى
ارْحَمْ مَنْ رَأْسِ مَمَالِهِ الرَّجَاءُ وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ يَا سَابِغَ النِّعَمِ - يَا دَافِعَ النِّقَمِ - يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ - فِي الظُّلْمِ - يَا عَالِمًا لَا يُعْلَمُ مَصَلِّ
عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ - أَهْلُهُ وَ صَلَّى

اللَّهُ عَلَى رُسُولِهِ وَالْأَيْمَةِ الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا

(دعای حضرت مهدی صلوات الله علیه)

اللَّهُمَّ ارزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَصِدْقَ النَّبِيِّ وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ وَأَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَالِاسْتِقَامَةَ وَسُدِّدْ ألسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةِ وَ اَمَلًا صَفْحَه : ٢٥١ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ وَ طَهَّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهِهِ وَ اكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرْقَةِ وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِيَانَةِ وَ اسدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغِيْبَةِ وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ عَلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَ النَّصِيحَةِ وَ عَلَيَّ الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَ الرَّغْبَةِ وَ عَلَيَّ الْمُسْتَمِعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَ الْمِوَعِظَةَ وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشُّفَاءِ وَ الرَّاحَةِ وَ عَلَيَّ مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ وَ السَّكِينَةِ وَ عَلَيَّ الشَّيْبَابِ بِالإِنَابَةِ وَ التَّوْبَةِ وَ عَلَيَّ النَّسَاءِ بِالحَيَاءِ وَ الْعِفَةِ وَ عَلَيَّ الأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَاضُعِ وَ السَّعَةِ وَ عَلَيَّ الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ عَلَيَّ الْغَزَاءِ بِالنَّصْرِ وَ الْعَلْبَةِ وَ عَلَيَّ الأَسْرَاءِ بِالْخِلَاصِ وَ الرَّاحَةِ وَ عَلَيَّ الأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَ الشَّفَقَةِ وَ عَلَيَّ الرَّعِيَّةِ بِالإِنصَافِ وَ حُسْنِ السِّيَرَةِ وَ بَارِكْ لِلْحَجَّاجِ وَ الزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَ النَّفَقَةِ وَ اقضِ مَا أُوجِبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَ العُمْرَةِ بِفَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

(دعای حضرت سيد الشهداء امام حسين عليه السلام در روز عرفه)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَ لَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَ لَا كَصُنْعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ وَ هُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ فَطَرَ اجْنَاسَ الْبِدَائِعِ وَ اتَّقَنَ بِحِكْمَتِهِ لِلصَّنَائِعِ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ وَ لَا تَضِيغُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ مُجَازِي كُلِّ صَانِعٍ وَ رَائِشُ كُلِّ قَانِعٍ وَ رَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ وَ مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَ الْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ وَ هُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ وَ لِلْكُرْبَاتِ دَافِعٌ وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ وَ لِلجَبَابِرَةِ قَامِعٌ فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَ لَا شَيْءٌ يَعْدِلُهُ وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ

الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ أَنَّى ارْغَبُ إِلَيْكَ - وَ اشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ - مُقَرَّرًا بِأَنَّكَ رَبِّي وَ إِلَيْكَ - مَرَدِّي ابْتِدَاءً تَنِي
بِنِعْمَتِكَ - قَبْلَ - إِنْ أَكُونُ - شَيْئًا مَذْكُورًا وَ خَلَقْتَنِي مِنْ - التُّرَابِ ثُمَّ - اسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ - إِمْنًا لِرَيْبِ الْمُنُونِ وَ اخْتِلَافِ صَفْحِهِ : ٢٥٢
الذُّهُورِ وَ السَّنِينَ - فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُلبِ إِلَى رَحِمِ فِي تَقَادُمِ مِنَ - الْإِيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَ الْقُرُونِ الْخَالِيَةِ لَمْ تُخْرِجْنِي لِإِرْفَاتِكَ - بِي وَ
لُطْفِكَ - لِي وَ احْسَانِكَ - إِلَيَّ فِي دَوْلِهِ إِثْمَهُ الْكُفْرِ الَّذِينَ - نَقَضُوا عَهْدَكَ - وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ - لَكِنَّكَ - اخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنْ -
الْهُدَى الَّذِي لَهُ مَيَّسَّرْتَنِي وَ فِيهِ - أَنْشَأْتَنِي وَ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ - رَوَّفْتَنِي - بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ - وَ سَوَابِغِ نِعْمِكَ - فَابْتَدَعْتَ - خَلَقْتَنِي مِنْ مَنِيَّ
يُمْنِي وَ اسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي وَ لَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي ثُمَّ - اخْرَجْتَنِي لِلَّذِي
سَبَقَ لِي مِنْ - الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامِرًا سَوِيًّا وَ حَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا وَ رَزَقْتَنِي مِنْ - الْعِذَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا وَ عَطَفْتَ - عَلَيَّ قُلُوبَ -
الْحَوَاضِنِ وَ كَفَلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ الرَّوَاحِمِ - وَ كَلَّمَاتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ - وَ سَيِّئَاتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ فَتَعَالَيْتَ - يَا رَحِيمُ يَا
رَحْمَانُ حَتَّى إِذَا اسْتَهَلَّتْ مَنَاطِقًا بِالْكَلامِ اتَّمَمْتَ - عَلَيَّ سَوَابِغِ الْإِنْعَامِ وَ رَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي وَ
اعْتَدَلَتْ مِرَّتِي أَوْجَبْتَ - عَلَيَّ حُجَّتَكَ - بِأَنْ هَمَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ - وَ رَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ - وَ ابْقَظْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ - فِي سَيِّمَائِكَ - وَ
أَرْضِكَ - مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ - وَ تَبَهَّنْتَنِي لِشُكْرِكَ - وَ ذِكْرِكَ - وَ أَوْجَبْتَ - عَلَيَّ طَاعَتَكَ - وَ عِبَادَتَكَ - وَ فَهَمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ -
وَ يَسَّرْتَ - لِي تَقَبُّلَ - مَرْضَاتِكَ - وَ مَنَنْتَ - عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ - بِعَوْنِكَ - وَ لُطْفِكَ - ثُمَّ إِذَا

خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَهُ دُونَ - أُخْرَى وَ رَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَ صَيَّرْتَنِي الرِّيشَ بِمَنِّكَ - الْعَظِيمِ -
الْإِعْظَمِ عَلَيَّ وَ أَحْسَانِيكَ - الْقَدِيمِ أَلِيَّ - حَيَّتِي إِذَا اتَّمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ وَ صَيَّرْتَ عَنِّي كَمَلِ النِّقْمِ لَمْ يَمْنَعِكَ جَهْلِي وَ
جُرَأْتِي عَلَيَّكَ - إِنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يُفَرِّبُنِي إِلَيْكَ - وَ وَقَفْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لِمَدْيِكَ - فَإِنْ دَعَوْتُكَ - اجْبِنْتَنِي وَ إِنْ سَأَلْتُكَ - اعْطَيْتَنِي وَ إِنْ
أَطَعْتُكَ - شَكَرْتَنِي وَ إِنْ شَكَرْتُكَ - زِدْتَنِي كُلَّ ذَلِكَ - كَمَالاً لَأَنْعِمَكَ عَلَيَّ وَ أَحْسَانِيكَ - أَلِيَّ فَسُبْحَانَكَ - سُبْحَانَكَ - مِنْ مُبْدِئِ
مُعِيدِ حَمِيدِ مُجِيدٍ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ - صَفْحَهُ : ٢٥٣ وَ عَظَمَتِ الْأَوْكُ - فَأَيُّ نِعْمَةٍ - يَا إِلَهِي أَحْصِي عِدْداً وَ ذِكْراً أَيْ
عَظَايَاكَ - أَقُومُ بِهَا شُكْراً وَ هِيَ - يَا رَبِّ - أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ - أَوْ يَبْلُغَ عِلْماً بِهَا الْحَافِظُونَ - ثُمَّ مَا صَيَّرْتَ - وَ دَرَأْتَ - عَنِّي
اللَّهُمَّ - مِنَ الضَّرِّ وَ الضَّرَاءِ أَكْثَرَ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَ السَّرَاءِ وَ أَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي وَ عَقْدِ عَزَمَاتِي يَقِينِي وَ خَالِصِ
صَرِيحِ تَوْحِيدِي وَ بَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي وَ عِلَاقِ مَجَارِي نُورِ بَصِيرِي وَ أَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي وَ خُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي وَ
خَذَارِيفِ مَارِنِ عَرْنِينِي وَ مَسَارِبِ سِمَاحِ سَمْعِي وَ مَا ضُمَّتْ وَ أَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ - وَ حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي وَ مَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي
وَ فَكِّي وَ مَنَابِتِ اضْرَاسِي وَ مَسَاغِ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ حِمَالِهِ أَمْ رَأْسِي وَ بُلُوعِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَأْمُورُ
صَدْرِي وَ حَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي وَ نِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي وَ أَفْلَاحِ حَوَاشِي كَبْدِي وَ مَا حَوَتْهُ شَرَّاسِيفِ اضْلَاعِي وَ حِقَاقِ مَفَاصِدِي لِي وَ
قَبْضِ مَعْوَامِلِي وَ أَطْرَافِ إِنْأَمِلِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ شَعْرِي وَ

بَشْرَى وَ عَصَبَى وَ قَصْبَى وَ عِظَامَى وَ مُخَى وَ عُرْوَقَى وَ جَمِيعَ جَوَارِحَى وَ مَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ - أَيَّامَ - رِضَاعَى وَ مَا أَقَلَّتِ الْاَرْضُ مِنِّى وَ نَوْمَى وَ يَقْظَتَى وَ سَيْكُونَى وَ حَرَكَاتِ رُكُوعَى وَ سُجُودَى اِنْ لَوْ حَاوَلْتُمْ وَ اجْتَهَدْتُمْ مَدَى الْاِعْصَارِ وَ الْاِحْقَابِ لَوْ عَمَّرْتُمْهَا اِنْ اُوْدَى - شُكْرَ وَاحِدِهِ مِنْ اِنْعَمِكُمْ - مَا اسْتَطَعْتُمْ ذَلِكَ - اِلَّا بِمَنْكُمُ - الْمَوْجِبِ عَلَى سَبِيهِ شُكْرُكُمْ - اِبْدَاءً جَدِيداً وَ ثَنَاءً طَارِفاً عَتِيداً اَجَلَ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ اَنَا وَ الْعَادُّونَ - مِنْ اِنَامِكُمْ - اِنْ نُحِصَتِى - مِيدَى اِنْعَامِكُمْ - سَالِفِهِ وَ اِنْفِهِ - مَا حَصَرْنَا مَعْدَدًا وَ لَا اَحْصَيْنَاهُ اَمَدًا هَيْهَاتَ - اِنِّى ذَلِكُمْ - وَ اَنْتَ - الْمُخْبِرُ فِى كِتَابِكُمْ - النَّاطِقِ وَ النَّبِىِّ الصَّادِقِ - وَ اِنْ تَعِدُّوا نِعْمَةَ اللّٰهِ - لَا تُحْصُوها صَدَقَ - كِتَابُكُمْ - اَللّٰهُمَّ - وَ اَنْبِاؤُكُمْ - وَ بَلَّغْتَ اَنْبِاؤُكُمْ - وَ رُسُلَكُمْ - مَا اَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكُمْ - وَ شَرَعْتَ لَهُمْ وَ بِيْهِمْ مِنْ دِينِكُمْ - غَيْرَ اَنْى يَا اِلٰهَى اَشْهَدُ بِجُهْدَى وَ جِدِّى وَ مَبْلَغِ طَاعَتَى وَ وُسْعَى وَ اَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِى لَمْ يَتَّخِذْ صَفْحَةً : ٢٥٤ وَ لَعَدًا فَيَكُونُ مَمُورُوثًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِى مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِى مَا اَبْتَدَعَ - وَ لَا وَلِىٌّ مِنْ - الذُّلِّ فَيُفْرِدُهُ فِى مَا صَنَعَ - فَسُبْحَانَ سُبْحَانِهِ لَوْ كَانَ فِيهمَا اِلٰهٌ اِلَّا اللّٰهُ لَفَسَدَتَا وَ تَفَطَّرَتَا سُبْحَانَ - اللّٰهِ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِى لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ الْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ - وَ اَنْبِاؤِهِ الْمُرْسَلِينَ - وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ - وَ اِلٰهِ الطَّيِّبِينَ - الطَّاهِرِينَ - الْمُخْلِصِينَ - وَ سَلَّمَ -

پس شروع فرمود آن حضرت در سؤال و اهتمام نمود در دعا و آب از دیده های مبارکش جاری بود. پس گفت:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي اخشاك - كَانِي اراكَ - وَ اسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ - وَ لَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ - وَ خِر لِي فِي قَضَائِكَ - وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ -
حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ - مَا أَخَّرْتَ - وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ - اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ - فِي نَفْسِي وَ الْيَقِينَ - فِي قَلْبِي وَ الْإِخْلَاصَ - فِي عَمَلِي وَ
النُّورَ فِي بَصِيرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَ مَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي وَ اجْعَلْ سَمْعِي وَ بَصْرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي وَ انصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَ أَرِنِي
فِيهِ ثَارِي وَ مَا رَبِّي وَ اقْرَأْ بِحَدِيثِكَ - عَيْنِي اللَّهُمَّ اكشِفْ كُرْبَتِي وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَ اخْسَأْ شَيْطَانِي وَ فَكِّ رِهَانِي وَ
اجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْآخِرَةِ وَ الْاُولَى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا وَ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا
خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحْمَةً بِي وَ قَدْ كُنْتُ - عَنْ خَلْقِي غَيِّبًا رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعِدَلْتُ - فِطْرَتِي رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَاحْسِنْتَ -
صُورَتِي رَبِّ بِمَا احْسِنْتَ - أَلِيَّ وَ فِي نَفْسِي عَافِيَتِي رَبِّ بِمَا كَلَأْتَنِي وَ وَفَّقْتَنِي رَبِّ بِمَا انْعَمْتَ - عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَ
مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اعْطَيْتَنِي رَبِّ بِمَا اطْعَمْتَنِي وَ سَقَيْتَنِي رَبِّ بِمَا اغْنَيْتَنِي وَ اقْنَيْتَنِي رَبِّ بِمَا اعْنَيْتَنِي وَ اعَزَّزْتَنِي رَبِّ بِمَا بَسَّسْتَنِي مِنْ
سِتْرِكَ - الصَّافِي وَ يَسَّرْتَ - لِي مِنْ صُنْعِكَ - الْكَافِي صَلِّ - عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اعْنِي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَ صُرُوفِ اللَّيَالِي وَ
الْأَيَّامِ وَ نَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَ كُرْبَاتِ الْآخِرَةِ وَ اكْفِنِي صَفْحَهُ : ٢٥٥ شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ - فِي الْاَرْضِ اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ
فَاكْفِنِي وَ مَا احْذَرُ فَقِنِي وَ فِي نَفْسِي وَ دِينِي فَاحْزُنِي وَ فِي سَفْرِي فَاحْفَظْنِي وَ فِي أَهْلِي وَ مَالِي فَاخْلُفْنِي وَ فِيمَا رَزَقْتَنِي

فَبَارِكْ لِي وَ فِي نَفْسِي فَذَلَّلْنِي وَ فِي اعْيُنِ النَّاسِ فَعَظَّمْنِي وَ مِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ فَسَلِّمْ لِي وَ بِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي وَ بِسِرِّي
فَلَا تُخْزِنِي وَ بِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي وَ نِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي وَ الْوَالِدِي وَ الْوَالِدَاتِ وَ الْوَالِدَاتِ وَ الْوَالِدَاتِ وَ الْوَالِدَاتِ
فَيَتَجَهَّمُنِي ام إِلَى الْمُسْتَضْعَفِينَ - لِي وَ أَنْتَ - رَبِّي وَ مَلِيكَ - امري اشكُو اليك - غُرْبَتِي وَ بُعْدَ دَارِي وَ هَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ - امري
إِلَهِي فَلَا - تُحْلِلْ عَلَيَّ - غَضَبَكَ - فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضَبْتِ - عَلَيَّ - فَلَا ابَالِي سِوَاكَ - سُبْحَانَكَ - غَيْرَ أَنْ - عَافَيْتَكَ - اَوْسَعْ لِي فَاسْئَلْكَ - يَا
رَبِّ - بُنُورِ وَ جِهَمِكَ - الَّذِي اشْرَقَتْ لَهُ - الْأَرْضُ وَ السَّمَاوَاتُ وَ كُشِفَتْ بِهِ - الظُّلُمَاتُ وَ صُلِحَ بِهِ - امْرُؤُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ - أَنْ لَا
تُمْيِتَنِي عَلَى غَضَبِكَ - وَ لَا تُنْزِلْ - بِي سَخَطَكَ - لَكَ - الْعُتْبَى لَكَ - الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ - ذَلِكَ - لَا إِلَهَ - إِلَّا أَنْتَ - رَبُّ - الْبَلَدِ الْحَرَامِ -
وَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي احلَلْتَهُ الْبَرَكَهَ وَ جَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ اِمْنًا يَا مَنْ عَفَا عَن عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ يَا مَنْ اسْبَغَ -
النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ يَا مَنْ اعطَى الْجَزِيلَ - بِكَرَمِهِ - يَا عُجْدَتِي فِي شِدَّتِي يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي يَا
إِلَهِي وَ إِلَهَ - آبَائِي إِبْرَاهِيمَ - وَ إِسْمَاعِيلَ - وَ اسْحَقَ - وَ يَعْقُوبَ - وَ رَبَّ - جِبْرَائِيلَ - وَ مِيكَائِيلَ - وَ اسْرَافِيلَ - وَ رَبَّ - مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ - وَ
إِلَهَ الْمُتَنَجِّينَ - وَ مُنْزِلَ - التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ وَ مُنْزِلَ - كَهَيْعِصَ وَ طهَ وَ يسَ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ - أَنْتَ - كَهْفِي حِينَ -
تُعِينِي الْمَذَاهِبَ فِي سَعَتِهَا وَ تَضِيقُ مِنِّي - الْأَرْضَ بِرُجْبِهَا وَ لَوْ لَا رَحْمَتُكَ - لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ - وَ أَنْتَ - مُقِيلُ عَثْرَتِي وَ لَوْ

لَا سِتْرَكَ - أَيَايَ - لَكُنْتُ مِنْ - الْمَفْضُوحِينَ - وَ أَنْتَ - مُؤَيَّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي وَ لَوْ لَا نَصْرُكَ - أَيَايَ - لَكُنْتُ مِنْ - الْمَغْلُوبِينَ - يَا مَنْ
خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوءِ وَ الرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ مَبْعُوثُهُ يَعْتَرِضُونَ - يَا صَفْحَهُ : ٢٥٦ مِنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكَ مَنِيرًا الْمَذَلَّةَ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ
سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ - يَعْلَمُ مَخَائِنَهُ الْآعِينَ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَ غَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَ الدُّهُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ يَا
مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ - عَلَى الْمَاءِ وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ يَا مَنْ لَهُ الْأَكْرَمُ الْأَسْمَاءُ يَا ذَا
الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ مَبْدَأُ يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسِفَ - فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَ مُخْرِجَهُ مِنْ - الْجُبِّ - وَ جَاعِلَهُ مَبْعَدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا يَا
رَادَّهُ عَلَى يَعْقُوبَ - بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنْ - الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَ الْبَلْوَى عَنْ أَيُّوبَ - وَ مُمَسِّكَ يَدِي إِبْرَاهِيمَ -
عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَ فَنَاءِ عُمُرِهِ يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِرِزْكَرِيَّا فَوَهَّبَ لَهُ مَيِّحِي وَ لَمْ يَدْعُهُ مَفْرَدًا وَ حِيدًا يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ -
مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ - فَانجَاهَهُمْ وَ جَعَلَ فِرْعَوْنَ - وَ جُنُودَهُ مِنْ - الْمَغْرَقِينَ - يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ - مُبَشِّرَاتٍ
بَيْنَ يَدِي رَحْمَتِهِ يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ وَ قَدْ غَدَا فِي نِعْمَتِهِ
يَا كُلُّونَ - رِزْقَهُ وَ يَعْبُدُونَ - غَيْرَهُ وَ قَدْ حَادُّوهُ وَ نَادُّوهُ وَ كَذَّبُوا رُسُلَهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا يَدِي يَا بَدِيحٌ لَا نَدَّ لَكَ - يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ
لَكَ - يَا حَيًّا حِينَ - لَا حَى - يَا مُحْيِي - الْمَوْتَى يَا مَنْ

هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ يَا مَنْ قَلَّ لَهُ الشُّكْرُ فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَعَظَّمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَرَأَى عَلَيَّ الْمَعَاصِيَ
فَلَمْ يَشْهَرْنِي يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صَبْرِي يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي يَا مَنْ أَيْدِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصَى وَنِعْمُهُ لَا تُجَازَى يَا مَنْ عَارَضَنِي
بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ الشُّكْرَ الْآمِنَانَ يَا مَنْ دَعَاؤُهُ مَرِيضاً
فَشَفَانِي وَغُرْيَاناً فَكَسَانِي وَجَائِعاً فَاشْبَعَنِي وَعَطْشَاناً فَارْوَانِي وَذَلِيلاً فَاعَزَّنِي وَجَاهِلاً فَعَرَّفَنِي وَوَحِيداً فَكَثَّرَنِي وَغَائِباً فَزَدَّنِي وَ
مُقِلّاً فَاعَانَنِي وَمُنْتَهِراً فَانصَرَّنِي وَغَيْباً فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَامْسَكَتْ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي فَالْحَمْدُ وَالشُّكْرُ يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي
وَ نَفْسٍ - صفحہ : ۲۵۷ کُرْبَتِي وَ اجاب - دَعْوَتِي وَ سَتَرَ عَوْرَتِي وَ غَفَرَ ذُنُوبِي وَ بَلَّغَنِي طَلِبَتِي وَ نَصَرَنِي عَلَيَّ عَدُوِّي وَ اِنْ اَعَدَّ نِعْمَكَ -
وَ مَنِّكَ - وَ كَرَامَتِكَ - لا اُحْصِيهَا يَا مَوْلَايَ - انت - الَّذِي مَنَنْتَ - انت - الَّذِي اَنْعَمْتَ - انت - الَّذِي اَحْسَنْتَ - انت - الَّذِي اَجْمَلْتَ -
انت - الَّذِي اَفْضَلْتَ - انت - الَّذِي اَكْمَلْتَ - انت - الَّذِي رَزَقْتَ - انت - الَّذِي وَفَّقْتَ - انت - الَّذِي اَعْطَيْتَ - انت - الَّذِي اَغْنَيْتَ - انت - الَّذِي
اَقْنَيْتَ - انت - الَّذِي اَوْيْتِ - انت - الَّذِي كَفَيْتَ - انت - الَّذِي هَدَيْتَ - انت - الَّذِي عَصَيْتَ - انت - الَّذِي سَتَرْتَ - انت - الَّذِي غَفَرْتَ - انت -
الَّذِي اَقَلَّتْ - انت - الَّذِي مَكَّنْتَ - انت - الَّذِي اعَزَّزْتَ - انت - الَّذِي اعَنْتَ - انت - الَّذِي عَضَّدْتَ - انت - الَّذِي اَيَّدْتَ - انت - الَّذِي نَصَّرْتَ -
انت - الَّذِي شَفَيْتَ - انت - الَّذِي عَافَيْتَ - انت - الَّذِي اَكْرَمْتَ - تَبَارَكَتْ - وَ تَعَالَيْتَ - فَالْحَمْدُ دَائِماً وَ لَكَ - الشُّكْرُ وَاصِباً اَبَدًا ثُمَّ
أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي اَنَا الَّذِي اسَأْتُ مَا

الَّذِي اِخْطَاْتُ اَنَا الَّذِي هَمَمْتُ اَنَا الَّذِي جَهِلْتُ اَنَا الَّذِي غَفَلْتُ اَنَا الَّذِي سَيَّهَوْتُ اَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ اَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ اَنَا الَّذِي
وَعَدْتُ وَاَنَا الَّذِي اِخْلَفْتُ اَنَا الَّذِي نَكَثْتُ اَنَا الَّذِي اَقْرَرْتُ اَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ - عَلَيَّ وَ عِنْدِي وَ اَبْوُءُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْهَا لِي
يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُهُ عِبَادِهِ وَ هُوَ الْغَنِيُّ عَنْ طَاعَتِهِمْ وَ الْمُؤَفَّقُ مَنْ عَمِلَ - صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَ رَحْمَتِهِ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ
سَيِّدِي اِلَهِي اَمْرَتْنِي فَعَصَيْتُكَ - وَ نَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ مِنْهُنَّ مَا لَمْ يَنْهَيْكَ - فَاصْبَحْتُ لَآءِ - ذَا بَرَاءَةٍ لِي فَاعْتِزُّ وَ لَا - ذَا قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ فَيَبِأَيِّ شَيْءٍ
اسْتَقْبَلْتُكَ - يَا مَوْلَايَ - اَبَسَ مَعِيَ اَمْ بَيَّصِرِي اَمْ بِلِسَانِي اَمْ بِيَدِي اَمْ بِرِجْلِي اَلَيْسَ - كُلُّهَا نِعْمَتُكَ - عِنْدِي وَ بِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ - يَا مَوْلَايَ -
فَلَمَكَ - الْحُجَّةُ وَ السَّبِيلُ - عَلَيَّ يَا مَن سَيَّرْتَنِي مِنَ - الْاَبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ اِنْ يَزُجُّونِي وَ مِنَ - الْعَشَائِرِ وَ الْاِيْخْوَانِ اِنْ يُعَيِّرُونِي وَ مِنَ -
السَّلَاطِينِ اِنْ يُعَاقِبُونِي وَ لَوْ اَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ - عَلَيَّ مَا اَطَّلَعْتَ - عَلَيْهِ مِنِّي اِذَا مَا اَنْظَرُونِي وَ لَرَفُضُونِي وَ قَطَعُونِي فَهَا اَنَا ذَا يَا اِلَهِي بَيْنَ
يَدَيْكَ - يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ لَا ذُو بَرَاءَةٍ فَاعْتِزُّ صَفْحَهُ : ٢٥٨ وَ لَا ذُو قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ وَ لَا حُجَّةٍ فَاحْتَجُّ بِهَا وَ لَا قَائِلٌ
لَمْ اَجْتَرِحْ وَ لَمْ اَعْمَلْ سُوءًا وَ مَا عَسَى الْجُحُودُ وَ لَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ - يَنْفَعْنِي كَيْفَ - وَ اِنِّي ذَلِكُ - وَ جَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ
بِمَا قَدْ عَمِلْتُ وَ عَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ اِنَّكَ - سَائِلِي مِنَ عَظَائِمِ الْاُمُورِ وَ اِنَّكَ - الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ وَ عَدْلُكَ -
مُهْلِكِي وَ مِنْ كُلِّ - عَدْلِكَ - مَهْرَبِي فَانْ تُعَذِّبْنِي يَا اِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ - عَلَيَّ وَ اِنْ تَعَفَّ عَنِّي

فَبِحِلْمِكَ - وَجُودِكَ - وَكَرَمِكَ - لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ - سُبْحَانَكَ - أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الظَّالِمِينَ - لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ - سُبْحَانَكَ - أَنْتَ كُنْتَ مِنَ
المُسْتَغْفِرِينَ - لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ - سُبْحَانَكَ - أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الْمُؤَحِّدِينَ - لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ - سُبْحَانَكَ - أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الخَائِفِينَ - لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ - سُبْحَانَكَ - أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الْوَجِلِينَ - لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ - سُبْحَانَكَ - أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الرَّاجِينَ - لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ - سُبْحَانَكَ - أَنْتَ كُنْتَ
مِنَ الرَّاعِينَ - لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ - سُبْحَانَكَ - أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الْمُهْلِلِينَ - لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ - سُبْحَانَكَ - أَنْتَ كُنْتَ مِنَ السَّائِلِينَ - لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ - أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ - لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ - سُبْحَانَكَ - أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الْمُكْبِرِينَ - لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ - سُبْحَانَكَ - رَبِّي وَرَبُّ
آبَائِي - الْاَوَّلِينَ - اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ - مُمَجِّدًا وَ اخْلَاصِي لِذِكْرِكَ - مُوَحِّدًا وَ اِقْرَارِي بِاَلَايِكَ - مُعِيدًا وَ اِنْ كُنْتُ مُقِرًّا اَنْتَى لَمْ
احصها لِكثرتها وَ سُبُوغها وَ تَظَاهُرها وَ تَقَادُمها الى حادِثٍ ما لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَ بَرَأْتَنِي مِنْ اَوَّلِ العَمْرِ مِنْ
الإِغْناءِ مِنْ الفَقْرِ وَ كَشَفِ الضَّرِّ وَ تَسْبِيبِ اليُسْرِ وَ دَفْعِ العُسْرِ وَ تَفْرِيجِ الكَرْبِ وَ العَافِيَةِ فِي اليَدَنِ وَ السَّلَامَةِ فِي الدِّينِ وَ لَوْ
رَفَدْتَنِي عَلَى قَدَرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ - جَمِيعِ العالَمِينَ - مِنْ الْاَوَّلِينَ - وَ الْآخِرِينَ - ما قَدَرْتُمْ وَ لا هُمْ عَلَى ذلِكَ - تَقَدَّسْتَ - وَ تَعَالَيْتَ - مِنْ
رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ لا تُحْصِي الاوْكَ - وَ لا يُبَلِّغُ شَأوْكَ - وَ لا تُكافِي نِعْماوْكَ - صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَتِمِّمْ عَلَيْنَا
نِعْمَتَكَ - وَ اسعِدْنا بِطاعَتِكَ - سُبْحَانَكَ - لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ - اللَّهُمَّ اَنْكَ - تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ صَفْحَه : ٢٥٩ وَ تَكْشِفُ السُّوءَ وَ تُغِيثُ
المَكْرُوبَ - وَ تَشْفِي السَّقِيمَ - وَ تُغْنِي

الْفَقِيرَ وَ تَجْبِرُ الْكَبِيرَ وَ تَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَ تُعِينُ الْكَبِيرَ وَ لَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ وَ لَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ وَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ يَا مُطَلِقَ
الْمُكْبَلِ الْإِسِيرِ يَا رَازِقَ الطُّفْلِ الصَّغِيرِ يَا عَصَمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ لَا وَزِيرَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ
مُحَمَّدٍ وَ اعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا اعْطَيْتَ - وَ أَنْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ - مِنْ نِعْمَةٍ تُؤَلِّمُنِيهَا وَ الْإِيَّامُ تُجَدِّدُهَا وَ بِلَيْتِهِ تَصْرِفُهَا وَ كُرْبِهِ
تَكْشِفُهَا وَ دَعْوَهُ تَسْمَعُهَا وَ حَسَنِهِ تَقْبَلُهَا وَ سَيِّئِهِ تَغْمَدُهَا أَنْتَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ وَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَقْرَبُ
مَنْ دُعِيَ - وَ أَسْرَعُ مَنْ اجَابَ - وَ أَكْرَمُ مَنْ عَفَا وَ أَوْسَعُ مَنْ اعْطَى وَ أَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ - يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا لَيْسَ
كَمِثْلِكَ - مَسْئُولٌ - وَ لَا سِوَاكَ - مَا أُمُومٌ دَعَاكَ - فَاجَبْتَنِي وَ سَأَلْتَنِي - فَأَعْطَيْتَنِي وَ رَغِبْتَ إِلَيْكَ - فَزَحَمْتَنِي وَ وَثَقْتَ بِكَ - فَجَجَبْتَنِي
وَ فَرَعْتَ إِلَيْكَ - فَكَفَيْتَنِي اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ - وَ رَسُولِكَ - وَ نَبِيِّكَ - وَ عَلَى إِلَهِ الطَّيِّبِينَ - الطَّاهِرِينَ - أَجْمَعِينَ - وَ تَمِّمْ
لَنَا نِعْمَاتِكَ - وَ هُنُنًا عَطَاءِكَ - وَ اكْتِنًا لَكَ - شَاكِرِينَ - وَ لَائِلًا لَكَ - ذَاكِرِينَ - آمِينَ - آمِينَ - رَبَّ الْعَالَمِينَ - اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ - فَقَدَّرَ وَ
قَدَّرَ - فَقَهَرَ وَ عَصَى - فَسَتَرَ وَ اسْتَعْفَرَ - فَغَفَرَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ - الرَّاعِبِينَ - وَ مُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ - يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ وَسِعَ
الْمُسْتَقْبَلِينَ - رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ حِلْمًا اللَّهُمَّ أَنَا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ - فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَ عَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ - وَ رَسُولِكَ - وَ
خَيْرِ نَبِيِّكَ - مِنْ خَلْقِكَ - وَ أَمِيَّتِكَ - عَلَى وَحْيِكَ - الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السُّرَّاجِ الْمُنِيرِ الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ - عَلَى الْمُسْلِمِينَ - وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً
لِلْعَالَمِينَ - اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِدَلِيكَ - مِنْكَ - يَا عَظِيمُ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى الْإِهْلِ الْمُتَّبَعِينَ - الطَّاهِرِينَ - أَجْمَعِينَ - وَ تَغَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ -
عَنَّا فَالْيَاكَ - عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُؤْفِ اللُّغَاتِ فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ - وَ نُورٍ
تَهْدِي بِهِ - وَ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا صَفْحَهُ : ٢٦٠ وَ بَرَكَهٍ تَنْزِلُهَا وَ عَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا وَ رِزْقٍ تَبْسِطُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - اللَّهُمَّ - اقْلِبْنَا فِي هَذَا
الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ - مُفْلِحِينَ - مَبْرُورِينَ - غَانِمِينَ - وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ - وَ لَا تُخَلِّنَا مِنْ رَحْمَتِكَ - وَ لَا تَحْرِمْنا مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ فَضْلِكَ -
وَ لَا - تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ - مَحْرُومِينَ - وَ لَا - لِفَضْلِ مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ عَطَائِكَ - قَانِطِينَ - وَ لَا تَرُدُّنَا خَائِبِينَ - وَ لَا مِنْ بَابِكَ - مَطْرُودِينَ - يَا
أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ - وَ أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ - الْيَاكَ - اقْلِبْنَا مُوقِنِينَ - وَ لِيُسِّتِكَ - الْحَرَامِ - آمِينَ - قَاصِدِينَ - فَاعِنَا عَلَى مَنَاسِكِنَا وَ اكْمِلْ لَنَا حَجَّنا وَ
اعْفُ عَنَّا وَ عَافِنَا فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ - أَيَدِينَا فَهِيَ - بِإِذْنِهِ الْإِعْتِرَافِ - مَوْسُومَةَ اللَّهُمَّ - فَاعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ - وَ اكْفِنَا مَا
اسْتَكْفَيْنَاكَ - فَلَا كَافِيَ - لَنَا سِوَاكَ - وَ لَا رَبَّ - لَنَا غَيْرُكَ - نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ - مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ - عَدْلٌ فِينَا قِضَاؤُكَ - اقْضِ لَنَا الْخَيْرَ
وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ اللَّهُمَّ - أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ - عَظِيمِ - الْأَجْرِ وَ كَرِيمِ - الذُّخْرِ وَ دَوَامِ - الْيُسْرِ وَ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ - وَ لَا
تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ - وَ لَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ - وَ رَحْمَتَكَ - يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - اللَّهُمَّ - اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِنْ مَن سَأَلَكَ - فَاعْطَيْتَهُ
وَ شَكَرَكَ - فَزِدْتَهُ - وَ ثَابَ - إِلَيْكَ - فَاقْبَلْتَهُ - وَ تَنَصَّلَ - إِلَيْكَ - مِنْ ذُنُوبِهِ - كُلِّهَا فَغَفَّرْتَهَا لَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ - اللَّهُمَّ - وَ نَقْنَا وَ سَدَّدْنَا
وَ اقْبَلْ تَضَرُّعَنَا يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ - وَ يَا

اَرْحَمَ - مَنْ اسْتَرْحِمَ - يَا مَنْ لَا - يَخْفَى عَلَيْهِ - اِغْمَاضُ الْجُفُونِ - وَلَا - لِحِظُ الْعُيُونِ - وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُونِ - وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ
 مُضَمَّرَاتِ الْقُلُوبِ - أَلَا كُلُّ ذَلِكَ - قَدْ احْصَاهُ عِلْمُكَ - وَ وَسَّعَهُ حِلْمُكَ - سُبْحَانَكَ - وَ تَعَالَيْتَ - عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ - عُلُوًّا كَبِيرًا
 تُسَبِّحُ لَكَ - السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ - وَ الْأَرْضُونَ - وَ مَنْ فِيهِنَّ - وَ أَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ - فَالْحَمْدُ وَ الْمَجْدُ وَ عُلُوُّ الْجَدِّ يَا
 ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ - وَ الْفَضْلِ - وَ الْإِنْعَامِ - وَ الْأَيَادِي الْجِسَامِ - وَ أَنْتَ - الْحَيُّ الْوَادُّ الْكَرِيمُ - الرَّؤُوفُ - الرَّحِيمُ - اللَّهُمَّ - اوسِّعْ عَلَيَّ مِنْ
 رِزْقِكَ - الْحَلَالِ - وَ عَافِنِي فِي يَدَيَّ وَ دِينِي وَ أَمِنْ خَوْفِي وَ اعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ - لَا تَمَكِّرْ بِي وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي وَ لَا تَخْدَعْنِي
 وَ ادرَأْ صفحہ : ۲۶۱ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ - وَ الْإِنْسِ - پس سر و دیده خود را به سوی آسمان بلند گردانید و از دیده های
 مبارکش اشک زیاد جاری بود، به صدای بلند گفت: یا اسمع - السامعین - یا ابصر - الناظرین - و یا اسرع - الحاسبین - و یا ارحم -
 الراحمین - صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمِيَامِينَ - وَ اسألك - اللَّهُمَّ - حاجتِي - الَّتِي انْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يُضِرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَ انْ
 مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا اعْطَيْتَنِي أسألك - فكأك - رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ - وَ حَدِّكَ - لَا شَرِيكَ - لَكَ - لَكَ - الْمَلِكُ - وَ لَكَ -
 الْحَمْدُ وَ أَنْتَ - عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ - يَا رَبِّ - پس مکرر می گفت یا رَبِّ و کسانی که دور آن حضرت بودند همگی
 گوش داده بودند به دعای آن حضرت و اکتفا کرده بودند به آمین گفتن، پس صداهایشان بلند شد به گریستن با آن حضرت
 تا آفتاب

غروب کرد و روانه جانب مشعر الحرام شدند. سید بن طاوس در اقبال بعد از یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ این زیادتى را ذکر فرموده
 اند: إلهی انا الفقیر فی غنای فکیف لا اكون فقیراً فی فقری إلهی انا الجاهل فی علمی فکیف لا اكون مجهولاً فی جهلی
 إلهی إن اختلاف تدبیرک و سرعته طواء مقادیرک منعا عبادک العارفين بک عن الشکون الی عطاء و الیأس منک فی
 بلاء إلهی منی ما یلیق بلؤمی و منک ما یلیق بکرمک إلهی و صفت نفسک باللطف و الرأفة لی قبل وجود ضعیفی
 فتمنعنی منهما بعد وجود ضعیفی إلهی ان ظهرت المحاسن منی فیفضلک و لمک المنة علی و ان ظهرت المساوی منی
 فبیدلک و لمک الحجة علی إلهی کیف تکلنی و قد تکفلت لی و کیف اضام و انت الناصر لی ام کیف اخیب و انت
 الحفی بی ها انا أتوسل الیک بفقری الیک و کیف أتوسل الیک بما هو محال ان یصل الیک ام کیف اشکو الیک
 حالی و هو لا یخفی علیک ام کیف اترجم بمقالی و هو منک برز الیک ام کیف تحیب مالی صفحه : ۲۶۲ و هی قد
 وفدت الیک ام کیف لا تحسن احوالی و بک قامت إلهی ما الطفک بی مع عظیم جهلی و ما ارحمک بی مع قبیح فعلی
 إلهی ما اقربک منی و ابعدن عنک و ما ارافک بی فما الذی یحببنی عنک إلهی علمت باختلاف الآثار و تنقلات الاطوار
 ان مرادک منی ان تتعرف الی فی کل شیء حتی لا أجهلک فی شیء إلهی کما اخرسني لؤمی انطقنی کرّمک و کلماً
 ایستنی اوصافی اطمعتنی منک إلهی من

كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي - فَكَيْفَ - لَا تَكُونُ مَسَاوِيَهُ مَسَاوِي - وَ مَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ مَدْعَاوِي - فَكَيْفَ - لَا تَكُونُ مَدْعَاوِيَهُ دَعَاوِي - إِلَهِي
حُكْمُكَ - النَّافِذُ وَ مَشِيئَتُكَ - الْقَاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكْ لِي ذِي مَقَالٍ مَقَالًا وَ لَا لِي ذِي حَالٍ حَالًا إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتُهَا وَ حَالَةٍ شَيْدَتْهَا هَدَمَ -
اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَيْدُكَ - بَلْ أَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ - إِلَهِي أَنْكَ - تَعَلَّمْتُ أَنِّي وَ أَنْ لَمْ تَدُمْ الطَّاعَةَ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّتُهُ وَ عَزْمًا
إِلَهِي كَيْفَ - اعْزِمْهُ وَ أَنْتَ - الْقَاهِرُ وَ كَيْفَ - لَا - اعْزِمْهُ وَ أَنْتَ - الْأَمِيرُ إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ -
بِخِدْمَتِهِ تَوْصِيئَتِي إِلَيْكَ - كَيْفَ - يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ - بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ - أَيْ يَكُونُ لِغَيْرِكَ - مِنْ - الظُّهُورِ مَا لَيْسَ - لَكَ - حَتَّى
يَكُونُ - هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ - مَتَى غَيْبٌ - حَتَّى تَحْتَاجَ - إِلَى دَلِيلٍ يُدَلُّ عَلَيْكَ - وَ مَتَى بَعُدَتْ - حَتَّى تَكُونَ - الْأَثَارُ هِيَ - الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ
عَمِيَّتِ عَيْنٌ - لَا تَرَكَ - عَلَيْهَا رَقِيبًا وَ خَسِرَتْ صِفْقَهُ عَيْدٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ - نَصِيبًا إِلَهِي أَمَرْتُ - بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ فَارْجِعْنِي
إِلَيْكَ - بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ وَ هِدَايَةِ الْأَسْتَبْصَارِ حَتَّى أَرْجِعَ - إِلَيْكَ - مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ - مِنْهَا مَصُونٌ - السَّرُّ عَنِ النَّظْرِ إِلَيْهَا وَ مَرْفُوعٌ -
إِلَهُمَّ عَنِ الْاعْتِمَادِ عَلَيْهَا أَنْكَ - عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ إِلَهِي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ - يَدَيْكَ - وَ هَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ - مِنْكَ -
اطْلُبْ الْوُصُولَ - إِلَيْكَ - وَ بِكَ - اسْتَدِلُّ عَلَيْكَ - فَاهْدِنِي بِنُورِكَ - إِلَيْكَ - وَ أَقْمِنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ - يَدَيْكَ - إِلَهِي صَفْحَةٌ :
٢٤٣ عَلَّمَنِي مِنْ عِلْمِكَ - الْمَخْزُونِ وَ صُنِّي بِسِتْرِكَ - الْمَصُونِ إِلَهِي حَقَّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ وَ اسْلُكْ بِي مَسْلَكَ أَهْلِ
الْجَذْبِ إِلَهِي اغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ - لِي عَنْ تَدْبِيرِي وَ بِاخْتِيَارِكَ - عَنْ اخْتِيَارِي وَ أَوْقِفْنِي عَلَى مَرَاكِزِ اضْطِرَارِي إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ

نَفْسِي وَ طَهَّرْنِي مِنْ شَكِّي وَ شَرِكِي قَبْلَ - حُلُولِ رَمْسِي بِكَ - انْتَصِرْ فَانصُرْنِي وَ عَلِيكَ - اتَوَكَّلْ فَلَا تَكِلْنِي وَ أَيَاكَ - أَسْأَلُ فَلَا
تُخَيِّبْنِي وَ فِي فَضْلِكَ - ارْغَبْ فَلَا تَحْرِمْنِي وَ بِجَنَابِكَ - انْتَسِبْ فَلَا تُبْعِدْنِي وَ بِبَابِكَ - اقِفْ فَلَا تَطْرُدْنِي إِلَهِي تَقَدَّسَ - رِضَاكَ - ان
يَكُونُ - لَهُ عِلْمٌ مِنْكَ - فَكَيْفَ - يَكُونُ لَهُ عِلْمٌ مِنْهُ إِلَهِي انت - الْغَنَى بِعِدَاتِكَ - ان يَصِلْ - إِلَيْكَ - النِّفْعَ مِنْكَ - فَكَيْفَ - لَا تَكُونُ غَنِيًّا
عَنِّي إِلَهِي إِنَّ الْقَضَاءَ وَ الْقَدَرَ يَمْنِينِي وَ ان - الْهَوَى بِوَثَائِقِ الشَّهْوَةِ اسِيرَنِي فَكُنْ انت - النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَ تُبَصِّرَنِي وَ اغْنِنِي
بِفَضْلِكَ - حَتَّى اسْتَغْنِي - بِكَ - عَن طَلْبِي انت - الَّذِي اشْرَقَتْ - الانْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ - حَتَّى عَرَفُوكَ - وَ وَحَدُوكَ - وَ انت - الَّذِي
أَزَلْتَ - الاغْيَارَ عَن قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ - حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ - وَ لَمْ يَلْجِئُوا اِلَى غَيْرِكَ - انت - الْمُؤْنِسَ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمْ الْعَوَالِمُ
وَ انت - الَّذِي هَيَّدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَ لَهُمْ الْعَمَالِمُ مَا ذَا وَجِدَ مِنْ فَعْدِكَ - وَ مَا الَّذِي فَقَدَ مِنْ وَجِدِكَ - لَقَدْ خَابَ - مَنْ رَضِيَ -
دُونَكَ - بَدَلًا وَ لَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنكَ - مُتَّحَوِّلاً كَيْفَ - يُرْجَى سِوَاكَ - وَ انت - مَا قَطَعْتَ - الاحْسَانَ - وَ كَيْفَ - يُطَلَّبُ مِنْ غَيْرِكَ - وَ
انت - مَا بَدَّلْتَ - عَادَةَ الامْتِنَانِ - يَا مَنْ اذَاقَ - احْبَاءَهُ - حَلَاوَةَ الْمُؤَانَسَةِ فَقَامُوا بَيْنَ - يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ - وَ يَا مَنْ البَسَ - أَوْلِيَاءَهُ - مَمْلَأِسَ - هَيْبَتِهِ
فَقَامُوا بَيْنَ - يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ - انت - الذَّاكِرُ قَبْلَ - الذَّاكِرِينَ - وَ انت - البَادِي بِالِاحْسَانِ قَبْلَ - تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ - وَ انت - الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ
قَبْلَ - طَلْبِ الطَّالِبِينَ - وَ انت - الْوَهَّابُ ثُمَّ - لِمَا وَهَبْتَ - لَنَا مِنْ - الْمُسْتَقْرِضِينَ - إِلَهِي اطلُبْنِي بِرَحْمَتِكَ - حَتَّى اصِلْ - إِلَيْكَ - وَ اجذبْنِي
بِمَنَّكَ - حَتَّى اقبلَ - عَلَيْكَ - إِلَهِي إِنَّ رَجَائِي صفحه : ٢٦٤ لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ - وَ ان عَصَيْتُكَ - كَمَا ان - خَوْفِي لَا

يُزِيلُنِي وَ انْ اطْعُتْكَ - فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمَ إِلَيْكَ - وَقَدْ أَوْقَعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ - عَلَيْكَ - إِلَهِي كَيْفَ - أَخِيْبٌ مَوْ انْتِ - أَمَلِي ام كَيْفَ -
 اِهَانٌ مَوْ عَلَيْكَ - مُتَّكِلِي إِلَهِي كَيْفَ - اسْتَعِزُّ وَ فِي الذُّلِّهِ ارْكَزْتَنِي ام كَيْفَ - لَا اسْتَعِزُّ وَ إِلَيْكَ - نَسَيْتَنِي إِلَهِي كَيْفَ - لَا أَفْتَقِرُّ وَ انْتِ -
 الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقَمْتَنِي ام كَيْفَ - افْتَقِرُّ وَ انْتِ - الَّذِي بِجُودِكَ - اغْنَيْتَنِي وَ انْتِ - الَّذِي لَا - إِلَهَ - غَيْرُكَ - تَعَرَّفْتُ - لِكُلِّ شَيْءٍ مَوْ فَمَا
 جَهَلَمَكَ - شَيْءٌ مَوْ انْتِ - الَّذِي تَعَرَّفْتُ - أَلِيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ مَوْ فَرَأَيْتِكَ - ظَاهِرًا فِي كُلِّ مَوْ انْتِ - الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ مَوْ يَا مَنْ اسْتَوَى
 بِرَحْمَائِيَّتِهِ فَصَارَ الْعَرْشُ مَغِيْبًا فِي ذَاتِهِ مَحَقَّتْ - الْاِثَارَ بِالْاِثَارِ وَ مَحَوَّتْ - الْاَغْيَارَ بِمُحِيْطَاتِ اِفْلَاكِ الْاِنْوَارِ يَا مَنْ احْتَجَبَ - فِي
 سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنِ انْ تُدْرِكَهُ مَوْ الْاَبْصَارُ يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ مَوْ الْاِسْتِوَاءَ كَيْفَ - تَخْفَى وَ انْتِ - الظَّاهِرُ ام
 كَيْفَ - تَغِيْبٌ مَوْ انْتِ - الرَّقِيْبُ مَوْ الْحَاضِرُ انْكَ - عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ مَوْ قَدِيْرٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ حُدَّهُ مَوْ

(مناجات پانزده گانه (خمسه عشر) امام زين العابدين عليه السلام)

۱ (مناجات توبه کنندگان)

(بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ) إِلَهِي اَلْبَسَيْتَنِي الْخَطَايَا ثَوْبَ - مَيِّدَلَّتِي وَ جَلَلَنِي التَّبَاعِيْدُ مِنْكَ - لِبَاسِ - مَسْكِنَتِي وَ اَمَاتِ - قَلْبِي عَظِيْمٌ
 جَنَابَتِي فَاَحِيهِ بِتَوْبِهِ مِنْكَ - يَا اَمَلِي وَ بُعِيْتِي وَ يَا سُوْلِي وَ مُنِيْتِي فَوَعَزَّتْكَ - مَا اَجِدُ لِدُنُوْبِي سِوَاكَ - غَافِرًا وَ لَا اَرَى لِكَسْرِى غَيْرَكَ -
 حَيِّ اِبْرًا وَ قَدْ خَضَعْتُ مَوْ بِالْاِيْنَابِهِ إِلَيْكَ - وَ عَنَوْتُ مَوْ بِالْاِسْتِكَانَةِ لِمَدِيْكَ - فَاِنْ طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ - فَبِمَنْ اَلُوْذُ وَ اِنْ رَدَدْتَنِي عَنِ جَنَابِكَ -
 فَبِمَنْ اَعُوْذُ فَوْا اَسْفَاهُ مِنْ صَفْحِهِ : ۲۶۵ خَجَلْتِي وَ افْتَضَّاحِي وَ وَالْهَفَاهُ مِنْ سُوءِ عَمَلِي وَ اجْتِرَاحِي اَسْأَلُكَ - يَا غَافِرَ الذَّنْبِ الْكَبِيْرِ
 وَ يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَبِيْرِ اَنْ تَهَبَ - لِيْ مُوْبِقَاتِ الْجَرَائِرِ وَ تَسْتُرْ عَلَيَّ فَافْضِحَاتِ السَّرَائِرِ وَ لَا تُخْلِنِي فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ مِنْ

بَرِدِ عَفْوِكَ - وَ غَفِرِكَ - وَلَا تُعْرِزْنِي مِنْ جَمِيلِ صِفِحِكَ - وَ سَتْرِكَ - إِلَهِي ظَلَلْ عَلَيَّ ذُنُوبِي غَمَامَ - رَحْمَتِكَ - وَ أَرْسِلْ عَلَيَّ عُيُوبِي
سَخَابَ - رَأْفَتِكَ - إِلَهِي هَيْلِ يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْآبِقُ إِلَّا - إِلَى مَوْلَاهُ - أَمْ هَلْ يُجِيرُهُ مِنْ سَيِّئِهِ أَحَدٌ سِوَاهُ إِلَهِي إِنْ كَانَ - النَّدَمُ - عَلَيَّ
الذَّنْبِ - تَوْبَهُ فَإِنِّي وَ عِزَّتِكَ - مِنْ النَّادِمِينَ - وَ إِنْ كَانَ - الْاسْتِغْفَارُ - مِنَ الْخَطِيئَةِ حِطَّةً فَإِنِّي لَكَ - مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ - لَكَ - الْعُتْبَى حَتَّى
تَرْضَى إِلَهِي بِقُدْرَتِكَ - عَلَيَّ - تُبَّ عَلَيَّ - وَ بِحِلْمِكَ - عَنِّي اعْفُ عَنِّي وَ بِعِلْمِكَ - بِي اِرْفُقْ بِي إِلَهِي أَنْتَ - الَّذِي فَتَحْتَ - لِعِبَادِكَ - أَبَا
إِلَى عَفْوِكَ - سَيِّئَتِهِ - التَّوْبَةَ فَقُلْتَ - تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ - تَوْبَهُ نَصُوحًا فَمَا عَمِدُ مَنْ أَغْفَلَ - دُخُولَ - الْبَابِ - بَعْدَ فَتْحِهِ إِلَهِي إِنْ كَانَ - قَبِيحَ -
الذَّنْبِ - مِنْ عَبْدِكَ - فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ - إِلَهِي مَا أَنَا بِأَوَّلِ مَنْ عَصَاكَ - فَتَبَّتْ - عَلَيْهِ - وَ تَعَرَّضَ - لِمَعْرُوفِكَ - فَجُدْتَ - عَلَيْهِ - يَا
مُجِيبَ - الْمُضْطَرِّ يَا كَاشِفَ - الضُّرِّ يَا عَظِيمَ - الْبِرِّ يَا عَلِيمًا بِمَا فِي السِّرِّ يَا جَمِيلَ - السِّرِّ [السِّرِّ] اسْتَشْفَعْتُ بِجُودِكَ - وَ كَرَمِكَ - إِلَيْكَ
وَ تَوَسَّلْتُ بِجَنَابِكَ - [بِحَنَانِكَ] - وَ تَرَحُّمِكَ - لَعْدِيكَ - فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَ لَا تُخَيِّبْ فِيكَ - رَجَائِي وَ تَقَبَّلْ تَوْبَتِي وَ كَفِّرْ خَطِيئَتِي
بِمَنِّكَ - وَ رَحْمَتِكَ - يَا أَرْحَمَ - الرَّاحِمِينَ -

٢ (مناجاة شاكين)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي إِلَيْكَ - أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَارَةً وَ إِلَى الْخَطِيئَةِ مُيَادِرَةً وَ بِمَعَاصِيكَ - مُيُولَعَةً وَ لِسَيِّئَاتِكَ -
مُتَعَرِّضَةً تَسْلُكَ - بِي مَسَالِكَ - الْمَهَالِكِ وَ تَجْعَلُنِي صَفْحَهُ : ٢٦٦ عِنْدَكَ - أَهْوَنَ - هَالِكٍ كَثِيرَةَ الْعِلَلِ طَوِيلَةَ الْأَمَلِ إِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ
تَجَزَّعَ - وَ إِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمَنَّعَ - مَيَّالَهُ إِلَى اللَّعِبِ وَ اللَّهُ مَمْلُوءَةٌ بِالْعَفْلَةِ وَ السَّهْوِ تُسْرِعُ - بِي إِلَى الْحَوْبَةِ وَ تُسَوِّفُنِي بِالتَّوْبَةِ إِلَهِي أَشْكُو
إِلَيْكَ - عَدُوًّا يُضِلُّنِي وَ شَيْطَانًا يُغْوِينِي قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْوَاسِ - صَدْرِي وَ أَحَاطَتْ هَوَاجِسُهُ - بِقَلْبِي

يُعَاذُ لِي - الْهَوَى وَ يُزَيِّنْ لِي حُبَّ الدُّنْيَا وَ يَحُولْ مَبِينِي وَ بَيْنَ الطَّاعَةِ وَ الزُّلْفَى إِلَهِي إِلَيْكَ - أَشْكُو قَلْبًا قَاسِيَا مَعَ - الْوَسْوَاسِ مُتَقَلِّبًا
وَ بِالرَّيْنِ وَ الطَّعِ مَتَلَبَّسَا وَ عَيْنَا عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ خَوْفِكَ - جَامِدَةً وَ إِلَى مَا يَسِيرُهَا طَامِحَهُ إِلَهِي لَا حَوْلَ لِي وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِقُدْرَتِكَ - وَ
لَا نَجَاةَ لِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا إِلَّا بِعِصْمَتِكَ - فَاسْأَلُكَ - بِبِلَاغِهِ حِكْمَتِكَ - وَ نَفَاذِ مَشِيَّتِكَ - أَنْ لَا تَجْعَلَنِي لِغَيْرِ جُودِكَ - مُتَعَرِّضًا وَ لَا
تُصَيِّرْنِي لِلْفِتَنِ غَرَضًا وَ كُنْ لِي عَلَى الْأَعْدَاءِ نَاصِرًا وَ عَلَى الْمَخَازِي وَ الْعُيُوبِ سَاتِرًا وَ مِنْ - الْبَلَاءِ [الْبَلَايَا] وَاقِيًا وَ عَنِ الْمَعَاصِي
عَاصِمًا بِرَأْفَتِكَ - وَ رَحْمَتِكَ - يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ -

٣ (مناجات خائفين)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي أَتَرَكَ - بَعْدَ الْإِيمَانِ بِكَ - تُعَذِّبُنِي أَمْ بَعْدَ حُبِّي إِيَّاكَ - تُبْعِدُنِي أَمْ مَعَ رَجَائِي لِرَحْمَتِكَ - وَ
صَفْحِكَ - تَحْرِمُنِي أَمْ مَعَ - اسْتِجَارَتِي بِعَفْوِكَ - تُسَلِّمُنِي حَاشَا لَوْجْهِكَ - الْكَرِيمِ - أَنْ تُخَيِّبَنِي لَيْتَ - شِعْرِي أَلِلِّشَقَاءَ وَ لَدَتْنِي أُمِّي أَمْ
لِلْعَنَاءِ رَبَّتْنِي فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِي وَ لَمْ تُرَبِّئِي وَ لَيْتَنِي عَلِمْتُ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي وَ بِقُرْبِكَ - وَ جِوَارِكَ - حَصَصْتَنِي فَتَقَرَّرْ بِذَلِكَ -
عَيْنِي وَ تَطْمِئِنْ لَهُ نَفْسِي إِلَهِي هَيْلَ تُسَوِّدُ وُجُوهَا خَرَّتْ سَاجِدَةً لِعَظَمَتِكَ - أَوْ تُخْرِسُ أَلْسِنَةً صَفْحَهُ : ٢٦٧ نَطَقَتْ بِالثَّنَاءِ عَلَى
مَجْدِكَ - وَ جَلَالَتِكَ - أَوْ تَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ انْطَوَتْ عَلَى مَحَبَّتِكَ - أَوْ تُصِمُّ أَسْمَاعًا تَلَذَّذَتْ بِسَمَاعِ ذِكْرِكَ - فِي إِرَادَتِكَ - أَوْ تَعْلُ
أَكْفًا رَفَعَتْهَا الْأَمَالَ إِلَيْكَ - رَجَاءً رَأْفَتِكَ - أَوْ تُعَاقِبُ أَبْدَانًا عَمِلَتْ بِطَاعَتِكَ - حَتَّى نَحَلَتْ فِي مُجَاهَدَتِكَ - أَوْ تُعَذِّبُ أَرْجُلًا سَبَعَتْ
فِي عِبَادَتِكَ - إِلَهِي لَا تُغْلِقْ عَلَى مُوَحِّدِيكَ - أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ - وَ لَا تَحْجُبْ مُشْتَاقِيكَ - عَنِ النَّظَرِ إِلَى جَمِيلِ رُؤْيَتِكَ - إِلَهِي نَفْسٌ
أَعَزَّزْتُهَا بِتَوْحِيدِكَ - كَيْفَ - تُذَلُّهَا بِمَهَانِهِ هَجْرَانِكَ - وَ ضَمِيرٌ انْعَقَدَ

عَلَى مَوَدَّتِكَ - كَيْفَ - تُحْرِقُهُ بِحَرَارِهِ نِيرَانِكَ - إِلَهِي أَجْرِنِي مِنْ أَلِيمِ غَضَبِكَ - وَ عَظِيمِ سَخَطِكَ - يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا رَحِيمُ يَا
رَحْمَانُ يَا جَبَّارُ يَا قَهَّارُ يَا غَفَّارُ يَا سَيِّئَارُ نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ - مِنَ عَذَابِ النَّارِ وَ فَضِّحْهُ الْعَارِ إِذَا امْتَأَزَ الْأَخْيَارُ مِنَ - الْأَشْرَارِ وَ حَالَتْ
الْأَحْوَالُ وَ هَالَتْ الْأَهْوَالُ وَ قَرُبَ - الْمُحْسِنُونَ - وَ بَعُدَ الْمُسِيئُونَ - وَ وُفِّيتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ -

٤ (مناجاة اميدواران)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) يَا مَنْ إِذَا سَأَلَهُ عَبْدٌ أَعْطَاهُ وَ إِذَا أَمَّلَ - مَا عِنْدَهُ بَلَغَهُ مُنْيَاهُ وَ إِذَا أَقْبَلَ - عَلَيْهِ قَرَبَهُ وَ أَدْنَاهُ وَ إِذَا
جَاهَرَهُ بِالْعِصْيَانِ سَتَرَ عَلَى ذَنْبِهِ وَ غَطَّاهُ وَ إِذَا تَوَكَّلَ - عَلَيْهِ أَحْسَبَهُ وَ كَفَّاهُ إِلَهِي مَنْ الَّذِي نَزَلَ بِكَ - مُلْتَمِسًا قِرَاكَ - فَمَا قَرَيْتَهُ
وَ مَنْ الَّذِي أَنَاخَ - بِبَابِكَ - مُرْتَجِيًا نَدَاكَ - فَمَا أَوْلَيْتَهُ أَمْ يَحْسُنُ أَنْ أَرْجِعَ - عَنْ بَابِكَ - بِالْحَيْبَةِ مَصْرُوفًا وَ لَسْتُ أَعْرِفُ سِوَاكَ -
مِيُولَى بِالْإِحْسَانِ مَوْصُوفًا كَيْفَ - أَرْجُو غَيْرَكَ - وَ الْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِكَ - وَ كَيْفَ - أُوْمَلُّ سِوَاكَ - وَ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ لَكَ - أَأَقْطَعُ
رَجَائِي مِنْكَ - وَ قَدْ أَوْلَيْتَنِي مَا لَمْ أَسْأَلْهُ مِنْ فَضْلِكَ - أَمْ تُفَقِّرُنِي إِلَى مِثْلِي وَ أَنَا صَفْحَهُ : ٢٦٨ أَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ - يَا مَنْ سَعِدَ بِرَحْمَتِهِ
الْقَاصِدُونَ - وَ لَمْ يَشُقْ - بِنَقْمَتِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ - كَيْفَ - أَنْسِيَاكَ - وَ لَمْ تَزَلْ ذَاكِرِي وَ كَيْفَ - أَلْهُو عَنْكَ - وَ أَنْتَ - مُرَاقِبِي إِلَهِي بِجَدِيلِ
كَرَمِكَ - أَعَلَقْتُ يَدِي وَ لَيْلِي عَطَايَاكَ - بَسَّطْتَ أَمْلِي فَأَخْلَصْنِي بِخَالِصِهِ تَوْحِيدِكَ - وَ اجْعَلْنِي مِنْ صِيفُوهِ عَيْدِكَ - يَا مَنْ كُلُّ
هَارِبٍ إِلَيْهِ يَلْتَجِي وَ كُلُّ طَالِبٍ إِلَيْهِ يَرْتَجِي يَا خَيْرَ مَرْجُوٍّ وَ يَا أَكْرَمَ - مَدْعُوٍّ وَ يَا مَنْ لَا يَرُدُّ سَأْلَهُ [يَرُدُّ سَأْلَهُ] وَ لَا يُخَيِّبُ أَمْلَهُ
[يُخَيِّبُ أَمْلَهُ] يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيهِ

وَ حِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِرَاجِيهِ أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ - أَنْ تُمْنَ عَلَيَّ مِنْ عَطَائِكَ - بِمَا تَقَرُّ [تَقَرُّ] بِهِ عَيْنِي وَ مِنْ رَجَائِكَ - بِمَا تَطْمِئِنُّ بِهِ نَفْسِي وَ مِنْ الْيَقِينِ بِمَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيَّ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَ تَجْلُو بِهِ عَن بَصِيرَتِي غَشَوَاتِ الْعَمَى بِرَحْمَتِكَ - يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ -

٥ (مناجاة راغبين)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي إِنْ كَانَ قَلَّ زَادِي فِي الْمَسِيرِ إِلَيْكَ - فَلَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ - وَإِنْ كَانَ جُرْمِي قَدْ أَخَافَنِي مِنْ عُقُوبَتِكَ - فَإِنَّ رَجَائِي قَدْ أَشْعَرَنِي بِالْأَمْنِ مِنْ نِقْمَتِكَ - وَإِنْ كَانَ ذَنْبِي قَدْ عَرَضَنِي لِعِقَابِكَ - فَقَدْ آذَنَنِي حُسْنَ ثِقَاتِي بِتَوَابِكَ - وَإِنْ أَنَا مَتِنِي الْعَفْلُ عَنْ الاستِعْدَادِ لِلِقَائِكَ - فَقَدْ تَبَهْتَنِي الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِكَ - وَ آلائِكَ - وَإِنْ أَوْحَشَ مَا بَيْنِي وَ بَيْنَكَ - فَرُطُ الْعِصْيَانِ وَ الطُّغْيَانِ فَقَدْ آتَسَّنِي بُشْرَى الْغُفْرَانِ وَ الرِّضْوَانِ أَسْأَلُكَ بِسُبُحَاتِ وَجْهِكَ - وَ بِأَنْوَارِ قُدْسِكَ - وَ أَبْتَهِلُ إِلَيْكَ بِعَوَاطِفِ رَحْمَتِكَ - وَ لَطَائِفِ بَرِّكَ - أَنْ تُحَقِّقَ ظَنِّي بِمَا أُؤَمِّلُهُ مِنْ جَزِيلِ إِكْرَامِكَ - وَ جَمِيلِ إِعْنَامِكَ - فِي الْقُرْبَى مِنْكَ - وَ الزُّلْفَى لَدَيْكَ - وَ صَفْحَهُ : ٢٦٩ التَّمَتُّعُ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ - وَ هَا أَنَا مُتَعَرِّضٌ لِانْفِخَاتِ رَوْحِكَ - وَ عَطْفِكَ - وَ مُتَمَتِّعٌ بِغَيْثِ جُودِكَ - وَ لُطْفِكَ - فَارٌّ مِنْ سَيْخِطِكَ - إِلَى رِضَاكَ - هَارِبٌ مِنْكَ - إِلَيْكَ - رَاجٍ أَحْسَنَ مَا لَدَيْكَ - مُعَوِّلٌ عَلَى مَوَاهِبِكَ - مُفْتَقِرٌ إِلَى رِعَايَتِكَ - إِلَهِي مَا بَدَأْتَ بِهِ مِنْ فَضْلِكَ - فَتَمِّمَهُ وَ مَا وَهَبْتَ لِي مِنْ كَرَمِكَ - فَلَا تَسْلُبْهُ وَ مَا سَتَرْتَهُ عَلَيَّ بِحِلْمِكَ - فَلَا تَهْتِكْهُ وَ مَا عَلِمْتَهُ مِنْ قَيْحٍ فَعَلِي فَمَا غَفِرْهُ إِلَهِي اسْتَشْفَعْتُ بِكَ - إِلَيْكَ - وَ اسْتَجَرْتُ بِكَ - مِنْكَ - أَتَيْتُكَ - طَامِعًا فِي إِحْسَانِكَ - رَاغِبًا فِي امْتِنَانِكَ - مُسْتَسْقِيًا وَابِلَ - طَوْلِكَ - مُسْتَمَطِرًا غَمَامَ - فَضْلِكَ - طَالِبًا مَرْضَاتِكَ - قَاصِدًا جَنَابِكَ - وَارِدًا شَرِيعَةَ رِفْدِكَ - مُلْتَمِسًا سُنَى الْخَيْرَاتِ مِنْ عِنْدِكَ - وَافِدًا إِلَى حَضْرَةِ جَمَالِكَ - مُرِيدًا وَجْهَكَ -

طَارِقًا بِأَبِكَ - مُسْتَكِينًا لِعَظَمَتِكَ - وَ جَلَالِكَ - فَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ - أَهْلُهُ مِنْ - الْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ مِنْ - الْعَذَابِ
وَ النَّقْمَةِ بِرَحْمَتِكَ - يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ -

٦ (مناجاة شاكرين)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي أَذْهَلَنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ - تَتَابَعُ طَوْلِكَ - وَ أَعْجَزَنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ - فَيُضِمْ فَضْلِكَ - وَ
شَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ - تَرَادُفِ مَعَاوِدِكَ - وَ أَعْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ - تَوَالِي أَيَادِيكَ - وَ هَذَا مَقَامٌ مِنْ اعْتِرَافٍ بِسُبُوحِ
النِّعْمَاءِ وَ قَابِلَهَا بِالتَّقْصِيرِ وَ شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَ التَّضْيِيعِ وَ أَنْتَ - الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ - الْبَرُّ الْكَرِيمُ - الَّذِي لَا يُخَيِّبُ قَاصِدِيهِ وَ
لَا - يَطْرُدُ عَنْ فَنَائِهِ - آمَلِيهِ بِسَاحَتِكَ - تَحِطُّ رِحَالُ الرَّاجِينَ - وَ بَعْرَضِيَّتِكَ - نَقِفُ آمَالَ الْمُسْتَرْفِدِينَ - فَلَا تُقَابِلْ آمَالَنَا بِالتَّخْيِيبِ وَ
الْإِيَّاسِ - وَلَا - تُلْبَسْنَا سِرْبَالَ الْقُنُوطِ وَ الْإِبْلَاسِ - صَفْحَهُ : ٢٧٠ إِلَهِي تَصَيَّرْنَا عِنْدَ تَعَاظِمِ آلَائِكَ - شُكْرِي وَ تَضَاءَلُ فِي جَنْبِ
إِكْرَامِكَ - إِيَّايَ - ثَنَائِي وَ نَشْرِي جَلَلْتَنِي نِعْمَتِكَ - مِنْ أَنْوَارِ الْإِيمَانِ حُلَا وَ ضَرَبْتَ عَلَيَّ لَطَائِفَ بَرِّكَ - مِنْ الْعِزِّ كَلَالًا وَ قَلَّدْتَنِي
مِنْنِكَ - قَلَابَتًا - لَا - تُحِلُّ - وَ طَوْقَتِي أَطْوَاقًا لَا تُفَلُّ - فَالْأَوْكُ - جَمَّةٌ ضَعُفَ لِسَانِي عَنْ إِحْصَائِهَا وَ نَعْمَاؤُكَ - كَثِيرَةٌ قَصِيرَةٌ فَهَمِي عَنْ
إِدْرَاكِهَا فَضْلًا عَنْ اسْتِقْصَائِهَا فَكَيْفَ - لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ وَ شُكْرِي إِيَّاكَ - يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرِ فَكُلَّمَا قُلْتُ لَكَ - الْحَمْدُ وَجِبَ - عَلَيَّ
لِمَدِّكَ - أَنْ أَقُولَ - لَكَ - الْحَمْدُ إِلَهِي فَكَمَا عَمَدَيْتَنَا بِلُطْفِكَ - وَ رَبَّيْتَنَا بِضَيْعِكَ - فَتَمَّمْ عَلَيْنَا سَوَابِغَ النِّعْمِ وَ ادْفَعْ عَنَّا مَكَارِهِ النَّقْمِ وَ
آتِنَا مِنْ حُظُوظِ الدَّارَيْنِ أَرْفَعَهَا وَ أَجْلَهَا عَاجِلًا - وَ آجِلًا - وَ لَكَ - الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بِلَائِكَ - وَ سُبُوحِ نِعْمَائِكَ - حَمْدًا يُوَافِقُ
رِضَاكَ - وَ يَمْتَرِي الْعَظِيمِ - مِنْ بَرِّكَ - وَ نَدَاكَ - يَا عَظِيمُ يَا كَرِيمُ بِرَحْمَتِكَ - يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ -

٧ (مناجات اطاعت كندگان خداوند)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) اللَّهُمَّ - أَلْهِمْنَا طَاعَتَكَ - وَ جَنِّبْنَا مَعْصِيَتَكَ - وَ يَسِّرْ لَنَا بُلُوغَ - مَا نَتَمَنَّى مِنْ ابْتِغَاءِ رِضْوَانِكَ - وَ أَحْلِلْنَا
بُحْبُوحَةَ جَنَّاتِكَ - وَ اقْشَعِ عَن بَصَائِرِنَا سَحَابَ - الْارْتِيَابِ وَ اكْشِفْ عَن قُلُوبِنَا أَغْشِيَةَ

المِرْيَه وَ الحِجَابِ وَ أَزْهَقِ البَاطِلَ - عَن ضَمَائِرِنَا وَ أَثِبِ الحَقَّ فِي سَيْرَانِنَا فَإِنِ الشُّكُوكَ - وَ الظُّنُونَ - لَوَاقِحِ الفِتَنِ وَ مُكَدَّرَهُ
لِصِفُو المَنَاحِحِ وَ المِنَنِ اللّهُمَّ - اِحْمِلْنَا فِي سِيْفِنِ نَجَاتِكَ - وَ مَتَّعْنَا بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ - وَ أوردْنَا حِيَاضَ - حُبِّكَ - وَ أَذِفْنَا حَلَاوَةَ وَدُّكَ -
وَ قُرْبِكَ - وَ اجْعَلْ جِهَادَنَا فِيكَ - وَ هَمَّنا فِي طَاعَتِكَ - وَ أَخْلِصْ نِيَاتِنَا فِي مُعَامَلَتِكَ - فَإِنَّا بِكَ - وَ صفحه : ٢٧١ لك - وَ لا وَسِيلَهُ لَنَا
إِلَيْكَ - إِلا - أَنْتَ - إِلَهِي اجْعَلْنِي مِنَ المُصْطَفَيْنِ - الأَخْيَارِ وَ الحَقِينِ بِالصَّالِحِينَ - الأَبْرَارِ السَّابِقِينَ - إِلَى المَكْرُمَاتِ المُسَارِعِينَ - إِلَى
الخَيْرَاتِ العَامِلِينَ - لِلبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ السَّاعِينَ - إِلَى رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ إِنَّكَ - عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ بِالإِجَابَةِ جَدِيدٌ بِرَحْمَتِكَ - يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ -

٨ (مناجات مریدین)

(بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) سُبْحَانَكَ - مَا أَضِيقُ الطُّرُقَ - عَلَى مَنْ لَمْ تَكُنْ دَلِيلَهُ - وَ مَا أَوْضَحَ - الحَقَّ - عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ - سَبِيلَهُ - إِلَهِي
فَاسْلُكْ بِنَا سُبُلَ - الوُصُولِ إِلَيْكَ - وَ سَيِّرْنَا فِي أَقْرَبِ الطُّرُقِ لِلوُفُودِ عَلَيْكَ - قَرِّبْ عَلَيْنَا البَعِيدَ وَ سَهِّلْ عَلَيْنَا العَسِيرَ الشَّدِيدَ وَ اِحْقِنَا
بِعِيَادِكَ - الَّذِينَ - هُمْ بِالْبِجْدَارِ إِلَيْكَ - يُسَارِعُونَ - وَ بَابِكَ - عَلَى الدَّوَامِ يَطْرُقُونَ - وَ إِيَّاكَ - فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ يَعْبُدُونَ - وَ هُمْ مِنْ
هَبِيَّتِكَ - مُشْفِقُونَ - الَّذِينَ - صَيَّفَيْتَ - لَهُمُ - المَشَارِبَ - وَ بَلَّغْتَهُمُ - الرِّغَائِبَ - وَ أَنْجَحْتَ - لَهُمُ - المَطَالِبَ - وَ قَضَيْتَ - لَهُمُ مِنْ فَضْلِكَ -
المِآرِبَ - وَ مَلَأْتَ - لَهُمُ ضَمَائِرَهُمْ مِنْ حُبِّكَ - وَ رَوَيْتَهُمْ مِنْ صِيْفِي شَرِبِكَ - فَبِكَ - إِلَى لَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ - وَصَلُّوا وَ مِنْكَ - أَقْصَى
مَقَاصِدِهِمْ حَصَلُوا فَيَا مَنْ هُوَ عَلَى المُقْبِلِينَ - عَلَيْهِ مُقْبِلٌ - وَ بِالْعَاطِفِ عَلَيْهِمُ عَائِدٌ مُفْضِلٌ - وَ بِالْعَافِلِينَ - عَن ذِكْرِهِ رَحِيمٌ - رَءُوفٌ - وَ
بِجَذْبِهِمْ إِلَى بَابِهِ وَدُودٌ عَطُوفٌ - أَسْأَلُكَ - أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ - حَظًّا وَ أَعْلَاهُمْ عِنْدَكَ - مَنزِلًا وَ أَجْزَلِهِمْ مِنْ وَدُّكَ - قِسْمًا
وَ أَفْضَلِهِمْ فِي مَعْرِفَتِكَ - نَصِيبًا

فَقَدْ انْقَطَعَتْ إِلَيْكَ - هِمَّتِي وَ انصَرَفَتْ نَحْوَكَ - رَغْبَتِي فَأَنْتَ - لَا غَيْرُكَ - مُرَادِي وَ لَكَ - لَا لِسِوَاكَ - سَهْرِي وَ سَهَادِي وَ لِقَاؤُكَ - قُرَّةُ عَيْنِي وَ وَصْلُكَ - مَنَى نَفْسِي وَ إِلَيْكَ - شَوْقِي وَ فِي صَفْحِهِ : ٢٧٢ مَحَبَّتِكَ - وَلِهِي وَ إِلَيَّ هَيَّوَاكَ - صِدْبَاتِي وَ رِضَاكَ - بُغْيَتِي وَ رُؤْيُوتِكَ - حَاجَتِي وَ جِوَارِكَ - طَلْبِي وَ قُرْبُكَ - غَايَةُ سُؤْلِي وَ فِي مُنَاجَاةِكَ - رَوْحِي وَ رَاحَتِي وَ عِنْدَكَ - دَوَاءُ عِلَّتِي وَ شِفَاءُ غُلَّتِي وَ بَرْدُ لَوْعَتِي وَ كَشْفُ كُرْبَتِي فَكُنْ أُنَيْسِي فِي وَحْشَتِي وَ مُقِيلَ عَثْرَتِي وَ غَافِرَ زَلَّتِي وَ قَابِلَ تَوْبَتِي وَ مُجِيبَ دَعْوَتِي وَ وَلِيَّ عِصْمَتِي وَ مُغْنِيَّ فَاقَتِي وَ لَا تَقْطَعْنِي عَنْكَ - وَ لَا تُبْعِدْنِي مِنْكَ - يَا نَعِيمِي وَ جَنَّتِي وَ يَا دُنْيَايَ - وَ آخِرَتِي [يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ]

٩ (مناجات محبين)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ - فَرَامَ مِنْكَ - يَدِيلاً وَ مَنْ ذَا الَّذِي أُنِسَ - بِقُرْبِكَ - فَصَابَتْنِي عَنْكَ - حَوْلًا - إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ - وَ وَلايَتِكَ - وَ أَخْلَصْتَهُ لِدُوكَ - وَ مَحَبَّتِكَ - وَ شَوْقَتَهُ إِلَيَّ لِقَائِكَ - وَ رَضِيَّتَهُ بِقَضَائِكَ - وَ مَنَحْتَهُ بِالنَّظَرِ إِلَيَّ وَ جِهَكَ - وَ حَبَوْتَهُ بِرِضَاكَ - وَ أَعْيَدْتَهُ مِنْ هَجْرِكَ - وَ قِلاكَ - وَ بَوَّأْتَهُ مَقْعَدَ الصِّدْقِ فِي جِوَارِكَ - وَ خَصَصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ - وَ أَهْلْتَهُ لِعِبَادَتِكَ - وَ هَيَّمْتَ قَلْبَهُ لِرَادَتِكَ - وَ اجْتَبَيْتَهُ لِمُشَاهَدَتِكَ - وَ أَخْلَيْتَ وَجْهَهُ لِمَكَ - وَ فَرَّغْتَ فُؤَادَهُ لِحُبِّكَ - وَ رَغَبْتَهُ فِيمَا عِنْدَكَ - وَ أَلْهَمْتَهُ ذِكْرَكَ - وَ أَوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ - وَ شَعَلْتَهُ بِطَاعَتِكَ - وَ صَيَّرْتَهُ مِنْ صَالِحِي بَرِيَّتِكَ - وَ اخْتَرْتَهُ لِمُنَاجَاةِكَ - وَ قَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّ شَيْءٍ يَفْطَعُهُ عَنْكَ - اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ دَأَبُهُمُ الْارْتِيَا حَ إِلَيْكَ - وَ الْحَيْنِمْ وَ دَهْرُهُمْ الزَّفْرَةَ وَ الْأَيْنِمْ جِبَاهُهُمْ سَاجِدَةً لِعِظْمَتِكَ - وَ عُيُونُهُمْ سَاهِرَةً فِي خِدْمَتِكَ - وَ دُمُوعُهُمْ سَائِلَةً مِنْ خَشْيَتِكَ - وَ قُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ

بِمَحَبَّتِكَ - وَ أَفْنَدْتَهُمْ مُنْخَلَعَةً مِنْ مَهَابَتِكَ - يَا مَنْ أَنْوَارُ قُدْسِهِ لِأَبْصَارِ مُحِبِّيهِ - صَفْحَه : ٢٧٣ رَائِقَةٌ وَ سُبْحَاتٌ وَ جِهَةٌ لِقُلُوبٍ عَارِفِيهِ - شَافِقَةٌ يَا مَنْ قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ - وَ يَا غَايَةَ آمَالِ الْمُحِبِّينَ - أَسْأَلُكَ - حُبَّكَ - وَ حُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ - وَ حُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصِلُنِي إِلَى قُرْبِكَ - وَ أَنْ تَجْعَلَكَ - أَحِبَّ إِلَيَّ - مِمَّا سَتَوَاكُ - وَ أَنْ تَجْعَلَ - حُبِّي إِيَّاكَ - قَائِدًا إِلَى رِضْوَانِكَ - وَ شَوْقِي إِلَيْكَ - ذَائِدًا عَنِ عِصْيَانِكَ - وَ أَمْنًا بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ - عَلَيَّ - وَ أَنْظِرْ بَعِينَ الْوُدِّ وَ الْعَطْفِ إِلَيَّ - وَ لَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ - وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْإِسْعَادِ وَ الْحِظْوَةِ [الْحُظْوَةِ] عِنْدَكَ - يَا مُجِيبَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ -

١٠ (مناجات متوسلين)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي لَيْسَ لِي وَسِيلَةٌ إِلَيْكَ - إِلَّا - عَوَاطِفُ رَأْفَتِكَ - وَ لَا لِي ذَرِيعَةٌ إِلَيْكَ - إِلَّا - عَوَارِفُ رَحْمَتِكَ - وَ شَفَاعَةُ نَبِيِّكَ - نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَ مُنْقِذِ الْأُمَّةِ مِنَ الْعُمَمَةِ فَاجْعَلْهُمَا لِي سَبَبًا إِلَى نَيْلِ غُفْرَانِكَ - وَ صَيْرُهُمَا لِي وَصْلَةً إِلَى الْفَوْزِ بِرِضْوَانِكَ - وَ قَدْ حِيلَ رَجَائِي بِحَرَمِ كَرَمِكَ - وَ حَطَّ طَمَعِي بِفَنَاءِ جُودِكَ - فَحَقِّقْ فِيكَ - أَمَلِي وَ اخْتِمِ بِالْخَيْرِ عَمَلِي وَ اجْعَلْنِي مِنْ صِيَفَوَتِكَ - الَّذِينَ - أَحَلَلْتَهُمْ بُحْبُوحَةَ جَنَّتِكَ - وَ بَوَّأْتَهُمْ دَارَ كَرَامَتِكَ - وَ أَقْرَرْتَ - أَعْيُنَهُمْ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ - يَوْمَ - لِقَائِكَ - وَ أَوْرَثْتَهُمْ مَنَازِلَ - الصَّدَقِ فِي جَوَارِكَ - يَا مَنْ لَا يَفْتَدُ الْوَاقِدُونَ - عَلَيَّ أَكْرَمَ - مِنْهُ - وَ لَا يَجِدُ الْقَاصِدُونَ - أَرْحَمَ - مِنْهُ - يَا خَيْرَ مَنْ خَلَا بِهِ وَحِيدٌ يَا أَعْطَفَ - مَنْ أَوَى إِلَيْهِ طَرِيدٌ إِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ - مَدَدَتْ يَدِي وَ بَدَّلَ كَرَمِكَ - أَعْلَقَتْ كَفِّي فَلَا تُؤَلِّنِي الْحِرْمَانَ - وَ لَا تُبَلِّغْنِي بِالْخَيْبَةِ وَ الْخُسْرَانَ - يَا سَمِيعَ - الدُّعَاءِ يَا أَرْحَمَ - الرَّاحِمِينَ - صَفْحَه : ٢٧٤

١١ (مناجات المفتقرين)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي كَسِرِي - لَا - يَجْبُرُهُ إِلَّا لَطْفُكَ - وَ حَنَانُكَ - وَ فَقْرِي لَا يُغْنِيهِ إِلَّا عَطْفُكَ - وَ إِحْسَانُكَ - وَ رَوْعَتِي لَا يُسِيئُ كُنْهًا إِلَّا أَمَانُكَ - وَ ذِلَّتِي لَا يُعِزُّهَا إِلَّا سُلْطَانُكَ - وَ أُمِّيَّتِي لَا يُبَلِّغُنِيهَا إِلَّا فَضْلُكَ - وَ خَلَّتِي لَا يَسُدُّهَا إِلَّا طَوْلُكَ - وَ حَاجَتِي لَا يَقْضِيهَا إِلَّا غَيْرُكَ - وَ كَرْبِي - لَا - يُفَرِّجُهُ إِلَّا سَوَى رَحْمَتِكَ - وَ ضُرِّي لَا يَكْتَسِفُهُ إِلَّا غَيْرُ رَأْفَتِكَ - وَ غُلَّتِي لَا يُبْرِدُّهَا إِلَّا وَصْلُكَ - وَ لَوْعَتِي لَا يُطْفِئُهَا إِلَّا - لِقَاؤُكَ - وَ شَوْقِي إِلَيْكَ - لَا - يَبُلِّغُهُ إِلَّا - النَّظَرُ إِلَيَّ وَ جِهَتِكَ - وَ قَرَارِي - لَا - يَقْرُرُّ دُونَ - دُنُوِي مِنْكَ - وَ لَهْفَتِي - لَا - يَبْرُدُّهَا إِلَّا - رَوْحُكَ - وَ سَقَمِي لَا يَشْفِيهِ إِلَّا طِبُّكَ - وَ غَمِّي لَا يَزِيلُهُ إِلَّا قُرْبُكَ - وَ جُرْحِي لَا يُبْرِئُهُ إِلَّا صَفْحُكَ - وَ

رَيْنِ مَقْلَبِي لَا - يَجْلُوهُ إِلَّا - عَفْوُكَ - وَ سَوَاسِ صَدْرِي لَا - يُزِيحُهُ إِلَّا أَمْرُكَ - فَيَا مُنْتَهَى أَمَلِ الْآمِلِينَ - وَ يَا غَايَةَ سُؤْلِ السَّائِلِينَ - وَ يَا أَقْصَى طَلِبَةِ الطَّالِبِينَ - وَ يَا أَعْلَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ - وَ يَا وَلي الصَّالِحِينَ - وَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ - وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ - وَ يَا ذُخْرَ الْمُعْدِمِينَ - وَ يَا كَنْزَ الْبَائِسِينَ - وَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ - وَ يَا قَاضِي حَوَائِجِ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ - وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - لَمْ يَكْ - تَخْضَعِي وَ سِوَالِي ۞ إِلَيْكَ - تَضَرُّعِي وَ ابْتِهَالِي إِلَى أَسْأَلِكَ - أَنْ تُنِيلَنِي مِنْ رُوحِ رِضْوَانِكَ - وَ تُدِيمَ عَلَيَّ نِعَمَ امْتِنَانِكَ - وَ هِيَ أَنَا بِبَابِ كَرَمِكَ - وَاقِفٌ ۞ وَ لِنَفْحَاتِ بَرِّكَ - مُتَعَرِّضٌ ۞ وَ بِحَيْلِكَ - الشَّدِيدِ مُعْتَصِمٌ ۞ وَ بِعُرْوَتِكَ - الْوَثْقَى مُتَمَسِّكٌ ۞ إِلَهِي أَرْحَمَ عَبْدَكَ - الذَّلِيلِ - ذَا اللَّيْلِ الْكَلِيلِ وَ الْعَمَلِ الْقَلِيلِ وَ أَمْنٍ عَلَيْهِ بِطَوْلِكَ - الْجَزِيلِ وَ اكْتَفَاهُ تَحْتَ ظِلِّكَ - الظَّلِيلِ يَا كَرِيمَ يَا جَمِيلَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - صفحه : ٢٧٥

١٢ (مناجات عارفين)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي قَصِدْتِ الْأَلْسُنُ عَنْ بُلُوغِ ثَنَائِكَ - كَمَا يَلِيْقُ بِجَلَالِكَ - وَ عَجَزَتِ الْعُقُولُ عَنْ إِدْرَاكِ كُنْهِ جَمَالِكَ - وَ انْحَسَرَتِ الْأَبْصَارُ دُونَ النَّظْرِ إِلَى سُبْحَاتِ وَجْهِكَ - وَ لَمْ تَجْعَلْ لِلْخَلْقِ طَرِيقًا إِلَى مَعْرِفَتِكَ - إِلَّا بِالْعَجْزِ عَنْ مَعْرِفَتِكَ - إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَرَسَّخَتْ أَشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ - فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ وَ أَخَذَتْ لَوْعَهُ مَحَبَّتِكَ - بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ فَهَمَّ إِلَى أَوْكَارِ الْأَفْكَارِ يَا أَوْوَنَ - وَ فِي رِيَاضِ الْقُرْبِ وَ الْمَكَاشِفَةِ يَرْتَعُونَ - وَ مِنْ حِيَاضِ الْمَحَبَّةِ بِكَأْسِ الْمَلَاظِفَةِ يَكْرَعُونَ - وَ شَرَائِعِ الْمُصَافَاهِ يَرْدُونَ - قَدْ كُشِفَ الْغِطَاءُ عَنْ أَبْصَارِهِمْ وَ انْجَلَّتْ ظُلْمَةُ الرَّيْبِ عَنْ عَقَائِدِهِمْ وَ ضَمَّائِرِهِمْ وَ انْتَفَتِ مُخَالَجَةُ الشَّكِّ عَنْ قُلُوبِهِمْ وَ سَرَائِرِهِمْ وَ انْشَرَحَتْ بِتَحْقِيقِ الْمَعْرِفَةِ صُدُورُهُمْ وَ عَلَتْ لِسْبِقِ السَّعَادَةِ فِي الزَّهَادَةِ هِمْمُهُمْ وَ عَذَبَ فِي مَعِينِ

الْمَعَامَلَهُ شَرِبْتُهُمْ وَ طَابَ فِي مَجْلِسِ الْأَنْسِ سِتْرُهُمْ وَ أَمِنَ فِي مَوْطِنِ الْمَخَافَةِ سِتْرُهُمْ وَ اطمأنت بِالرُّجُوعِ إِلَى رَبِّ الْأَرْبَابِ
 أَنْفُسُهُمْ وَ تَيَقَّنْتَ بِالْفَوْزِ وَ الْفَلَاحِ أَرَوَّاحُهُمْ وَ قَرَّتْ بِالنَّظَرِ إِلَى مَحْبُوبِهِمْ أَعْيُنُهُمْ وَ اسْتَقَرَّتْ بِإِدْرَاكِ السُّؤْلِ وَ نَيْلِ الْمَأْمُولِ قَرَارُهُمْ
 وَ رِيحَتْ فِي بَيْعِ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تِجَارَتُهُمْ إِلَهِي مَا أَلَدَّ خَوَاطِرَ الْإِلَهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَى الْقُلُوبِ وَ مَا أَحْلَى الْمَسِيرَ إِلَيْكَ بِالْأَوْهَامِ
 فِي مَسَالِكَ الْغُيُوبِ وَ مَا أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ وَ مَا أَعَذَّبَ شَرِبَ قُرْبِكَ فَأَعَدْنَا مِنْ طَرْدِكَ وَ إِبْعَادِكَ وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَخْصِ
 عَارِفِكَ وَ أَصْلَحِ عِبَادِكَ وَ أَصْدَقِ طَائِعِيكَ وَ أَخْلَصِ عِبَادِكَ يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا كَرِيمُ يَا مُنِيلُ بِرَحْمَتِكَ وَ مَنْكَ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - صفحه : ٢٧٦

١٣ (مناجات ذاكرين)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي لَوْ لَا الْوَاجِبُ مِنْ قَبُولِ أَمْرِكَ لَنَزَّهْتُكَ - مِنْ [عَنْ] ذِكْرِي إِيَّاكَ - عَلَى أَنْ ذَكَرْتَنِي لَمْ تَكْ -
 بِقَدْرِي لَا بِقَدْرِكَ - وَ مَا عَسَى أَنْ يَبْلُغَ مِقْدَارِي حَتَّى أُجْعَلَ - مَحَلًّا لِتَقْدِيسِكَ - وَ مِنْ أَعْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنَا جَرِيَانُ ذِكْرِكَ - عَلَى
 أَلْسِنَتِنَا وَ إِذْنُكَ - لَنَا بِجُدْعَائِكَ - وَ تَنْزِيهِكَ - وَ تَسْبِيحِكَ - إِلَهِي فَأَلْهِمْنَا ذِكْرَكَ - فِي الْخَلَاءِ وَ الْمَلَأِ وَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْإِعْلَانِ وَ
 الْإِسْرَارِ وَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ آنَسْنَا بِالذِّكْرِ الْخَفِيِّ - وَ اسْتَعْمَلْنَا بِالْعَمَلِ الزَّكِيِّ - وَ السَّعَى الْمَرَضِيِّ - وَ جَازَنَا بِالْمِيزَانِ الْوَفِيِّ -
 إِلَهِي بِسُكْرِ هَيَامَتِ الْقُلُوبِ الْوَالِهَةِ وَ عَلَى مَعْرِفَتِكَ - جُمِعَتِ الْعُقُولُ الْمُتَيَّابِنَةُ فَلَا تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِكْرِكَ - وَ لَا تَسْكُنُ
 النَّفُوسُ إِلَّا عِنْدَ رُؤْيَاكَ - أَنْتَ الْمُسَبِّحُ فِي كُلِّ مَكَانٍ وَ الْمَعْبُودُ فِي كُلِّ زَمَانٍ وَ الْمَوْجُودُ فِي كُلِّ أَوَانٍ وَ الْمَدْعُوعُ بِكُلِّ لِسَانٍ
 وَ الْمُعْظَمُ فِي كُلِّ جَنَانٍ وَ اسْتَغْفِرُكَ - مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بَعِيرٍ ذَكَرَكَ - وَ مِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بَعِيرٍ

أَنْسِكَ - وَ مِنْ كُلِّ سُرُورٍ بِغَيْرِ قُرْبِكَ - وَ مِنْ كُلِّ شُغْلٍ بِغَيْرِ طَاعَتِكَ - إِلَهِي أَنْتَ - قُلْتَ - وَ قَوْلُكَ - الْحَقُّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا
اللَّهَ - ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سِيِّئُوهُ مُبَكَّرَةً وَ أَصِيلاً وَ قُلْتَ - وَ قَوْلُكَ - الْحَقُّ فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ فَأَمْرَتْنَا بِذِكْرِكَ - وَ وَعَدْتْنَا عَلَيْهِ أَنْ تَذْكُرَنَا
تَشْرِيفًا لَنَا وَ تَفْخِيمًا وَ إِعْظَامًا وَ هَا نَحْنُ مَذَاكِرُوكَ - كَمَا أَمْرَتْنَا فَأَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتْنَا يَا ذَاكَرَ الذَّاكِرِينَ - وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ -

١٤ (مناجات معتمنين)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) اللَّهُمَّ يَا مَلَأَ اللَّائِذِينَ - وَ يَا مَعَاذَ الْعَائِذِينَ - وَ يَا مُنْجِيَّ الْهَالِكِينَ - وَ يَا عَاصِمَ - صَفْحَه : ٢٧٧ البائسين
وَ يَا رَاحِمَ - الْمَسِيَّاتِينَ - وَ يَا مُجِيبَ - الْمُضْطَرِّينَ - وَ يَا كَنْزَ الْمُفْتَقِرِينَ - وَ يَا حِيَابِرَ الْمُنْكَسِرِينَ - وَ يَا مَأْوَى الْمُنْقَطِعِينَ - وَ يَا نَاصِرَ
الْمُسْتَضْعَفِينَ - وَ يَا مُجِيرَ الْخَائِفِينَ - وَ يَا مُغِيثَ - الْمَكْرُوبِينَ - وَ يَا حِصْنَ - اللَّاجِينَ - إِنْ لَمْ أَعْمِدْ بِعِزَّتِكَ - فَبِمَنْ أَعُوذُ وَ إِنْ لَمْ أَلْذُ
بِقُدْرَتِكَ - فَبِمَنْ أَلُوذُ وَ قَدْ أَلَجَاتِنِي الذُّنُوبُ إِلَى التَّشْبُثِ بِأَذْيَالِ عَفْوِكَ - وَ أَحْوَجْتَنِي الْخَطَايَا إِلَى اسْتِفْتَاكِ أَبْوَابِ صَفْحِكَ - وَ
دَعْتَنِي الْإِسْيَاءَ إِلَى الْإِنْسَاءِ بِفِتْنَاءِ عِزِّكَ - وَ حَمَلْتَنِي الْمَخَافَةَ مِنْ نِقْمَتِكَ - عَلَى التَّمَسُّكِ بِعُرْوَةِ عَطْفِكَ - وَ مَا حَقُّ مَنْ اعْتَصَمَ -
بِحَبْلِكَ - أَنْ يُخَذَلَ - وَ لَا يَلِيقُ بِمَنْ اسْتَجَارَ بِعِزِّكَ - أَنْ يُسَلَّمَ - أَوْ يَهْمَلَ - إِلَهِي فَلَا تُخَلِّنا مِنْ حِمَايَتِكَ - وَ لَا تُعْرِنا مِنْ رِعَايَتِكَ - وَ
ذُذْنَا عَنْ مَوَارِدِ الْهَلَكَةِ فَإِنَّا بِعَيْنِكَ - وَ فِي كَنَفِكَ - وَ لَكَ - أَسْأَلُكَ - بِأَهْلِ خَاصَّتِكَ - مِنْ مَلَائِكَتِكَ - وَ الصَّالِحِينَ - مِنْ بَرِيَّتِكَ - أَنْ
تَجْعِلَ - عَلَيْنَا وَاقِيَهُ تَنْجِينًا مِنْ - الْهَلَكَاتِ وَ تَجْتَبِنَا مِنْ - الْآفَاتِ وَ تُكِنَّنَا مِنْ دَوَاهِي الْمُصِيبَاتِ وَ أَنْ تُنْزِلَ - عَلَيْنَا مِنْ سَيِّئَاتِكَ - وَ أَنْ
تُعْشِيَ - وَجُوهَنَا بِأَنْوَارِ مَحَبَّتِكَ - وَ أَنْ تُؤْوِيَنَا إِلَى شَدِيدِ رُكْنِكَ - وَ

أَنْ تَحْوِينَا فِي أَكْنَافِ عِصْمَتِكَ - بِرَأْفَتِكَ - وَ رَحْمَتِكَ - يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ -

۱۵ (مناجات زاهدین)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي أَسْكَنْتَنَا دَارًا حَفَرَتْ لَنَا حُفْرًا مَكْرَهَا وَ عَلَّقَتْنَا بِأَيْدِي الْمَنَائِي فِي حَبَائِلِ عَدْرِهَا فَإِلَيْكَ نَلْتَجِي
مِنْ مَكَائِدِ خُدَعِهَا وَ بِكَ نَعْتَصِمُ مِنْ - الاغْتِرَارِ بِرَخَارِفِ زِينَتِهَا فَإِنَّهَا الْمُهْلِكَةُ طُلَابِهَا الْمُتَلَفَةُ حُلَالِهَا الْمَحْشُوَّةُ بِالْآفَاتِ الْمَشْحُونَةُ
بِالنَّكَبَاتِ إِلَهِي فَزَهَّدْنَا فِيهَا وَ سَلِّمْنَا مِنْهَا بِتَوْفِيقِكَ - وَ عِصْمَتِكَ - وَ انزِعْ عَنَّا جَلَابِيبَ - مُخَالَفَتِكَ - وَ تَوَلَّ أُمُورَنَا بِحُسْنِ كِفَايَتِكَ -
وَ أَوْفِرْ مَزِيدَنَا صَفْحَهُ : ۲۷۸ مِنْ سِدِّعِهِ رَحْمَتِكَ - وَ أَجْمِلْ صَلَاتِنَا مِنْ فَيْضِ مَوَاهِبِكَ - وَ أَعْرِسْ فِي أَفْئِدَتِنَا أَشْجَارَ مَحَبَّتِكَ - وَ أَتِمِّمْ
لَنَا أَنْوَارَ مَعْرِفَتِكَ - وَ أَدِقْنَا حَلَاوَةَ عَفْوِكَ - وَ لَذَّةَ مَغْفِرَتِكَ - وَ أَقْرِرْ أَعْيُنَنَا يَوْمَ - لِقَائِكَ - بِرُؤْيَتِكَ - وَ أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا كَمَا
فَعَلْتَ - بِالصَّالِحِينَ - مِنْ صَفْوَتِكَ - وَ الْأَبْرَارِ مِنْ خَاصَّتِكَ - بِرَحْمَتِكَ - يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ - صَفْحَهُ : ۲۷۹

(فصل سوم زیارات)

برخی از آداب زیارت

و آن بسیار است و در اینجا به چند چیز اکتفا می شود غسل پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت. ترک کلام بیهوده و لغو و
مخاصمه و مجادله در راه. غسل برای زیارت هر امامی و آن که بخواند دعای وارده آن را و بیاید آن در اول زیارت وارث.
طهارت از حدث. پوشیدن جامه های پاک و پاکیزه و نو و نیکو است سفید بودن رنگ آن. در وقت رفتن به روضه مقدسه
گامها را کوتاه برداشتن و به آرامی و وقار سیر نمودن و خاضع و خاشع بودن و سر به زیر انداختن و به بالا و اطراف خود
التفات نمودن. خوشبو نمودن خود را در غیر زیارت امام حسین علیه السلام. در وقت رفتن به حرم مطهر زبان را به ذکر تکبیر
و تحمید و تسبیح و تهلیل و

تمجید مشغول کردن و به صلوات فرستادن بر محمّد و آل محمّد علیهم السلام دهان را معطر نمودن. بر در حرم شریف ایستادن و اذن دخول طلبیدن و سعی در تحصیل رقت قلب و خضوع و شکستگی خاطر نمودن به تصور و فکر در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور و این که می بیند ایستادن او را و می شنود کلام او را و جواب می دهد سلام او را چنانچه به همه اینها شهادت می دهد در وقت خواندن اذن دخول و تدبیر در محبت و لطفی که به شیعیان و زائران خود دارند و تأمل صفحه : ۲۸۰ در خرابیهای حال خود و خلافها که به آن بزرگواران کرده و فرموده های بی حد که از ایشان نشنیده و آزارها و اذیتها که از او به ایشان یا به خاصان و دوستان ایشان رسیده که برگشت آن به آزردهن ایشان است و اگر به راستی در خود نگردد قدمهایش از رفتن باز ایستد و قلبش هراسان و چشمش گریان شود و این روح تمام آداب است. مقدم داشتن پای راست در وقت داخل شدن و مقدم داشتن پای چپ در وقت بیرون آمدن مانند مساجد. ایستادن در وقت خواندن زیارت اگر عذری ندارد از ضعف و درد کمر و درد پا و غیرها. گفتن تکبیر در نزد دیدن قبر مطهر پیش از شروع در خواندن زیارت (و در خبری است که: هر که تکبیر بگوید پیش روی امام علیه السلام و بگوید لا-إله-إلا-الله-مؤحد-ملا-شریک-له-منوشته شود برای او رضوان الله الاکبر. خواندن زیارات مأثوره وارده از سادات

أَنَامَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ. به جا آوردن نماز زیارت و اقل آن دو رکعت است شیخ شهید فرموده که اگر زیارت برای پیغمبر است نماز را در روضه مطهره به جا آورد و اگر در حرم یکی از ائمه است در بالای سر به جا آورد و اگر به جا آورد آن دو رکعت را در مسجد مکان یعنی مسجد حرم جایز است و علامه مجلسی رحمه الله علیه فرموده که نماز زیارت و غیر آن را به گمان فقیر در پشت سر و بالای سر به جا آوردن بهتر است. خواندن سوره یس در رکعت اول و سوره الرحمن در رکعت دوم اگر برای آن زیارتی که نماز آن می خواند کیفیت مخصوصی ذکر نفرموده باشند و آن که دعا کند بعد از نماز به آن چه وارد شده یا به آن چه در خاطر او می رسد برای دین و دنیای خود و تعمیم دهد در دعا زیرا که آن به اجابت نزدیکتر است. شیخ شهید رحمه الله علیه از جمله آداب زیارت شمرده تلاوت کردن قرآن نزد ضرایح مطهره و هدیه صفحه : ۲۸۱ کردن آن را به روح مقدس مزور و نفع آن به زیارت کننده عاید می شود و متضمن تعظیم مزور است. ترک نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و بیهوده و اشتغال به صحبت‌های دنیویه که همیشه در هر جا مذموم و قبیح و مانع رزق و جالب قساوت قلب است خصوص در این بقاع مطهره و قباب سامیه که خدای تعالی خبر می دهد از بزرگی و جلالت آنها در سوره نور فی بیوتِ اذنِ الله ان ترفع الآیه. بلند

نکردن صدای خود در وقت زیارت بیست و سوم وداع کردن امام علیه السلام را در وقت بیرون رفتن از بلد آن حضرت به مآثور یا به غیر آن. توبه و استغفار نمودن به جهت گناهان و بهتر کردن حال و کردار و گفتار خود را بعد از فراغ از زیارت از آن چه دارا بود پیش از زیارت. انفاق کردن به قدر میسور

(اذن دخول)

شیخ کفعمی فرموده چون خواستی داخل شوی به مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله یا در یکی از مشاهد مشرفه ائمه علیهم السلام پس بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بَيْتِ نَبِيِّكَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَقَدْ مَنَعَتْ النَّاسَ - أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا - بِإِذْنِهِ فَقُلْتُ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ - آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بَيْتَ - النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ - لَكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا - الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ وَاعْلَمْ أَنَّ رَسُولَكَ - وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ - يُرْزَقُونَ - مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ - كَلَامِي وَيَرُدُّونَ - سِلَامِي وَأَنَّكَ - حَجَبْتَ - عَن سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَفَتَحْتَ - بَابَ - فَهْمِي بِلَدِيدِ مُنَاجَاتِهِمْ وَ إِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ - يَا رَبِّ أَوْلَا وَ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا وَ أَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ - الْإِمَامَ - الْمَفْرُوضَ - عَلَيَّ طَاعَتَهُ ۝ صفحه : ۲۸۲ فلان - بن - فلان به جای فلان بن فلان نام ببرد آن امامی را که می خواهد زیارت کند و هم چنین نام پدرش را ببرد مثلا اگر در زیارت امام حسین علیه السلام است بگوید الْحُسَيْنِ - بن - عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ و اگر در زیارت امام رضا علیه السلام است بگوید عَلِيٍّ - بن - مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، پس

بگوید: وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُؤَكِّلِينَ - بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا أَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ - أَدْخُلْ يَا حُجَّجَةَ اللَّهِ - أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ - الْمُقَرَّبِينَ - الْمُقِيمِينَ - فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَذِّنْ لِي يَا مَوْلَايَ - فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ - مَا أذِنْتَ - لِأَخِيذٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ - فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِدَلِيكَ - فَأَنْتَ - أَهْلٌ لِدَلِيكَ -

(زیارت رسول اکرم بعد از حج)

از جمله امور مستحبه که بسیار مؤکد است این است که حاجی هنگام برگشتن، از راه مدینه طیبه برگردد تا آن که به زیارت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها و ائمه بقیع علیهم السلام، مشرف گردد.

(زیارت حضرت رسول اکرم)

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ - وَأَشْهَدُ أَنَّكَ - رَسُولُهُ - وَأَنَّكَ - مُحَمَّدٌ - بْنُ - عَبْدِ اللَّهِ - وَأَشْهَدُ أَنَّكَ - قَدْ بَلَغْتَ - رِسَالَاتِ رَبِّكَ - وَ نَصَيْتَ حَتَّى - لِأُمَّتِكَ - وَ جَاهِدْتَ - فِي سَبِيلِ اللَّهِ - بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ أَدَيْتَ - الَّذِي عَلَيْكَ - مِنَ الْحَقِّ - وَأَنَّكَ - قَدْ رُوِّفْتَ - بِالْمُؤْمِنِينَ - وَ غَلِظْتَ - عَلَى الْكَافِرِينَ - وَ عَبَدْتَ - اللَّهَ - مُخْلِصًا حَتَّى - أَتَاكَ - الْيَقِينُ - فَبَلَّغَ - اللَّهُ - بِكَ - أَشْرَفَ - مَحَلِّ - الْمُكَرَّمِينَ - الْحَمْدُ لِلَّهِ - الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ - مِنَ الشُّرْكِ - وَ الضَّلَالِ - اللَّهُمَّ - صَلِّ - عَلَيَّ مُحَمَّدٍ - صَفْحَةَ : ٢٨٣ - وَ آلِهِ - وَ اجْعَلْ - صَلَوَاتِكَ - وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ - وَ أَنْبِيَائِكَ - وَ الْمُرْسَلِينَ - وَ عِبَادِكَ - الصَّالِحِينَ - وَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ - وَ مَنْ سَبَّحَ - لَكَ - يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ - مِنَ الْأَوَّلِينَ - وَ الْآخِرِينَ - عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ - وَ رَسُولِكَ - وَ نَبِيِّكَ - وَ أَمِينِكَ - وَ نَجِيِّكَ - وَ حَبِيبِكَ - وَ صَافِيِّكَ - وَ صَافِيَّتِكَ - وَ خَالِصِيَّتِكَ - وَ خَالِصِيَّتِكَ - مِنْ خَلْقِكَ - وَ أَعْطِهِ الْفَضْلَ - وَ الْفَضِيلَةَ - وَ الْوَسِيلَةَ - وَ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ - وَ ابْعَثْهُ - مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبُطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ - وَ الْآخِرُونَ - اللَّهُمَّ - إِنَّكَ - قُلْتَ - وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ - فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ - وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمْ الرَّسُولُ - لَوَجَّهُوا اللَّهَ - تَوَابًا رَحِيمًا إِلَهِي - فَصَلِّ - عَلَيَّ مُحَمَّدٍ - وَ آلِهِ - وَ اغْفِرْهَا لِي يَا سَيِّدَنَا أَتَوَجَّهُ بِكَ - وَ بِأَهْلِ بَيْتِكَ - إِلَى اللَّهِ تَعَالَى رَبِّكَ - وَ رَبِّي لِيُغْفِرَ لِي

پس سه مرتبه بگو اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ - پس بگو اَصْحَابِنَا بِمَكَ - يَا حَبِيب - قُلُوبِنَا فَمَا اَعْظَمَ - الْمُصِيبَةَ بِكَ - حَيْثُ انْقَطَعَ - عَنَّا
 الْوَحْيُ - وَ حَيْثُ مَفَقَدْنَاكَ - فَاِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ - يَا سَيِّدَنَا يَا رَسُولَ - اللّٰهِ - صَلِّمَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكَ - وَ عَلٰى آلِ بَيْتِكَ - الطَّيِّبِينَ -
 الطَّاهِرِينَ - فَانَّهُ اَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ -

(زیارت دیگر حضرت رسول اکرم)

«السَّلَامُ عَلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ ، السَّلَامُ عَلٰىكَ - يَا حَبِيبَ - اللّٰهِ ، السَّلَامُ عَلٰىكَ - يَا صَفْوَةَ اللّٰهِ ، السَّلَامُ عَلٰىكَ - يَا اَمِيْنَ - اللّٰهِ ، اَشْهَدُ اَنَّكَ
 قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ - وَ جَاهَدْتَ - فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ ، وَ عَبَدْتَهُ - حَتٰى اَتَاكَ - اليَقِيْنَ ، فَجَزَاكَ - اللّٰهُ اَفْضَلَ - مَا جَزٰى نَبِيًّا عَنِ اُمَّتِهِ ، اللّٰهُمَّ
 صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ - مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ - وَ آلِ اِبْرَاهِيْمَ - اِنَّكَ - حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ» . صفحه : ۲۸۴

(زیارت حضرت صدیقه علیها السلام)

مواضع از برای زیارت آن ممتحنه بگو یا ممتحنه امتحنک الله الذی خلقک قبل - اَن یَخْلُقْکَ فَوْجِ دَکَ لِمَا اَمْتَحَنَکَ صَابِرَةً
 وَ زَعَمْنَا اَنَّا لَکَ اَوْلِیَاءُ وَ مُصَدِّقُونَ - وَ صَابِرُونَ - لِکُلِّ مَا اَتَانَا بِهِ اَبُوکَ صَلِّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ اَتٰی بِهِ وَصِیْهِ فَاِنَّا نَسْأَلُکَ اِنْ
 کُنَّا صِدْقًاکَ اِلَّا اَلْحَقَّتِنَا بِتَصَدِیْقِنَا لُهُمَا لُبْشُرٌ اَنْفُسِنَا بِاَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوِلَايَتِکَ وَ مُسْتَحَبَّ اسْتِ نِزِ اَنْ کِه بَکُوید السَّلَامَ عَلَیْکَ
 يَا بِنْتَ رَسُوْلِ اللّٰهِ السَّلَامَ عَلَیْکَ يَا بِنْتَ نَبِیِّ اللّٰهِ السَّلَامَ عَلَیْکَ يَا بِنْتَ حَبِیبِ اللّٰهِ السَّلَامَ عَلَیْکَ يَا بِنْتَ خَلِيْلِ اللّٰهِ
 السَّلَامَ عَلَیْکَ يَا بِنْتَ صَیْفِیِّ اللّٰهِ السَّلَامَ عَلَیْکَ يَا بِنْتَ اَمِيْنِ اللّٰهِ السَّلَامَ عَلَیْکَ يَا بِنْتَ خَیْرِ خَلْقِ اللّٰهِ السَّلَامَ عَلَیْکَ يَا
 بِنْتَ اَفْضَلِ اَنْبِیَاءِ اللّٰهِ وَ رُسُلِهِ وَ مَلَائِکَتِهِ السَّلَامَ عَلَیْکَ يَا بِنْتَ خَیْرِ الْبَرِیِّهِ السَّلَامَ عَلَیْکَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ - مِنْ - الْاَوَّلِيْنَ -
 وَ الْاٰخِرِيْنَ - السَّلَامَ عَلَیْکَ يَا زَوْجَةَ وَلِیِّ اللّٰهِ وَ خَیْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ السَّلَامَ عَلَیْکَ يَا اُمَّ الْحَسَنِ وَ الْحَسَنِ سَيِّدِی
 شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامَ عَلَیْکَ اَيُّهَا الصَّدِیْقَةُ الشَّهِيدَةُ السَّلَامَ عَلَیْکَ اَيُّهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامَ عَلَیْکَ اَيُّهَا الْفَاضِلَةُ
 الزَّكِيَّةُ السَّلَامَ عَلَیْکَ اَيُّهَا الْحَوْرَاءُ الْاِنْسِيَّةُ السَّلَامَ عَلَیْکَ اَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ السَّلَامَ عَلَیْکَ اَيُّهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ السَّلَامَ عَلَیْکَ
 اَيُّهَا الْمَظْلُوْمَةُ

المَغْضُوبَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُضْطَّهَدَةُ الْمُقَهَّورَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَيْنِهِ مِنْ رَبِّكَ وَأَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدَ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدَ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدَ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدَ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَنَّكَ بَضَعَهُ مِنْهُ وَرُوحَهُ الَّذِي بَيْنَ جَنَّتَيْهِ كَمَا قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ اللَّهُ وَرُسُلَهُ وَمَلَائِكَتَهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَتَ عَنْهُ مَسَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ مُتَّبِرٌ مِمَّنْ تَبَرَّاتِ مِنْهُ مُؤَالٍ لِمَنْ وَالَيْتِ مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتِ مُبْغِضٍ لِمَنْ أَبْغَضْتِ مُحِبٍّ لِمَنْ أَحْبَبْتِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَحَسْبِيَ وَجَازِيًا وَمُثِيبًا بِسِ صَلَوَاتِ مِي فِرْسْتِي بِرِ حَضْرَتِ رَسُولِ وَائِمَّةِ اطْهَارِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

(زيارت ائمه بقیع)

يَا مَوْالِيَّ يَا أَبْنَآءَ رَسُولِ اللَّهِ عَبْدُكُمْ وَابْنُ أُمَّتِكُمْ الدَّلِيلُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَالمُضْعِفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ وَالمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ جَاءَكُمْ مُسْتَجِيرًا بِكُمْ قاصِدًا إِلَى حَرَمِكُمْ مُتَقَرِّبًا إِلَى مَقَامِكُمْ مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ أَدْخُلْ يَا مَوْالِيَّ أَدْخُلْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ المُحَدِّقِينَ بِهَذَا الحَرَمِ المُقِيمِينَ بِهَذَا المَشْهَدِ وَبَعْدَ از خَشُوعِ وَخُضُوعِ وَرَقَّتْ دَاخِلِ شَوْ وَپایِ رَاسْتِ رَا مَقْدَمِ دَارِ وَبِگُو اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا وَالحَمْدُ لِلَّهِ الفَرْدِ

الصَّيِّدِ الْمَاجِدِ الْأَحِيدِ الْمُتَفَضَّلِ الْمَنَّانِ الْمُتَطَوَّلِ الْحَنَّانِ الَّذِي مَنْ بَطُولِهِ وَسَيْهَلُ زِيَارَةِ سَادَاتِي بِإِحْسَانِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ
 زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ - پس نزدیک قبور مقدسه ایشان برو و پشت به قبله و رو به قبر ایشان کن و بگو السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
 أَيْمَةَ الْهُدَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ - التَّقْوَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحُجَّجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقَوَّامُ فِي الْبَرِّيَّةِ
 بِالْقِسْطِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ - الصَّفْوَةِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ - رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ - النَّجْوَى أَشْهَدُ أَنْكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ
 وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَكُذِّبْتُمْ وَأَسِيءَ إِلَيْكُمْ صفحه : ۲۸۶ فَغَفَرْتُمْ وَأَشْهَدُ أَنْكُمْ الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ - الْمُهْتَدُونَ - وَأَنْ طَاعَتَكُمْ
 مَفْرُوضَةٌ وَأَنْ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ وَأَنْكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا وَأَنْكُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ وَأَرْكَانُ الْأَرْضِ لَمْ تَزَالُوا
 بِعَيْنِ اللَّهِ يَنْسِيحُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَيُنْقِلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدْنَسُكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَلَمْ تَشْرَكَ فِيكُمْ
 فِتْنُ الْأَهْوَاءِ طِبْتُمْ وَطَابَ - مَنبِتُكُمْ مَنْ - بِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ - اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ - وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ - وَجَعَلَ -
 صَلَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِتُدُنُونَنَا إِذْ اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لَنَا وَطَيَّبَ - خَلَقْنَا بِمَا مِنْ - عَلَيْنَا مِنْ - وَلَايَتِكُمْ وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَيِّمِينَ -
 بِعِلْمِكُمْ مُعْتَرِفِينَ - بِتَصْدِيقِنَا إِيَّاكُمْ وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ - أُسْرَفَ - وَأَخْطَأَ وَاسْتَكَانَ - وَأَقْرَبَ بِمَا جَنَى وَرَحِمًا بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ - وَأَنْ
 يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكَى مِنْ - الرَّذَى فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ فَقَدْ وَفَدتْ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ - عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ
 هُزُؤًا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا وَدَرِ ابْنِ جَابِرٍ بِالْأَكْنِ وَبِغَوَايَا مَنْ

هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو وَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ - الْمَنُّ بِمَا وَفَّقْتَنِي وَ عَرَّفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ - وَ جَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ وَ اسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ وَ مَالُوا إِلَى سِوَاهُ فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ - عَلَيَّ مَعَ - أَقْوَامٍ خَصَّصْتَهُمْ بِمَا خَصَّصْتَنِي بِهِ فَلَكَ - الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ مَعْنَدَكَ - فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ - وَ لَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ - وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ پس دعا کن از برای خود به هر چه خواهی و شیخ طوسی رحمه الله علیه در تهنیت فرموده که بعد از آن هشت رکعت نماز زیارت بکن یعنی از برای هر امامی دو رکعت

(زیارت جناب ابراهیم فرزند گرامی پیامبر اسلام)

السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ حَبِيبِ اللَّهِ - صفحه : ۲۸۷ السَّلَامُ عَلَيَّ صَفِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ نَجِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ - وَ خَيْرِهِ اللَّهُ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ السَّلَامُ عَلَيَّ جَمِيعِ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَيَّ الشُّهَدَاءِ وَ السُّعَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ - السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَيَّ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ - السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرُّوحُ الزَّكِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السُّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّسَبُ الزَّكِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ - يَا ابْنَ خَيْرِ الْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ - يَا ابْنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى السَّلَامُ عَلَيْكَ - يَا ابْنَ الْمَبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ - يَا ابْنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ - يَا ابْنَ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ - يَا ابْنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ - يَا ابْنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَ الْجَانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ - يَا ابْنَ صَاحِبِ الرَّايَةِ وَ الْعَلَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ - يَا ابْنَ الشَّفِيعِ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ السَّلَامِ عَلَيْكَ - يَا ابْنَ مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ السَّلَامِ عَلَيْكَ - وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اخْتَارَ اللَّهُ مَلَكَ دَارِ إِنْعَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ أَوْ يُكَلِّفَكَ حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ فَتَقَلَّكَ إِلَيْهِ طَيِّبًا زَاكِيًا مَرْضِيًّا طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ مُقَدَّسًا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَبَوَآكٍ - جَنَّةِ الْمَأْوَى وَرَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ - صِيْلَةٌ تَقْرَأُ بِهَا عَيْنُ رَسُولِهِ وَتُبْلَغُهُ أَكْبَرَ مِأْمُولِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ - صِيْلَتِكَ - وَأَزْكَاهَا وَأَنْمَى بَرَكَاتِكَ - وَأَوْفَاهَا عَلَى رَسُولِكَ - وَنَبِيِّكَ - وَخَيْرَتِكَ - مِنْ خَلْقِكَ - مُحَمَّدٍ نَحَاتِمِ النَّبِيِّينَ - وَعَلَى مَنْ نَسِلَ مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ - وَعَلَى مَنْ خَلَفَ مِنْ عِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ - بِرَحْمَتِكَ - يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صِيْفِيِّكَ - وَإِبْرَاهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ - أَنْ تَجْعَلَ سَيِّعِي بِهِمْ مَشْكُورًا وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا وَحَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً وَعَاقِبَتِي بِهِمْ صَفْحَةً : ٢٨٨ حَمِيدَةً وَحَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَّةً وَأَفْعَالِي بِهِمْ مَرْضِيَّةً وَأُمُورِي بِهِمْ مَسْعُودَةً وَشُؤُنِي بِهِمْ مَحْمُودَةً اللَّهُمَّ وَأَحْسِنْ لِي - التَّوْفِيقَ - وَنَفْسَ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَضَيْقٍ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي عِقَابِكَ - وَامْنَحْنِي ثَوَابِكَ - وَأَسْكِنْنِي جَنَّاتِكَ - وَارْزُقْنِي رِضْوَانِكَ - وَأَمَانِكَ - وَأَشْرِكْ لِي فِي صَالِحِ دُعَائِي وَالِدِي وَوَلَدِي وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ - وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ - إِنَّكَ - وَوَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ - آمِينَ - رَبِّ الْعَالَمِينَ -

(زيارت جناب فاطمه بنت اسد والده حضرت أمير المؤمنين عليه السلام)

مِي ايسْتِي نَزْدَ قَبْرِ آن مَخْدَرِهِ وَ مِي كَوِي السَّلَامِ عَلَي نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَي رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَي مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ - السَّلَامِ عَلَي مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوْلِيَيْنَ - السَّلَامِ عَلَي مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْآخِرِينَ - السَّلَامِ عَلَي مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ - السَّلَامِ عَلَيْكَ - أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامِ عَلَي

فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدِ الْهَاشِمِيِّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّادِقَةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْكَرِيمَةُ
الرَّضِيَّةُ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا كَافِلَةَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ - السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ - السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا
عَلَى رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ - السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَرَبَّيْتُهَا لِرُؤُوسِ اللَّهِ الْأَمِينِ السَّلَامِ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَيَدْنِكَ الطَّاهِرِ
السَّلَامِ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدِكَ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتَ الْكَفَالَهَ وَأَدَيْتَ الْأَمَانَةَ وَاجْتَهَدْتَ فِي مَرْضَاهِ اللَّهُ
وَبَالِغْتَ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ عَارِفَهُ بِحَقِّهِ مُؤْمِنَهُ بِصِدْقِهِ مُعْتَرِفَهُ بِنُبُوَّتِهِ مُسْتَبْصِرَهُ صَفْحَهُ : ٢٨٩ بِنِعْمَتِهِ كَافِلَهُ بِتَرْبِيَّتِهِ مُشْفِقَهُ عَلَى
نَفْسِهِ وَاقِفَهُ عَلَى خِدْمَتِهِ مُخْتَارَهُ رِضَاهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى الْإِيمَانِ وَالتَّمَسُّكِ بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ رَاضِيَهُ مَرْضِيَّهُ طَاهِرَهُ
زَكِيَهُ تَقِيَّهُ نَقِيَّهُ فَرَضِي - اللَّهُ مَعْنِكَ وَأَرْضَاكَ وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَاوَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْفَعْنِي
بِزِيَارَتِهَا وَتَبَتَّنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا وَشَفَاعَةَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا وَارْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا وَاحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ أَوْلَادِهَا
الطَّاهِرِينَ - اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا وَارْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زَمْرَتِهَا وَ
أَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا بِرَحْمَتِكَ - يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ - وَمَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ - اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي - وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ پس دو رکعت نماز زیارت می خوانی و

دعا می کنی به آن چه خواهی

(زیارت حضرت حمزه رضی الله عنه در احد)

السَّلَامِ عَلَيْكَ - يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ - يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ - يَا أَسَدَ اللَّهِ - وَ أَسَدَ رَسُولِهِ - أَشْهَدُ أَنَّكَ - قَدْ جَاهَدْتَ - فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ جُدْتَ - بِنَفْسِكَ - وَ نَصَحْتَ - رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ كُنْتَ - فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ - سُبْحَانَهُ - رَاغِبًا بِأَبِي أَنْتَ - وَ أُمِّي أَتَيْتُكَ - مُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - بِذَلِكَ - رَاغِبًا إِلَيْكَ - فِي الشَّفَاعَةِ أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ - خِلَاصَ - نَفْسِي مُتَعَوِّذًا بِكَ - مِنْ نَارِ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي - الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي فَزِعَا إِلَيْكَ - رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي أَتَيْتُكَ - مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ طَالِبًا فَكَأَك - رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ صَفْحَهُ : ٢٩٠ قَدْ أَوْقَرْتَ ظَهْرِي ذُنُوبِي وَ أَتَيْتُ مَا أَسَخَطَ رَبِّي وَ لَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْرَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ - بَيْتِ الرَّحْمَةِ فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ - فَقْرِي وَ حَاجَتِي فَقَدْ سَرَّتْ إِلَيْكَ - مَحْزُونًا وَ أَتَيْتُكَ - مَكْرُوبًا وَ سَكَبْتُ مَعْبِرَتِي عِنْدَكَ - بَاكِيًا وَ صِرْتُ إِلَيْكَ - مُفْرَدًا وَ أَنْتَ - مِمَّنْ أَمَرَنِي - اللَّهُ بِبِصَلَاتِهِ وَ حَنَّنِي عَلَى بَرِّهِ وَ دَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ وَ هَدَانِي لِجَبِّهِ وَ رَغَّبَنِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ وَ أَلْهَمَنِي طَلَبَ - الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ وَ لَا يَخِيبُ مَنْ أَتَاهُمْ وَ لَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوَاهُمْ وَ لَا يَسْعُدُ مَنْ عَادَاهُمْ پس رو به قبله می کنی و دو رکعت نماز زیارت به جا می آوری و بعد از فراغ خود را به قبر می چسبانی و می گویی اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ - بِلُزُومِي لِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِئَجِيرَنِي مِنْ نِقْمَتِكَ - فِي يَوْمٍ تَكْثُرُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ وَ تَشْغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ وَ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا فَإِنْ تَرَحَّمَنِي الْيَوْمَ - فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ .

وَلَا حُزْنَ وَمَا إِنْ تُعَاقِبَ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عِبْدِهِ وَلَا تُخَيِّبُنِي بَعْدَ الْيَوْمِ وَلَا تَصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي فَقَدْ لَصِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ
وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ - ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ - وَرَجَاءَ رَحْمَتِكَ - فَتَقَبَّلْ مِنِّي وَعُدْ بِحِلْمِكَ - عَلَى جَهْلِي وَبِرَأْفَتِكَ - عَلَى جِنَائِهِ نَفْسِي فَقَدْ
عَظُمَ - جُرْمِي وَمَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي وَ لَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ فَانظُرْ الْيَوْمَ - تَقْلِبِي عَلَى قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ - فِيهِمَا فُكْنِي مِنَ النَّارِ وَ
لَا - تُخَيِّبْ سِعِي وَ لَا - يَهُونَنَّ عَلَيكَ - ابْتِهَالِي وَ لَا - تَحْجُبَنَّ عَنْكَ - صَوْتِي وَ لَا - تَقْلِبْنِي بِغَيْرِ حَوَائِجِي يَا غِيَاثَ - كُلِّ مَكْرُوبٍ وَ
مَحْزُونٍ وَ يَا مُفَرِّجًا عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرَانَ الْغَرِيقِ الْمُشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ فَصَلِّ - عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انظُرْ إِلَيَّ - نَظْرَةً لَا
أَشْقَى بَعْدَهَا أَبَدًا وَ ارْحَمْ تَضَرُّعِي وَ عَبْرَتِي وَ انْفِرَادِي فَقَدْ رَجوتُ مَرْضَاكَ - وَ تَحَرَّيتُ الْخَيْرَ صَفْحَهُ : ٢٩١ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ
سِوَاكَ - فَلَا - تَرُدَّ أَمْلِي اللَّهُمَّ - إِنْ تُعَاقِبَ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عِبْدِهِ وَ جَزَائِهِ بِسُوءِ فِعْلِهِ فَلَا - أُخَيِّبَنَّ الْيَوْمَ - وَلَا - تَصْرِفْنِي بِغَيْرِ
حَاجَتِي وَ لَا تُخَيِّبَنَّ شُخُوصِي وَ وَفَادَتِي فَقَدْ أَنْفَدْتُ نَفْقَتِي وَ اتَّعَبْتُ يَدَيَّ وَ قَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ وَ خَلَفْتُ الْأَهْلَ وَ الْمَالَ - وَ مَا
خَوَّلْتَنِي وَ آثَرْتُ مَا عِنْدَكَ - عَلَى نَفْسِي وَ لُذْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تَقَرَّبْتُ بِهِ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ - فَقَدْ
بِحِلْمِكَ - عَلَى جَهْلِي وَ بِرَأْفَتِكَ - عَلَى ذَنْبِي فَقَدْ عَظُمَ - جُرْمِي بِرَحْمَتِكَ - يَا كَرِيمَ يَا كَرِيمَ .

(زيارت شهدای احد)

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ
عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَ

التَّوْحِيدِ السَّلَامِ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ رَسُولِهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامِ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ أَشْهَدُ أَنْ اللَّهَ - اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ وَ اصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ ذَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ عَنْ نَبِيِّهِ وَ جُدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَتَلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَ عَنْ الْإِسْلَامِ وَ أَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَ عَرَفْنَا وَجْوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَ مَوْضِعِ إِكْرَامِهِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيَّكُمْ - رَفِيقًا أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ وَ أَنْ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ وَ أَنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ - الْفَائِزِينَ - الَّذِينَ - هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ - فَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ - أَتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا وَ صَفْحَهُ : ٢٩٢ بِحَقِّكُمْ عَارِفًا وَ بِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا وَ بِمَا سَبَقَ - مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ وَ مَرْضَى الْأَفْعَالِ عَالِمًا فَعَلَيْكُمْ سَلَامٌ اللَّهُ وَ رَحْمَتُهُ وَ بَرَكَاتُهُ وَ عَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ عَضْبُهُ وَ سَيِّخْطُهُ اللَّهُمَّ - انْفَعِنِي بِيَارَتِهِمْ وَ تَبَّنِي عَلَى قَصْدِهِمْ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ - أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ نَحْنُ بِكُمْ لَاحِقُونَ - وَ مِى خَوَانِي سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ رَا آن چه توانی و بعضی گفته اند که نزد هر مزوری دو رکعت نماز زیارت می گزاری و برمی گردی إن شاء الله تعالی

(بعض مساجد معظمه در مدینه منوره)

از جمله مسجد قبا است که بنا شده بر پرهیزکاری از روز اول (و روایت شده که: هر که برود به آن مسجد و دو رکعت نماز در آن گزارد

برگردد با ثواب عمره) پس برو به این مسجد شریف و دو رکعت نماز تحیت مسجد به جا آور و بخوان تسبیح زهراء عليها السلام را، پس بخوان زیارت جامعه را که اولش السَّلَامُ عَلَيَّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ است پس بخوان خدا را و نماز می گزاری در مشربه أم إبراهيم یعنی غرفه مادر حضرت إبراهيم بن رسول الله صلى الله عليه و آله که آن مسکن و محل نماز حضرت رسول صلى الله عليه و آله بوده است و در مسجد فضیخ نماز می گزاری که در نزدیکی مسجد قبا است و آن را مسجد رد شمس نیز می گویند و در مسجد فتح که مسجد احزاب نیز می گویند نماز می گزاری و چون در مسجد فتح از نماز فارغ شدی بگو: يَا صَرِيخَ - الْمَكْرُوبِينَ - وَيَا مُجِيبَ - دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ - وَيَا مُغِيثَ - الْمَهْمُومِينَ - اَكْشِفْ عَنِّي ضُرِّي وَ هَمِّي وَ كَرْبِي وَ غَمِّي كَمَا كَشَفْتَ - عَيْنَ نَبِيِّكَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَمَّهُمْ وَ كَفَيْتَهُمْ هَيُولَ - عَيْدُوهُ وَ اَكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - صفحه : ۲۹۳

(زیارت امین الله)

زیارت امین الله از بهترین زیارات و خواندن آن برای زیارت هر کدام از معصومین عليهم السلام بسیار خوب است. السَّلَامُ عَلَيْكَ - يَا أَمِينَ - اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلَيَّ عِبَادِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ - يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - اگر این زیارت برای غیر حضرت امیر المؤمنین خوانده شود السَّلَامُ عَلَيْكَ - يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - در آن گفته نمی شود أَشْهَدُ أَنَّكَ - جَاهِدْتَ - فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ عَمِلْتَ - بِكِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتَ - سُنَنَ - نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى دَعَاكَ - اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ فَقَبَضَكَ - إِلَيْهِ بِإِخْتِيَارِهِ وَ أَلْزَمَ - أَعْدَاءَكَ - الْحُجَّةَ مَعَهُ -

ما لك - من الحجج البالغه على جميع خلقه اللهم - فاجعل نفسي مطمئنه بقدرتك - راضيه بقضائك - مولعه بذكرك - ودعائك -
محبته لصفه فوه اوليائك - محبوبه في ارضك - وسمائك - صابره على نزول بلائك - شاکره لفواضلك - نعمائك - ذاکره لسوايغ
الانك - مشتاقه الى فرحه لقاءك - متزوده التقوى ليوم جزائك - مستننه بسنين اوليائك - مفارقة لآخلاق اعدائك - مشغوله عن
الدنيا بحمدك - وثنائك - پس پهلوی روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت اللهم - ان قلوب - المخبتين - اليك - والهه و
سئيل - الراغبين - اليك - شاره و اعلام - القاصدين - اليك - واضحه و افيده العارفين - منك - فازعه و اصوات - الداعين - اليك -
صاعده و ابواب - الاحياء لهم مفتحه و دعوه من ناجاك - مستجابته و توبه من اناب - اليك - مقبوله و عبره من بكى من خوفك -
مرحومه و الاغاثه لمن استغاث - بك - موجوده و الاعيانه لمن استعان - بك - مبدوله و عدايتك - لعبادك - منجزه و زلل - من
استقالك - مقاله و اعمال - العالمين - لمديك - محفوظه و ارزاقك - الى الخلائق - من صفحه : ٢٩٤ لعدنك - نازله و عوائد المزيدي
اليهم واصله و ذنوب - المستغفرين - مغفوره و حوائج - خلقك - عندك - مفضية و جوائز السائلين - عندك - موفره و عوائد المزيدي
متواتره و موايد المستطعمين - معده و مناهل - الظمياء لمديك - مترعه اللهم - فاستجب دعائي و اقبل ثنائي و اجمع بيني و بين
اوليائي بحق محمد و علي و فاطمه و الحسن و الحسين - انك - ولي نعمائي و منتهى مناي - و غايه رجائي في منقلي و متواي -
و در كامل الزياره بعد از اين زيارت اين فقرات نيز مسطور است انت - الهي و سيدي و مولاي - اغفر لاوليائنا و كف عنا اعدائنا
و اشغلهم عن ادانا و اظهر كلمه الحق - و اجعلها

الغُليَا وَ أَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَ اجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

(زيارت جامعہ کبيرہ)

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَ خَزَانِ الْعِلْمِ وَ مُنْتَهَى الْجِلْمِ وَ أَصُولِ الْكَرَمِ وَ قَادَةَ الْأُمَمِ وَ أَوْلِيَاءِ النَّعْمِ وَ عَنَاصِرَ الْأَبْرَارِ وَ دَعَائِمِ الْأَخْيَارِ وَ سَاسَةَ الْعِبَادِ وَ أَرْكَانِ الْبِلَادِ وَ أَبْوَابِ الْإِيمَانِ وَ أَمْنَاءِ الرَّحْمَنِ وَ سِيْلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَ صِيْفَوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَ عِتْرَةَ خَيْرِهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَ أَعْلَامِ التَّقَى وَ ذَوِي النَّهْيِ وَ أَوْلِي الْحِجَى وَ كَهْفِ الْوَرَى وَ وَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمَثَلِ الْأَعْلَى وَ الدُّعْوَةِ الْحُسْنَى وَ حُجَّجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْأَوْلَى وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَ مَسَاكِنِ بَرَكَهِ اللَّهِ وَ مَعَادِنِ حِكْمِهِ اللَّهِ وَ حَفْظِهِ سِرِّ اللَّهِ وَ حَمَلِهِ كِتَابِ اللَّهِ وَ أَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ وَ ذُرِّيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ صَفْحَةَ : ٢٩٥ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ وَ الْأَدْلَاءِ عَلَى مَرْضَاهِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَقَرِّينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ وَ التَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ وَ الْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ وَ الْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ وَ عِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الدُّعَاةِ وَ الْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَ السَّادَةِ الْوَلَاةِ وَ الذَّادَةِ الْحَمَاهِ وَ أَهْلِ الذِّكْرِ وَ أَوْلِي الْأَمْرِ وَ بَقِيَّةِ اللَّهِ وَ خَيْرَتِهِ وَ حِزْبِهِ وَ عَيْبِهِ عِلْمِهِ وَ حُجَّتِهِ وَ صِرَاطِهِ وَ نُورِهِ وَ بُرْهَانِهِ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ أَشْهَدُ

أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَوَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأُولُو الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأُمَّةَ الرَّاشِدُونَ - الْمَهْدِيُّونَ - الْمَعْصُومُونَ - الْمَكْرُمُونَ - الْمُقَرَّبُونَ - الْمُتَّقُونَ - الصَّادِقُونَ - الْمُصْطَفُونَ - الْمُطِيعُونَ - لِلَّهِ الْقَوَامُونَ - بِأَمْرِهِ الْعَامِلُونَ - بِإِرَادَتِهِ الْفَائِزُونَ - بِكَرَامَتِهِ اصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ وَارْتَضَاكُمْ لِعَيْبِهِ وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَأَعَزَّكُمْ بِهَدَاهُ وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ وَأَيْدَكُمْ بِرُوحِهِ وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ وَحُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ وَحَفِظَهُ لِسِرِّهِ وَخَزَنَهُ لِعِلْمِهِ وَمُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ وَتَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ وَأَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَأَدْلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ عَصِيَمًا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنَ الزَّلَلِ وَأَمَنًا مِنَ الْفِتَنِ وَطَهْرًا لَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَأَذْهَابًا لَكُمْ مِنَ الرِّجْسِ وَطَهْرًا لَكُمْ تَطْهِيرًا فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ وَأَدْمْتُمْ ذِكْرَهُ وَوَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَنَصَيْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَصَفَحَهُ : ٢٩٦ بَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ وَصَيَّرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ وَأَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمْ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ وَسَيَّئْتُمْ سُنَّتَهُ وَصِرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ وَصَدَقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى فَالزَّاعِبُ

عَنكُمْ مَّارِقٌ ۖ وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ ۖ وَالْمُقَصَّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ ۖ وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ ۖ وَمَعْدِنُهُ ۖ وَمِيزَاتُ التُّبُوهُ عِنْدَكُمْ وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ وَفَصْلُ الْخُطَابِ عِنْدَكُمْ وَآيَاتُ اللَّهِ لِمَدْيِكُمْ وَعَزَائِمُهُمْ فِيكُمْ وَنُورُهُ ۖ وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ وَآمُرُهُمْ إِلَيْكُمْ مِنَ الْإِكْمِ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ ۖ وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ ۖ وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ ۖ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ ۖ وَمَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ ۖ أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ ۖ وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ وَشُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ ۖ وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَالْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ ۖ مَنْ أَتَاكُمْ نَجَا وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ ۖ إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ ۖ وَعَلَيْهِ تَدْلُونَ ۖ وَبِهِ تُؤْمِنُونَ ۖ وَلَهُ تُسَلِّمُونَ ۖ وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ ۖ وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ ۖ وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ ۖ سَعِدَ مَنْ وَالَاكُمْ وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ وَخَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَأَمِنَ ۖ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ وَسَلِمَ ۖ مَنْ صَدَّقَكُمْ وَهُدِيَ ۖ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ مِنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ ۖ وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ ۖ وَمَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ ۖ وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ ۖ وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ ۖ أَشْهَدُ أَنْ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى وَجَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ ۖ وَأَنْ أَرَوَّاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطِبَّتْكُمْ وَاحِدَةً طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ ۖ خَلَقَكُمْ اللَّهُ ۖ أَنْوَارًا فَجَعَلَ لَكُمْ بَعْرَشَهُ مُحَدِّقِينَ ۖ حَتَّىٰ مِنْ عَلَيْنَا صَفْحَهُ : ٢٩٧ بِكُمْ فَجَعَلَ لَكُمْ فِي بُيُوتٍ أَذْنَ ۖ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ ۖ وَيَذْكَرَ فِيهَا اسْمَهُ ۖ وَجَعَلَ صَلَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَ

مَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَيِّبًا لَخَلْقِنَا وَ طَهَارَةً لِنَفْسِنَا وَ تَزَكِيَّةً لَنَا وَ كَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمِينَ - بِفَضْلِكُمْ وَ مَعْرُوفِينَ -
بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ فَبَلِّغُوا اللَّهَ بِكُمْ أَشْرَفَ - مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ - وَ أَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقْرَبِينَ - وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ - حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ
لَا حَقٌّ وَ لَا يَفُوقُهُ مَفَاتِقٌ وَ لَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ وَ لَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقْرَبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا صِدِّيقٌ
وَ لَا شَهِيدٌ وَ لَا عَالِمٌ وَ لَا جَاهِلٌ وَ لَا ذَنْبِيٌّ وَ لَا فَاضِلٌ وَ لَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَ لَا فَاجِرٌ طَالِحٌ وَ لَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَ لَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ وَ لَا
خَلْقٌ فِيهَا بَيْنَ ذَلِكَ - شَهِيدٌ إِلَّا عَرَّفَهُمْ جَلَالُهُ أَمْرُكُمْ وَ عِظَمُ خَطَرِكُمْ وَ كِبَرُ شَأْنِكُمْ وَ تَمَامُ نُورِكُمْ وَ صِدْقُ مَقَاعِدِكُمْ وَ ثَبَاتُ
مَقَامِكُمْ وَ شَرَفُ مَحَلِّكُمْ وَ مَنَزَلَتِكُمْ عِنْدَهُ وَ كَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ وَ خَاصَّتُكُمْ لَعَدِيهِ وَ قُرْبُ مَنَزَلَتِكُمْ مِنْهُ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمَّي وَ أَهْلِي وَ
مَالِي وَ أَسْرَتِي أَشْهَدُ اللَّهَ - وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَ بِمَا آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَ بِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَ بِضَلَالِهِ
مَنْ خَالَفَكُمْ مَوَالِكُمْ وَ الْأَوْلِيَاءُكُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَ مُعَادٍ لَهُمْ سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ
مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ مُقَرِّرٌ بِفَضْلِكُمْ مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ مُحْتَجِبٌ بِعِلْمِكُمْ مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ
مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِتَدْوَلَتِكُمْ آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ زَائِرٌ لَكُمْ لَا يَمُتُّ عَائِدٌ بِقِيُورِكُمْ
مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِكُمْ وَ مُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَ مُقَدِّمٌكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي وَ إِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي
مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ

وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَأَوْلِيَكُمْ وَآخِرِكُمْ وَمَفْوضٌ فِي ذَلِكِ - كُلَّهُ إِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ - وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ - وَصَفْحَهُ : ٢٩٨ نَصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يُحْيِيَ - اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ وَيُرِدُّكُمْ فِي أَيَّامِهِ وَيُظْهِرُكُمْ لِعَدْلِهِ وَيُمْكِنُكُمْ فِي أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا - مَعَ - غَيْرِكُمْ آمَنْتُ بِكُمْ وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ وَبَرَّيْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمَنْ - الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَحَزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ - لَكُمْ الجَائِدِينَ - لِحَقِّكُمْ وَالْمَارِقِينَ - مِنْ - وَلَايَتِكُمْ وَالغَاصِبِينَ - لِإِبْرَائِيمَ الشَّاكِينَ - فِيكُمْ المُنْحَرِفِينَ - عَنْكُمْ وَمِنْ كُلِّ - وَلِيَجْهَ دُونَكُمْ وَكُلِّ - مُطَاعٍ سِوَاكُمْ وَمِنْ - الأئِمَّةِ الَّذِينَ - يَدْعُونَ - إِلَى النَّارِ فَتَبَّنِي - اللَّهُ - أَيَّدَا مَا حَيَّيْتُ - عَلَى مِوَالَتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ وَوَفَّقَنِي لَطَاعَتِكُمْ وَرَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مِوَالِكُمُ التَّابِعِينَ - لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ - وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ - آثَارَكُمْ وَيَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ وَيَهْتَدِي بِهَدَاكُمْ وَيُحَشِرُ فِي زَمَرَتِكُمْ وَيَكُرُّ فِي رَجَعَتِكُمْ وَيُمَلِّكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَيُشْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَيُمْكِنُ فِي أَيَّامِكُمْ وَتَقَرُّ عَيْنُهُ مَعْدَا بُرُؤِيَتِكُمْ بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي مَنْ أَرَادَ اللَّهُ - يَدَاكُمْ وَمَنْ وَحَدَهُ مَقِيلَ - عَنْكُمْ وَمَنْ قَصَّيْدَهُ تَوَجَّهَ - بِكُمْ مِوَالِي - لَا أَحْصِي ثَنَاءَكُمْ وَلَا أبلغُ مِنْ - المِيدِحِ كُنْهَكُمْ وَمِنْ - الوَصْفِ قَدْرَكُمْ وَأَنْتُمْ نُورُ الأَخْيَارِ وَهُدَاهُ الأَبْرَارِ وَحُجَّجُ الجَبَّارِ بِكُمْ فَتَبِّحْ - اللَّهُ - وَبِكُمْ يَخْتِمُ - وَبِكُمْ يُنَزِّلُ الغَيْثَ - وَبِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ - عَلَى الأَرْضِ - إِلَّا بِإِذْنِهِ - وَبِكُمْ يُنْفِثُ - الهَمَّ - وَيَكْشِفُ الضَّرَّ وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ

بِهِ رُسُلُهُ ۖ وَ هَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ ۖ وَإِلَىٰ حَيْدِكُمْ ۖ وَ إِنْ زيارت امير المؤمنين عليه السلام باشد به جای و إلى جدكم بگو و إلى
 أَخِيكَ ۖ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ ۖ آتَاكُمْ اللَّهُ ۖ مَا لَمْ يَأْتِ مِنَ الْعَالَمِينَ ۖ طَاطَأَ كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ ۖ وَ بَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ
 لِطَاعَتِكُمْ ۖ وَ خَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ ۖ وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ ۖ وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ ۖ وَ فَازَ الْفَائِزُونَ ۖ بِوِلَايَتِكُمْ ۖ بِكُمْ يُسَلِّكُ
 صَفْحَهُ : ٢٩٩ إِلَى الرِّضْوَانِ ۖ وَ عَلَى مَن جَحِدَ وَلَا يَتَّكُمُ غَضَبَ الرَّحْمَنِ ۖ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي ۖ وَ أَهْلِي ۖ وَ مَالِي ۖ ذِكْرُكُمْ فِي
 الذَّاكِرِينَ ۖ وَ أَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ ۖ وَ أَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ ۖ وَ أَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ ۖ وَ أَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ ۖ وَ آثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ
 ۖ وَ قُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ ۖ فَمَا أَحَلَىٰ أَسْمَاءُكُمْ وَ أَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَعْظَمَ شَأْنَكُمْ وَ أَجَلَ خَطَرِكُمْ وَ أَوْفَىٰ عَهْدِكُمْ وَ أَصْدَقَ وَعْدَكُمْ
 كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَ وَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَىٰ ۖ وَ فِعْلُكُمْ الْخَيْرُ ۖ وَ عِيَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ ۖ وَ سِيَّجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ ۖ وَ شَأْنُكُمْ الْحَقُّ ۖ وَ
 الصِّدْقُ ۖ وَ الرَّفْقُ ۖ وَ قَوْلُكُمْ حُكْمٌ ۖ وَ حَتْمٌ ۖ وَ رَأْيُكُمْ عِلْمٌ ۖ وَ حِلْمٌ ۖ وَ حَزْمٌ ۖ إِنْ ذَكَرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ ۖ وَ أَصْلُهُ ۖ وَ فِرْعَهُ ۖ وَ مَعْدِنَهُ ۖ وَ
 مَأْوَاهُ ۖ وَ مُنْتَهَاهُ ۖ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي ۖ كَيْفَ أَصِفُ مُحْسِنَ ثَنَائِكُمْ وَ أَحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ وَ بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الدُّلْهِ ۖ وَ
 فَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ ۖ وَ أَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ ۖ وَ مِنَ النَّارِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي ۖ بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ
 دِينِنَا وَ أَصْلَحَ مَا كَانَ ۖ فَسَيِّدَ مِنْ دُنْيَانَا وَ بِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَ عَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَ ائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ وَ بِمُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ
 الْمُفْتَرَضَةُ ۖ وَ لَكُمْ الْمَوْدَّةُ الْوَاجِبَةُ

وَالدَّرَجَاتِ ۖ الرِّفِيعَةِ ۖ وَالْمَقَامِ ۖ الْمَحْمُودِ ۖ وَالْمَكَانِ ۖ وَالْمَقَامِ ۖ [المَعْلُومِ ۖ عِنْدَ اللَّهِ ۖ عَزَّ وَجَلَّ ۖ وَالْحَيَاةِ ۖ الْعَظِيمِ ۖ وَالشَّانِ ۖ الْكَبِيرِ ۖ وَالشَّفَاعَةِ ۖ الْمَقْبُولَةِ ۖ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ ۖ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ ۖ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ۖ رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا ۖ وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً ۖ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۖ سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كُنَّا وَعَدُّ رَبَّنَا لِمَفْعُولَا ۖ يَا وَلِيَّ اللَّهِ ۖ إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا - رِضَاكُمْ فَيَحِقِّ ۖ مَنْ ائْتَمَنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ ۖ وَاسْتَرَعْيَاكُمْ أَمَرَ خَلْقِهِ ۖ وَقَرْنَ - طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ ۖ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي ۖ وَكُنْتُمْ شُفَعَائِي ۖ فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ ۖ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ - اللَّهُ - صَفْحَهُ : ٣٠٠ ۖ وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ - وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ - وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ - اللَّهُ - اللَّهُمَّ ۖ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ - إِلَيْكَ - مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ۖ الْأَخْيَارِ الْأَيْمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي ۖ فَيَحَقُّهُمْ ۖ الَّذِي أَوْجِبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ - أَسْأَلُكَ - أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمَّلِهِ الْعَارِفِينَ - بِهِمْ - وَ يَحَقُّهُمْ ۖ وَ فِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ ۖ بِشَفَاعَتِهِمْ ۖ إِنَّكَ - أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ - وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ - وَ سَلَّمَ - تَسْلِيمًا كَثِيرًا ۖ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ ۖ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ ۖ

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

